





کتب خانہ آصفیہ سرکار عالی حیدرآباد دکن

نمبر داخلہ ۲۰۸۴۶

تاریخ داخلہ

نام کتاب تاریخ محاربہ روس و جاپان جلد چہارم

فن کتاب تاریخ

نمبر کتاب در فن مذکور ۱۸۵

CHECKED - 1963

CHECKED

1262 / S

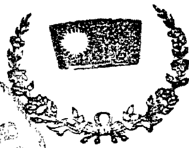
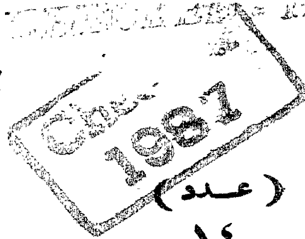
Checked 1987

1248

۱۸۹۳۸

ن ۲۸

۹ ت

کتبخانهٔ

(عـدد)
۱٤

(عـدد)
۱٤

CHECKED

مطبعهٔ عنایت

تاریخ محاربهٔ روس و ژاپون

۱۹۰٤ — ۱۹۰۵

جلد چهارم

— درین جلد سراسر از محاربات بریهٔ میدان بحث و بیان میشود —

مترجمش بزبان فارسی

محمود طرزی

این کتاب غیر ازینکه وقوعات حربیه را که از آغاز اعلان حرب تا بوقت امضا شدن
معاهدهٔ صلح با تفصیلات تمام جامع میباشد احوال جغرافیه وتاریخیه
و ایستاتستیکیه و سیاسیهٔ هر دو دولت محارب را
نیز با تمام تفصیلاتش بیان میکنند.

در دار السلطنهٔ کابل در مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت بزیور طبع آراسته گردید

سنه ۱۳۲۶

بسم الله الرحمن الرحیم

گذشتن اردوی نخستین ژاپان از نهر (یالو)

اردوی نخستین ژاپان درزیر قوماندهٔ جنرال (قوروکی) مرکب
از فرقهٔ (خاصه)، وفرقهٔ (۲)، وفرقهٔ (۱۲) بوده که هر
فرقه مرکب از (۱۲) کندك پیاده، و (۳) طرب سواری، و
(٦) غندك طوپخانه و (۳) تولی فنی، بودند. وغیر ازین:
یك غندك طوپخانهٔ (اوبوس) که مرکب از (۵)
طوپ بود، و (۳) بلوك پلساز نیز درین
اردو یعنی — تول غند موجود بود.

ضبط واستیلای جزیره های نهر یالو:

اول کاریکه برای حرکات این تول غند لازم وضرور بود این بود که درجزیرهٔ (سیامالیندو) طوپچی خود را بنشانند، وجزیرهٔ (چیولیتو) را خوب تر ودقیق تر کشف نمایند که برای این کار نیز اولا قراولهای روس را از انجا، و از جزیرهٔ (اوسه گیتو) دفع وطرد کردن لازم می آمد.

بنابرین درشام (۲۵) ماه اپریل — ثور — یك کندك پیاده ازفرقهٔ (۲) درجهت شمالی جزیرهٔ (سیامالیفدو) برامده بعد ازانکه یك مفرزهٔ ضعیف روس را که درانجا بود طرد کردند خودشان درانجا جایگیر شدند . بعدازسه شب این کندك برای کشف بساحل راست شاخهٔ اصلئی نهر (یالو) پوسته ها فرستاد . [پوسته در اصطلاح عسکری یك پرك را میگویند] که این پوسته هاازموضع روس که در(توره نچون) بودبدورئی (۴،۰۰۰) متره مسافه مانده بودند .

ازلوی غند خاصه نیزیك کندك درشب (۲۶)اپریل به جزیره های(اوسه کیتو) و(چیولیتو) برامد ؛ یك قطعهٔ کشف روس که درانجابود بااین عسکر ژاپان بعدازانکه یك محاربهٔ کوتاهی کردندبه (توره نچون) رجعت نمودند . بعدازان یك تولی دیگرژاپانی شاخهٔ اصلئی (یالورا) کذشته تپهٔ (پلنك) را استیلا، ودر۲۸ اپریل قولهای کشف روس را از(حوز ان)، و(لئیزاوءف) اخراج کردند .

صبح (۲۶)اپریل بودکه تولی های فنئی فرقهٔ (۲)درجهت غربئی(ویجو) بهساختن وبستن پل آغازنهادند. یکنیم ساعت بعد ، ازیك موقعیکه درجوار (توره نچون) بود چارقطعه طوپ روس برموقعیکه پل بسته میشد آتش کشا دند. بعدازنیمساعت، نیم طوپخانهٔ دیگرنیز به آتش کردن اشتراك ورزیدند .

باوجودیکه مسافهٔ مابین (۶۰۰۰) متره بود بازهم آتش طوپچی آنقدر مؤثر بودکه بعدازانداختن (۵۰) شراپیل کندن کارهای ژاپانی تابشب آینده بهتعطیل کردن عملیات خود مجبور کشتند .

درشب باز بعملیات آغازه وبعداز(۴۵) ساعت بدرازئی (۲۲۶) متره یك پلی بوجود اوردند .

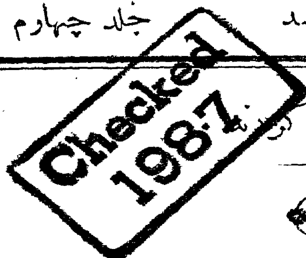
طوپ خانه های روس تا بروز (۳۰) اپریل پل را بزیر آتش گرفتند ولی هیچ یك خسارتی رسانیده نتوانستند ؛ بلکه بالعکس برای ژاپانها فائده حاصل کرد : زیرا هیئت قوماندهٔ ژاپان درباب موقع طوپ خانه های روس، وقابلیت وتأثیر آنها معلومات صحیحه بدست آوردند، واینرا هم دانستند که دردست دشمن شان طوپ های سنگین چاپ بزرگ هم نیست .

معهافیه چون این آتش طوپ، حرکات گذر طوپ خانه های ژاپان را بمشکلات می انداخت جنرال (قوروکی) یکقدری بسوی جنوب کفته در یك نقطه ئیکه در میان نی زارها ودرختها مستور و پوشیده بود بدرازئی (۸۰) متره درظرف (۸) ساعت یك پل دیگری انشانمود .

بعدازینها، دو پل دیگر ؛ یکی بدرازئی (۱۸۰)، ودیگری بدرازئی (۱۱۳) متره بر (چیولیتو) انداخته شد . طوپ خانه های روس که در (ماغو) نام موقع بود این پلهارا ازمسافهٔ (۹۰۰ تابه ۱۰۰۰) متره درزیر آتش طوپ گرفتند، ولی تأثیری که شایان تذکار باشد حاصل کرده نتوانستند .

به اینصورت ژاپانها درظرف (۳) روز بر شاخهٔ چپ نهر (یالو)، و (تونته نهو) بدرازئی (٦١٥) متره (٦) عدد پل انشا کردند که این پلها با مالزمه ئیکه پسانها از ژاپان آورده شده بود بوجود آورده شده بود، واصل مالزمهٔ پل سازی که باار دو بود برای گذشتن شاخ بزرگ نهر (یالو) نگهداشته شده بود . این ساختن پلها، باراه های تقرب قولها، وموضعهای طوپچی که تأسیس آن متصور بود بکمال دقت واعتنا اکمال ؛ واز نظر دشمن به بسیار خوبی ودرستی ستر واخفا کرده شد .

در (۲۷و۲۸) اپریل، طوپ خانه های روس که در (توره نچون) بود قصبهٔ (ویچو) را بزیر آتش طوپ گرفتند ؛ طوپ خانه های ژاپان برای معلوم



نکردن موضعهای خود شان سکوت را ترجیح کردند

﴿ ترتیبات گذر ﴾

حاضری ترتیباتیکه برای گذشتن اردوی نخستین ژاپان از نهر (یالو) لازم ومقتضی بود درروز (۲۸) ماه اپریل دو ساعت پیش از پیشین از طرف قوماندان عمومئی اردو امر شد که صورت این امر عیناً درینجا نقل میشود :

[مقصد]

درحالتیکه پشتهٔ (حوزان) از طرف لوی غند (۱۲) ضبط، ودرزیر امنیت گرفته شود ؛ بتاریخ شب (۱) ماه می اردو ؛ نهر (یالو) را از جهت جنوب غربئی (چیولیتو) میگذرد، وبرای هجوم کردن بردشمن که درخط (جوشیقو ؛ و — توره نجون) است درهمین تاریخ هر سه لوی غندتول اردو یکجا بدرازئی ساحل نهر درمابین (سالانغو) ومنبع نهر منتشر میشوند .

یکروز پیشتر یعنی در شب (۳۰) اپریل، لوی غند (۱۲)، نهر (یالو) را از (شیغوبو) گذر کرده، درعین همان روز اراضئی را که درمابین تپهٔ (حوزان)، وتپهٔ (۳۱۲) واقعست استیلا میکنند ؛ ویك مفرزهٔ خودرا بسوی تپهٔ که از — (سیفجاغو) بقدر (۲۰۰۰) قدم بسوی شمال شرقی واقعست ؛ ویك مفرزهٔ دیگر خودرا اگر ممکن باشد به (کیوقانو) که درجهت منبع است روانه میکنند . ودرروز اول ماه می لوی غند (۱۲) برای حرکت پیش براستقامت (چوشیقو) درخط (سالانغو — لیتزاوه‌ن) حاضر میباشد .

طوبچئی دوم، وغنداوبوس درزیر حمایهٔ یك کندك از لوی غند (۲) دروقت سپیده دم صبح (۳۰) اپریل درجزیرهٔ (سیا مالیندو) حاضر میشود که هر

گاه یك هدف مناسب پیدا کنند ، ویاطوپ‌چئی دشمن آتش بکشاید همان‌دم برانها آتش شدیدی اجرا کنند . درعین زمان طوپ چئی خاصه نیز بیك وضعیتی باشندکه بمقابل پشته های شمال(ویجو)، و(کوه‌پلنگ) ،و(حوزان) آتش کشاده بتوانند .

درروز (۳۰) اپریل پیش ازپیشین این پلهایی که درذیل ذکرمیشود کامل وتیار باید بود :

باما لزمهٔ پلسازی لوی غند(خاصه)، وما لزمهٔ پل سازئی لوی غند(۲) ازطرف کندك فنئی لوی غند(خاصه) در مابین (اوسه کیتو)و(چیولیتو) برشاخهٔ بزرگ (یالو) ، وبرشاخهٔ کوچکی که درنزدیکئی کوه (پلنگ) است یك یك پلی میسازد . وکندك فنئی لوی غند(۲) نیزدرجهت غربئی (چیولیتو) برشاخهٔ بزرگ نهر، باما لزمهٔ پلسازی خوددیگریك پل انشا کنند .

لوی غند(۲) [بدون طوبچی] در (۳۰) اپریل پیش ازپیشین به(ساماندو) رفته ازانجا بوقت شام برپلهائیکه ساخته شده به جزیرهٔ (چوقودای) که در جهت جنوبی کوه (پلنگ) است میگذرد . وبراستقامت (تورەنچون) برای حرکت هجوم حاضرمیشود .

لوی غند (خاصه) نیز (بدون طوبچی)در(۳۰)اپریل پیش ازپیشین تابه ساعت(۱۰)درجهت شرقئی (ویجو)جمع آمده ازعقب لوی غند(۲)، ودرمیان این لوی غندولوی غند(۱۲)، میرود . وبراستقامت (ماغو)برای هجوم حاضرمیشود .

برای (احتیاط اردو)ازلوی غند(۲)، ولوی غند(خاصه)دودوکندك که جمله گی (٤)کندك پیاده شود ،و(٥)طرب سواری در روز(۱)ماه‌می بساعت (٤) صبح درجزیرهٔ (چیولیتو) حاضرمیباشد .

قرارگاه تول‌غنددرروزاول‌می درتپه غربئی (کنقادو)موجودمیشود .

— استکشافات روسها در (۲۹) اپریل —

در ترتیبات روسها هیچ تحولی واقع نشده هرچیز مانند پیش بود تنها جناح چپ بلوك هایی که در (توره نچون) بود بنابر ظهور ژاپانها در (لنیزاوه ن) بسوی شمال یکقدری تمدید — یعنی دراز کرده — شده بود .

جنرال (ساسولیچ) در ۲۹ اپریل بر استقامت (لیتزاوه ن)، و (حوزان) تا به نهر (یالو) اجرا شدن یك (کشف شدید) ی را امر نمود . مفرزه ئیکه برای این کار ترتیب شده بود عبارت از (۱) کندك پیاده و (۲) طرب سوا ری صد صدنفری و (۲) طوپ جبل بودکه درزیر قوماندهٔ رئیس ارکان حر بیهٔ لوی غند (۳) برکید (لیندا) داده شده بود سوق شده — یعنی به پیش رانده شده

کندك مذکور بسایهٔ معاونت و پشتیبانی نیم طوپ خانه ئیکه در ان جوار بود قوت های ضعیف ژاپان را که در (لیتزاوه ن) و (حوزان) بودند از انجاها براورده تپهٔ (پلنگ) را استیلا کردند . اما بمجرد یکه کندك روس بر بغله های جنوب شرقئی پشته های (حوزان) پدیدار شدند به آتش شدید طوپ خانه های ژاپان دوچار آمدند . باوجود اینهم برکید (لیندا) برای دو طوپی که باخود داشت، موضع گرفته پل (کینقادو) را به کوبیدن آغاز نهاد . ولی چون بوقت شام بر جزیرهٔ (اوسه کیتو) و (چیولیتو) موجود بودن قوت های بسیار دشمن را دانست . و خبر گذشتن کندك های ژاپان از مصب — یعنی آریزش (امبی هه) از نهر یالو هم رسیده، غندمشر (لیندا) وظیفهٔ خبر را اتمام شده دانسته عودت نمود .

درین گیرودار بقرار قول روسها از روسها (۲) نفر مقتول : و (۲) نفر مجروح ، و از ژاپانها (۱۰) مقتول : و (۲۶) مجروح بوقوع آمده است .

نتایج این کشف موافق آمد : و بسبب این کشف جنرال (ساسولیچ) بر افکار و نیتهای خصم خود تا یکقدر جه واقف گردید .

(مرور فرقهٔ ۱۲ ژاپان)

در (۲۸) اپریل هنگامیکه تاریکئی شب جهان را فرا گرفت لوی غند (۱۲) از اصل تول غند عمومی حرکت کرده تابه (شیغوپو) که (۱۲) کیلو متره مسافه داشت در تاریکئی شب قطع نمود .

افراد پیادهٔ لوی غند ، در میان یك درهٔ که درجوار (شیغوپو) بود جمع آمدند . وغندك طوپچی جبل در شمال قصبهٔ « شیقوپو » اجتماع نمودند .

روسها درجهت (امبی هه) یك مفرزهٔ یکه مرکب از (۲) تولی پیاده ، و (۳) طرب سواری ، و (۲) طوپ جبل بود داشتند که پوسته های این کندك جزیرهٔ (یالو) را که در پیش نقطهٔ مصب یعنی — ابریزش بود استیلا کرده بودند .

ژاپانها در روز (۲۹) اپریل بوقت فجر در اثنائیکه در ساحل نهر حاضرئی مرور خودرا میدیدند طوپها ، ونفریهای پوسته روس آتش کشادند . اما طوپ خانه های ژاپان بزودئی تمام طوپ های روس را ساکت کرده پوسته هارا نیز ازانجا طرد ودفع کردند ، وپشته های پیش را استیلا نمودند .

در روز (۳۰) اپریل درظرف (۱۳) ساعت بدرازئی (۲٦۵) متره یك پلی انشا کرده بحرکات مرور آغاز نهادند . لوی غند بر سه قول منقسم شده از سر کوه (حوزان) راه می پیمودند . قولی که دروسط بود عبارت از (٦) — کندك پیاده ، و (۲) طوپ خانه بوده متناظراً یعنی — سه سه کندك و یکیك طوپ خانه براه میرفتند .

در اثنای این رفتاریکه درین اراضئی بیراه وعارضه ناکی که بقدر (۱٤ — یا — ۲۰) کیلو متره بود مشکلات وزحماتیکه برای لوی غند پیش آمده است بدرجهٔ بود که تعریف نمیشود . باوجوداینهم نوکهای مفرزه های عسکری بوقت پیشین بخط (قوره روقو) واصل گردید .

یك کندك پیادهٔ روس که پیش ازین بامفرزهٔ غند مشر (لیندا) بحرکت کشف اشتراك ورزیده، و به غند (۲۲) منسوب بود امروز صبح بر (کوه پلنگ) به انشا کردن ایك استحکام خفیفی تشبث ورزیده مقاومت وپایداری رامصمم نموده بوده ولی آتش شدیدهٔ طوب خانهٔ لوی غند (خاصه) ژاپان آنهاراازین تشبث شان فارغ ساخته برجعت مجبور گردانیده، وباکندك دیگر همین غندکه درین اثنا به (لیتزاوه ن) آمده بود در (حوزان) ملحق ساخت .

غندمشر (غرموموف) که برکیدغند (۲۲) بود واین هردو کندك را قوماندا میکرد بمجردیکه از آمدن قوت های بزرگ دشمن خبرشد بعد از یك مصادمهٔ خفیفی بسوی ساحل راست (ایجو) بر خط (تونجا — ماغو) عودت کرده، کوه (پلنگ) بدون تکلیف ازطرف (۲) تولی ازلوی غند (خاصه)ضبط واستیلا کردید .

در وقت پیشین (۳۰) اپریل تپهٔ (حوزان) نیزازطرف لوی غند(۱۲) استیلا شده قطعه های آخرین روسها که حرکات مرور ژاپانهاراتابه انوقت تعجیز، وزحمت میدادند به آنطرف ساحل(ایجو) رانده شدند .

بنابران نفری های فنئی لوی غند، بساعت ودقیقهٔ که امر شده بود برجزیره های (چیولیتو) و(اوسه کیتو) به بستن پل آغاز نهادند .

محاربهٔ طوپچی

برموجب امریکه ازطرف هیئت قوماندهٔ تولغند داده شده بود درشب (۳۰) اپریل غندك طوپچئی خاصه درشمال (ویجو)، وغندك های طوپچی (۲)، وغندك اوبوس درجزیرهٔ (سیامالیندو) بموضعهای مخصوص خودشان که امر شده بود جابجاشدند .

این (۳) غندك طوپ چی که از (۷۲) قطعه طوپ ، و (۳۰) قطعه اوبوس مرکب بود بکشادن آتش بر طوپ خانه های روس که در (توره نچون) بودند ، مأمور شده بودند •

طوپ خانه های روس امروز صبح ساکت مانده بودند • اما از پیشین بدو ساعت بیشتر طوپ خانهٔ روس که در شمال (توره نچون) اخذ موضع کرده بود بر یك قطعهٔ فنئی ژاپانی که باز و رقها در نهر کشفیات اجرا میکردند بشدت آتش کشادند • و همان دم به آتش مجتمع طوپ خانه های ژاپان که در جزیرهٔ (سامالیندو) بود دوچار آمده در ظرف یکساعت طوپخانهٔ روس چنان ساکت ماند که بود و نبود شان مساوی گشت • بعد از یك کمی طوپخانهٔ دیگر روس که در جوار (یوغو) اخذ موضع کرده بود به آتش آغاز کرده در ظرف یك چند دقیقه بتأثیر آتش بغلئی اوبوسهای ژاپان سراسر بیکار و از محاربه خارج شدند •

طوپخانهٔ نخستین روس که اول آتش کرده ، و ساکت شده بودند ، باز خواستند که به آتش آغاز کنند • ولی درین بار از طرف جمله خط طوپچئی ژاپان بز بر چنان باران گله گرفته شدند که درینبار بصورت قطعی ساکت ماندند • اوبوسهای ژاپان از بهر انکه سراسر از محو شدن طوپخانه های روس خاطر جمع شوند بقدر (۶۰) گله بیشتر انداخت کردند • طوپ خانهٔ روس ، قسم کلی افراد طوپ چئی خود را باچار نفر افسر طوپچی که قوماندان طوپخانه هم در ان داخل بود درین طوپ جنگی ضایع کرده است •

طوپ خانه های ژاپان بعد از تمام کردن کار طوپ خانه های روس ، استحکامهای پیادهٔ روس را که در (توره نچون) بود تا بساعت (۵) در زیر آتش گرفتند علی الخصوص اوبوسها ، بر نقطه هائیکه مجتمع بودن عسکر دشمن را در ان گمان میبرد آتشهای شراپنل خود را توجیه کرده بودند •

بر هیئت قوماندهٔ روس که بر ایستاده شدن در میدان بی‌سر پناه جسارت کرده بودند یکچند گلهٔ طوپ باریدن گرفت که بعضی را تلف ، و سر افسر کل این قول را که جنرال (قالنسکی) باشد بصورت خفیفی از سر مجروح ساخت .

اینمحاربهٔ طوبچی ازمسافهٔ که درمابین (٤٠٠٠) و (٨٠٠٠) متره واقع شده ، وقوعیافته بود . تأثیر گله های طوپ چئی ژاپان خیلی مخرب شده بود . یك مخبری که اینمحاربه را تماشا کرده است مینویسد که

« هردانهٔ گلهٔ اوبوس که برزمین میافتاد یك گردباد بسیار جسیمی برهوا میکرد . ذروهٔ کوه (سیبری یاشیما) بتاثیر انداخت شکل طبیعئی خودرا سراسر تبدیل داده بود . درجهت شمال (توره نچون) یك جنگلی موجود بود که درکم مدت بتأثیر گله های طوپ از حال جنگل بحال صحرا تبدیل شکل نموده »

یك افسر روسی میگوید :

آتش مقوس ژاپانها خیلی مخرب شده بود . ژاپانها برسپرهای شکارئی ما آتش میکردند . تنها برسپرهای جوار (توره نچون) زیاده از (٤٠٠) گله افتاده بود . افسران ونفرات پشت‌های خودشان را بدیوارهای سپرها تکیه داده در میان خندقها نشسته بودند، وختام‌یافتن این آتش جهنم آسار اتضرع ونیاز میکردند . »

مقصد یکه از بومباردمان (توره نچون) انتظار میشد حاصلشده بود و هیچ مانعی برای عملیات مرورعسا کر ژاپان باقی نمانده بود . دستهٔ کشتیهای جنگی بحرئی ژاپان نیز موضع روس را که در (آنطون) بود بزیر طوپ گرفته ، وباینصورت نظر دقت قوماندان روس را به آنطرف جلب ودعوت کرده بود .

مرور قسم کلی

بعد ازین محاربهٔ طوبچی پلها بکمال امنیت وخاطر جمعی ساخته و بسته

شدند، ولوی غند(۲)درساعت(۸) شام از پلهای مذکور به گذشتن آغاز کردند
لوی غند (خاصه) نیز آنرا تعقیب کرده تابساعت (۵) صبح هردولوی غند
کاملاً گذر کردند .

درعین زمان درپشته های شمالئی (سینجاغو) برای غندك طوپچئی
خاصه موضعهای طوپخانه نیز تأسیس کرده شد . غندك طوپچئی لوی غند(۲)
نیز تا بصبح (۱) می بتمامها مرور نموده درطوپخانهٔ او بوس بجای ان
واصل گردید .



— وضعیت قوت جنرال (ساسولیچ) در (۳۰) اپریل —

درروز (۳۰) اپریل وضعیت عسکرئی جنرال (ساسولیچ) ازینقرار بود:
قوماندان عسکری (توره نچون) جنرال (قاچالنسکی)، بمجردیکه خبررسیدن
قولهای قوتمند دشمن را درپشته های شرق (آیچو) استخبار کرد؛ برای
تدبیرمقابل کندك اول غند (۲۲) را به (جوشیقو) فرستاد . دوکندك
دیگراز وقت پیشین درخط (ماغو) — پوته نتوجا) موجود بوده جنرال
(قاچالنسکی) از قوماندان عمومی جنرال (ساسولیچ) كه باقوهٔ احتیاط
عمومی در (تهنچی) بود این امررا گرفت: (محاربه راقبول، و درموضع
خود ثبات کنید » درعین زمان ازقوهٔ احتیاط یك کندك دیگر نیز برای کمك
به (توره نچون) فرستاده شد .

جنرال (قاچالنسکی) این ترتیبات راامر نمود: درجبههٔ (توره نچون
— یوغو) درزیر قوماندهٔ غندمشر (چیلسکی)، جناح راست: ازغند(۲) کندك
(۳)، وازغند (۱۱)(۳) تولی، ویك طوپخانهٔ صحرا مرکب شده این مفرزه
قطعه قطعه های امنیت را تابه (ماتوجو) پیش رانده بود .

در جبههٔ (ماغو — پوته نتوچا — جوشیقو) در زیر قوماندهٔ غندمشر (غروموف) جناح چپ از غند پیادهٔ (۲۲) (۳) کندك، از غند (۱۱) (۱) تولی و (۱) طوپ خانهٔ صحرا مرکب شده در حال رجعت، جناح راست به (حاماتان) ، و جناح چپ به (چینغو) رجعت میکردند که به این حساب این خط مدافعه که زیاده از (۸) کیلومتره امتداد دارد در شام (۳۰) اپریل با (۷) کندك ،و (۲) طوپخانهٔ صحرا فرا گرفته شده بود. که نظر به این وضعیت برای جنرال (قاچالنسکی) بجا آوردن امر جنرال (ساسولیچ) بمقابلهٔ فایقیت عظیمهٔ دشمن مادةً ممکن نبود .

ساعت (۸) شام بود که غندمشر (غروموف) خبر گذشتن ژاپانهارا از نهر (یالو) ، و شنیده شدن صدای کرکر عرابه‌های طوپ راکه از سر پل میگذشتند بجنرال (قاچالسکی) اخبار نمود . در ساعت دوی نیمشب از طرف غندمشر یعنی — برگید (چیولسکی) نیز بعینه همچنین خبر رسید . لهذا جنرال (قاچالنسکی)به غندمشر (چیولسکی) این امر را فرستاد :

«موضعهائیکه قطعات ما در دست دارند بهیچصورت ترك نمیشود تنها در بدایت یك بوه‌ماردمان — یعنی گله ریزی هرگاه عسکر مارا بقدر (۲۰۰تا۴۰۰) پستر در پس عوارض زمین کشیده شود اجازه هست . اما این تدبیر بر مقصد ستر و محافظه کردن قوهٔ محافظه مبتنی خواهد بود . نه اینکه پندارند که از مدافعه و مقاومت صرف نظر کرده شده است . »

اینست که به اینصورت بر جناح چپ روسها، همه قوت ژاپانها پیش آمده میرفتند ، و به این مفرزهٔ جنرال (قاچالنسکی) قوهٔ امدادیه از عقب هیچ نیامد ، مگر یك تولی تفنگ ماشیندار .

بلوکهای که در (آنطون) و(ته‌نجی) بودند، در جائیکه بودند ماندند ، بهمه

صدمات ومهاجمات تول‌غند ژاپان تنها مفرزهٔ (قاچالنسکی) بسرخود بمقاومت کردن مجبور شده بودند .

(محاربهٔ «توره نچون»)

هنوز تاریکئی شب رفع نشده بودکه فرقه های ژاپان درجاهائیکه برای شان تخصیص شده بود آمد ند . وقد مه های نخستین شان ازمو ضعهای روس بمسافهٔ (٢٠٠٠) متره منتشر شدند . هماندم افراد پیاده به کندن خندقهای شکاری آغاز نهادند .

طوپ چئی لوی غند (خاصه)، وطوپ چئی لوی غند (٢) درساحل راست (یالو) درزیر دست قوماندان های لوی غند بود . قوت طوپچی که درجزیرهٔ (سیا مالیندو) باقوماندانهای لوی غند مانده بودند بواسطهٔ تلگراف بی سیم بقرار گاه تون غند که درپشتهٔ [کنغادو] بود موصول بودند .

یك کندك پیاده بایك طوپخانه لوی غند [١٢] برموضع جناح چپ و عقب آن موضع بهپیش رفتن مأمورکرده شد .

صبح روز [١] می هوا خیلی دمه داربود . کشاف های پیادهٔ ژاپان از هرنقطهٔ [آنچو] قابل مرور بودن را خبردادند . کشاف های مذکور با وجودیکه تابه نزدیك قندقهای شکارئی روس رسیدندبه آتش روسها دوچار نشدند که ازینسبب ژاپانها چنان گمان کردند که سپر های مذکور ازطرف روس ها خالی شده باشد . حالاصحیح وغیرصحیح بودن این مسئله راطوپ چی تحقیق میکنند .

ساعت [٦] چون دمه یکقدری برطرف شد طوپ خانه های ژاپان آتش کشادند . تنها طوپخانه روس که برذروهٔ کوه [سیری یاشی یاما] بود بمقابله کوشش ورزیده درظرف یکچند دقیقه طوپ‌خانه های ژاپان آنرا بسکوت

مجبور گردانید بعد ازساکت کردن آن همهٔ طوپخانه های ژاپان آتش خود شان را برسپرهای شکارئی روسها توجیه کردند .

هجوم ژاپانها اول از طرف جناح راست آغاز میکرد . یعنی — اول لوی غند [۱۲] پیش شده لوی غند های دیگر آن را تعقیب میکردند . لکن چون طوپچی های روس هیچ اثر حیات نشان ندادند ، جنرال [قوروکی] بساعت [۷] هرسه لوی غندرا یکجا درعین زمان امرهجوم عطا نمود .

خطهای شکارئی ژاپان که خیلی کثیف وغلو پیش میرفتند در اول امر بهیچ آتشی دوچار نشدند . وقتا که مهاجمین بساحل نهر [آنچو] رسیدند روسها ازمسافهٔ [۲۰۰۰] متره یکی یکبار به آتش بسیار شدیدپاشان آغاز کرده ژاپان هارا بمشکلات عظیمی اندا ختند . معهافیه خطهای شکارئی ژاپانها که استناد های قوت مندشان ازعقب می آمدند بسرعت متمادی برپیش رفتن دوام کرده وقتیکه بقدر [۱۰۰۰] متره نزدیکشدند دفعةً به آتش آغازنهادند . درین اثنا طوپچی های لوی غندعلی الدوام ستره های پیادهٔ روس رامیکوبید ، وغند اوبوس با آتش مدهش خود اراضئی را که درعقب موضع دشمن بود میروبید .

بقوتمندترین مقاومت ها ، لوی غند [۲] که برموضع جناح راست روس ، وبرخط [توره نچون — یوغو] توجیه هجوم کرده بودند تصادف کردند . غند مشر [چیولسکی] قوت خودرا برین خط به اینصورت توزیع کرده بود :

درجنوب غربئی توره نچون	۲	تولی
درتوره نچون ، وشمال آن	٤	« «
درعقب برای احتیاط	۳	« «
دریوغو	۲	« «

در منطقهٔ احتیاطی ۲

غند جناح چپ لوی غند [۲] در حالتیکه تا بگلو درمیان آب درامده بودند پی سرپناه به پیش رفتن مجبور بودند که ازین سبب نسبت بدیگران یکقدری بیشتر بضایعات دوچار شدند، اما جناح راست لوی غند زودتر و بیشتر به کمایی کردن اراضی موفق میشدند .

روسها ، بتأثیر آتش پیاده ، وطوپ خانه خندق های خودشان را که دردامنه های پشتهٔ [بوغو] داشتند ترك کرده بخط پشت سرعقب کشیدند . مها جمین چون بقدر [۲۰۰] متره بهاینجا نزدیکشدند یك کندك پیادهٔ روسی دفعتهً [هوررا] فریاد برا ورده بهجوم سرنیزه برخاستند . خط شکاری ژاپان ها ندم پیش روی قطعه های استناد خود شان را که ازمسافهٔ نزدیك در عقب شان می آمد بازکرده قطعه های مذکور با آتش بسیار شدید ومخربی روس هارا بعودت مجبور کردند، وژاپان ها هماندم به عقب گیرئی آن ها مسارعت ورزیدند .

درین اثنا جناح چپ لوی غند [۲] نیز خیلی ترقی کرده بود ؛ چونکه آن به آن تهلکهٔ احاطه شدن روسها بیشترمیگردید . درعین زمان مفرزهٔ غندمشر [غرووموف] به ترك موضع خود استمداد پیدا کرده جنرال [قاچالنسکی] درساعت هشت ونیم امر رجعت رابداده میرالای یعنی — برگید[چیولسکی] این رجعت را ازموضع پشت جوی [هانتوهوچی] بستروحمایه کردن مأمور کردید . بنابرین غندمشر مذکوراول طوپ خانه، وتولی تفنگ ماشیندار وازمنطقهٔ احتیاط یك تولی پیاده را درموضع مذکوربیاورد . لکن جناح راست لوی غند [۲] آن قدر ترقی کرده بودکه غند مشر[چیولسکی] بستر و محافظهٔ رجعت مفرزه بدرجهٔ شاید وباید موفق نیامده بلکه تولی خود او نیز

درتهلکه مانده بجز اینکه دو تولی پیادهٔ خود را بهجوم سر نیزهٔ بسیار فدا کارانه درروی دشمن بیندازد، و عسکر خود را بعقب کشد دیگر چارهٔ نیافت . تولی‌های مذکور تا به فرد آخرین سراسر محو کردیدند .

آمدیم بر ژاپانها: ژاپانها درینوقت در خط [توره نچون -- یوغو] که که روس‌ها آن را ترك كرده بودند رسیدند . حالا لوی غند خاصه بر خط [ماغو یو تەن توچا] هجوم میکردند .

مفرزهٔ روس که درینجا بودند طرز توزیع شان ازینقرار بود :

دردامن شرقی ماغو	۲	تولی پیاده
درپشتهٔ عقب آن	٦	طوپ
در پیش روی لیتزاوه ن	۱	تولی پیاده
در منطقهٔ احتیاط عقب اینها	٤	تولی

درپیش قوماندان مفرزه برای مخابره تنها ۸ نفر سواری باقیمانده بود که دیگر نفری (قطعهٔ کشف) روسها بعضی درمعیت جنرال درخدمت اسیر بردن و آوردن مشغول بودند ، وبعضی درتوره نچون قرار استراحت میکردند .

ساعت [٦] طوپ خانه های ژاپان به آتش آغاز کردند . طوپ های روس که در [ماغو] بودند جواب ندادند . چونکه دانستند که باطوپچئی فایق دشمن هیچ کاری از پیش برده نمیتوانند لهذا قوت خود شان را برای دفع هجوم پیادهٔ دشمن نگهداشتند . وبمجردیکه پیادهٔ دشمن به پیش شدن آغاز کردند . غندمشر [بوقوتیلو] که طوپ‌خانه‌را قوماندە میکرد بر پیاده آتش کشاد ، اما هماندم به آتش شدید مجتمع ژاپان دوچار آمده بسکوت مجبور گردید . غندمشر [غرومومف] درراپورت خود میگوید :

« بر راهیکه بسوی طوپخانه میرفت باقوماندان طوپ خانه ، غندمشر [بوقوتیلو] برخوردم . قوماندان عذرخواست که هیچ کارکرده نمیتوانیم ،

زیرا هروقت که میخواهم برپیادهٔ دشمن آتش بکشایم به آتش مؤثر وشدید دشمن گرفتار آمده بسکوت مجبور میشوم . من امر جنرال را به اوتکرار ، ولزوم قطعئی اتش کردن را بر پیادهٔ دشمن اخطار کرده از همدیگر جدا شدیم .»

مها جمین چنانچه ازیکطرف جناح چپ خطهای شکارئی روس را که در [پوته نتوچا] بود تهدید میکرد، بمقابل جبهه وجناح راست نیز بسرعت پیش میشدند . غندمشر [غروموف] بساعت هشت ونیم صبح قوت خودرا خواست که بر پشته های جبههٔ غربی عقب بکشد ، وچنان تخمین میکرد که درانجا مفرزهٔ قوماند [جوشیقو] رانیز خواهد یافت . غندمشر غروموف تصور کرده بود که اول با منطقهٔ احتیاط درانجا یك وضع حمایه اخذ کرده بعداز ان خط محاربه را ازجناح چپ به پس کشیدن آغاز کند . لکن بمجردیکه این امررا بمفرزهٔ خود بداد ازغندمشر [پوقوتیلو] خبررسید که جناح راست موضع به تهلکهٔ احاطه شدن معروض مانده وطوپخانه زیاده برین مقاومت نمی تواند .

فی الحقیقه لوی غند [خاصه] ، ولوی غند [۲] درعین زمان جبههٔ [بوغو ـ ما غو] راشکافته بودند . لهذا غندمشر [غروموف] ، برخلاف امر وتعلیمات جنرال خود عقب کشیدن طوپ خانه رابه [چینغو] امرنمود . عرابه های جبه خانه ، وخسته خانه ، وداشهای صحرا ازعقب می آمدند .

بعد ازین یك صحیفهٔ بحران آمیز محاربه آغاز نهاد ، واحوال و وقایع بسرعت تمام پئ همدیگر ظهور مینمود . طوپخانه که درحال رجعت بود ، تولی پیاده نیز به آن ملحق گردید . طوپ های روس ازموضع سخت و بلندیکه آن را ترك کرده بودند بی اسپ بفرو امدن مجبور بودند که تولی [۷] غند [۲۲] بمعاونت فرو آوردن طوپ ها دویده بودند . لکن وقتیکه به دامن کوه رسیدند وطوپها به اسپها بسته شده بحرکت افتاد طوپ خانه راه

را غلط کرده بجای انکه بسوی [چینغو] برود یکسر بسوی [توره نچون] توجیهٔ عنان عزیمت نمود . بیچاره غند مشر [غرومو ف] از دیدن این حال سراسیمه شده ازعقب طوپ خانه دویده فریاد براوردکه « برگردید ، برگردید ! » ولی کجا ! که بشنود !

طوپ خانه یکسر بسوی [توره نچون] برسیا حتی که داشت دوام ورزید . تا آنکه دریك درهٔ تنگی رسید . درانجا طوپیکه ازهمه پیشتربود بیك گلهٔ طوپ دشمن سقط شده ازپا درافتاد ، ومانع رفتاردیگرطوپهاشده . درچنین حال بحران انگیز ، دفعتهً قطعات غند [۳] ازلوی غند خاصهٔ ژاپان درپیش طوپ های روس ظهور کرده همهٔ طوپها ونفر یها ، وعرابه های جبه خانه ودیگرمالزمه . ا ضبط واسیر کردند .

درین اثنا دیگر تولی های مرزهٔ [غرو موف] نیز برجعت آغازنهاده بودند . مومی الیه در راپورت خود این حال رجعت خود را چنین تصویر کرده است :

« هنگامیکه امر رجعت خودرا گرفتم ؛ تولی هاوطوپ خانهٔ معیت خودرا برجعت امردادم . دو تولی منتظماً رجعت کردند . ولی شش قطعه طوپ ما براستقامت [توره نچون] بسرعت تمام فرار کردن گرفت که ازعقب آن عرابه های جبه خانه ، ودیگر مالزمه نیز پیروی مینمود طوپ خانه را به برگشتن قوماندہ دادم . لکن غندمشر [یوقوتیلو] درپیش روی طوپ خانه چنان سچار نعله مبتلا زید که فریاد های من بران تأثیر نکرد . ازطوپ خانه مأیوس مانده برای سوق واداره کردن دیگر تولی های پیادهٔ خود برتپه برامدم . چه می بینم که تولیٔ جناح چپ یکوقتی موضع خودرا ترك کرده پئ کارخود رفته ، وتولی های دیگر نیز یکی پئ دیگر برجعت آغازنهاده . اما ازطوپ خانه

هیچ اثری درمیدان ندیدم ، درچپ وراست حتی ازعقب نیز خطهای شکارئی ژاپان دیده میشد ، بعدازان بریك نقطهٔ بلندتری که میدان محاربه خوبتر از ان جا معلوم میشد برامدم ، ازانجا مشاهده کردم که خطهای شکاری دشمن برجناح راست موضعی که ما آن را ترك کرده ایم متمادیاً اتش میکردند . بر استقامت راه توره نچه ن بعضی سوارها را دیدم که بسرعت میرفتند . مگر این سوارها طوپ خانهٔ بیچارهٔ مابود که فدای نادانی غندمشر (بوقوتیلوف] شده بپای خود بسوی اسارت دشمن پویان بود . تولی ئیکه بطریق محافظ درپیش طوپچی گذاشته بودم نیز هیچ پیدانبود . پس برای من بجز اینکه بر حرکت رجعت دوام ورزم دگرکاری نماند . قوماندان طوپ خانه کارخود سرانهٔ بی تدبیرانهٔ که اجرا نمود همهٔ پلان مرا زیر و زبر ساخت . یك ربع پیادهٔ خودرا نیز به ادارهٔ اوتودیع کرده بودم . برای غندمشر مومی الیه خبر فرستادن هم ممکن نبود . چونکه درین اثنا درنزدمن بجز یك افسر و [۳] نفر دیگر هیچ کسی باقی نمانده بود . اسپ های آنها هم ازفرو آمدن وبالا برامدن این بغله های سنگلاخ آن قدر مانده شده بودکه ازحرکت معطل مانده بودند .

والحاصل غندمشر [غرومو ف] برای التحاق کردن به کندکیکه در [جوشیقو] بود ازاستقامت شمال غربی رجعت نمود . کندك [جوشیقو] بادو طوپ جبل آهسته آهسته درعقب کشیدن بود .

لوی غند [۱۲] ژاپان که ازگذشتن نهر [ایچو] ودوروزه رفتار این اراضی پست وبلندسنگلاخ ، مانده وکوفته شده بودند به بسیار آرمی و بطائت در پیش رفتن دوام داشتند . وضعیت روسها پیش ازپیشین باینصورت بود :

از [۷] کندك ، و [۱۷] طوپی که درزیردست جنرال [قاچالنسکی] بود [٥] کندك و [۱۰] طوپ بحسن حال وانتظام مانده بود ، [۲] کندك

غند،شر[غرومومف] بحال پریشانی بود ، [٦] قطعه طوپ او بدست دشمن درامده بود .

دستهٔ کشتی های جنگی ژاپان که درزیر قوماندهٔ قپودان [ناقا غارا] در جوار [آنطون] آمده بود بقدر نیمساعت اردوگاه روس را در زیر آتش طوپ گرفته ، وبا طوپ خانهٔ روس یك دوتللوی کرده واپس به[یونامپو]برگشت .

قوت احتیاط روس در[نه نچی] باجنرال (ساسولیچ) دائماعاطل وساکن بود . به این حساب قسم کلئی قوت روس که بمدافعه ومحافظهٔ حدود[مان چوری] بمقابل تعرض وهجوم ژاپانها مأمور و مکلف بودند یعنی — [۹] کندك و[۲۲] طوپ بمحاربه اصلا اشتراك نورزیدند ، بلکه یك کارتوس هم نیندا ختند .

نهایت الامر قوماندان کلان جنرال [سا سولیچ] پیش از پیشین به نزد جنرال قاچالنسکی آمده بعد ازانکه حال ووضعیت را تحقیق، وبرطرز جریان محاربه اطلاع حاصل کرد امررجعت را عطا نمود .

برای امنیت رجعت قطارها وقافله های عسکری، جنرال[قاچالنسکی]میبایست که بدرجهٔ ممکن حرکت پیش آمدن دشمن را توقیف نماید. لهذا جنرال [سا سولیچ] از احتیاط عمومی [۲] کندك پیاده بایك طوپ خانهٔ صحرا بمعاونت مفرزهٔ [قاچالنسکی] بداد .

آمدیم بر ژاپانها : احتیاط تول غند بساعت [۸] صبح بسوی[سمیری یاشیها] بحرکت آغاز کرده بود . وبعدازانکه خط [توره نچون — حود ایدوچی] بدست آمد جنرال [قوروکی] لوی غند های خودرا که بسیار مانده شده بودند تابه پیشین به استراحت کردن ، وطعام خوردن امرنمود .

درین اثنالوی غند[۲] درجوار[توره نچون] ،ولوی غند خاصه درجوار

[یوغو] جمع می آمدند . جناح چپ لوی غند[۱۲] بر پشته های شمال [بوته نتوچا] بالا میبرامدند ، وجناح راست لوی غند مذکور بر پشتهٔ غربی[حودایه وچی] به برامدن مشغول بودند .

در اثنای این محاربه ، طوپچی ازموقع قدیم خود به پیش سوق کرده شده بود . [۲] طوپ خانهٔ غند [۳] در حالتیکه تامیلهای طوپ درمیان آب بود ازنهر [ایچو] مرور کرده در [توره نچون] موضع گرفتند . طوپ خانهٔ دیگر آن درجهت جنوب جزیرهٔ [چوقودای] رفتند، تا آنکه میدان انداخت خوبتری بدست آرند . طوپ چئی خاصه از پلی که بدرازئی « ۳٤» متره بزودی ساخته شده بود ازجوار جزیرهٔ « پلنگ « ایچو» را گذر کرده درمابین « یوغو — ماغو» موضع گرفتند .

طوپ خانه های اوبوس درموضع قدیم خود باقی ماندند . طو پچئی فرقهٔ «۱۲» بساحل راست نهر آمده بود .

(محاربهٔ حاماتان)

بعد ازانکه تول غند یکقدری استراحت کردند وطعام خوردند جنرال « قوروکی » امر حرکت را عطا نمود .

بساعت «۱» تول غند نخستین : ایان، سر راست به این استقامتها به پیش شدن آغاز نهادند :

لوی غند « ۲» : یکسر بسوی « آنطون » . احتیاط تول غند : به «حاماتان» لوی غند « خاصه » : از شمال تول غند احتیاط ایضاً به « حاماتان » . لوی غند « ۱۲ » : یکسر بسوی « تالونفان » .

جنرال « قاچالنسکی » بهزار مشکلات قسم کلئی خود را در جوار «حاماتان» آورده توانسته بود .

جنرال « قور وکی » بر دو کندك احتیاط عمومی امر نمود که ذروهٔ راقم « ۱۷۹ » را که در جهت شرق « حاماتان» است از دست جنرال« قاچالنسکی» ضبط و استیلا نمایند . زیرا این ذروه بر تمام اراضئی همجوار خود تماماً حاکم بود ، و بغله های آن آنچنان سخت وسر بلند بود که برای مرور پیاده نیز غیر مساعد دیده میشد این دو کندك احتیاط عمومی کندك «۱» و «۳» غند « ۱۱ » احتیاط عمومی بودند .

طوب خانهٔ که تا بحال از عقب این دو کندك می آمدند بعد از مأمور شدن کندك های مذکور واپس گردیده بگرفتن جادهٔ بزرگی که از « آنطون » به « فنغ هوا نشان » میرفت مأمور گردید .

جنرال « قاچا لنسکی » بفکر این نبود که موضع « حاماتان » خودرا به صورت معندانه مدافعه کند . و از ین بود که طوپچئی خودرا درین اراضئی غیر مساعد بکار زار اشتراك نداده بود . وقتیکه بعد از پیشین بساعت «۲» سر قول طوپ خانهٔ روس بقدر « ۱۰۰۰ » قدم بشرق « حاماتان » رسید یکی یکبار به آتش شدید یك تولی ژاپان دوچار گردید . این تولی که به لوی غند «۱۲» منسوب بود از دیگر رفقای خود پیشتر بکنار شمال غربئی تپه واصل شده بود . طوپ خانهٔ روس در ظرف یکچند دقیقه اکثر اسپان خودرا غایب کرده و در زیر آتش دشمن حرکت کردن شان غیر قابل گردید . قوماندان طوپ خانه طوپ خانهٔ خودرا همان دم بصف حرب در اورده بمحاربه اشتراك ورزید که کندك های روس نیز درینوقت محاربه را با طوپ خانهٔ خود گرم کرده بودند . این کندکها مخصوص بمقابل همان دو کندك مذکور ژاپان منتشر شده بودند . کندك مذکور در ظرف کم مدت « ٤ » افسر و بسیاری از افراد خودرا ضایع کرده ولی از محاربه رو گردان نشد ، و تا به کار توس آخرین خود به آتش دوام ورزید .

درهنگامیکه جبه خانهٔ شان سراسر تمام شده بود ، وروسها بهجوم سر نیزه برا نها برخاستند، از لوی غند« خاصه » یك تولی ظهور کرده از سر پشته پرپهلوی راست مهاجمین آتش شدیدی اجرا کردند ، وآنهارا برجعت مجبور گردانیدند .

درین اثنا قول جنرال « قاچالنسکی » نزدیکشده میامد . این قول از طرف ژاپانها بزیر آتش گرفته شده ، وبضایعات بسیاری دوچار آمده ، ولی بسایهٔ مقاومت دلیرانهٔ غندیازدهم شان بایك پریشانی تمام برجعت موفق شده ، بهزار مشکلات به « ته نجی » خودرا رسانیدند .

این مفرزهٔ « قاچالنسکی » وقتی که به « ته نجی» بیامد از غند غند مشر « چیولنسکی » « ٦ » تولی تشکیل داده شد . از موجودی قوماندان «۱۲» تولی تنها« ۳ » تولی آن برجا مانده بود .

دراطراف موضع دمدارروس که برذروهٔ «۱۷۹» بود حلقهٔ محاصره رفته رفته تنگ میشد . احتیاط تول غند ژاپانها این ذروه را بایك غند از جهت جنوب احاطه کرده میرفتند ، وغند «٤ »لوی غند«خاصه»از جهت شرق هجوم میبرد . ودیگر اقسام لوی غند « خاصه »تدریجا به مقابل شمال شرقی موضع تیت میشدند . «۲»غندلوی غند «۱۲» وطوپخانهٔ جبل از وقت بجاهای مناسب تیت شده بودند . معهذا فیه دو کندك روس که درینجا بوددر امر مدافعه اثر ضعف نشان نمیدادند . تولی های روس باربار بهجوم سر نیزه برخاسته بودند . تا آنکه بعد از پیشین، قوت روس که در« آنطون» بود بمجردیکه از« ته نجی» گذشتند وظیفهٔ این دوکندك گویا به انجام رسیده رجعت آغاز نهادند .

روسها ء ازمیان خط احاطهٔ که ژاپانها ازهر طرف بسته بودند بقوت سر نیزه یك رخنهٔ برای خود پیدا کرده بفرار کردن کامیاب آمدند، ودرین

اثنا بضایعات عظیمه دو چار آمدند . قوماندان غند ، باراهب غند که یك صلیبی بدست گرفته درپیش روی عسکر افتاده بودبا « ۲٤ » افسر دیگر تلف شده بود . تفنگهای ماشیندار ، وطوبخانه ئیکه اسپان آن همه کی تلف شده بود جملةً بدست ژاپانها افتاده بود .

پیادهٔ ژاپان بسبب مانده کی چون یك تعقیب شدتناکی اجرا نکردند ازان و بساعت « ٥ » محاربه سراسر منقطع گردید . این مفرزهٔ شکست خوردهٔ یالو شب تمام شب برجعت دوام ورزیده در « ۲ » ماه می درجوار « فنغ هوا نشان » جمع آمدند .

ژاپانها تنها باسواری تعقیب اجرا کردند . تول غند نخستین ژاپان در شب « ۲ » ماه می — به اینصورت شب را بسر آوردند .

قرارگاه دو . « توره نچون »

لوی غند « ۱۲ » در « قالونفان »

لوی غند « خاصه » در « دوچاشی »

لوی غند « ۲ » درآنطون »

درین محاربه ضایعات ژاپانها به اینصورتست :

« ٥ » افسر ، و « ۱٦۳ » نفر مقتول ؛

« ۲۹ » افسر ، و « ۸۷۳ » نفر مجروح .

ضایعات روسها از ینقرار است :

« ۱٦ » افسر ، و « ٥٦٤ » نفر مقتول ؛

« ۳۹ » افسر ، و « ۱۰۸۱ » نفر مجروح ؛

« ۱۷ » افسر ، و « ٦۷۹ » نفر اسیر .

غیر ازین بقدر « ۲۲ » طوپ ، و « ۸ » تفنگ ماشیندار ، و مقدار بسیاری عرابه ، وجبه خانه ، و مهمات بدست ژاپانها درامد .

مطالعات در حق محاربهٔ «یالو»

بسایهٔ باروت بیدود ، خطهای شکارئی روس بادوربین نیزبد شواری فرق وتمیز میشد . اما دریشیهای سیاه پیادهٔ ژاپان درمیان اراضئی ریگزار محیطه خیلی خوب بچشم برمیخورد ، ونشانگاه خوبی تشکیل میداد .

درتشکیل خطهای شکارئی ژاپان هیچ یك اصول وقاعدهٔ معینی موجودنبود ، بعضی کمندك ها یك یا دو تولی خود را بخط شکاری میبراوردند . دیگر بعضی شان همهٔ تولی های خود شان را بیکباره گی برخط شکاری میکشید ند .

ژاپانها درین محاربه این یك را بخوبی آموختند که درزیر تأثیر آتش دشمن به نظام بهم نزدیك قطعات را راندن خیلی مخاطره ناك است .

ژاپانها به آنکه ترقی کنند دایما به پیش رفته تابوقتی که بقدر هفتهزار یانه هزار قدم نزدیك شدند از آنجا به آتش تفنگ آغاز کرده اند ، و بعدازان در میدان بازبا خطوه های جهیدن «۶۰ — تا — ۸۰» قدمی حرکات جهیدنی اجرا کرده اند ، ودر وقتیکه ممکن بوده دراثنای فاصله های بسیارکمی نیز بکلنگ وبیل سپر های شکاری هم کنده اند .

افراد پیادهٔ لوی غندهای ژاپان پیش ازانکه بمیدان محاربه بروند بکسهای کردنئی خود شان را میگذاشتند ، وبجای آن خوراکهٔ وافر ، وجبه خانهٔ بسیار میبرداشتند . هر نفربا «۲۹۰» کار توس ، وچند روزه خوراکه به میدان محاربه در آمده بودند .

روسها درین محاربه تفنگ های ماشیندار داشتند . درمحاربهٔ «حاماتان» این مفرزهٔ تفنگ ماشیند اربعد ازانکه «۳۵۰۰۰» کارتوس سوختانده اند برای رهانیدن کمندك های خود خود شان را فدا هم کرده اند .

سواری درین محاربه درهیچیك طرف اظهار فعالیت نکرده است . غبرك غندسوارئی جنرال « میچه نقو » در اثنای محاربه پسترین همه بود ، ودراثنای رجعت ازهمه پیشتر . ازسوارئی ژاپان نیز درین محاربه یك كارگذاری نمایانی دیده نشده است .

طوپ خانه های ژاپان درین محاربه دایماشرانپل استعمال کرده اند، ونادراً گله انداخته اند . غبرك غندك طوپچئی لوی غند « ۲ » درظرف دوروز بهر طوپ خانه « ۱۴۰ » ، وطوپ خانه های خاصه بهرطوپ خانه درروز « ۳۰ » اپریل « ۲۵۰ » ، ودر « ۱ » می « ۳۰۰ » مرمی انداخته است .

اوبوسهای ژاپان درخارج منزل مؤثرطوپچئی روس مانده تنها بر نقطه های احتیاطیهٔ روس به آتش کردن اکتفا کرده است . قوماندان غند اوبوس آتش طوپ خانهٔ خودرا ازنقطهٔ یك ترصدگاهی که باتلفون به آن مربوط بوده اداره میکرد ، و برکاغذ پلان خود که بر مربعها منقسم بود موقع ووضعیت انداخت خودرا اشارت میکرد .

این بطاریه ها ترجیحاً شرانپل استعمال کرده اند . اما تاثیر بزرگ خودرا بادانه های تخریب استحصال کرده اند . درروز « ۳۰ » اپریل هرطوپخانه اوبوس « ۱۶۰ » شرانپل ، و « ۵۰ » دانهٔ تخریب انداخته اند .

ژاپانها در حرکات عسکریهٔ خود به امنیت وبصیرت تمام کار کرده اند . بسبب تفوق وبرتری عظیمی که تول غند نخستین ژاپان ، نسبت بقوت روس داشت اگر دشمن قسم کلئی قوت خودرا بر نقطه های گذر تول غند ژاپان سوق میکرد بازهم احتمال عدم موفقیت برای تول غند نبود . حالانکه باوجود آنهم جنرال « قوروکی » بصیرت واحتیاط را ازدست نداده بر قوت فایقهٔ خود اعتماد نکرده است . جنرال « قوروکی » به این یك میدانست که قسم کلئی دشمن درعقب

خطهٔ آنطون — طوره نچون » بدرازئی « ۱۰ » کیلومترو میباشد ، و این قوت دشمن را از « ۱۹ » کندك پیاده ، و « ٤٦ » طوپ ، و « ۸ » تفنگ ماشیندار تخمین میکرد .

حالآنکه در حقیقت حال قوت روس عبارت از « ۱۵ » کندك پیاده ، و « ۳۰ » قطعه طوپ ، و « ۸ » تفنگ ماشیندار بود ، بمقابل این قوت ؛ بارون « قورو کی » بغیر از قطعات احتیاط ، مرکب از « ۳٦ » کندك پیاده ، و « ۱۲ » طرب سواری ، و « ۱۳۸ » قطعه طوپ یك کتلهٔ متجانس ویکپارهٔ را مالك بود که به انحساب نظر به تخمین خوداو بر دشمن خود بقوت پیاده بدومثل بقوت طوپ چی بسه مثل فایق بوده وچون تفوق اوصاف طوپ های او بوس همبران علاوه شود احتمال موفقیت و کامیابی برای جنرال مشار الیه درصدی صد موجود بود .

مع هذا بارون « قورو کی » درحرکات خود استعجال نشان نداده از اول کار حاضرئی گذرخودرا بایك بصیرت دوربینانه اجرا ، وقوای بدنیهٔ عسکر خود را باوسایط صناعیه بدرجهٔ افراط درباب وسایط گذرنهریالوصرف و ابذال کرده است که این صورت حرکت ، یك خاصهٔ فارقهٔ محاربهٔ « یالو » را تشکیل داده است .

اگرچه برین حرکت احتیاطکارانهٔ افراطپرورانهٔ جنرال « قوروکی » بعضی کسان اعتراض کرده اند ، ولی چون اینمسئله از روی انصاف درزیر نظردقت گرفته شودکه این محاربهٔ « یالو » بمقابل یك خصم اوروپائی بسیار قوتمند صاحب نفوس ونفوذی اجرا میشود ، واین اول مصادمهٔ شرق وغرب شمرده میشود ازان روجنرال « قوروکی » را بازیـ فـ ط احتیاط اومواخذه واعتراض کردن جائز نیست ، نتیجه : « دشمن نتوان ضعیف وبیچاره شمرد » .

اجتماع تول غند در نزدیکئی « یالو » در پشت یك جبههٔ که به امتداد « ٤ — ٥ » کیلومتره بود بوقوع آمده ، و برای اینکه ازین اجتماع دشمن را معلومات کامله بدست نیاید تدا بیر بسیار سخت و مؤثری اتخاذ کرده است . نمایش اجرا کردن دستهٔ کشتی های جنگی «ناقاغارا» در جهت منبع نیز درین خصوص تأثیر مهمی نشانداده است . نظر به احوالیکه در جهت روسها جریان یافته ژاپانها بر مقصد پنهان داشتن حرکات خود به تمامها موفق شده اند ، و روسها را بخوبی بازی داده اند . زیرا به حوادث نهائیکه از طرف ژاپانها بواسطهٔ مردمان بومئی آنجا بقصد اشاعه میکردند روسهای غافل آنرا باور کرده ، جنرال « ساسو لیچ » برین یك قناعت کامله حاصل کرده بود که تشبث ژاپان ها بهمه حال بر جناح راست اجرا خواهد شد ، وازین سبب قسم کلئی خود را دایما ، وحتی در زمانهای نتیجهٔ قطعیه نیز درانجا محافظه کرده است . و نمایش کشتیهای جنگی ژاپان باچند کشتئی نقلیهٔ مالزمهٔ حربیه ، جنرال روس را برین فکرش آنقدر ثابت نموده بود که تابه آخر محاربه از جای خود حرکت نمود . پس چون تفکر شود که تول غند ژاپان از (۱۱) اپریل تابه (۲۰) ماه مذکور در پشت (ویجو) در اردوگاه میدان بماند ، ودرظرف این مدت موجودیت خود را بدشمن معلوم نکنند ، معلوم میشود که درجهٔ ضبط و ربط اردوگاه تابچه درجهٔ مکمل بوده است ! نتیجه : (الحرب خدعه) . المترجم

حالا پیش ازانکه طرز جریان محاربه را مطالعه کنیم یکقدری د وجهت روسها یکنظر سریع تدقیق عطف بکنیم :

مفرزهٔ یالو ؛ چنان یك مفرزهٔ بود که برای امنیت و خاطر جمعئی جمع اوری و تحشیدات عسکرئی (لیائویانغ) از طرف (قورو پاتکین) به پیش رانده شده بوده قوت این مفرزه برای این مساعد نبود که در ساحل دشمن جستجوی محاربه کنند ،

لهذا بجز اینکه درینطرف نهرمانده درراه تاخیر مرور دشمن از نهر کوشش ورزد دگرکاری نداشت . حال آنکه قیمت ودرجهٔ مقاومتی که نشان داده شود به حل این مسئلهٔ معما مانند تابع میبود :

«آیا دشمن از کجا . وچه وقت ، وبه چه قدر قوت میگذرد ؟»

اینست که دانستن این مسئله ها قیمت ودرجهٔ مقاومت روسهارا بمقابل ژاپانها حل میکرد .

اما اعتراف باید کرد که جواب این سوالها برای جنرال (ساسولیچ) خیلی مشکل بود . چونکه اوموقع اجتماع کلئی قسم کلئی دشمن خودرا نمیدانست . واین ندانستن موجب عذر او نی بلکه بیخبری وغفلت اورا نشان میدهد .

گذشته سوته یك غیرك سواری روس بجز اینکه بر استقامت بحرمحیط تر صد بکنند دگر هیچ یك اثر فعالیتی نشان نداد . معهافیه از جمع آمدن قوای مهمهٔ دشمن در نزدیکی (ویجو) جنرال (ساسولیچ) سراسر بیخبرهم نبود . زیرا اگر قطعیاً بیخبرمیبود یك ثلث قوت خودرا که در (آنطون) داشت به (توره نچون) نمیفرستاد .

لکن جنرال روس تابه تاریخ (۱) می بر این یك هیچ آگاه نبود که این قوت ژاپان که در (ویجو) جمع آمده ، وازجوار این موقع نهررا گذر کرده همهٔ تول غندژاپان خواهد بودیانی؟ ودلیل این عدم آگاهی او از ینست که چون در (۳۰) اپریل خبر گذشتن قولهای قوتمند دشمن به او رسید او از تول غند احتیاط خود تنها یك کندك فرستاده بود ، و بازچون خبر حرکات عبورژاپانهارا گرفت تنها بفرستادن یك مفرزهٔ تفنگك ما شیندار اکتفا ورزید .

جنرال (ساسولیچ) چنان تصور میکرد که باقوتهای ژاپان که درساحل

(ایجو) منتشر هستند با (۷) غند، و (۱۶) طوپ، و (۱) مفرزهٔ تفنگ ماشیندار مقابله بکنند. ازین یك معلوم میشود که مومی الیه با این قوت ضعیف هیچگاه بخیال و خاطر خود نمیاورد که بهجوم تول غند ژاپان که پنج بار فایقتر ازو باشد معروض خواهدشد. کذالك جنرال (ساسولیچ) قیمت حربیه، واقتدار و مهارت جنگ آوری ژاپانهارا ازدرجهٔ حقیقت آن خیلی فروتر و بی اهمیت تر تقدیر و تخمین کرده بود. و از او در تدابیر حربیهٔ خود شایان تأسف یك لاابالیتی بکار برده است.

اینست که این اعتماد مفرط جنرال (ساسولیچ) موجب شکست وانهزام او گردید. واین خود بینی وکم بینی سبب فلاکتش شد. نتیجه: (یکی آنکه در خویش خود بین مباش؛ دگر آنکه با خصم کم بین مباش). المترجم

تأثیرات بد خبرهای انهزام (یالو) را که در روسیه حاصل شده بود مطبوعات یمنی — اخبارهای روس میخواستند که تخفیف کنند، و برای فرو نشاندن هیجان و شورش اذهان اهالی محاربهٔ مهمهٔ (یالو را) یك واقعهٔ بی اهمیت و مصادمهٔ قراولی برقم داده اند. اخبار (نوویه وره میا) مقالهٔ که درین خصوص نشر کرده بنابر غرابت مآل خنده آور آن در ینجا عیناً نقل میکنیم:

«واقعهٔ (یالو) اگرچه در اول امر یك سوء تأثیری حاصل کرده ولی درینجا شایان مسرت یك چیزی هست. مابایدکه این را بنظر دقت بگیریم که جنرال (قوروپاتکین) یك پلان و نقشهٔ بسیار مکملی در پیش گرفته است. زیرا اگر جنرال آرزو میکرد هیچ شبهه نیست که در همین جا مظفریت نخستین را احراز میتوانست. اما مشار الیه نمیخواهدکه روسها را بیك موفقیت ظاهری بازی بدهد. بلکه جنرال بر مکملیت پلان خود بصورت قطعی مطمئن میباشد که اول یك رجعت بکنند، و دشمنرا یك مظفریت ظاهری نشان بدهد،

ودر آخر، مظفریت قطعی‌راخودداواحرازبکنند . اینست پلان جنرال که به
این محاربه آن‌را اثبات کرده است . مانبایدکه به‌پلان جنرال (قوروپاتکین)
که مهارت واقتدار اودرنزد همگان مسلم است مداخله نمائیم . زیرا اینگونه
مداخلات جنرال راخیلی متأثر میکنند . اعتماد وامنیتی که برمهارت واقتدار
جنرال داریم برای موفقیت وکامیابئی اوکافی دیده میشود . » .

(حرکت رفتار اردوی نخستین ژاپان ازیالوراست بسوی)

(فنغ هوا نشان)

جنرال (ساسولیچ) بعدازانکه مفرزهٔ خودرادر(فنغ هوانشان)جمع
آوری نمود درانجا نیزتوقف نکرده بررجعت خود دوام ورزید . ودراوا
سط می‌بموقع (لیان شانق‌وان) مواصلت کرد .

به‌این رجعت مفرزهٔ (ساسولیچ)، جنرال (میچه نقو) نیزپیروی کرده
بسوی (سیویه ن) درکشید . وازانجا بستروحمایهٔ جناح راست‌مفرزهٔ مذ
مأمورگردید . وظیفهٔ امنیت دادن وحمایهٔ جناح چپ‌تول غند بزرگ‌روس
راکه در(لیا نویانغ) جمع آوری میشدلوی غند سوارئی جنرال(ره ننقامپ)
که بسوی (سایماچی) فرستاده شده‌بودسپرده، وبه‌این‌لوی غندیك‌غندپیاده،
ویك غندك یعنی — (٦) طوپ که به اصطلاح ملك‌مالك طوپ خانه گفته
میشود ترفیق شده بود .

تول‌غند نخستین ژاپان هنگامیکه به (آنطون) وپیشتراز آنطون رسید
بحال ووضعیتی که درشام روزاول می بودنماند . کیفیت مانده‌گی وپاك کردن
وخالی‌کردن میدان محاربه این توقف‌را ایجاب کرده‌بود .

وظیفهٔ تماس کردن را بادشمن به قول‌های کشف تودیع کردیده . ودرمو
قع (طانچان شون) که ازقراول‌های پیش‌تقریباً (۲۰) کیلومترو پیشتر بود

این قول‌های کشف باقازاقهای روس که درحال رجعت بودند یك مصادمهٔ کوتاهی بوقوع آمده بود .

در (٤) ماه می غند سواری خاصه راست بسوی (فنغ هوا نشان) بحرکت پیش رفتن آغاز نهاده درهمان روز به (قولیمون) آمد ، ودرانجا به استحکام های خالیئی که نوساخته شده بود تصادف نمود .

(فنغ هوا نشان) چون هنوز درزیر استیلای دشمن بود ازاثر و غند سواری تاپروزدیگر درانجامانده در (٦) می بموقع مذکور مواصلت ورزید .

در (٥) می لوی غند (٢) نیز بحرکت پیشرفتن آغاز نهاده تابه (٨) می در شمال غربئی (فنغ هوانشان) اجتماع کرده است ، ولوی غند مذکور را لوی غند (١٢) ولوی غند (خاصه) نیز تعقیب وپیروی کرده آنها نیز تابه (١١) می کاملاً به آنجا آمده بودند .

در پیش روی لوی غند ها قراولهای بسیار کثیف وقوتمندی براورده شده بود ، وخط مقاومت ومدد رسانئی آنها نیز بخو بصورت تحکیم وتقویت داده شده بود . غند های سواری نیز براستقامتهائیکه بسوی دشمن متوجه بود به اجرای کشفیات مشغول بودند .

برای امنیت دادن جناح راست تول غند در (قواندیانجان) یك غند احتیاط موجود بود ، تول غند نخستین درحوالئی (فنغ هوانشان) تایکمدت بسیاری بماند . وظیفهٔ این تول غند درینوقت عبارت ازین دو کار بود :

اولا تول غند دشمن که در (لیائویانغ) ، وحوالئی (داشیجاعو) جمع آوری وتحشیدات اجرا میکنند تعرضات آنرا که اگر بر (کوریا) بوقوع بیاید منع کردن .

ثانیاً : حرکات اخراج یعنی — بیرون برامدن تول غند(٢) را که درین

اوقات درساحل (لیاتو تونغ) آغاز نهاده از تشبثات تعرض دشمن ستر و حمایه کردن .

اس الحرکات تول غندتابه ایندم، نهر(یالو) بود. تقلیات منزل ‌ه تابه‌ایندم تابه (ریقاعو) بحراً ، وتابه (ویجو) براً اجرا میگردید بعدازین از (یالو) به (آنطون) توجیه وانتقال یافت .

غیرازغیرك غند احتیاطی که به‌این تول غند منسوب بود ، وپیش ازین آمده بود قسم‌کلی دوغیرك غنداحتیاط دیگر نیزدرعقب‌تول‌غند رسیده‌بود که وظیفهٔ این‌قطعات‌این‌بود : ‌ه‌درأثنای یك‌برگشتن محتملهٔ تول‌غندنخستین منطقهٔ اراضئی را ‌ه تول غندقطع‌نماید‌بدست‌داشته باشند ،و‌منطقهٔ مذکوره را ادارةً ، وصناعةً امین ومحفوظ بدارند .

تول غند (طاقوشان)

۲ — و — ۳

بعدازانکه تول غند نخستین یالو را گذرکرد؛ از(۵) می‌تابه (۱۵) می تول غند (۲) ژاپان نیزدرساحل (لیائوتونغ)به خلیج (به‌نطوای)برامده بود . ودر(۲۰) می برای ملاقی شدن به‌این تول‌غند،درهمین خلیج برامدن تول غند (۳) نیز آغازنهاده بود. بعدازان بالوی غنداول‌تول‌غند(۳)درعین زمان درموقع (طاقوشان) به اخراج تول‌غند (٤)نیز آغازنهاده شده‌بود .

این‌تول غند (٤) یکسر بسوی (سیوبه‌ن) رفته‌دروسط خط‌فنغ (هوا نشان) و(قایجو) جاخالئی‌را که درمابین تول غندها مانده‌بود پر میکرد .

قطعات این تول غند که درجوار(طاقوشان) براورده شده‌بود تابه اوا سط ماه جون تنها یك‌لوی‌غند (۱۰) بود که دیگرلوی غند های آن‌نیزپئی هم برای‌برامدن منتظرفرصت میبودند .

قوت روس که به نقطهٔ اخراج ژاپانها از همه نزدیکتر بود همانا غبرك غند سوارئی جنرال (میچه نقو) بود که این جنرال در ابتدای حرب. غبرك غندقا زاقی را که در (کوریا) برای استکشاف مامور شده بود قوماندا میکرد . ودر روز (۲) اپریل با غبرك غند خود از پیش روی تول‌غند نخستین ژاپان خودرا کشیده بساحل راست نهریالو واپس آمده بود .

در نهایت اپریل قطعات (میچه‌نقو) که درمابین (طاقوشان) ، و(چنزان) منقسم شده بودند ، بقوت (۳) غند پیاده ، و (۱۱) طرب سواری ، و (۲)غندك یعنی — دوطوپخانه طوپ بود .

جنرال(میچه نقو)بموجب امریکه از قوماندان کل گرفته بودباقسم کائی خود ازراه (فنغ هوانشان) ، وبایك قسم دیگرخودازراه (سیوبه‌ن) به (حایچون) عقب کشیده بود. این برگشتن (میچه نقو) درابتدای می بوقوع امده‌بود که بسبب این برگشتن عملیات ترصدواستکشافات ، موقتاً منقطع شده بود . این انقطاع ترصدو استکشافات جنرال(میچه‌نقو) این‌نتیجه رابخشید که قطعات قوتمند ژاپان بخشکه برامد . بعدازانکه این خبربواسطهٔ مردمان بومئی آن حوالی درقرارگاه روس رسید، وجنرال (قوروپاتکین) خبردار گردید بازسردوباره خدمت ووظیفهٔ ترصدراقایم گردانید.

ازینمسئله معلوم میشود که تعطیل حرکات استکشاف اگر چه موقت هم‌باشد هیچگاه جایز نیست .

دراواسط ماه می غبرك غند (میچه نقو) در (سیوبه‌ن) بود.

(طاقوشان) ازطرف روسهاخالی شده ازطرف مفرزه های خفیف ژاپان استیلاگردید ، وبه اینسبب حرکات‌عسکربراوردن ژاپانها هادرجوار (طاقوشان) بکمال سهولت وبدون مقاومت اجرا کرده میشد .

درصبح روز (۱۹) می سفاین نقلیهٔ ژاپان که لوی غند (۱۰) تول غند (٤) راحامل بوددر زیر حمایهٔقوهٔبحریهٔ کهدرزیر قوماندهٔقونترامیرال (حوزویا) بود در پیشگاه (طاقوشان) ظهور نمود . درساعت (۸) به اخراج اغاز شد . هواخیلی خوب ودشمن مفقودبودازاز وبهیچگونه مشکلاتی برخورده نشد . درهمان روزیکسر بسوی (سیویهن) به کشفیات آغاز کردید .

هدف حرکت پیش رفتارئی لوی غند (سیویهن) بودکه درحوزهٔ ولایت (قایان) بودکه براستقامت شمال غربی واقع ، وازاراضئی کوهسار (طایچو) که قبل ازین منطقهٔ تحشیدات وجمع آورئی تول غندروس بودباپشته های (فونشولین) جداشده بود .

درهٔ (فونشولین) باوجودسختی وبلندی وپستئی که داشت بازهم قابل حرکت بود ، ولی گذرگاه دالین خیلی صعب المروربود . گذرگاه (چانپالین) نیزاگرچه قابل حرکت ومرور بود اماطوپ هاوعرابه هامیبایست که ازطرف افراد کشیده شود .

برای رفتن لوی غند (۱۰) از (طاقوشان) به (سیویهن) دوراه موجود بودکه یکی ازدرهٔ (طایان) ، ودیگری ازدرهٔ (لیاعولین) میگذشت .

لوی غند (۱۰) این راه دوم راترجیح کرده جنرال (میچه نقو) که مسئلهٔ عسکربراوردن ژاپانهارا به (طاقوشان) خبرگرفته بود باقسم کلئی خود بر استقامت جنوب حرکت ، ودرموضعهای مساعدومناسب اختیارمدافعه کرده درراه تعطیل وتأخیرحرکات پیش روئی ژاپانها سعی وکوشش ورزید .

به اینصورت درمابین قطعات پیشدارژاپانهاوطرب سوارئی روس مصادمه هاوزدوخورد های خورد وریزهٔ بوقوع آمد . تاآنکه قطعات ژاپان به (سیویهن) آمده ، وآنجارامحکم بندی کرده ، وتابوقتیکه لوی غند (۱۰) کاملاً میرسید درانجاماندند . چنانچه بعد ازین به تفصیل بیان میشود .



— { محاربهٔ (وافانقو) } —

والئی عمومئی (مانچوری) امیرال (الکسیه ف) از وقتیکه (پور آرتور) را ترك کرده بسوی مانچوری آمده بود ، جنرال (شتوسل) بدفعات از احوال مشکلهٔ قلعه شکایت ، وعلی الخصوص از کمبودئی ارزاق وذخیره ومهمات خیلی بحثها در میان آورده بود . وهم بیانامهٔ خودرا بر تمنیات فرستادن (قوهٔ تخلیصیه) نهایت میداد . حالا آنکه درین اثنا سرقولهای تولغند (۲) ژاپان از (پور آرتور) هنوز (۶۰) کیلومتره دورتر در پیشگاه موضع (نان شان) موجود بود .

امیرال (الکسیه ف) نیز معاونت رسانیدن قلعهٔ (پور آرتور) رایك لزوم مبرمی میدانست . لهذا در (۱۹) ماه می برای جنرال (قوروپاتکین) يك لایحهٔ نوشته فرستاد . دران تذکرهٔ خود از لزوم قطعئی معاونت قلعهٔ (پور آرتور) بحث رانده بیان کرده بود که بعد از انکه يك قطعهٔ (امنیت) بسوی جنوب فرستاده شود باهمهٔ قوت های موجودهٔ که بدست است بر تولغند نخستین ژاپان تعرض وهجوم برده آن را به آنسوی نهر (یالو) دفع کردن ؛ وبه اینصورت تول غند (۲) ژاپان را از حرکت بسوی (پور آرتور) فارغ ساختن ؛ ویااینکه جهت (فنغ هوا نشان) را بخوبی ترصد ، ودرزیر امنیت دراورده باقوهٔ فائقه بر (پور آرتور) پیش رفتن . ازین دوشق هرکدام که مناسبتر باشد بزودی انتخاب کرده عاجلاً اجرا کرده شود . واینرا هم در آخر لایحهٔ خود نوشته بود که من شق اول را ترجیح میکنم .

جنرال (قوروپا تکین) با این تذکرهٔ والئی عمومی از جنرال (میچه نقو) نیزیك تذکرهٔ گرفته بود که درین تذکره از حرکات بیرون برامدن قوتهای قوتمند ژاپان درجوار (طاقوشان) در (۱۹) ماه می خبر میداد .

بنابرین خبر، جنرال (قوروپا تکین) بر فکر سابق خود که تاتفوق عددئی خودرا احراز نکند بر حرکت تعرضیه اقدام نورزد ثابت قدم ماند . لهذا (قوروپا تکین) درباب سخن (الکسیه ف) تجاهل عارف بخرج داد . اما چون موضع (نانشان) بعد از یکروزه مقاومت بدست ژاپانها درامد ، جنرال (قوروپا تکین) که دررای وقرارخود صاحب عزم وتمکین نبود باز هماندم فکرخودرا تبدیل داده یکروز بعددرملاقاتیکه با(الکسیه ف)در(موکده ن) نمود حاضر و آماده بودن خودرا بر تعرض وهجوم تول غند (۲) ژاپان ، وبه اینصورت بقلعهٔ (پور آرتور) معاونت رسانیدن خود را بیان کرده است .

مالزمهٔ نقلیهٔ تول غند چون خیلی ناقص بود تعرض بردن بر تول غند نخستین ژاپان ازمیان سلسلهٔ جبال مادةً خیلی مشکل مینمود ، وحاصل شدن نتیجهٔ موفقیت نیزازین حرکت بسیارکم محتمل بود . حالا به بینیم که برای اجرا کردن تعرض بر تول غند (۲) ژاپان بدست جنرال (قوروپا تکین) چه قدر قوت موجود است :

در مقابل تول غند نخستین ژاپان ، ودرمقابل حرکات عسکر براوردن ژاپانها در (طاقوشان) قوت هائیکه روس گذاشته بوددرهمانجا ها بودن شان ضروری بود . وچون این قوتها بیرون برامده بدست تنها (۷) لوی غند پیاده ، و (۱) لوی طرب سواری میماند . که ازینهم برای تقویه کردن مفرزهٔ شرق یك غبرك غند فرستاده شده بود ، ونیز برای معاونت جنرال (میچه نقو) یك غبرك غنددیگر فرستاده شده بود .

بناءً علیه برای تعرض تول غند (۲) ژاپان تنها (۵) لوی غند پیاده ، و «۱» لوی غند سواری بدست میماند .

اما باوجود اینهم جنرال (قوروپاتکین) قول تول غند (۱۱) سیبریا را بایك لوی غند سوارئی که باآن بود ازراه (قایچو) سوراست بسوی (وافانقو) فرستاده بود که از مواد امرنامۀ که برای قوماندان این قول تول غند یعنی — جنرال (شتاکلبرغ) نوشته واضح معلوم میشود که بجز فرستادن همین قول تول غند دیگر هیچ قوتی برای اجرای تعرض بر تول غند (۲) ژاپان و معاونت قلعۀ (پور ارتور) تصور نداشته است .

(ترجمۀ اوامر عمومیه ایست که در «۷» ماه جون بجنرال)
(اشتاکلبرغ داده شده است)

« یگانه وظیفۀ قول تول غند که در زیر اداره وقوماندانئی سعادت شمامو دوعست همینست که سر راست بسوی پور آرتور پیش برود ؛ وتاکه ممکن باشد قوت دشمن را که در نیم جزیرۀ (قوانطون) اجرای حرکت میکنند دوچار ضعف کنند ، و نظر حرکتش را از (پور آرتور) نامیتوانند بسوی خود برگردانند .

« قطعات خودرا که دشمن بسوی شمال تفریق کرده فرستاده است یك آن اولتربه پس دفع کردن ضرور و مقتضی میباشد . لهذا حرکت پیش روئی قول تول غند شما بسرعت ، وشدت ، وجرأت اجرا بایدشود .

« هرگاه باقوای فایقۀ دشمن تصادف بشود تابه آخر درجه برمحاربه دوام نباید ورزید . بلکه تابوقتیکه حال و وضعیت تماماً کسب وضوح نماید قوای احتیاطیه را بمحاربه اشتراك نکراندن ضروری وشایان توصیه است .

«هدف اقصای حرکت پیش روئی تول غندشما که بر استقامت جنوب بوقوع میآید ، عبارت از ضبط وتسخیر کردن (کینچو) ، وبعدازان یکسر بسوی (پور آرتور) رفتن میباشد .»

پس از مفاد این تعلیمات چنان معلوم میشود که قوما ندان عمومئی تول غند یعنی — جنرال (قوروپاتکین) دراینوقت هنوز نیت آن را ندارد که یك تعرض جدی وعمومی اجرا نماید . بلکه درتصور آنست که محاربه را تشهابه بعضی نمایشها بگذراند .

جنرال (قوروپاتکین) درتعلیمات واوامر خود هدف اقصارا به (شتاکلبرغ) (پور آرتور) رانشان داده است . حال آنکه برای وصول این هدف وقت وزمان بسیاری لازم بود . حالآنکه در (فنغ هوانشان) ، و(سیویهن) قوت های قوت ناك دشمن موجودبود . لهذا اول لازم بودکه بمقابل این قوتهای دشمن یك حرکت پیش رفتارئی بغلی اجرامیشد ، واین حرکت را باجانبدار های قوتمندی سترومحافظه کردن لازم وواجب بود . اما این حرکت که از (قایجو) ، به (کینچو) اجرا میشود بسببیکه ازعقب دایماً معروض تهلکه میباشد چندان معقول دیده نمیشود . شرط الزم حاصل شدن موفقیت ازین حرکت برمغلوب کردن دو تول غند دیگر دشمن ، پیش ازین تول غند سوم موقوف بود .

حال آنکه دراوایل جون قوت تول غند روس برای حصول این مقصد بدرجهٔ ضعفیت بود . ازان رو بحث کردن قوماندان تول غند دراوامر خود از ضبط کردن (کینچو) یك خیال بعیدی مینمود . مع هذافرستادن قوهٔ امدادیه به (پور آر تور) نیزباهمهٔ این موانع ومشکلات بهمه حال لازم دیده میشد .

لهذا جنرال (قوروپاتکین) هر دو مقصدرا مزج وتألیف کرده تنها بر فرستادن یك قول تول غند قرارداده است . بلکه راست ترش اینکه بیك تدبیر

نیم خامی اکتفا ورزیده است •

— مصادمات در مابین سواری طرفین —

غیرك طرب سواری جنرال (آقیجاما) ی ژاپانی که عبارت از سواری و (۲) مفرزهٔ تفنگ ما شیندار بود، با (۲) کنندك پیاده تقویه شده در روز (۳) می از (پولانتیەن) به (وافانقو) فرستاده شده بود • این غیرك غند پیش از پیشین وقتیکه به (چوجیاتون) رسید، جنرال (آقیجاما) خبر گرفت که قصبهٔ (چو جیا تون) از طرف قوت های خفیف روس در زیر استیلا میباشد • این قوتها به غیرك غند مختلط جنرال (صامسونوف) روسی که قوماندان لوی غند سوارئی تول غند سیبریا بود منسوب بود •

این غیرك غند که مرکب از (۱۳) طرب سوارئی در آغون یعنی — (۱۶۰۰) سواری، و نیم تولی یعنی — (۱۰۰) نفر پیاده، و (۱) غندك یعنی — (۶) طوپ بود برای امنیت دادن نقلیات قول تول غند مذکور، و سر از نو استیلا کردن خط راه آهن (وافانقو) از (قایچو) بسوی جنوب فرستاده شده، در (۳۰) ماه می مانند غیرك غند سوارئی ژاپان او هم به (وافانقو) در نزدیك شدن بوده •

جنرال (صامسونوف) چون این یك را هنوز احتمال نمیداد که امروز با دشمن مصادمه بوقوع بیاید از آن و برای تدارك کردن خورا که و منزلگاه مرکب از (٤۰) نفر سوارئی دراغون یك مفرزهٔ منزل ساز بقصبهٔ مذکور فرستاده بود •

خود غیرك غند نیز در حالتیکه در پیش خود یك تولی پیشدار داشت از عقب می آمد • پیش از پیشین بیك ساعت در وقتیکه پیشدار روس به درهٔ (فوچو) واصل شده بود بجنرال (صامسونوف) خبر رسید که یکنیم طرب سواری، و نیم تولی پیاده که بجهت جنوب (وافانقو) سوق شده بود با قوت های فایق دشمن بصحار به دو چار آمده است • لهذا جنرال (صامسونوف) بهمان ساعت با تکمیل

قوت خود بکمال سرعت به پیش حرکت نمود .

هنگامیکه جنرال (صامسونوف) به استاسیون (وافانقو) رسید (۳) تولی دراغون پیش خودرا به امداد قطعات (چوچاتون) خود فرستاد، (۲) تولی دیگر خودرا نیز برای احاطه کردن جناح چپ ژاپانها بر تپهٔ حاکم غربئی (چوجاتون) روانه کرد .

درین اثنا جنرال (صامسونوف) مشاهده کرد که (۳) تولی دراغونی که در تپهٔ جنوب (لوشاغو) بودند از اسپهای خود فرو آمده پیاده جنگ میکردند وتولی پیاده درشمال (چوجاتون) درخانه های ده مدافعه میکردند. ژاپونها نیز قسم جنوب ده را باپشته های جوار آن استیلا کرده بودند . کندك روس نیز در جنوب پل استاسیون راه آهن اخذ موضع نمود . قسم متباقی قسم کلی نیز که (۷) تولی بود در پیش این کندك آمد .

یکساعت بعد از پیشین دیده میشد که افراد پیادهٔ روس ده را خالی کرده ،ژاپانها به تعقیب ان شتاب میکردند. برای مدد پیاده که بشدت تعقیب میشدند جنرال از احتیاط خود (۲) تولی را امر هجوم عطا نمود. این دو تولی هنوز نارسیده پیاده ها بفرار کامیاب آمده به دراغونها ملحق شدند. امایك قسمی از دراغونها که پیشتر رفته بودند از طرف طرب سوارئی ژاپان درشرق راه آهن دریك بغلهٔ سنگلاخی احاطه شده در زیر تضییق و فشار گرفته شده بودند . تام درین اثنا (۲) تولی قازاق ازجهت غرب راه آهن ظهور نموده تولی ژاپان از پیش روی تفوق روسها بسوی (بوجاتون) خودرا کشیدند . وهماندم پیاده وتفنگهای ماشیندار ژاپان ازمحیط شمالئی ده بر قزاقها یك آتش مؤثری کشاده آنهارا برجعت مجبور کردند .

بعد از پیشین بساعت (۳) ژاپانها بر پشتهٔ جنوب (لوشاغو) بشدت تمام

هجوم بردند ، لهذا روسها از انجا یکسر بسوی (وافانقو) عقب کشیدند .

درین مصادمه ضایعات ژاپانها عبارت از (۱) افسر و (۲۵) نفر مقتول ، و (۳) افسر ، و (۳۳) نفر مجروح ؛ وازروسها (۳) نفر مقتول ، و (۲) افسر ، و (۳۲) نفر مجروح ، و (۴۰) اسپ غایب بوده است .

دیده میشود که درین مصادمه طرفین بیك صورت جدی و حقیقی محاربه را قبول نکرده اند .

جنرال (آقیجاما) در تصور این نبود که یکشدت تاك هجومی اجرا نماید بلکه مقصدش این بود که دشمن مقابل خود را پریشان و وضع را از دستشان برباید که به این مقصد خود نایل هم شد .

بعدازین محاربه ، غبرك غندسوارئی هردوطرف تقویه شده بود . قسم کلئی غبرك غندهای مذکور در موضعهای (۳۰) می خود مانده ازانجا به استکشافات دوام کرده اند .

درروز (۳) ماه جون ، جنرال (صامسونوف) با (۱) کندك پیاده ، و (۴) طرب سواری ، و (۱) غندك طوپ بمقابل (یوجاتون) یك کشف تعرضی اجرا کرد .

ازین محاربه هردوطرف خیلی قیمتدار نتیجه ها حاصل کردند . چونکه جنرال (صامسونوف) این را آموخت که ژاپانها با (۲) کندك دیگر ازیك قوتی که بسیار دور نیستند تقویه شده اند . جنرال (آقیجاما) نیز این را دانست که به غبرك غند سواری روس عسکر پیاده فرستاده شده حتی سرقولهای پیادهٔ شان نیز از وقت به « وافانقو » واصل شده اند . لهذا از نتیجهٔ این کشف ، غبرك غند سوارئی ژاپان روز دیگر به « وافانتیه‌ن » ، ویك روز بعد دیگر بسوی جنوب بیشتر عقب کشیده است .

ـ واردشدن قدمه‌های نخستین قول تول غندسیبریا به «وافانقو»

روز « ۳۰ » می بنابر آمدن غیرك غند سوارئی روس به« وافانقو» غند (۳٦) لوی غند «۹» شکاری به نقلیات شمندوفر یعنی — ریل آغاز نهادند در روز« ٥ » جون جنرال « شتاکلبرغ » نیزبه « وافانقو» بیامد .

این قول تول غند نخستین روس پیش ازانکه بحرکت تعرضیه آغاز کنند درینجا جمع آورئی شان لازم بود .

اراضئی جوار استاسیون راازه ٥ » جون تابه « ۸ » ماه مذکور، خود « شتاکلبرغ » بالذات کشف کرده پشته های « طافان شین » وتپه های شمال خط«یوحیاتون — وافان ووپون» را انتخاب کرد . قوماندان قول تول غند از انتخاب این موضع مقصدش این بود که اگر پیش ازاجتماع قطعات قول تول غند، یك تعرضی ازطرف ژاپانها بوقوع آید،درین موضع که با استحکامات خفیفه آن راتقویه میکنند، مقاومت بکنند .

معهذا فیه بارون « شتاکلبرغ » ازطرف دشمن درین نزدیکیها یك هجوم را بسیار محتمل نمیدید . ازان رودراستحکیمات یك فعالیت بزرگی نشان نه داده است . در خصوص انشای استحکامات عملهٔ مکلفهٔ چینی را استعمال کرده است .

بعدازغند « ۳٦ » لوی غند نخستین شکاری ورودنمود . این لوی غند در « ۲۷ » می از « حایچون » تابه « قایجو » « ٦۰ » کیلومتره مسافه را قطع کرده وازانجا باشمندوفر تابه « وافانقو» فرستاده شده ، و قدمهٔ اخرین آن تابه « ٥» جون به آنجا مواصلت کرده بود . بعدازان نقلیات تایك دوروز معطل بماند .

درین اثنا « ۲» قول ژاپان ، یکی لوی غند «۱۰» ، ودیگری غیرك غند

« ۱ » خاصه بسوی « سیویه‌ن» یعنی بر خطوط مواصلات «شتاکابرغ» حرکت پیش روی داشت

سیویه ن در« ۸ » جون از طرف ژاپانها ضبط و جنرال « میچه نقو» نیز ازانجا به درهٔ « دالین » برجعت مجبور شده بود . غیر ازین مسئله یك مسئلهٔ دیگری نیز ظهور نمود که آنهم در« ۷ » جون یك لوی غند کشتیهای جنگئی ژاپان در زیر قوماندهٔ امیرال « طوغو» در جوار« قایجو» ظهور کرده ازانجا پل راه آهن را بطوپ کوبیدن گرفته بود .

اینست که حادثهٔ « سیویه‌ن » وظهور اینچنین یك دسته کشتیهای جنگی ، مواصلات قطعات قول تول غند نخستین سیبریارا که در« وافانقو» بود دوچار تهلکه کرده قسم کلی لوی غند « ۹ » در« قایجو» به توقف کردن مجبور کردید . درین اثنا ازاستقامت «پولانتیه ن » نیز برای این قول تول غند رفته رفته تهلکه نزدیکشده میرفت .

— رفتن پیشدار روس در« وافانتیه‌ن » —

جنرال « صامسونوف » بنابر امر جنرال « شتاکابرغ » در روز « ٦ » جون از« وافانقو» به « وافانتیه‌ن» که بقدر« ۲۰ »کیلومتره دورتر بود برفت ، وقسم کلئی خودرا درانجا مانده در خط « یانویانجس — سیاعوجاجان — چی جانون» که زیاده از« ۳۰ » کیلومتره امتداد داشت مرکب از پوسته های عسکری یك زنجیر امنیتی تأسیس داد که مرکز این خط امنیت از« وافانتیه‌ن » « ۸» ، وجناحهای شان «۱۶» کیلومتره دوربود .

جنرال « شتاکابرغ » بنابر مقصد آنکه تدارکات خودرا ازانظار تجسس دشمن پنهان کند ، واگر دشمن قطعات خودرا بسوی شمال بفرستد آنرا هماندم بشدت دفع ومغلوب نماید در(۱۰) جون (٦) کندك پیاده را از

لوی غند (۱) با یك بطاریه طوپ بطریق پیشداری بواسطهٔ شمندوفر به (وافانتیه ن) روانه نمود . واین پیشدار پر قوت خودرا به ادارهٔ قوماندانئی جنرال (سمیرنوف) تودیع کرد .

جنرال (سمیرنوف) ازینقوت (۲) کندك خودرا تفریق کرده بتقویهٔ پوسته های سوارئی زنجیر امنیت فرستاد . حالآنکه ژاپانها باوجود اینهمه تقویه های خط امنیت روسها ؛ برخدمات استخباریهٔ خودشان بکمال غیرت وثبات ، دوام میورزیدند .

روسها در (۱۳) ماه جون دراستقامت (پولانتیه‌ن) اجرا کردن یك استکشافی راتصور کردند ، وبرای اینکار مفرزهٔ که ترتیب داده شده بوددرشب به سوی (پولانتیه‌ن) سوراست شده روزدیگر بوقت صبح بخط قراول پیش ژاپان رسیدند . مفرزهٔ استکشافیهٔ روس بخیال آن بوده که درانجا بخیال استراحت واقامت یك دشمنی را خواهنددید . حال آنکه بالعکس به قولهای پرقوت دشمن که ازوقت پرفتار آغازنهاده بودند تصادف کردند پس معلوم شد که تول غند ژاپان درروز « ۱۳ » جون ازصبح وقت یکسر بسوی شمال به حرکت تعرضی قیام ورزیده‌اند .

درباب اینحرکت پیش روئی غیرمنتظر قوماندان پیشداردرعین زمان از همهٔ پوسته های زنجیرامنیت‌را پورها گرفت . هنوزدرساعت‌های اول صبح قوت دشمن بقدر « ۹ » کندك پیاده ، و « ۷ » طورب سواری ، و « ۱۰ » قطعه طوپ تخمین بود که قوماندان روسی ازمقاومت بااین قوت فائقه هیچ یك فائدهٔ تصور نکرده اولا پوسته هارا ، بعد ازان قسمکاه‌را بعقب کشیدن آغاز نهاد . بساعت چار ونیم بعدپیشین ژاپانها بمسافهٔ « ٤ » کیلومتره بجنوب « وافانتیه ن » آمده درانجا تعطیل حرکت ورزیدند . جنرال « سمیرنوف » نیزدر

پشته‌های «اوجاتون» توقف نمود . مومی الیه از مجرای ترصد و کشف دشمن سر از نو به پیش قطعات کشف فرستاده ولی در مقابل قولهای دشمن بیدار و هوشیار هیچ کاری از پیش نبرده توانستند یکی از روزنامه نگاران روسی که با یکی ازین قولهای کشف رفاقت کرده بود مشاهدات خودرا در یکی از روزنامه‌هائیکه در «خاربین» نشر میشد به این صورت تحریر و تصویر کرده است :

« از همه پیشتر بیك چینی که بسیار متهیج و سراسیمه بود برخوردیم . این چینی گفت که یك قدری پیشتر بر سر تپه ها بسیاری از ژاپونهارا دیدم که به اینسو می آیند . لهذا قول کشف مابسوی آن تپه حرکت کرد . لکن یك کمی نگذشته بود که قولهای متعدد ژاپان نمایان گردید . بادور بین قولهای از هم منفردرا واضحاً میدیدیم . قراول های ما آهسته آهسته پس میکشیدند .

« قوماندان قول کشف ما به جنرال یك راپوری نوشته فرستاد ، و بیك نقطهٔ ترصد نوی که عقب تر بود عودت نمود . لکن ژاپانها مانند سیل خروشان ازچپ وراست ظهور کرده بشدت مارا تضییق میکردند که ماهم بلا فاصله برجعت دوام میکردیم ، اینستکه باینصورت باقراولهای کوچك خود که مانند ما به عقب میکشیدند یکجا شدیم .

« در میان یك حرارت تحمل فرسا عسکرهای ما که بسیار اشیا را حامل بودند در پشته های پرسنگلاخ بشد شواری خودرا میکشیدند . بسیاری از عسکرها بحال راه رفتن نبودند . قازاقها بالاپوشها و بکس های افرادرا باخود میبرداشتند . ضعیف ترین و ناتوان ترین افرادرا نیزدر پشت خود میبرداشتند .

« بعدازانکه یکساعت دیگر بهمین منوال راه زدیم ژاپانها برای استراحت وطعام خوردن توقف ورزیدند . قراول ماهم برای ترصد و کشف احوال دشمن که درینوقت به استراحت وطعام مشغول بودند برسر یك تپه توقف

کرد . وقت شام بود که از « وافا نتیه ن » یك غند قازاق برای ستر و حمایه کردن قراولها سوق کرده شد . « ۲ » تولی این غند یکقدری پیشتر رفته بود که دفعةً بیك آتش شدتناك دشمن استقبال شدند . تولی های دیگر نیز عیناً بهمینصورت قبول فرموده شدند . بسایهٔ تاریکئی شب غند قازاق بی آنکه بضایعات مهمهٔ گرفتار شوند باز به « وافا نتیه ن » رجعت کردند . قراولها و پوسته های ماهم آهسته آهسته به آنها ملحق شدند » .

— ختام یافتن نقلیات قول تول غند نخستین سیبیریا —

بنابر رسیدن این خبر بقرارگاه تول غند جنرال « شتا کلبرغ » که ژاپانها به محکم بندئی « سیو یه ن » مشغول شده به این طرف خیال آمدن ندارند ، ولوی غند بحریهٔ « توغو » نیز عودت کرده باز بسوقیات و نقلیات « وافانقو » آغاز شد .

در « ۱۳ » جون قدمهٔ نخستین لوی غند « ۹ » که عبارت از « ۲ » کندك پیاده و « ۲ » غندك طوپ باشد رسید . و درحالتی که دیگر غندهای اینفرقه یعنی — غند « ۳٤ و ۳۵ » میخواستند که حرکت کنند بجای آنها غیرك غند « ۲ » لوی غند « ۳۵ » قول تول غند اوروپا سوق کرده شد . واین غیرك غند با « ۲ » غندك طوپ دروقت شام « ۱۳ » جون واصل شده بود .

اما چون تول غند دشمن امروز به تعرض آغاز نهاده بود جنرال « شتا کلبرغ » تر ستادن متباقئی لوی غند « ۹ » را بادیگر قوای امدادیه مصراً طلب نمود . غندهای « ۳٤ و ۳۵ » بایك کندك بوقت شام « ١٤ » جون آمدند . یك غند دیگر آن در « ۱۵ » جون در وقتیکه رجعت قول تول غند آغاز نهاده بود به بسیار مشقت واصل شده توانسته بود . باینصورت جنرال « شتا کلبرغ » در « ۱۵ » جون » مالك « ۳۵ » کندك پیاده ، و « ۱۸ » طرب

سواری ، و « ۱۱ » غنبدك طوپ یعنی — « ۲۵ » هزار تفنگ ، و « ۲۵۰۰ » شمشیر ، و « ۸٤ » قطعه طوپ بدست داشت .

— موضع « وا فانقو » —

اطراف وجوانب « وا فانقو » باىغله های سخت وسرتیزی مقطوعست بغله ها اکثر خشك و برهنه است . وادیها که بقرا خنئی یك یادو کیلومتره است مزروع ، وباقریه ها وباغچه ها مستوراست .

نهر « فوچو » درموسم باران یك مانع بسیارقوی تشکیل میدهد امادرین وقت هرنقطهٔ آن قابل مروراست .

موضعیکه ازطرف بارون « شتاکلبرغ » انتخاب شده بود از « لونقو » آغاز کرده ، ونهر « فوچو » راقطع ، و « تابه واقان وویه ن » بدرازئی « ۷ » کیلومتره بوده میدان انداخت پشته های غربئی « فوچو » اگرچه خیلی واسع وفراخ بود اما از جهت جنوب شرقی باتپه های بئی هم احاطه شده بودبرسراین تپه سیرهای شکاری وموضعهای طوپ بوجود آورده شده ، وپیش روی موضع های طوپ باخندقهای شکاری درزیر امنیت گرفته شده بود . پیشگاه این غندك ها یعنی — طوپ خانه هانیزاگرچه واسع وبازبود اما ازسوی غرب میدان انداخت شان آنقدرخوب نبود .

کتلهٔ جبل که درشرق نهر « فوچو » بود بسیارعارضه ناك ، وبرای طوپ های صحراغیر مساعدبود . لهذا طوپ های صحرا تنها درمیان دره وتپهٔ که درجنوب بوداخذموقع کرده توانسته بودند .

غیر ازطوپ خانهٔ که درمیان دره بود دیگرهمه طوپ خانه هابرسرتپه ها بودند که از بسیار دورنقطهٔ نشان بسیار معلوم داری عرض میکردند . درپیشگاه خط مدافعهٔ شرق نیز ، دشمن برمسافهٔ « ۲۰۰۰ » متره مستوروآمنتشر شده

میتوانستند .

برای مدافعهٔ موضع در «۱۳» جون بوقت شام در زیردست بارون «شتاکلبرغ» این قوتها موجود بود :

	کندك	تولی	غندك
لوی غندشکارئی «۱» جنرال «کرن غروس» :	۱۲	٠٠	٤
لوی غندشکارئی «۹» جنرال «قوندراتوویچ» :	٠٥	٠٠	۲
غبرك غند «۲» لوی غند «۳٥» :	٠٨	٠٠	۲
لوی غند مختلط سواری جنرال «سمیرنوف» :	٠٠	۱۸	٠

ازین قوتها در وقت شام ۱۳ جون. لوی غند سواری، وغبرك غند «۱» پیاده، ویك غندك در «سانجاتی» شب را بسر آورده بودند .

امر جنرال «شتاکلبرغ» که بقول تول غند برای محاربهٔ فردا داده شده بود عیناً درینجا نقل میشود :

«دشمن که تقریباً بقوت «۲» لوی غند میباشد از جنوب یکسر بسوی استیشن راه آهن درامدنست .

«هرگاه دشمن برهمین حرکت پیش روئی خوددوام ورزد، قول تول غند ها موضع های مستحکم شمال «یوجاتون» ، وطرفین خط شمندوفر را اشغال میکنند .»

قوت این قول تول غند باینصورت توزیع شده بود :

«در منطقهٔ جناح راست که درغرب خط است : قطعات لوی غند «۹» که عبارت ازغبرك غند های «۳۳و۳٦» باشد با «۲» غندك طوپ، جنرال «قوندراتوویچ» .

«در منطقهٔ جناح چپ : غبرك غند «۲» لوی غند «۱» عبارت از (٦)

کندك ، و «٣» کندك ، و «١» غندك جبل در زیر ادارهٔ جنرال «کرن غروس» .
«غبرك غند «٢» لوی غند «٣٥» با «٢» بطاریهٔ خود در استاسیون شمندوفر «وافانقو» احتیاط قول تول غند را تشکیل میکنند .
«لوی غند سوارئی جنرال «سمیرنوف» که تابحال خدمت پیشداری را میدید برای ترصد کردن وادیهای منطقهٔ «چونجاتون» در جهت غربئی «طافانشین» اخذ موقع» میکنند ، واز پیش روی قوت های فایق دشمن بر «لونقو» خود را میکشد .
«غبرك غند «١» لوی غند «١» بایك کندك ، صبح وقت بجناح چپ لوی غند جنرال «کرن غروس» آمده در انجا منطقهٔ احتیاط را تشکیل میدهد .
در عقب هر منطقه از هیئت خسته خانهٔ داوطلب یك یك بلوك موجود میشود ، وقطارها وقافله ها «١٢» کیلومترو درعقب میماند .
پس نظر به این ترتیبات در وقت پیشین «١٤» جون ، نیم قول تول غند یعنی — «١» لوی غند و [٥] کندك در منطقهٔ شرق ، و [١] غبرك غند با [٢] کندك در منطقهٔ غرب ، و [١] غبرك غند پیاده و [٢] در مرکز تقسیم شده بود .

— جمع آوری وحاضرئی هجوم تول غند [٢] ژاپان —

هنگامیکه موضع [نانشان] از طرف ژاپان ها ضبط گردید ، ولوی غند های [٣ — و — ٤] به استقبال قول تول غند جنرال [شتاکلبرغ] شتافت ، درانوقت لوی غند [٥] ، وغبرك غند مستقل سواری برای ستر کردن این حرکت ، ومعلومات گرفتن از احوال دشمن بسوی شمال فرستاده شده بود . قسم کلئی لوی غند [٥] ، خط راه آهن را تعقیب کرده بطرفهای شمال غربی حرکت کرده بود .
درعقب لوی غند [٥] وغبرك غند سواری ، دراوایل ماه جون دو لوی غند

ژاپان که به وقایع [کینچو] اشتراك ورزیده بود جمع آوری میکرد. جملۀ این قوتها، تول غند[۲] ژاپانرا تشکیل میداد، ودرزیر سرافسرئی جنرال[اوقو] که فاتح «کینچو» ست میبود.

قوت تول غند[۲] ژاپان عبارت بود از[۳۶] کندك پیاده، و [۱۷] طرب سواری، و[۱٤] کندك یعنی — طوپ خانه «» یعنی — این تول غند [۳٦۰۰۰] تفنگ، و[۲۵۰۰] شمشیر، و[۲٤٦] قطعه طوپ را مالك بود که به این حساب برقول تول غند جنرال [شتاکلبرغ]به تفنگ یك ثلث، و به طوپ سه مثل فایق بود. وغیر ازین از لوی غند[٦] که خروج آن در [۱۳] جون به خلیج [یه نتوعا] مقرر بود رسیدن امداد، نیز محتمل بود.

جنرال [اوقو] بواسطۀ جاسوسهای چینی ئیکه دراستحکامات[وافانقو] در تول غند روسها کارکرده بودند، واز نتیجۀ مصادمات سواری، واستکشافات امیرال [توغو] در باب حال ووضعیت قول تول غند روس معلومات کامله وصحیحه بدست آورده بود. وبه اینهم قناعت حاصلکرده بود که برقول تول غند مذکور هر انقدر که چابکتر وزودتر تعرض کرده شود احتمال مظفریت نیز بهمان نسبت قوت میبابد.

بعدازانکه برای کامل کردن جبه خانه که درمحاربۀ[کینچو]سراسر صرف شده بود یکچند روز مجبوراً انتظار کشید بایك جبهۀ فراخی بحرکت آغاز نهاد ودر [۱۳] ماه جون بوقت صبح قراولهای روس را طرد ودفع کرده بخط [چای — نیزوان — قوجاتون — اوجاتهن] واصل شده مواقع مذکوره را ضبط نمود.

امریکه درساعت [۷] شام برای حرکات روز [۱٤] جون ازطرف جنرال[اوقو] بتول غند داده شده است عیناً درینجا نقل میشود:

در مابین قول راست لوی غند(٣) ژاپانی، وغند نخستین سیبریای شرقی یك محاربهٔ بسیار شدتناکی وقوعیافته بود .

در جهت غربئ خط شمندوفر امروز هیچ وقوعاتی نشده بودلوی غند (٤) ژاپان بوقت پیشین به (سا چوچی) آمده امشب رادر دوطرف نهر (فوچو) بسر آورده بود .

نتیجهٔ حاصلهٔ امروز برای ژاپان ها خیلی مساعد بود . قولهائیکه در وسط بودند جبههٔ راکه امرشده بود گرفته بودند . درمیان این جبهه اقسام قوتناك دشمن تنهادرجهت جناح شرق بودکه غندك های طوپچئی آن جناح روس را بزیر آتش شدتناکی گرفته بودند .

بارون (شتاکلبرغ) ازتأثیر این مشاهدات خود ، ونیامدن هیچ خبر ازجهت جناح غرب، چنان گمان کردکه قوت دشمن تنهاعبارت از(٢)لوی غند بوده ، آنهاهم بر هجوم جناح شرق موضع مأمور میبا شند . لهذا جنرال (شتاکلبرغ)بنا برین قیاس خود قرارداد که برجناح راست ژاپانهایك تعرض مقابل شدتناکی اجرا نماید . وبرای آنکه این قرار خودرا پیشتراز دشمن بموقع تطبیق وضع کند غبرك غند (٢)لوی غند(٣٥)خودرابه(چوجانون)که(٤) کیلو متره درجنوب شرقئی (وافانقو) سمت فرستاد ، واز احتیاط خود نیز لوی غندنخستین شکارئی خودرابجبههٔ شرق طلب کرده بود . به اینصورت زیاده ازسه ربع قول تولغند درجهت شرق نهر(فوچو) بوده محافظهٔ جناح غرب تنها به (٥) کندك پیاده ، و(٢) کندك وچندطرب سواری تودیع شده بود .

پس به این حساب درشب (١٥) جون درجناح شرق ، یك لوی غند پیاده ، و یك غبرك غند سواری ژاپانها بوده بمقابل آن یکنیم لوی غند روسها موجود بود . درجهت غرب بعکس آن بمقابل (٢) لوی غند پیادهٔ

ژاپان تنها (١) غبرك غند ضعيف روس، موجود بود . این طرز توزیع و تقسیم قوا برای ژاپانها خیلی موافق و مساعد افتاده بود .

ترتیبات برای (١٥) جون

بساعت (١١) شب از قرارگاه تول غند ژاپان برای فردا این امر (هجوم) رسید:

لوی غند (٥) باطلوع آفتاب از (٤) کیلومتره غرب (طافان شین) حرکت کرده بر خود (طافان شین) هجوم میکنند .

لوی غند (٣) بالوی غند (٥) محافظهٔ ارتباط ، وترقی کردن هجوم آنرا انتظار کرده بعد ازان برتپه های جنوب شرقئی (لوشاغو) هجوم میکنند .

جنرال (اوقو) برای لوی غند (٤) بواسطهٔ دویا ورحرب خود ازدو راه مختلف این خبرامررا فرستاده است :

از جهت شمال هیچ تهلکه نیست . لوی غند (٥) باطلوع آفتاب بر (طافان شین) هجوم میکنند . لوی غند (٤) بالوی غند (٥) محافظهٔ ارتباط کرده هجوم اورا بایك غبرك غند حمایه میکنند .

آمدیم بر روسها : در قرارگاه روس از وقایع دیروزی یك محفوظیت وخوشئی بزرگی حکمفرمابوده است . قوماندان قول تول غند باتلگرافنامهٔ مخصوصه بحضرت امپراطور روس چنین عرض واخبار کرده که : (هجومهای ژاپانهارا بکمال موفقیت دفع وطرد کردیم .)

قوای امدادیهٔ آخرین روسها امشب باشمندوفر به (وافانقو) رسیدکه آنهم عبارت از غند های (٣٤) ، و(٣٥) و(١) غندك طوپ درزیر قوماندانئ جنرال (غلاسقو) بود .

اول کندکیکه ازشمندوفرفرو آمدراه براه به غبرك غند (٣٥) داده شد . دیگر کندکها در (سیزان) احتیاط را تشکیل داده است .

جنرال (کرن غروس) در شب برای هجوم فرداصبح این ترتیبات را گرفت:
در پشتهٔ جنوب (لوشاعو) غند (٤) شکاری ، و (۲) غندك طوپ گذاشته بود . قسم اعظم پیادهٔ خود را یعنی — غندهای (۱، و ۲ ، و۳) رادر جناح چپ . وضع برای هجوم آماده کرده بود . غند های (۲ ، و ۳) در خط نخستین ، وغند (۱) را در پشت مرکز برای احتیاط مانده بود .
به حرکت پیش رفتن بوقت سحر باغبرك غند (غلا سقو) متحداً آغاز میشد که این غبرك غند (غلا سقو) در (قوشین فون) شب را بسر آورده بود . معما فیه چون در امرنامهٔ قوماندان این مسئله بصورت قطعی تصریح نشده بود که هجوم بساعت چند آغاز شود بلکه به تعلیمات عمومی ومبهمی اکتفا شده بود ازاثرو پیش ازانکه بریك چیزی قرار بدهند افسران یکی ازدیگر به استیضاح کیفیت واستفسار ماهیت خیلی وقت ضایع کردند .
اینست که در ظرف اینمدت لوی غند های (۳ — و — ٥) ژاپان به دشمن خیلی نزدیکشده وحتی قراولهای پیش شان درموضعهای خودشان به تحکیمات نیز شتابان شده بودند . حال آنکه غبرك غند (غلا سقو) که از (۹) کندك مرکب بود تا بحال هنوز بجا های خود مانده بودند .
نزدیك صبحدم بود که طوپچئی غندك (۳) که (٥) طوپخانهٔ آن هنوز ودر اول شب در جهت غرب وجنوب غربئی (چوجاتون) دریك موضع مستوری جابجاشده بود بر غندك های طوپچئی روس که بر پشته های جنوب (لوشاغو) بود آتش شدیدی بازکردند . وبه این آتش ، طوپچئی غندك (۱۳) کاملاً ، و غندك طوپچئی (۱٥) قسماً اشتراك ورزید ، وباقی قسم طوپچئی غندك (۱٥) موضع (طافان شین) روس را کوبیدن گرفت .
این آتش طوپ چئی ژاپان ها جنرال (غلا سقو) را مجبور میکرد که

بصورت قطعی یك حرکتی بکند . لهذا همه افسران ارکان حرب خودرا به نزد خود دعوت کرده درخصوص حال ووضعیت غنرك غند خودرای وفکر آن هارا استمزاج ودرچه کردن وچه نکردن باآنها مشورت کرد .

رأی وفکرهای افسران آن قدرمختلف بودکه دورأی بریك نتیجهٔمنجر نمیشد . بعد ازتدقیقات ومناقشات دورو درازیکه بوقوع آمدبر هجوم قرار دادند . ساعت (٦) بود که جنرال (غلاسقو) امرحرکت هجوم را عطا نمود . اما هنوز مفرزهٔ اوحرکت نکرده بود که ازقوماندان قول تول غند این امر رسید :

« اگرژاپانهاباقوتهای فایق برمرکز، ویاازدیگراستقامت پیش‌شوندقول تول غند آهسته آهسته بسوی (وانچه لین) عقب میکشد . پس درانحال جنرال (غلاسقو) برای گذشتن قطعات‌ما که ازسر (وافانقو) رجعت‌وازدرهٔشمالئی (چوجاتون) میگذرند میباید‌که تاممکن مرتبه خط (چوجانون — قوجاتون) را بسیارمدافعه بکندتابرای گذشتن ورجعت‌کردن‌قطعات وقت بدست اید ، وسهولت پیش شود . اما اگرژاپانهارجعت آغاز بکنند، جنرال(غلاسقو) بامفرزه های خودتابه‌وروداس‌دیگردرموضعهای خودشان‌که‌هستندمیمانند .»

یکی ازمخبر های روزنامه نگاران روس میگوید :

« وضعیت غنرك غند (غلاسقو) که دراول‌هم‌خیلی مترددومتحیربود به این امر قوماندان کل‌باز سرازنوزیروزبرودر هم‌وبرهم گردید . چونکه‌درین وقت‌قوماندان قطعیاًامرمیکنندکه‌اگرژاپانهابهراستقامتیکه‌پیش‌شودباید‌رجعت تول‌غند رامحافظه کنند ، واگرژاپانهارجعت‌بکنددرجای خودبماند . حالا نکه ازهجومی‌که غنرك غند آنراقرارداده هیچ بحث درمیان نیست .

« درین‌اثناقولیکه بر (وافان‌بووەن) پیش میشدبمحاربه آغازنهاده بود .

ژاپانها برسر پشته ها انتشاریافته برجناح چپ مابشدت آتش میکردندکه ازا ثر و حرکات پیش رفتن ما دوچار مشکلات گردید •

«کمی نگذشته بود که قطعات خفیف پیاده باطرب های سواری دشمن ازطرف (چوجاتون) مارا احاطه کردن گرفتند.»

قوماندان غبرك غند جنرال (غلاسقو) بعدازانکه امر مذکور قوماندان بزرگ جنرال (شتاکلبرغ) را گرفت حرکت تعرضیهٔ خود را که تصور کرده بود تعطیل داده براستقامتی که قوماندان قول‌تول غند نشان داده بود یکسر برجعت آغاز، وبساعت (٨ونیم) بخط (چوجاتون — قوجاتون) مواصلت کرده حال آنکه تابه اینوقت ژاپانها ازموضعهای خودشان که دیروز آنرا استیلا کرده بودند نه برآمده و بهجوم هنوز آغاز نکرده بودند •

جنرال (کرن غروس) برای حمایه کردن غبرك غند (غلاسقو) (٣) غندخود را بساعت ٧ونیم بهجوم سوق کرده بود • جناح چپ این قول هجوم درجنوب (وا فان ووپهن) به آتش شدید طوپچئی ژاپان دوچار آمدند • وطوپچئی روس چون همه گی با آتش بغلکی، وجبهه ئی طوپخانه های بسیار فایق ژاپان کوبیده میشدند اینهجوم جنرال (کرن غروس) تنها از طرف (٦) قطعه طوپ جبل که درجهت جنوب غربئی تپهٔ راقم (٣٧٩) بود حمایه میشد •

پیادهٔ ژاپان بسببیکه درجرهای کننده گئی خودشان تماماً محفوظ بودند هجوم روسها بکمال بطائت و آرامی ترقی میکرد • حرکتهای جهیدن روسها که بلوك بلوك اجرا میشد ضایعات زیادی را برای شان باعث میگردید • لهذا یکه یکه بجهیدن مجبوریت دیده شد •

درکم مدت احتیاطهای کندك وغند کاملاً صرف شده بود وقول هجوم بسایهٔ ورود ومعاونت غندنخستین شکاری که خیلی عقب مانده بود یکقدری اراضی

کامیابی کرده توانسته بودند .

بعضی قطعه های منفرد قول هجوم ، خودرا تابه نزدیك خندقهای شکارئی ژاپان رسانیده توانسته بودند ، حتی در بعضی نقطه ها بهجوم سرنیزه نیز برخوا سته بودند . درین اثنا غندهای شکاری جنرال (کرن غروس) اگرچه اشتراك ومعاونت غیرك غند جنرال (غلاسقو) را انتظار داشتند ولی این انتظارشان بیهوده ورایگان رفت . زیرا غیرك غند (غلاسقو) بنابر امر قوماندان کل از خط (چوجاتون — قوجاتون) انمحاربه را از دور تماشا میکرد . حال آنکه جنرال (کرن غروس) ازین امر قوماندان ، واین حرکت غیرك غند هیچ خبر نداشت وبه امید معاونت واشتراك او باین هجوم تشبث ورزیده بود .

بحقیقت کدا گرغیرك غند (غلاسقو) باین هجوم اشتراك میورزید درجناح شرق روسهایك موفقیت کاملهٔ حاصل میشد . زیرا غیرك غند (١٧) ژاپان که باین هجوم ازهمه بیشتر معروض بود پیش از پیشین همهٔ احتیاط آن بخط حرب سوق شده هیچ دیگراحتیاطی برایش باقی نمانده بود . حال آنکه هجوم روسها دائما احتیاطهای نونوتقویه یافته نزدیکترشده میرفتند .

جنرال این غیرك غند ژاپانی پیش از پیشین بساعت (١٠) به قوماندان قول غند خود این خبررا فرستاده بود :

« دشمن ، برتپه های که بدست ماست متصل هجوم میکند . تابوقتیکه جبه خانه داشته باشیم ومن هم زنده باشم مقاومت وپایداری خواهیم کرد . »

ازین خبر جنرال غیرك غند ژاپانی باوجودیکه ضمنا طلب امداد معلوم میشد بازهم قوماندان لوی غند هیچیك قوهٔ امدادیه نفرستاد . زیرا بدست خود او نیز بجزیك کندك احتیاط دگراحتیاطی باقی نمانده بود .

معهافیه هجوم روسها آخرالامر بمقاومت شدیدهٔ غیرك غند (١٧) ژاپان

مجبور توقف کردید . جنرال (کرن غروس) بر حاصل نشدن یك نتیجهٔ مو فقیت قناعت حاصل کرده بساعت (۱۲) تول غند خودرا امر رجعت داد . درین اثنا بود که از قرارگاه تول غندروس یك افسر ارکان حرب به نزد جنرال (غلاسقو) آمده تبلیغ کرد که غبرك غند باید برای معاونت لوی غند جنرال (کرن غروس) بر جناح راست ژاپانها هجوم کند . جنرال غلاسقو بمجرد دیدن این امر را گرفت (۳) کندك پیاده ، و (۱) غندك طوپ خود را به (چیجاتون) سوق کرده خودش با (۶) کندك و (۳) غندك یعنی — طوپخانه یکسر بسوی (وافان وون) پیش شد .

اما چه فایده که این حرکت او حکم (مشت بعداز جنگ) را گرفت . زیرا اتحاد حرکت که یگانه مدار موفقیت و کامیابی بود در مابین این دو مفرزه . وجود نشد . بوقت پیشین غبرك غند (غلاسقو) بر استقامتهائیکه برای شان تعیین شده بود انتشار کردن گرفتند . بسببیکه اراضی خیلی عارضه ناك بود حرکت پیشرفتن به بسیار دشواری بوقوع می آمد . بر راههای ناهموار و خراب کشیدن طوپها اکثر بمعاونت عسکر پیاده اجرامیگردید که از ان وخیلی توقفات رو میداد . قسم کلئی غبرك غند که در طرف (وافان وون) رفته بود در زیر تأثیر شدید آتش ژاپان بموضع هجوم رسیده بودند که دفعتهً حرکت تعرضیهٔ شان دوچار توقف گردیده . زیرا غبرك غند که به لوی غند شکارئی نخستین منسوب بود واین غبرك غند بمعاونت او شتافته بود از خیلی وقت عقب کشیده بودند .

مفرزهٔ دیگر این غبرك غند که بسوی (چنجاتون) رفته بود در یکوقتی که هیچ منتظر نبود به غند سواری ژاپان که پیاده جنگ میکردند برخورده حتی طوپخانهٔ این مفرزه دفعتهً بیك آتش ناگهانئی این (۳) طرب سواری ژاپان گرفتار آمد . قوماندان مفرزه بجا بکی خود را جمع کرده باقوت فایق

برین (۳) طرب هجوم برد ، طرب های مذکور درین اراضی سخت سنگستان بمقابل قوای فایقهٔ دشمن یك حال بحران انگیزی راپیدا کرده بودندکه درین اثنا غندسواری به امداد شان رسید .

جنرال « آقیجاما » که با (۸) طرب سواری ، و (۲) بلوك تفنگ ماشیندار در « شابوجی » شب رابسر آورده بودند بوقت صبح بنابر صداهای طوپی که شنیده بود برای محافظه کردن جناح راست تول غندکه بعهدهٔ او محول شده بود بسوی (چاعوجاتون) شتابان شده بوده وقتی که (به چنجاتون) آمد غند (۳) سواری مذکور را بحال تنگی وفشار دیده طرب های خودرا به پیاده شدن وجنگ کردن امر نمود ، وبه اینصورت درمیان هردومخاصم یك محاربه شدت ناکی بوقوع آمده بسایهٔ آتش مؤثر تفنگهای ماشین دارو سوارشدگی روسها ازین هجوم ناگهانی پیش رفتارئی مقرزه تو قف وورزیده بر جعت مجبور شدند . سواری ژاپان نیز بسبب کمبودی جبه خانه ازحرکت عقب گیرئی آنها صرف نظر کردند . درین اثنا لوی غند (۳) ژاپانی عسکر های گریخته لوی غند جنرال (کرنغروس) رابشدت بنای عقب گیری جناح راست غبرك غند جنرال (غلاسقو) را گذشته بودند ، وکار بدرجهٔ رسیده بود که مهلکهٔ احاطه برغبرك غند (غلاسقو) رخ دهد ، لهذا ازطرف قوماندان قول تول غند امر رجعت به آنها داده شد .

جنرال (آقیجاما) همان دم به تعقیب (غلاسقو) مأمور گردیده ودرساعت (۳) دسته از غلاسقو را که درپشته های (چوجاتون) موضع گرفته بودند درزیر تضییق وفشار آورده به ترك موضع مجبور شان گردانید .

آمدیم بروقایع جناح غرب : یك غند ویك طوپخانهٔ جبل از لوی غند (۵) که برای هجوم (طافانشین) مأمور شده بوددر پیش روی موضعی که ازطرف

روسها تحکیم شده بود در ساحل جنوبی نهر (فوچو) گذاشته شده قسم کلی لوی غند که مرکب از (٩) کندك پیاده، و (٥) غندك طوپ جبل بود صبح وقت نهر (فوچو) را گذشته بعد از آنکه قراولهای پیش روس را طرد کردند بساعت (٧) بخط (وانجاتون — یا نجاتون) داخل شد .

غندك طوپچئی ژاپان درینوقت خندقهای شکارئی روس را که در شمال (طافان شین) بود باطوپخانه های شان که در جنوب (لوشاعو) بود کوبیدن گرفته بود .

امریکه از قرارگاه تول غند یعنی — از طرف جنرال (اوقو) — برای ترتیبات روز (١٥) جون برای قوماندان لوی غند (٤) که در جوار (ساچوچی) بالوی غند خود منتظر امر بود نوشته شده بود به قوماندان مذکور در ساعت (٥) صبح رسیده بود .

قوماندان مذکور خودش بالذات بالوی غند (٧) ، و (٢) طرب سواری، و (٣) کندك ، و (٢) تولی کلنگ دار بسوی (سونجاتون) بحرکت افتاده، غبرك غند (١٩) خودرا بایك طرب سواری و (٣) کندك و یك تولی کلنگ دار بنام دیگر فنی یعنی — سفرمینا از سر (انجاجان) یکسر به (وافانقو) فرستاد .

هنگامیکه در ساعت (٧) لوی غند (٥) پشته های غربئی (طافانشین) را ضبط میکرد این غبرك غند (١٩) نیز از (تان جاتون) گذر میکرد .

حالا غبرك غندهای لوی غند (٤) را در راه گذشته از حرکات لوی غند (٥) بیان کنیم: قسم کلی لوی غند (٥) باجناح راست خود بسوی (لونقو) روانه شد . جناح چپ لوی غند مذکوره پیش از رسیدن جناح راست درساعت (٩) قریهٔ (لونقو) را ضبط کرده بود ، و کندك نخستین غند (٢٦) روس که درشمال (طافان شین) موضع گرفته بود چون دید که پهلو وپشتش احاطه گردید ترك موضع کرده به (سانچوری) خودرا درکشید .

لوی غند سواری قول تول غند روس ، که به محافظهٔ جناح راست تول

غند مأمور بود ، ودرتپه های شمالی (لونقو) میبایست که بادشمن پیاده جنگ بکنند، تام درین اثنا بر خلاف اوامر و تعلیمات قطعیهٔ قومان دان بزرگ قول تول غند، باقسم کلی خود بشهر (وافانقو)) عقب کشید . حال آنکه وظیفهٔ سواری در میدان محاربه این نیست که تنها اثبات وجود نماید ، ودرزمان های بحران انگیز در عقب صنف های دیگر عسکری خزیده یك النجا گاهی برای خود جستجو کنند . نی نی ! بلکه مهمترین وظیفهٔ سواری اول کشف ودوم برای رهایی دادن صنفهای دیگر فدای جان کردنست .

وا اسفاکه سواریهای روس درمحاربهٔ (وافانقو) یکی ازین وظیفه های خودرا بجانیاورد .

سوازین زمانی که سواری رجعت کردبرای جناح راست روس تهلکه جداً کسب اهمیت نموده بود . زیرا غبرك غند(١٩) ژاپان پیش ازپیشین به ساعت « ٩ » در پشته های « یانجاتون » آمده ، وازانجا چون حرکت غند « ٢١ » را بسوی « لونقو » مشاهده کرد بلا توقف یکسر درعقب او بسوی « لونقو» رهسپار گردیده بود .

بساعت « ١٠ » تپه های شمالئی « طافانشین» ازطرف پیادهٔ جناح راست لوی غند « ٥» ژاپان استیلا کردید . ودر اثنایی که غندکهای طوپ چی، لوی غندپیاده را تعقیب میکرد قسم کلئی غبرك غند طوپچی نیزکه مرکب از«٩» غندك طوپ بود درجهت جنوبئی « طافا نشین» در هردوساحل نهر«فوچو» صف حرب بسته میکردند .

این حرکت شدت کارانهٔ لوی غند (٥) وقایع جناح شرق رانیزتعجیل وتسریع کرده بود ؛ چونکه ازطرف پیاده وطوپچی ژاپان که درطافانشین بود بغل موضع جنرال (کرن غروس) راکه درجنوبئی (لوشاغو) بود. تهدیداً

کوبیده شده (٢) کندك روس که درانجابود بسکوت مجبورشده ، وغند «٤» شکاری شان نیز بضایعات عظیمه گرفتارشده بود .

بارون «شتا کلبرغ» یکی ازغند های احتیاط خود رابرای ، ایستاده کردن ، ودم روی گرفتن حرکت پیش آمدن مخاطره ناك غبرك غند«١٩» ژاپان که مانند اژدهاپیش می آمد، بعدازپیشین بساعت «١» برضبط کردن تپه های شرقی «طون لوغو» امرنمود . غند روس هنوز به آنجا واصل نشده بود که به آتش شدید کندك های غبرك غند «١٩» گرفتار آمده و هنوزاحوال اراضی چپ وراست خودراتحقیق نکرده بود که بهجومها وحمله های شدید قطعات پیادهٔ غبرك غندمذکورازچپ وراست دوچار گردیده .

بعدازیك مدت کمی چون غند«٢١» پیادهٔ ژاپان نیزازطرف جنوب عرض وجودکردند، غندروسی زیاده بران تاب آورمقاومت نتوانست شده رجعت نمود .

احتیاط قول تول غند جنرال «شتا کلبرغ» دربنوقت عبارت از «٤» کندك پیادهٔ غند(٩) بودکه هنوزنوباشمندوفربه «وافانقو» آمده بودندجنرال خودش بالذات این چهارکندك را برای محاربهٔ جناح راست به پیش براند . ولی در اول کاردانست که ازین هیچیك فایدهٔ حاصل نخواهد شد ، لهذا رجعت کردن همهٔ قول تول غند را امر نمود .

— کیفیت رجعت قول تول غند نخستین سیبیریا — به تعبیر صحیحتر شکست —

— فاحش خوردن جنرال شتاکلبرغ ازجنرال اوقو —

قوماندان لوی غندسواری، جنرال «سیمونوف» برخلاف امریکه به اوداده شده بودایستاده کردن، ویامعطل ساختن حرکات پیش آمدن ژاپانها رابخیال وخاطرخود هم نیاورده پیش ازپیشین بساعت «١٠» ازحوالئی «لونقو»

عقب کشیده بود .

لوی غندسوارئی مذکور استقامت « وافانقو» را گرفته ، وبه اینصورت غبرك غند « ۱۹ » ژاپان را فرصت احاطه کردن جناح شمال روس را بخشید .

غند « ۹ » احتیاط روس، که باخود جنرال «شتاکلبرغ » بود جنگ کرده کرده باجناح راست خود بسوی شمال غرب « وافا نقو » ، وبا جناح چپ خود بر « سیزان » عقب میکشید .

حالا محاربه های عنودانهٔ (دمدار) آغاز نهاده بود . معلومست که وظیفهٔ دمدار درمحاربه همینست که رجعت تول غندرا درزیر امنیت گرفته دنبالهٔ تول غند را ستر وحمایه کنند . دو کندك عسکر پیادهٔ روس که همه افسران آن محو شده بود درغرب « وافا نقو» درمقاومت کردن ، ودمدار لوی غند« ۹ » در پشته های غرب « سیزان » اخذ موقع کرده استاسیون « وافانقو» رادرمنع دخول ژاپانها درمدافعه کردن بود ، وتابو قتیکه قطار آخرین ریل که حامل بیماران ومجروحان بود حرکت میکرد دمدار مذکور مقاومت نمود .

درین اثنا کندك جناح چپ غبرك غند « ۱۹ » ژاپان ازطرف غرب « لونتا یحو » آمده یکسر بسوی شمندوفر درپیش شدن بود . تام درین هنگام یعنی — بعد از پیشین بساعت « ۲ » از کندك های غند « ۹ » سیبیریا « ۲ » کندك قوهٔ امدادیه از ریل فرو آمده همان دم بقدمهای دویدن درپیش روی کندك ژاپانی شتافته آنهارا ایستاده کرد . وبه این صورت سوارشدن عسکر رجعت کرده را به شمندوفر سهولت بخشید .

معهافیه ژاپانها نیز بشدت تام تعقیب کردن روسهارا آرزو نداشتند وچون درین اثنایك حالهٔ بسیار شدیدی نیز باریدن گرفت از ان روس سراسر از عقب گیری فراغت کردند .

رجعت تول غند (۹) روس، بر سر پل (فو چو) دو چار توقف گردید • زیرا ثقلیات سنگین بار تول غند، راه را مسدود نموده بود • بهزار زحمت لوی غند (۲۱) یکسر بسوی (وانچه لین) برجعت قهقرئی خود دوام ورزیده بوقت نیم شب به استاسیون مذکور که از (واقانقو) بمسافهٔ (۲۲) کیلومتره بسوی شمال غربی واقعست رسیدند •

درجناح شرق از همه پیشتر غند (٤) لوی غند نخستین شکاری برجعت آغاز نهاده بود • پیش ازین گفته شده بود که، وضع این غند که در جنوب (لوشاغو) بود از طرف کندك هایی ژاپان که در (طافانشین) بود بشدت کوبیده میشد • در زیر تأثیر مخرب این آتش ژاپان، طوپهای روس فرصت بسته کردن اسپهای خود شان را نه یافته از (۳) طوپخانه تنها (۳) قطعهٔ آن از طرف نفری های عسکری بهزار مشقت رهایی داده شده، (۱۳) قطعهٔ آن در عقب ماند • یکی ازین غندك ها همهٔ افسران و (٦٠) نفر خود را ضایع کرده بود •

جناح چپ لوی غند (۳) ژاپان دشمن مقابل خود را بشدت تضییق کرده (پوچا تون) را ضبط و استیلا کردند • و بعد از پیشین بساعت (۲) ، (٤) کندك ژاپان در پشتهٔ جنوب (لوشاغو) اخذ موقع کرده غند شکارئی روس را که بسوی شمند و فرفرار میکردند بزیر آتش طوپ گرفتند • درین اثنا دیگر غندهای لوی غند مذکور برجعت آغاز نهاده بود که طوپ های (ژاپان) آنها را نیز از آتش مؤثر خود حصه دار گله بارانی میکردند ، و آن ها را سراسیمه و پریشان ساخته در کوهها و بادیه ها میدوانیدند • حتی بعضی قطعه های روس ازین هنگامهٔ رستاخیز آسا واله و بهله مانده عرض تسلیمیت کردند •

لوی غند نخستین شکارئی روس بیك صورت بسیار پریشانی برحرکت رجعت خود دوام ورزیده یکساعت از شب گذشته به (وانچه لین) وصول یافت •

درپئی آن غبرك غند (غلاسقو) نیز به نهایت قول تول غند التحاق کرده شب رادر (وانجه لین) بسر آورد . قسم کلی لوی غند سواری نیزدر (وانجه لین) رسیده بود .

تول غند مظفر (۲) ژاپان به آن طرف شهر (وافانقو) تنها قطعات کشف ، وقراولهای پیش خودرا سوق کرده اصل تول غند دربیرون شهر شب را بسر آورد .

ضایعات روس درینمحاربه ازینقرار است :

(۱۹) افسر، (٤۷۰) نفرمقتول ؛

(۹۸) افسر، (۲۳۹٦) نفرمجروح ؛

(۱٤) افسر، « ۷۷٥ » نفراسیر .

مجموع ضایعات « ۱۳۱ » افسر، و« ۳٦٤۱ » نفربودکه درمیان این افسران مقتول ومجروح «٦» غندمشر موجودبود. وجنرال «کرن غروس» نیزمجروح شده بود . واینهم ازکار آ گاهی جنرال « شتاکلبرغ »است که تهلکه رادروقت وزمان لازمئی آن حس کرده امررجعت را به تول غند خود عطا نمود که ازانسبب ضایعات کمتر بوقوع آمد .

ضایعات ژاپان درینمحاربه ازینقرار است .

« ۷ » افسر، « ۲۱۰ » نفر مقتول ؛

« ٤۳ » افسر؛ « ۹۰۳ » نفرمجروح ؛

مجموع ضایعات « ٥۰ » افسرو« ۱۱۱۳ » نفربود .

درخصوص صرفیات جبهخانه اینمحاربه معلومات رسمئی موجود نیست تنها اینقدرمعلومست که تنها «۳» کندك روس که به لوی غندنخستین سیبریامنسو بست « ۲۱۰٤ » مرمی — یعنی گله — صرف کرده است .

یکی از اطبای عسکریهٔ روس مشاهدات خود را در اثنای محاربهٔ «وافانقو» بقرار ذیل نقل میکند:

«جنرال «کرن غروس» بایکپارچهٔ گلهٔ شرانیل بر ساق پای راست خود زخمدار شد. جنرال مذکور برای بستن و شستن زخم خود با بسیاری از افسران معیت خود بقول صحیهٔ ما آمد. در نتیجهٔ معاینه دانسته شد که زخمش کاری و تهلکه ناك نیست. زخمش را بسته و تداوی لازمهٔ اجرا کرده با افسران معیت خود برفت. درین اثنا یك گلهٔ ژاپان آمد پنج قدم دورتر از ما بر زمین خورده بکفید. نمیدانم از تضییق هوا بود، یا از ترس بود بهر حال بی اختیار بر زمین افتادم. تاریکئی شب چون جهان را فرا گرفت محاربه منقطع گردید، و خدمت مأمورین صحیه آغاز نهاد. بعد از یکچند دقیقه جنگل کوچکی که مفرزهٔ ما در ان بود باز خمیها، و مرده‌ها، و بحالت نزع بوده‌ها پر گردید تا به نیمشب کوشش ورزیدیم، و زخمهای بسیاری را تیمار کردیم. و بعد از ان یکقدری خوراك خورده توانستیم.

«صبح وقت برخواستم. هنوز جهان تاریك بود. در هر طرف یك سکوت عمیق حکمفرما بود. مردگان، و زخمیان از همدیگر تفریق نمیشد. تول غندها آهسته آهسته از خواب بر میخواستند. در یکطرف جنگل ما یك چقوری بزرگی کنده و مقتولین را بر روی همدیگر در ان انداخته دفن میکردند که این منظره حقیقتاً خیلی حزن آور و مغموم بود.

«هنوز این مدفن باخاك پوشیده نشده بود که طوپها برای حاضر کردن دیگر اموات طنین انداز دهشت گردید. یك آن نگذشته بود که آتش طوپ و تفنگ بشدت افزونی گرفته یك آهنگ هول انگیز مختلف الاصواتی تشکیل داد. خط محاربه از یك تپه تا به آن دیگر تپه دراز میشد، و بهر طرف افق تمادی مینمود. از استاسیون «وافانقو» که در ان بودیم همهٔ میدان محاربه مشاهده میشد. هر طرف در میان یك برق

شعله نثاری مستغرق بود ، از هر سو صداهای ولوله افزای سامعه خراش عقول میشد . گله های شراپنل هوای افق را بکفیدن خود دود دودهای خود با سحاب پاره های کوچك کوچك سفیدی مستور کرده بود که این سحاب پاره ها بر سر افراد بنی بشر معلق بر هوا ایستاده باران مرگ میباریدند ! گاهی با ان سحاب پاره های هوائی ، گردبادهای زمینی که از خوردن و کفیدن گله ها بالا میشد دمساز گردیده یك دیگر منظرهٔ به وجود می آورد .

«ژاپانها در ظرف دو نیم ساعت بر کندکهای ما تخمیناً « ۲۰۰۰۰ » شراپنل انداخته بودند . اگر از تأثیر تخریبات ان صرف نظر کرده شده تنها بنظر یك جشن آتش بازئی دیده میشد ، الحق که یك منظرهٔ لطافت آور بینظیری جلوه گر بود ! اما در حقیقت حال بر انسانهای میدان محاربه یك تضییق و فشار طاقت شکنانهٔ اجرا میکرد . یك چاوش طوپچی ساعتها بر طوپ خود بی انکه زخمی بشود ایفای وظیفه کرده آخر بدرجهٔ به تنگ آمد که زیاده بر ان تحمل نتوانسته بارده لور خود بمغز خود زده خود را کشته است . مانند این بسی احوالهای فجیعی بوقوع آمده که موهای انسان را بر میخیزانند .

بعد از پیشین بیك ساعت یکی یکبار یك حرکت مثلا شیانهٔ هیجان انگیزی پیدا شد ، دیگر قول تول غند بار جعت آغاز کرده بودند .

«دو بجه وقت همه تول غند بحال رجعت بودند . وقتیکه به دره رسیدیم آنجا را به افراد پیاده و سواری ، وعرابه ها و طوپها الا مال یافتیم . ژاپانها بدر ازئی دره همهٔ وادی را به طوپ میکوبیدند . بهزار مشقت به استاسیون رسیدیم در استاسیون یك هیجان مثلا شیانهٔ حکمفرما بود . زخمیها را بچابکی تمام در واغونها انداخته استاسیون خالی گردید . ما هم از استقامت « وانجالین » حرکت کردیم . از عقب ما گله های ژاپان میکفید . از اطراف استاسیون علوهای حریق آتشین ، وستونهای

دود زهر آگین بسوی سما بالا میشد .

« بعدازانکه پشته های نخستین پشت استاسیون را گذشتیم قولهای مانه بحال فرار بود ندیکقدری سکونت کسب کردند . در جناح راست ماهنوز محاربه دوام داشت . بعدازیکساعت که برفتاردوام کردیم یك جاله و باران شدتناکی باریدن گرفت . بعد از نیمساعت بارش آرام شد . در حالیکه آفتاب جهانتاب باشعاعات گرم وزرین خود ذروه های کوههای پیش روی مارا تنویر مینمود درعقب ما ابرهای کثیف ومظلم معلق بود . راه ما برکنار خط راه آهن بسوی «وانچالین» میرفت .

« در تاریکئی شب به «وانچالین» رسیده در جوار استاسیون یك محل اردو گاه یافتیم . »

کیفیت رفتار رجعیهٔ قول تول غند روس به (قایچو)

قول تول غند مغلوب شدهٔ جنرال « شتاکلبرغ » روز « ۱۶ » جون را در « وانچه لین » میخواست به استراحت بگذراند ، و روزدیگر بادوقول یکسر بسوی « قایچو » که تقریباً « ۷۰ » کیلومتره دورتر است برفتار رجعیهٔ خود دوام ورزد .

ترتیبات رفتار بروجه ذیل قرارداده شد .

قول غرب : اولا بدرازئی شمندوفر ، بعده به امتداد جادهٔ «ماندارین» قطعات تول غند « ۹ » شکاری .

قول شرق : تول غند « ۱ » شکاری با « ۵ » طرب سواری از راه موازیی که درجهت شرق بود .

دمدار : غیرك غند « غلاسقو » با « ۳ » طوپخانه؛ برای هردوقول .

بعدازان قسم کلئی سواری .

اما بعد از پیشین دفعتهً امر دیگر از قوماندان قول تول غند صادر شد که فر دانی بلکه امروز شام بساعت «٦» تول غند بسوی «سونوچن» که «۳۱» کیلومتره دورتر است حرکت بکنند .

باوجودیکه از طرف تول غند «۲» ژاپان هیچ یك تضییق ، و پیشقدمئی درمیان نبوده این چنین یك حرکت ناگهانئی جنرال «شتاکلبرغ» خیلی موجب پریشانی وسراسیمه گیء تول غند مانده وخستهٔ روس گردید . مگر سبب این استعجال کارئی جنرال «شتاکلبرغ» ازین بود که ژاپانها درطرف شرق «قایچو» بگذرگاههای «چاپانلین» ، و «دالین» قولهای کشف فرستاده بودند . و ازین حرکت بگمان روسها رسیده بود که برای بریدن خط رجعت قول تول غند روس ، ژاپانها براستقامت «قایچو» و «حایچو» پیش میآیند .

قول تول غند ؛ بساعت «٦» شام براه افتاد انتظام رفتاریکه در اول حرکت بود بعد از یك کمی زایل شده یك هیجان وتلاش وپراکنده گئی عمومئی حاصل شد ؛ تنها صنف طوپچی ونقلیه براههای راست براه میر فتند عسکر پیاده وسواری گدود شده درمیان شیله ها ودره ها ومزرعه ها وبغله ها وپشته ها بکمال بی انتظامی افتان وخیزان بفرار شتابان بودند که ازین سبب بسی توقفها وناگواریها بوقوع میآمد وچون اسباب این توقف ها بهمهٔ عسکر معلوم نمیشد که ازچیست ، ودر حقیقت این رجعت ناگهانی را نیز ازعقب گیرئی بسیار نزدیك ژاپانها میدانستند هردم ظهوریك تهلکه ئی را بخیال شان تجسم میداد . وقطعات عسکریه درتاریکی شب بسبب منتشرشدن شان در بیراهه ها ، یك قطعه چون از دورسیاهیء یك قطعهٔ دیگر را میدید دشمن خیال کرده بران آتش میکردند . وآتش سبب هیجان وتلاش عمومئی گردیده نا قابل تعریف یك هول وخوفی دردلها می انگیخت .

دوساعت بصبح مانده بود که یك مفرزهٔ قزاق بر یك قطعه ئیکه به لوی غند نخستین سیبریا منسوب بود آتش کرد . بنا برین قطعهٔ مذکور به نظام محاربه در امده منتظر حرب کر دید ، وتابصبح برهمان نظام بماند . اماچون صبح شد معلوم کردید که این یك خطا وغلط فهمیٔ بوده است .

صبح وقت یك باران و جالهٔ بسیار شدتناکی باریدن گرفت . قطعات روس بعد ازانکه خوب ترشدند و ازماندهکی هم بهلاکت رسیدند بیتاب و بی طاقت بساعت (۸) روزبه (سیونوچن)رسیده درشمال وشرق استاسیون آن جاار دوگاه برپا کردند . وروز (۱۷) وشب آنروز را درانجابسر آوردند .

در (۱۸) جون قول تول غندروس از (سیونوچن) حرکت ودر(۱۹) جون به (قایچو) مواصلت کرد . دمدار ،در (غوانجیان) ماند .

ژاپانها دراول امر تعقیب نکردند اما در (۲۰) جون پیشدارهای قوتمند تول غند (۲) ژاپان که ازصنوف ثلاثه یعنی طوپچی، سواری پیاده مرکب بود بموضع دمدار روس که (غوانجیاتون) باشد رسید،وبعدازیك مصادمهٔ کوتاهی مفرزهٔ دمدار روس بیك موضع دیگر که بقدر (۱٤) کیلومتره درشمال شرقئی (سیونوچن) بودعقب کشید .

قسم کلئی تول غند (۲) ژاپان تابه(سیونوچن)پیش رفته قراولهای پیش خودرا بخط (سیان باچی ، — یانجاجاتون — وانجاعوشان) سوق نمود . وازانجا جنرال (اوقو)ی مظفر ،درابتدای جولایی یکسر بسوی (قایچو) بر حرکت پیش رفتن خود دوام ورزید .

مطالعات

— در بابه محاربهٔ (وافانقو) —

حرکات قول تول غند نخستین سیبریادرزیرقوماندانئی جنرال(شتاکلبرغ)

بسوی (کینچو) اینست که به اینصورت درظرف سه هفته ختام پذیر شده قول‌تول غند باز به (قایچه) رجعت کرده است .

رئیس ارکان حرب بارون (شتا کلبرغ) این تشبث را بنام (سر گذ شت) توصیف کرده است .

درحقیقت حال مقصد اصلئی که ازین حرکت متصور بود حاصل گشت چون که قوت تول‌غند(۲) ژاپانرا که یکسر بسوی (پور آرتور) میرفت به اینسو کشیده احاطه ومحاصرهٔ موضع مذکوررا تأخیرو تعطیل نموده زیرا قسم کلئی تول غند(۲) ژاپان ازکینچو بسوی شمال برگشت . ودر (۲٦) جون یعنی — بعد ازسقوط(نانشان) بیکماه — تول‌غند(۳) ژاپان که درنیم جزیرهٔ (قوان‌طون) جمع شدند بسوی (پور آرتور) بحرکت پیش‌روی آغاز کرده توانسته‌اند .

اما روسهاوقت وزمانی‌را که برای تأخیر محاصرهٔ (پور آرتور) بدست آوردند به خونبهای شکست وانهزام یك قول تول‌غند که به تول‌غند اصلئی صحرا منسوب بودخریداری کردند، وبه اینسبب حرکات تول‌غند ژاپان رادرمانچوری تعجیل وتسریع دادندکه این تعجیل به آن تأخیر آیا معادل وبرابرمیشودیانی؟ اما چیزیکه معلومست همینست که روسها درین حرکت خودبرای یك شپش پوستین را سوخته اند !

درنهایت ماه‌می یعنی — هنگامیکه قول‌تول‌غند(شتا کلبرغ)برای رفتن به (پورآرتور) مأمورمیگردید — اگرچه‌امر مدافعه وتحکیم قلعهٔ مستحکم(پور آرتور)هنوزاکمال‌نشده بود اماجبه خانه ، ذخیره ولوازم سائرهٔ قلعه بدرجهٔ که مدت مدیدی مقاومت‌وپای داری بتواند رسانیده شده‌بود. باوجود آنهم جنرال (شتوسل) قیمت وکمیت آنهمه وسایط حربیهٔ را که بدست داشت کم دانسته ازتول غند صحرا امداد ومعاونت طلب کرد .

حالا آنکه تول‌غند صحرا بسبب سستی و آرامی‌ئیکه در حرکات جمع آوری ئی او پیش آمده بود، ودوری و بعد یکه در مسافه موجود بود تاقوت خودرا دو چار ضعف نمیگردانید، و بوظیفهٔ اصلئی خود که عبارت از احراز ظفر کردن بر تول غند صحرای دشمنست ضرر نمیرسانید اینچنین یك امداد ومعاونتی را بجا آورده نمیتوانست .

این از قاعده های فن حرب است که : (قلعه ها و استحکامها میبایدکه برای مظفریت تول غند صحرا ، دایما قوت های دشمنرا بسوی خود جلب بکنند . وهیچ گاه راه قوت دشمن راکه در پیشگاه قلعه است برای کشیدن بسوی خود تول غند صحرا باز نکنند .)

بناءً علیه هر قدر که اهمیت سیاسیهٔ (پور آرتور) خیلی بزرگ هم باشد باوجود آنهم خودرا بقوت خود مدافعه کردنش لازم بود . زیرا عاقبت حال (پور آرتور) که سقوط کنند ، یامظفر آید به نتیجهٔ حرب صحرا تابع بود .

جنرال (قوروپاتکین) که منطقهٔ تجمع گاه نخستین خودرا درجوار (لیا ئویانغ) انتخاب کرده بود نیز محض بر همین فکر و مطالعه مبنی بود .

حرکات رجعیهٔ تول‌غند مانچوری روس با انهزام قول تول‌غند نخستین سیبریا که در (وا فانقو) بوقوع آمد آغاز نهاد . در روزهای اول جون جنرال (شتاکلبرغ) درجنوب (وافانقو) به بسیار زحمت نصف قول تول‌غند خودرا جمع کرده توانسته بود . جنرال مذکور از قوماندان بزرگ خود در (۷) جون درخصوص به پس راندن قطعات عسکریهٔ دشمن که بسوی شمال در آمدن بودند امر اجرای سرعت وشدت را گرفت . لکن درعین همان روز چون دستهٔ کشتیهای جنگی امیرال (توغو) خط شمندوفریکه درجوار قایچو بود در زیر طوپ گرفت نقلیات شمندوفر قول تول‌غند منقطع گردید ، و به انتظار

مجبور شد . حال آنکه روسها زمانی را که درین انتظار غایب کردند ، ژاپانها ازان زمان فایده برداشتند وقوتهای خودرا جمع کرده نواقص خودرا اکمال نمودند .

دستهٔ کشتیهای جنگی بحریٔ ژاپان به اینصورت به تول غند خشکهٔ خود خیلی قیمتدار ومؤثر یك معاونتی رسانید . ، واز ینمسئله اینهم به تحقیق پیوست که بکار آمدن یك خط شمندوفریکه ازجوار ساحل بگذرد برای سوقیات حربیه ، موقوف بر حاکمیت بحریه میباشد .

هنگامیکه باز نقلیات قول تول غند نخستین سیبریا آغاز نهاد تول غند (۲) ژاپان نیز به حرکت تعرضیهٔ خود آغاز نهاده بود . واین تول غند که قسم کلئی آن به محاربه (کینچو) اشتراك ، واز انجاتا به (وافانقو) (۹۰) کیلومتره راه را پیاده قطع کرده بود بازهم از قول تول غند روس که اکثر همینقدر مسافه را باشمندوفر پیموده بودند پیشتر در انجا اجتماع توانسته بودند . ودرحالیکه جنرال (شتاکلبرغ) وظیفهٔ هجوم را بشدت وسرعت بر جنرال (اوقو) در عهده گرفته بود ، جنرال (اوقو) این وظیفهٔ اورا اجرا کرده جنرال (شتاکلبرغ) در (۱٤) جون در موضع معلوم به اختیار مدافعهٔ نفس خود مجبور گردیده است . (چرا که وعده تو کردی واو بجا آورد !) .

در ینمحاربهٔ (وافانقو) ژاپانها باز بسی اوصاف ومحامد عسکرئی خودرا بمیدان ثبوت رسانیدند . مثلا لوی غند (٤) ژاپان که از قرارگاه تول غند بقدر (۲۵) کیلومتره دورتر بود برای توحید حرکت باقسم کلی از قوماندان تول غند بمجرد یکه امر گرفت هیچیك دقیقه زمان را غائب نکرده هماندم یکسر بسوی دشمن حرکت ، وپیش از پیشین ساعت (۹) بالوی غند (٥) شانه بشانه بر تول غند دشمن هجوم ، ودرظرف (۲) ساعت مظفریت رابدست آورده است . حالا درینجا این چنین یك سوالی وارد خاطر میشود که : آیالوی غند (٤) ژاپان که از قراولهای

پیش لوی غند سوارئی روس، در (۱٤) جون تنها بقدر (۱۲) کیلومتر، دور بود، چسان شدکه لوی غند سواری روس از وجود آن خبرد ارنگردید، وسبب خوردن اینچنین یك ضربهٔ ناگهانئی شدید روسها شد ؟

سبب یگانهٔ این مسئله بجز اینکه لوی غند سواری روس در وظیفهٔ کشف خود سهل انگاری کرده اند. واین وظیفهٔ مهمهٔ خودشان رابخوبی ایفا نکرده اند، برد گرچه چیزحمل بتوانیم .

لوی غند سواری از طرف قوماندان قول تول غند، برای (۱٤) جون به این امر مأمور شده بودکه جناح راست قول تول غند را درزیر امنیت داشته باشد ، ومنطقهٔ (طافان شین — چوجاتون) رادرزیر ترصد وديده بانی بگیرد . حالآنکه لوی غند (٤) ژاپان درخارج حدود این منطقه نبود ، وازدايرهٔ مسئولیت قوماندان لوی غند سواری بیرون برامده بود .

بارون (شتاکلبرغ) میگوید :

« سبب اصلئی عدم موفقیت مادر (وافانقو) عبارت ازبی خبرئی قرارگاه قول تول غند است دربارهٔ احوال دشمن . ما دراول امرچنان پنداشته بودیم که حداعظم قوت دشمن از (۲) لوی غند بیشتر نباشد . واین فکر وگمان ماراهمهٔ راپورتهای غلطی که ازطرف لوی غند سوارئی مامی آمد تائید وتقویه مینمود . »

اینست که بارون (شتاکلبرغ) همهٔ این مسئولیت رادراول امر برلوی غند سواری انداخته بازبرای تخفیف مسئولیت آن گفته است :

« سواری ما درچنان مملکتی کشف اجرامیکردند که اهالئی آن همه کی دشمن، وزبان شان سراسربما مجهول بود . برای اینگونه کارهابغیراستخدام کردن جاسوس ومخبردیگرهیچ چارهٔ نیست .

« حال آنکه تول غندمایان درخصوص استخدام کردن جاسوسهای حرب آنقدر

اهمیت نداده بودند . وتابوقتیکه من قوماندان تول‌غند تعیین میشدم این مسئلهٔ معتنابها هنوز موضوع بحث نشده بود . بعدازانکه دریناب تشبث نمودم بسبب فقدان پیسه و پیدا نشدن آدمها ئیکه اوصاف لازمه راحائز باشند کامیابی حاصل نشد . وهم اینمسئله چنان نیست که دراثنای محاربه بصورت استعجال بوجود آورده شود . بلکه پیش ازمحاربه تدارك آن لازم است .

« ما، بسببیکه بسیار سواری وکم جاسوس داشتیم دایما درحق دشمن خود معلومات ناقص وناتمامی میگرفتیم .

« دشمن ، چون کم سواری و بسیار جاسوس ، رامالك بود برهمهٔ احوال و حرکات ما کماحقه وقوف وآگاهی داشتند .

« لهذا درینمحاربه قناعت کامله حاصلکردم که برای استقبال درباب استخدام جاسوسهای حرب به ژاپانها اقتدا بایدکرد ، وهنوز در وقت حضر ترتیبدادن جاسوسها و مخبرهای حرب رایك امر واجب وضروری بایدشمرد . »

این مطالعات و بیانات جنرال (شتاکلبرغ) هرقدرکه راست ودرست هم باشد این قصور وتکاسل سواری روس را ستر وعیب پوشی نمیتواند که درمسافهٔ (۱۲) کیلومتره وجود لوی غند (٤) ژاپاترا چرا کشف وتعیین نتوانسته است؟

درینمحاربه مسئلهٔ جنرال (کرن غروس). و جنرال (غلاسقو) که مشترکاً بهجوم قیام نورزیدند ، بمیدان ثبوت رسانید که سبب یگانهٔ این تردد وعدم قرارازین پیش آمده بود که درافسران تول غندروس آرزوی (تشبث ذاتی)، و (بعهده گرفتن مسئولیت) موجود نبوده هرقوماندان خودرا مانند پتلئی پتلی بازان قرارداده تاازقوماندان مافوق خود امر نمیگرفتند خودرا برهیچ کار مأذون نمیشمردند و درچنان نقطه های نازك، و جاهای مهم حرب که حرکات آنی، وتشبثات زمانی لازم می آمد شدت عزم، ومتانت اقدام را اهمال میکردند .

آمدیم برژاپانها : درطرف آنها هر کار دگرگونه بود ، فکر هر افسر و هر قوماندان بجز نتیجهٔ فتح وظفر ، وغالب شدن ، ومغلوب کردن بر دیگر هیچ چیز منحصر نبود ، در هر نقطهٔ که بقرار فن حرب فرصت غلبه ظهور مییافت همانندم قوماندانها مسئولیت را بعهده گرفته برکار خود اقدام میکردند .

جنرال (آندو) یعنی — قوماندان غبرك غند (۱۹) اوامر (۱۵) جون را خیلی پسانها گرفته بود ، وجنرال (آقیجاما) هیچ نگرفته بود ، وعلی الخصوص که برای هیچ یکی نه ساعت ونه دقیقه تصریح شده بود ، باوجود آنهم درخصوص پیش رفتن بردشمن شدت عزم شان برهر گونه موانع غلبه کرده ، میدان مظفریت را ربوده اند .

درتفرعات اجرای طرز واصول هجوم نیز بعضی شایان دقت واعتبار ، نقطه ها موجوداست : مثلادرهنگامیکه درجناح شرق ، لوی غند (۳) وغبرك غند سواری ژاپان ، هجومهای قوت های فایق دشمن رادفع وطرد میکردند ، لوی غند (۵) ژاپان ازجهت غربی نهر (فوچو) پیش شده جناح راست روسها را تهدید میکرد . لوی غند (٤) ژاپان حرکت بسیار واسعتری اجرا میکرد که چون این حرکات را به اعتبار اساس آن دقت کنیم ، قول تول غند روس بسبب تهدید شدن خط رجعت شان ازطرف ژاپانها به ترك وتخلیه کردن موضع خود مجبور شده بودند .

پس ازین یك معلوم میشود که مؤثر ترین قوتها در حرب ، قوت سلاح نی ، بلکه قوت مانوره یعنی — حرکات قواعدیست .

حالا یکقدری ازاحوال طوپچئی طرفین نیز بحث کردن لازمست :

چنانچه درمحاربهٔ (کینچو) که ذکر آن درجلد (۳) این کتاب بتفصیل

گذشته بود، ودر محاربهٔ (یالو) تفوق قوت طوپچی بطرف ژاپانها بود ، درین محاربهٔ (وافانقو) نیز تفوق طوپ چی‌را ژاپانها مالك بودند . (۱۹۸) طوپ ژاپان بمقابل (۸۲) طوپ روس محاربه میکردند .

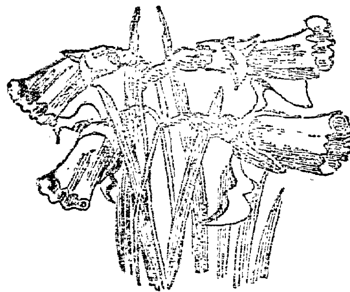
طوپ چئی ژاپان متحداً سوق واداره میشد ، وباصنف پیاده بکمالاً توحید حرکت میکرد، وموضع های بسیار مستوری انتخاب میکردندکه به اینصورت تأثیرات شان صرف نظر از تفوقی که داشتند بهاینسببها خیلی افزونی پیدا کرده بود . حال آنکه روسها بعکس آن هیچیکی ازین شرایط رعایت نمیکردند طوپچئی روس نه متحداً سوق‌واداره میشد، ونه باصنوف سایره به اشتراك حرکت میکرد، وازهمه بدترکه قیمت واهمیت (آتش غیرمرئی) رانیز روسهاقدرواهمیت نمیدادند .

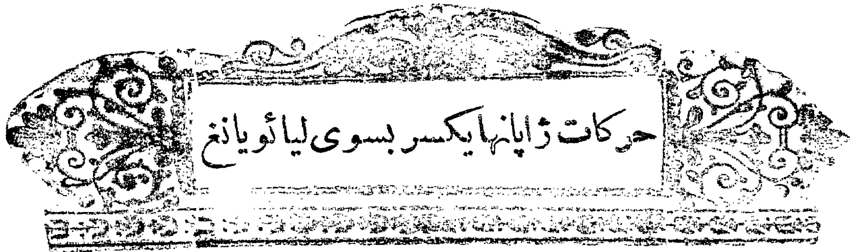
درخصوص طرز انتخاب موضعهای طوپخانه های روس جنرال (شتاکلبرغ) چنین میگوید :

« موضعهای مستور وغیرمرئی‌را برای طوپخانه ها، خود من بالذات انتخاب کرده به قوماندانهای طوپچئی خودنشان میدادم، اما اکثرقوماندانهای طوپ چئی ماازاصول انداخت (آتش غیرمرئی) که (اندیرکت) میگویندش اجتناب میکردند . برای قانع ساختن انهابرای اصول انداخت (اندیرکت) یعنی — انداخت ازپشت ستره هائیکه دیده نشود کوشش ورزیدم . معهافیه افسران طوپچئی مابه این مسئله شایان مؤاخذه نبودند . زیرا طوپچیهای روس دروقت حضر اجرای انداخت (اندیرکت) رانیا موخته‌بودند، مهندسها . وافسران استحکامهای ماازشناختن قدراین نوع انداخت عاجزبودند . همه موضعهای طوپچئی ما که در (کینچو، و — داشیچاعو، و — حایچون،

و — لیا ئویانغ) بوده برزروه های تپه وکوهها انشاشده بودند ».

اینست که روسها در خصوص مسئلهٔ انداخت اندیرکت که در محاربه ها اهمیت فوق العادهٔ مخصوصهٔ دارند به اینصورت جاهل بودند . ولی ژاپانیها که در هرچیز مالك قوهٔ اختراع و ایجاد بودند بی آنکه لحظهٔ تردد بکنند دایماً موضعهای مستور انتخاب کرده از انجا بکمال موفقیت آتش کرده اند .





در نهایت ماه جون تول غند های ژاپان که درمانچوری بزیر قوماندانی بزرگ مارشال (اویاما) بودند بریك جبهه ئیکه (۱۸۰) کیلومتره وسعت وفراخی داشت بوضعیتی که بقرار ذیل بیان میشود به تعرض وهجوم بردشمن حاضر ومهیابودند :

(۱) : تول غند اول — مرکب ازلوی غند های (خاصه ، و ۲ ، و ۱۲) در زیر قوماندهٔ جنرال (قوروکی) در (فنغ هوا نشان) بمقابل جنرال (کلماه ر) .

(۲) : تول غند چارم — مرکب ازلوی غند های (۱۰ ، و لوی غند ۵) درزیر قوماندهٔ جنرال (نوزو) در (سیویه ن) بمقابل جنرال (میچه نقو) .

(۳) : تول غند دوم — مرکب از لوی غند های (۳ ، و ٤ ، و ۵ ، و ٦) درزیرقوماندهٔ جنرال (اوقو) (درسیونوچن) بمقابل جنرال (شتا کلبرغ) .

این سه تول غند های مختلف که هنوز درمابین شان خوب فاصله عاموجود بود برسه راهیکه یکسراز جنوب درمیان (مانچوری) بسوی شمال میرفت ، وبهترین راههابود ، موجودبوده ، واین راه هاراتعقیب کرده در (لیائویانغ) بایکدیگر جمع می آمدند .

در (۱٦) جون تول غند وسطی ژاپان یعنی تول غند (نوزو) بر استقامت (خایچونغ — داشیجاعو) از (سیویه ن) حرکت کرده بوده

در (۲۵) جون (قوروکی) نیز به این حرکت اشتراك ورزید . در نهایت جون ژاپانها بعد از بسیار محاربه ها در بندرها ، و گذرگاه های بسیار مهمی را که در سلسلهٔ جبال پیش روی شان واقع بود ضبط و تسخیر کرده بودند .

تول غند جنرال (اوقو) از همه تول غند ها بد شمن نزدیکتر بود . این تول غند در (۹) جولایی (قایچو) را استیلا نمود .

بمقابل این سیلاب خروشان ژاپان که از سمت جنوب می آمد در طرف شمال این قوتهای روس موجود بود .

(۱) : قول تول غند نخستین سیبریا مرکب ازلوی غند های (۹ ، و ۱) در (اینقو — داشیچاعو) .

(۲) : قول تول چارم سیبریا ، مرکب ازلوی غند پیادهٔ (۳) سیبریا ، و بعضی اقسام قول تول غند (۲) در (داشیچاعو) .

(۳) : اقسام متباقی قول تول غند دوم ، ویك غبرك غند قول تول غند (۱۰) در (سیموشون) بمقابل جنرال (نوزو) .

از نتیجهٔ جداشدن قول تول غند (شتاکلبرغ) وضعیت مهلکهٔ سوق الجیشیهٔ که تول غند روس بدان دوچار آمده بود، به اینصورت بی آنکه یك مصیبت بزرگی بوقوع آید تعدیل و اصلاح کرده شده بود .

سکونت و آرامی ئیکه از (۹) جولایی به اینطرف در جهت ژاپانها حکمفرما بود بایك کشف تعرضی ئیکه از طرف روسها اجرا گردید خلل پذیر شد . زیرا جنرال (کلله ر) بالوی غندهای (۳ ، و ٦) سیبریای شرقی و (۲) غند فرقهٔ (۹) در (۱۷) جولائی باقولهای متعدد یکسر بسوی (لیانشا نقوان) حرکت کرده . مقصد جنرال (کلله ر) روسی این بود که قوت دشمنرا به خوبی ودرستی کشف نماید . اما وا اسفا که سوار یهای روس بهیچصورت بر

شکافتن خط امنیت ژاپانها ، ونظرانداختن به آنسوی خط موفق و کامیاب نیامده اند .

جنرال (کاله ر) بسبب کوهستان بودن اراضی طوپچئی صحرا باخود نیاورده بود ، بلکه طوپچئی جبل هم نداشت . لهذا به تحقیق پیوست که وجود نبودن طوپچی چقدر یك محذوره مهمی تشکیل میدهد . ازینسبب پیش رفتارئی جنرال (کاله ر) پیش ازانکه قوتهای مهم دشمن منتشر شود دوچار توقف گردید . بعد ازانکه بقدر (۱۰۰۰) نفر ضایعات بداد جنرال (کاله ر) رجعت نمود . از نتیجهٔ این محاربه بجزهمان معلوماتیکه دراول درخصوص قوتمند بودن قوتهای دشمن داشتند دیگر چیز زایدی آموخته نتوانستند .

فردای آنروز جنرال (قوروکی) بحرکت تعرضیه آغاز نهاد . گویا جنرال (کاله ر) برای تشویق وتحریك تول غند نخستین ژاپان بر تعرض وحمله آوری دیروز این استکشاف را اجرا کرده بود !

جنرال (قوروکی) باقسم کلئی خود بر جادهٔ (لیائویانغ — سایماجی) توجه کرده بود . ژاپانها هجوم جبههئی که در (۱۸) جولائی بر یك غبرك غندلوی غند (۹) روس اجرانمودند ، اگرچه در اول امر عقیم ماند ؛ لکن در روز دیگر چون جنرال (قوروکی) جناحهای روسهارا تهدید نموده ، روسها بسوی (لیوتولینغ) به عقب کشیدن مجبور گشتند .

درجبههٔ شمال ازتاریخ (۱۹) جولایی تابه (۳۰) آن باز سکوت و آرامی حکمفرما گردید . درین اثنا دو تول غند دیگر ژاپان بحرکت آغاز نهادند .

جنرال (نوزو) در (۲۲) جولایی بحرکت پیش رفتاری آغاز ، و بارفتار بسیار متأنیانه و احتیاط کارانه تابه (سیموشون) نزدیکشده ، بسبب کمبودی قوت خود بکمال احتیاط و بصیرت بحرکت کردن مجبور بود .

تول غند (نوزو) در پیشگاه (سیموشون) که از طرف یك مفرزهٔ قوت ناك دشمن تحکیم شده بود، تابوقتیکه تول غند جنرال (اوقو) نیز بهمان برابری برسد انتظار کشید. درینجا لوی غند (۵) که به تول غند (۲) منسوب بود به تول غند (نوزو) التحاق نمود.

تول غند (اوقو) در روز (۲۳) جولایی از (قایچو) عزیمت کرده بود. روزدیگر در (داشیچاعو) باروسها مصادمه نمود. درینجا طوپچئی روس نخستین بار موافق اصول وقاعده، وبصورت متحدانه ایفای وظیفه کرده اند. ژاپانها در اول محاربه بسکونت و آهسته گی کار دیده اند. حتی بیك محاربهٔ جدی وحقیقئی پیاده نیز آغاز نکرده اند. امایك هجوم مقابل روسها که برجناح راست ژاپانها بوقوع آمد باضایعات وتلفات عظیمهٔ رد کردید.

درشب (۲۵) جولایی روسها موضع خودشان را ترك کرده یکسر بسوی (حایچونغ) عقب کشیده اند. ژاپانها چون باز بر هجوم آغاز کردند موضع مذکور را از دشمن خالی یافتند. موقع (اینقو) را نیز درین اثنا روسها خالی کرده بودند.

روسها در تخلیه کردن این موضعها از ینسبب چابکی کردند که اگرادنا غفلت میکردند تول غند (نوزو) از پشت آنهارا احاطه میکردند. والحاصل ایندوموضع برای ژاپانها برای خدمات منزل، خیلی خوب ونزدیك یك بندر گاهی بوجود آورد.

مخابر حرب جریدهٔ (برلینرتاغبلات) غندمشر (که‌دکه) محاربهٔ (داشیچاعو) را به اینصورت تصویر کرده است:

﴿تصویرات غندمشر (که‌دکه) المانی درباب محاربهٔ (داشیچاعو)﴾

« نهایت محاربه آغاز کرد! در صبح روز (۲۴) جولایی پیش از برآمدن

آفتاب بایك سرور بزرگی به سوی (اینقو) شتاب ، وازانجا بسرعت ممکن به (داشیچاعو) رفتم . هنوز دراثنای راه بودم که ازدورصداهای طوپ طنین انداز میشد . هنوز بمحل مقصود واصل نشده بودم که لمعه های درخشیدن شرانپلهای ژاپان را در هوا دیدم .

« این شرانپلهاازطرف ژاپانها برجناح راست قول‌تول غند (٤) روس انداخته میشد . هزارافسوس که هنوز بموقع حرب واصل نشده بودم که خبر کدر آمیز وقوع نیافتن حرب قطعی‌راشنیدم . مگر درنقشه و پلان‌سرقوماندان روس یعنی — جنرال (قوروپاتکین) اجرا کردن یك محاربهٔ قطعی درین حوالی موجود نبود . بلکه تنهایکقدری تأخیردادن تول غند جنرال (اوقو) مقصود بود . گویاجنرال (قوروپاتکین) اصل ضربهٔ مهلکهٔ شدیده رادر (لیائویانغ) برژاپانهاحواله میکند . و بعدازشکست دادن‌تول غندهای ژاپان به حرکت تعرضیه آغازنهاده قطعهٔ (کوریا) را استیلامیکنند .

« والحاصل وقتیکه براه بودیم بسیاری ازعرابه های خسته خانه مارا دیدیم که یکسر بسوی (داشیچاعو) روان بود . قصبهٔ (داشیچاعو) نیزاز حالا بخالی شدن آغازنهاده بود . امروزیك روزبسیارخوش‌هوایی بودکه از ابرهاوباران های‌یك روزپیشترهیچ اثری‌پدیدارنبود . ابرپاره های‌مظلم برذروه های کوهها جمع آمده سمای سمت الرأس مایك رنگ لاجوردی نظرفریبی نشان میداد . باد هیچ نمیوزید ، وشعاعات شمس که برسنگهای کوه های بی درخت انعکاس میکرد حرارت هواراخیلی تشدید میکرد .

« درین أثنا عکس صدای آتش طوپ رفته رفته کسب شدت میکرد و سحا بپاره های سفیدیکه ازدانه های‌شرانپل‌حاصل میشدافزونی‌میگرفت .

« اسپ خود رابیکدرخت آلوبسته‌پیاده برذروهٔ کوه بالابرامدم . یکدانهٔ

شرانپل بایك صفیر مدهشی از سرم گذر نمود ، وچون یکچند قدم گذشتم یك گلهٔ دیگر یك چند قدم دورتر در پیش رویم کفید که ازین یك دانستم که بمنطقهٔ مهلکه رسیده ام .

« آخرالامر به ذروهٔ کوه واصل شدم ، ودرینوقت منظرهٔ میدان محاربهٔ بصورت بسیار واسع وحیرت فزایی در پیش نظرم انکشاف نمود . در طرف راست از دور بحر محیط مانندیك پامك باریك و سیمینی که از اتصال سما وماء حاصلشده بود پدیدار بود . در طرف پیش رویم یك میدان سبز وخرمی که باده ها ، ومنف بصف در ختها پر بود تمادی مینمود ، درطرف چپ وپشت یك کوهی که بصورت نیم دایره باالوان مختلف بلندشده رفته بودموجود بود .

« لکن این مناظر لطیف و پرسکون محیطه درینوقت بایك ولولهٔ حرب وقتال پر شده بود . در حالیکه من درینجا تماشای یك منظرهٔ بااحتشامی متلذذ بودم یکقدری پیشتر ، از نوع بنی بشر یك کتلهٔ خون آشام به محو وفنا کردن همدیگر کوشش میورزیدند .

« موضع مدافعهٔ روس اساساً درمابین جادهٔ (تانچی) وخط شمندوفر بدرازی (۱۲) کیلومتره امتداد یافته بود . جناح راست موضع که بدشت منتهی شده بود از بحر بقدر (١٤) کیلو متره دورتر واقعشده بود اینموضع برای دوقول تول غند روس مخصوص بود که یکی قول تول غند (۱) ودیگری قول تول غند (٤) بود . درما بین جبههٔ این دو قول تول غند کوه پارهٔ ممتنع التقرب بلند شده بود . این دوقول تول غند از (٤٨) کندك پیاده و (۱۲۳) طوپ مرکب بود که درزیر ادارهٔ مشترکهٔ جنرال (صاروبایف) ، وجنرال (شتاکلبرغ) مودوع شده بود .

« هنگامیکه من بمیدان محاربه آمدم ، جنگ طوپچی از ساعتها بکمال دهشت

دوام میورزید • در پیش روی من یك قسمی از طوپچی قول تول غند(۱) موجود بود ، متباقی طوپچئی این قول تول غند برای احتیاط درعقب قول تول غند (٤) بود که این طوپچی احتیاط که عبارت از (١٦) قطعه طوپ بود بمحاربه هیچ اشتراك نورزیده بود • حالا نکه این یك خطای بزرگی شمرده میشود •

« درین بارطوپهای روس موضعهای خود شانرا خیلی خوب انتخاب کرده بود ، وبحال وطبیعت اراضی محیطه بصورت بسیارموافق ستروتنظیم کرده شده بود • محاربهٔ طوپچی بی آ نکه بیك نتیجهٔ قطعی منجر بشود تمام روز دوام ورزید • یکچند طوپخا نهٔ روس در عین زمان موضعهای بسیار محکم پیادهٔ ژاپان راا گرچه بزیرطوپ گرفتند امایك موفقیت جدی حاصل کرده نتوانستند • عسکراستحکام روس در خصوص حفر وتأسیس استحکامات صحرا براصول وقواعدیکه ما از بسیارسالها آنراترك کرده ایم پیروی و تبعیت میکردند •

« درزیر حرارت شدیدهٔ آفتاب محاربهٔ طوپ تابساعت (٥) دوام ورزید • ولولهٔ تفنگ اسلا فرق نمیشد • درینوقت خیلی تشنه شده بده فرو آمدم ، در خانهٔ منفرد یك چینی آمده آب خواستم • صاحب خانه را باجملهٔ افراد عایله اش بکندن یك مغارهٔ طولانی دربغل کوه مشغول یافتم که گویا برای خودشان ازتأثیرگلهٔ طوپ یك سرپناهی تدارك میکردند •

« بعد ازساعت (٥) چنان معلوم شد که آتش طوپ یکقدری سستی وآرامی پیدا کرد • درین محاربه صرفیات جبه خانه خیلی بسیارشده است • ازطرف روسها کم ازکم (٣٥٠٠٠) شراپنل صرف شده است که درهرشراپنل چون (٣٠٠) گله حساب شود به این حساب بردشمن (١٠٠)ملیون یعنی صدلك گله ریختا نده اند • »

حاضری برای محاربهٔ میدان درلیا ئویانغ

در (۳) ماه آگست تجمع تول غندهای (۱ ، و ۲ ، و ۳) ژاپان اکمال شده بود : این تول غند هادر جنوب (لیائویانغ) ودرقسم علیای (نی یو چوانغ) ، و (ها یچه نغ) ؛ و (سیدا حو) ازدره ها ی (یا نچه لینغ) ؛ و (یوچو لینغ) گذر کرده در (یا نسیقو) به نصف قطر (٤٠ تا ٥٠) کیلو متره ، یك دایرهٔ واسعی تشکیل میداد .

همه قوای عسکری روس که در (مانچوری) بود نیز در (لیائویانغ) و اطراف آن تجمع کرده بودند .

امروز فردابوقوع آمدن یك محاربهٔ بزرگ میدان راهرکس منتظربود مع هذا مخاصمین پیش ازانکه باهم بچسپند بقدرسه هفته آرامی گزیدند . این رانمیدانیم وهم نخواهیم دانست که آیا ژاپانها اینچنین تأخیریکه درظاهرحال برای منافع شان خیلی منافی مینمود بر چه گونه اسباب وشرایط تجویزدادند اما در نزدمن سبب معقول آن همین بنظرمیآیدکه بارانهای سیلاب آسایی که از چند روز باریده صحرای (لیائویانغ) رابه یك دریای حقیقی کل تحویل داده است لهذا انتظار خشك شدن آنرا کشیده باشند . یا آنکه جاخالی ضایعات خودشانرا تقویه وپرکردن خواسته باشند !

تأخیر مذکوراز هرسببیکه پیش آمده باشد نمیدانیم ، اماتااواسط ماه اگست مواضع متقابلهٔ هردوخصم اصلادوچارتبدل واصلاح نشده بود ، لکن به عوض این عدم تبدل موجودئی طرفین خیلی ازخیلی افزونی گرفته بود . حتی قولهائیکه زیاده تردو چارضایعات شده بود سرازنوتشکیل وترتیب شده بود .

تقویهٔ تول غندهای روس وژاپان

پیش ازین گفته شده بودکه دوقول تول غنداوروپایی روس ، یعنی — قول تول

غند (۱۰) وقول تول غند (۱۷) کاملاً بدارالحرب فرستاده شده بود، بهریك
ازین دوقول تول غندها چارده چارده غندك طوپ سریع آتش علاوه شده بود.
غیر ازین يك لوی غند قازاق سیبیریا ، ويك لوی غند قازاق (اورا بنورغ) ،
ويك غبرك غندسواری (قافقاسیا) ، ويك غبرك غند سوارئی (اورال) برای
تزئید قوهٔ موجودهٔ سوارئی تول غند (مانچوری) ارسال گردید . برسراین
همه برای تشکیل دادن (۱۰) لوی غند پیادهٔ دیگر از صنف احتیاطهای دوایر
عسکریهٔ (کیه ف) ؛ و (موسکوا) ؛ و (قازان) نیز بکمال سرعت تشبث شده بود
که (۵) غبرك غند پیادهٔ آن همان دم بحال سفر بر آورده شده روانهٔ دارالحرب
گردیده بود . (٤) لوی غند ازین (۱۰) لوی غند مذکوره برای تشکیل قول
تول غند های (۵،و٦) سیبیریا بتخصیص ، و (٦) لوی غند دیگر آن برای تشکیلات
متممه حصر شده بود .

نهایت در روزهای آخر ماه جولائی قول تول غند نخستین اوروپا از
(سن پترسبورغ) بدارالحرب براه برامده بود . این قول تول غند نیز مانند قول
تول غند (۱۰،و۱۷) بادو غندك طوپ سریع آتش مجهز شده بود .

قطعاتیکه به تشکیلات متممه عاید بودند باطوپهای (۹) سانتیمتره و (۸٦)
ملیمتره بی تجهیز یافته بودند . (۲) غندك طوپچئی جبل که موجود بود، به (۸)
غندك ابلاغ کرده شد، و آنها نیز از جنس سریع آتش انتخاب کردید . وغیر
ازین (۲) غندك طوپ (هاوان) (۱۵) سانتیمترهٔ ئی نیز بوجود آورده شد .
ودودو کندك تبردار ، ويك کندك تلگراف ، ويك تولی بالون نیز تشکیل
داده شد .

درأثنای محاربهٔ میدان (لیائویانغ) قول تول غند (۵) سیبیریا کاملاً به
(موکده ن) واصل ، وقول تول غند نخستین اوروپا از ترنهای شمندوفر

در بر امدن بود .

در پی این قول تول‌غند، قول تول‌غند (٦) سیبریا که در ماه و اصل دار الحرب میشده بود بحرکت میافتاد .

ارکان حربیهٔ ژاپان مانند هر وقت ؛ درینبار نیز به پنهان گرفتن قوای امدادیهٔ که به تول غند های خط حربش فرستاده شده بود موفق آمده از مقدار حقیقی قوت خود بکسی سر رشته نداده است . اما باز هم حکم میشود که هر یك از قولهای خود را اسن از نوا کمال کرده باشد ، و بسیار غیرك غند های احتیاط خود را بقطعات نظامیه التحاق داده بمیدان محاربه فرستاده باشد .

وضعیت تول غند روس در (۲۳) آگست

قطعات روس که در (۲۳) آگست در جنوب (لیا ئویانغ) جمعشده بودند بقرار ذیل از (٦) قول تول‌غند مکمل عبارت بود :

اول — قول تول‌غند نخستین سیبریا جنرال (شتاکلبرغ) : مرکب از لوی غند های (۱) و (۹) شکارئی سیبریای شرقی، و کندك تبردار آن .

دوم — قول تول‌غند (۲) سیبریا جنرال (ساسولیچ) : مرکب از لوی غند های (٥) شکاری سیبریای شرقی، ولوی غند (۱) احتیاط سیبریا. و کندك تبر دار (۲) سیبریای شرقی .

سوم — قول تول‌غند (۳) سیبریا جنرال (ایوانوف) : مرکب از لوی غند های (۳، و ٦) شکاری سیبریای شرقی، و (۲) غند سوارئی ماورای بایقال .

چارم — قول تول غند (٤) سیبریا جنرال (زاروبایف) : مرکب از لوی غند های (۲ ، و ۳) احتیاط وردیف سیبریا ، و کندك تبر دار (٤) سیبریای شرقی .

پنجم — قول تول غند (۱۰) اوروپا جنرال (شلوچه وسکی) : مرکب

ازلوی غند های (۹ و ۳۱)، وکندك تبردار (٦) .

ششم — قول‌تول غند (۱۷) اوروپاجنرال(بیلده رلنیغ): مرکب‌از لوی غندهای (۳۳و۳۵) وکندك تبردار (۱۷)، وغیرك غند مستقل (۲) سواری .

موجود وسطئی هرقول تخمیناً عبارت از (۲۵۰۰۰) نفربود . چارقول تول‌غندسیبریا هشت هشت غندك طوپ رامالك بودند، ودوقول‌تول غنداوروپا چارده چارده غندك داشتند .

قطعات سوارئی مستقل ازینقرار بود :

اول — لوی غندقازاق سواری جنرال(سامسونوف) . مرکب‌از (٤) غند ، و(۲) غندك .

دوم — لوی غندقازاق‌ماورای(بایقال) جنرال (رەنەنقامف) . مرکب‌از (٤) غند . و(۲) غندك .

سوم — لوی غند قازاق (اورا بنورغ) جنرال (غره قو) . مرکب‌از «٤» غند ، و«۲ »غندك .

چارم — یك غیرك غندماورای‌بایقال جنرال«بیچەنقو»مرکب‌از «۲» غند، و « ۱ » غندك .

پنجم — یك‌غیرك‌غند« قافقاس»جنرال« پرنس‌اوربه لیانی » . مرکب از « ۲ » غند .

دیگرقطعات سواری ئیکه موجودنفرئی شان غیرمعین ویامشکوك بودو مستقل نی بلکه بقول‌تول‌غند هامربوط بودند نیز بدینقرار است :

« ۱ » غیرك غند قازاق اورال ، و« ۱ » غند دراغون ، و« ۱ »غند قازاق ماورای بایقال‌به قول‌تول غند « ۲» مربوط .

« ۱» غند قازاق اوسوری بەقول‌تول غندنخستین‌سیبریا مربوط . یکنیم

غند قازاق «آمور» بقول تول غند «۲» سیبریا مربوط .

غیر ازینها این قطعات دیگر نیز بقوای حربیهٔ روس به التحاق کردن حاضر بود :

«۸» غندك طوپ جبل .

«۲» غندك طوپ «هاوان» «۱۵» سانتیمتره‌یی .

(۳) تولی «میترالیوز» که به تول غند های «۱، و۲، و۳» سیبریای شرقی داده شده بود .

«۱» کندك بالون .

(۱) کندك تلگراف .

(۱) کندك پلساز سیبریای شرقی .

والحاصل در وقت حاضر ئی محاربهٔ میدان (لیائویانغ) غیر از قطعات فنیه و افرادیکه بخدمات خصوصیه مأمور بودند مجموع افراد عسکریهٔ تفنگ دار روس اینقدر بود :

(۱۷۲) کندك . یعنی - (۱۳۰،۰۰۰) تفنگ .

(۱٤۷) طرب سواری یعنی — (۱٤۰۰۰) شمشیر .

(۵۲۰) قطعه طوپ .

(۲٤) میترالیوز . — یعنی تفنگ ما شیندار — .

غیر ازینها تقریباً (۳۰۰۰۰) عسکر و (۹٦) طوپ در (موکده ن) بطریق احتیاط موجود بود .

(وضعیت تول غند های ژاپان در (۲۳) آگست)

قوای حربیهٔ ژاپان که درزیر ادارهٔ مارشال (اویاما) داده‌شده بود در (۲۳) آگست برای محاربهٔ (لیائویانغ) بقرار ذیل ازین قطعات مرکب، وبه این وضعیت افتاده بود :

اول — تول غند نخستین جنرال (قوروکی) مرکب ازلوی غند های (۱۲، و ۲، وخاصه) . درموضع (یافیقو) درساحل چپ نهر (لانهو) .

دوم — لوی غند (٤) جنرال (نوزو) مرکب از لوی غند (٦) پیاده، وغبرك غند (۱) سواری مستقل، وغبرك غندك (۱) طوپچئی مستقل درموضع وادئی «سیداحو» .

سوم — تول غند «۲» جنرال «اوقو» مرکب ازلوی غندهای «۳، و ٥ ٤»، ویك غبرك غند مستقل سواری، ویك غبرك غندك مستقل طوپچی . در طرفهای «هایچه نغ» .

بغیرازین برای هرتول غندیك یاچندغبرك غنداحتیاط نیزموجودبود. ولی چون ژاپانیها درباب افشانشدن قوت موجودهٔ خودشان احتیاط تمام بکار برده اند ازکم وکیف حقیقئی مقدار حقیقئی قوای موجودهٔ شان چنانچه شاید وباید معلومات کافیه موجود نیست وچون ازروی مقدار نفری تولی های شان که هرتولی از «۲٥۰» نفرعبارت است حساب نمائیم قوهٔ عمومیهٔ که لوی های نظامی شان بوجود آورده به اینصورت تخمین میشود :

«۱۲۰،۰۰۰» تفنگ .
«٥۰۰۰» کریچ .
«٥٥۰ یا ٦۰۰» طوپ .

پس چون برینمقدار قوت یکچندغبرك غنداحتیاط نیزرا بیه‌زائیم صرفنظر ازتفرق عظیمی که روسها درسواری دارند درصنوف دیگر موجودئی طرفین مساوی ویکسان بنظرمیاید .

(تنظیمات تدافعیهٔ موضع (لیائویانغ))

شهر «لیائو یانغ» درساحل چپ نهر «تایجوحو» ودرجهت شرق راه

آهن « مانچوری » واقع ، و« ۷۰۰۰۰۰ » نفوس دارد . این شهر با یك دیوار چین محاط میباشد . در اطراف شهر یك دشت بسیار واسع وباده ها وقریه های توانگر معمور است . در جهت شرق و جنوب این فراخنا کوههای آخرین سلسلهٔ جبال « مانچوری » تماس میکنند که نهرهای « تانهو» و« شاحو » ازان برامده یکسر وادی های مجراهای تابعهٔ خودرا آب یاری میکنند . کوههای مذکور درمابین « ۲۰۰ تا ۶۰۰ » متره بلندی دارد .

جریان این نهر « شاحو» آنقدر حائز اهمیت نیست . معهاقیه نهر مذکور خطوط مدافعهٔ بسیار خوبی تشکیل میدهد . فراخئی نهر « تایچوحه » در نزدیکئی « لیائویانغ » از صد متره افزونتر نیست . امانهر درانجا مجراهای متعددی تشکیل میدهد . هر نقطهٔ این نهر که موسم باران نباشد قابل مرور است . مع هذا بسببی که درهر ثانیه « ۳ » متره سرعت جریان دار دیك مانع بسیار مهمی شمرده میشود . در موسم بارانها نهر مذکور فیضانها وسیلابهای شدیدی بوجود می آورد . تنها از یك پل گذشته میشود که اینهم پل ریلست که « ۴۱۶ » متره درازی دارد .

دشت « لیا ئویا نغ » باسی طرق اتصالیه قطع شده است که بزرگترین آنها جادهٔ « ماندارین » وراه شمندو فر « پور آرتور » ، وراه « فنغ هوانشان » است . قسم اعظم این دشت با کشتزار هاوده هاوقریه های آباده ستور است .

روسهاسه خط مدافعه درپئی همدیگر تأسیس داده بودند : اول : خط مدافعهٔ پیش که برجبههٔ (آنشا نتی ین) ، (قوفه نجو) ، (انپنیغ) واقع شده است . دوم : خط مقاومت اصلی که برسلسلهٔ کوههای شمالی مستند بود . سوم : خط موضع رجعت که دردا خل دشت (لیا ئویانغ) از شهر (۳) کیلومتره دورتر واقعست .

موضع خط مدافعهٔ پیش بیشتراز (۶۰) کیلومتره وسعت را مالکست که این وسعت بیشترازانست که روسهاآنرا بصورت مؤثری مدافعه بتوانند . در پیش روی این قطعات بعضی مفرزه های مختلط به تماس کردن با دشمن مأمور بودند .

خط مقاومت اصلی از (مایه طون) نام موضع تابموقع (ساقوطون) یك قوس دایرهٔ بزرگی تشکیل میداد . این خط برچار منطقه جدا شده هریکی ازان برای جدا جدا قول تول غند ها تخصیص شده بود :

منطقهٔ اول : از (مایه طون) تابه (شانسی یاپو) ممتد بوده به نخستین قول تول غند سیبریاداده شده بود .

منطقهٔ دوم : از (شانسی یاپو) تابه (ماندیافان) ممتد بودکه به قول تول غند (۳) سیبریاداده شده بود .

منطقهٔ سوم : از (ماند یا فان) تابه (سی یاپو) ممتد بودکه به قول تول غند (۲) سپرده شده بود .

منطقهٔ چارم : از(سی یاپو) تابه (تا یچوحو) ممتد بودکه به قول تول غند (۱۷) تخصیص شده بود .

قول تول غند های (۲ ، و ٤) که برای احتیاط مقررشده بودنددر پشت جناح راست گذاشته شده بود . سرقوماندان جنرال (قوروپاتکین) تنها با یك غبرك غند قول تول غند سیبریای (۵) در پشت جناح چپ در ساحل راست نهر (تایچو) مانده بود .

صنف سواری پهلو هارا محافظه وترصد میکردند . منطقهٔ نخستین بر یك جبههٔ (۶) کیلومتره یی مؤسس بودکه مهمترین همه منطقه هابوده زیرا ضیاع آن منطقه شهر(لیائویانغ) وپهلوی راست تول غند را باز میداشت .

منطقهٔ مذکوره از طرف راست بر کوه منفرد (شوشان) که (۲۲۰) متره ارتفاع داشت استناد کرده بود. بر این کوه از جهت جنوب بالا برامدن غیرممکن مینمود، وباستحکامهای بسیاری مستور بود. سر از تپهٔ (شوشان) خط مدافعه از یك سلسلهٔ کج و پیچی متشکل بود. این کج و پیچی ها از طرف (لیائویانغ) دامنه های سخت و سر تیز، واز طرف هجوم مکمل یك شیوه گی را حاوی بود. بناءً علیه این موضع برای مدافعه خیلی صالح مینمود. لکن در جهت چپ اینموضع یك نقطهٔ ضعیفی موجود بود.

بر تمام این سلسله یك کمی پیشتر از پشته ها، سپرهای تقویه دار مخصوصی برای پیاده و طوپچی انشاشده بود. این سپرها باشبکه ها ودامها، و گرگ چاه ها، ونقبها ودیگر وسایط مدافعهٔ فرعیه حمایه ومحافظه شده بود. اما باوجود اینهم بسی خطاها سرزده بود. مثلامهمترین استحکامها برجاهائیکه خود آن محل درحدذات خود مستحکم بود تأسیس یافته بود. ثانیاً سپرهای استحکامهارا باچمن یعنی (چم) نپوشانده بودندکه ازین سبب از بسیار دور رنگ آنهامعلوم بود. ثالثاً قدمهٔ که دامهای سیمی رادرمقابل انداخت دشمن ستر ومحافظه میکرد خیلی میل داربودکه برای دشمن یك ملجأ مساعدی تشکیل میداد. رابعاً میدان انداخت دربعضی نقطه هابدرجهٔ لازمی ان پاك وصاف نشده بود.

منطقهٔ دوم که نیزاز (٦) کیلومتره عبارت بودیك زمین کوهستانی بود. ولی بازهم بسبب میلی که دامنه های آن داشت غندك ها بکمال سرعت ازان گذشته میتوانستند.

منطقهٔ سوم بر (۸) کیلو متره یك جبههٔ ممتد شده بود که آنهم عیناً خواص طبیعیهٔ منطقهٔ دوم راحائز بود. وهم جادهٔ بزرگی که از (لیائویانغ)

به (فنغ هوا نشان) میرفت ازین منطقه میگذشت . این منطقه های دوم و سوم نیز مانند منطقهٔ نخستین با استحکامهای متعدد صحر المحکم و تقویه شده بود .

منطقهٔ چارم بتمامها درساحل راست نهر (تایچوحو) واقع بود که اینهم بر (۸) کیلومتره یك جبههٔ مؤسس بود .

(۳) کیلومتره دورتر ازشهر رجعتگاه تأسیس یافته بود که این رجعتگاه از (۱٦) استحکامیکه باموانع صنعیه باهمدیگر مربوط ومقطع دار به اصول نیم دایره تقویه ومحافظه شده بود متشکل بود .

این عملیات مهمهٔ که از ششماه به اینطرف دران کوشش میشد دراول امر باعمله وکارگران چینی اجرا میگردید ، وچون ژاپانها نزدیکشدند عملهٔ مذکوره راتبدیل داده بجای آن غند های کندن کارفنی اقامه گردید . عسکر پیاده بعملیات مذکوره دراثنای محاربه اشتراك نموده بودند .

در پیشگاه رجعتگاه ، روسها قریه های (سی پالی چوانغ)، (پادیاقانچو)، (تاتاپاقو) ، (قه یه اوچو) رابحال تدافعی وضع کرده بودند . فاصله های مابین این قریه ها انیزبا استحکامهای خفیف صحرا تقویه نموده بودند که این مجمع استحکامات یکنوعی از خط مدافعهٔ متوسطه شمرده میشد .

برسرنهر (تایچوحو) (۷) پل عسکری دراثنای محاربه انشا کرده شد . پل شمندوفر برای مرور قطعات تخصیص گردید .

این موضع روس به اعتبار هیئت عمومیهٔ آن خیلی قوتمند یك موضعی بود . اما باوجود اینهم ازبغلها بسهولت حرکات دوریه بران اجرا کردن ممکن بود .

جنرال (قوروپاتکین) در (لیائویانغ) به اینچنین اظهار مقاومت جدی و شدید محض بنابراوامر شدیدهٔ که از (پترسبورغ) گرفته بود مجبور شده بود . وگرنه فکر وتصور خود او از اجرای مقاومت در (لیائویانغ) برجعت بسوی

(موکدهن) زیاده ترمیال بود . بنابرین جنرال مذکور درمابین این محاربهٔ میدان در (لیائویانغ) ومدافعهٔ تاخیریهٔ که خوداو تصور کرده بود متحیر مانده در تردد بود که چه کنند .

— ﴿ محاربهٔ میدان ﴾ —

هیئت عمومیهٔ وقایعیکه بنام (محاربهٔ میدان لیائویانغ) گذران یافته از (۲٤) اگست تابه (۳) ستمبر عبارت از (۱۰) روز است که این ده روزه وقوعات اساساً بر « ٤ » دور تفریق میشود :

(۱) — از « ۲٤ — تابه — ۲۹ » آگست که ژاپانها خط حرب پیش دورا ضبط واستیلا کرده اند .

(۲) — از (۳۰ — تابه — ۳۱) آگست هجوم بر موضع اصلی .

«۳» — از « ۱ — تابه — ۳ » ستمبر هجوم بغلکی تول غند نخستین ژاپان . وهجوم براستحکام سرپل .

« ٤ » — رجعت روسها .

— ضبط واستیلای خط پیش —

(دور اول)

در روز « ۲٤ » اگست تول غند مانچوریئی روس بفاصلهٔ « ۲۰ » کیلومتره از همدیگر متفرق بر دو پارچه منقسم بود .

اول — قول تول غند های « ۱ ، و ٤ ، و ۲ » سیبریا بود که در زیر امر و قوماندهٔ خود جنرال (قوروپاتکین » بود ، ودر جنوب ، در دوطرف شمند و فراز « آنشانتی ین » تابه « چیلن چو » امتداد یافته بود .

دوم — در شرق از « تونسی پو » تابه « قوفینچو » امتدادیافته مرکب

از قول تول غند «۳» سیبریا، وقول تول غند «۱۰» اوروپا بودکه درزیر قوماندهٔ جنرال «بیلده رلینغ» داده شده بود .

قسم اعظم سوارئی قازاق، درزیر ادارهٔ جنرال «صامسونوف» بغل چپ تول غند راستر وحمایه میکرد . لوی غند قازاق «ردنه نقامف» بغل راست تول غندرا ستر وحمایه میکرد . برغبرك غندجنرال «میچه نقو» وظیفهٔ مهمهٔ ارتباط دادن دوپارچه تول غندا صابت کرده بود .

دولوی غندقول تول غند «۱۷» درعقب قول تول غند های «۳ و ۱۰» به طریق احتیاط گذاشته شده بود .

(حرکت پیشروی تول غند نخستین)

درهمین روز مارشال «اویاما» امر تعرض راعطا نمود : تول غند نخستین ژاپانرا جنرال «قوروکی» برسه قول پیش براند .

قول اول — فرقهٔ «۱۲» بود که درطرف راست میبود، وبریك غبرك غند احتیاط مستند شده وبرلوی غند «۷» قول تول غند «۱۰» روس برابر آمده بعدازسه روز محاربه های شدید خونریزانهٔ روسهارابه ساحل چپ نهر «تانهو» طرد ودفع کردند .

درین محاربه های سه روزه چنان حرکات دلیرانهٔ قهرمانانه که داستان ژاپانها شود بوقوع آمده ، ولی هزار افسوس که درباب اینمحاربه ها تفصیلات کامله بدست نیامده است .

این محاربه های سه روزه از «۲۴» آگست تابه «۲۶» ماه مذکورعبارت ازهجومهای متعددی بودکه ازطرف تول غند نخستین ژاپان برقول تول غند «۱۰» روس بوقوع آمده بوده ژاپانها درشب بساعت «۸» ، وصبح بساعت «۱» و «۴» سه هجوم پی هم اجرا کردند . این هجومها حقیقتاً خیلی شدید و

خونریزانه بود . قول تول غند «۱۰» روس بعد ازانکه از مدت «۳۶» ساعت بی آنکه چیزی بخورند، و چیزی بنوشند ، و یا یکچشم خواب بکنند لاینقطع بمحاربه دوام کردند . تا آنکه سراسر بیتاب و طاقت مانده مواضعیکه آنرا مدافعه میکردند بدشمن بترك کردن و بفرار نمودن مجبور شدند .

قول دوم — لوی غند «۲» تول غند نخستین ژاپان بود که از مرکز بر قراولهای قول تول غند «۳» روس هجوم برده آنهارا طرد ودفع نمود .

قول سوم — لوی غند « خاصهٔ » ژاپان بود که از «نهرواحو» پیش میشد، و به بسیار مشکلات به « طولسی غو » واصل شده قراولهای پیش روس را از انجا طرد ودفع کرده یکسر بسوی « قوفینچو » پیش رفت .

در « ۲۶ » آگست این هر دو لوی غند یکجا شده بر جبههٔ « قوفینچو — تاده نچو » بر قول تول غند « ۳ » روس هجوم کردند . اما روسها بسببیکه برای طوپهای خودشان موضع بسیار خوبی انتخاب کرده بودند لوی غندهای مذکور کاری از پیش برده نتوانستند . درین مجادله غندك های روس بسرهر طوپ سیصد گله صرف کرده بودند که از انرو همهٔ صندوقهای جبه خانهٔ خودشانرا خالی کردند . حتی بصندوقهای دیگر جبه خانه ها نیز دست لاف کرده بخالی کردن اغاز نهادند . باوجود اینهمه اسرافات جبه خانه باز هم اگر معاونت غند « ۱۴ » پیادهٔ قول تول غند « ۱۷ » نمیبود احتمال که ژاپانها بر شکست دادن قول تول غند « ۳ » روس ، موفق می آمدند .

درروز «۲۷» روسها بهجومهای مقابل شدتناکی که اجرا کردند همهٔ سعیهای ژاپانهارا بی نتیجه گذا شتند . ولی در شب «۲۸» باز ژاپانها کوششهای دلیرانهٔ خارق العاده نشان داده بنابر امر قوماندان بزرگ روس ، قول تول غند های (۳و۱۰) روس بموضع اصلی رجعت کردند .

———•••○○○○○○•———

—﴾ حرکت پیشروی تول غند(٤)ژاپان ﴿—

لوی غند (٥) تول غند (٤) ژاپان که درزیر ادارهٔ جنرال (نوزو) بود با تول غند (۲) ارتباط حاصل کرده باهجومهای لوی غند(خاصه)که برقول تول غند(۳)روس اجرامی یافت اشتراك ورزیده بعدازانکه قول تول غندهای روس را از پیش روی خوددفع کردند ، تول غند(٤) ازانها جداشده یکسر بسوی شمال غربی بروادئی علیای (شاحو) به پیش رفتن آغازنهادند .

مقصدازین حرکت تول غند(٤) دورخوردن ازپشت تول غند روس بودکه روسهارا بحرکت احاطه تهدید نماید .

(حرکت پیشروی تول غند (۲)ژاپان)

درین اثنا تول غند (۲) ژاپان که درزیرادارهٔ جنرال(اوقو)بود برحرکت پیشرفتارئی خود دردوطرف خط شمندوفردوام ورزیده قراولهای پیش قول تول غند(۱)سیبریارادفع کرده به اجرای یك حرکت دورخوردن ازطرف پشت ، آنهارا بخالی کردن موقع (آنشانتی ین) مجبور کرده قول تول غند روس رابموضع اصلی برگردانیدند .

این رجعت دراصل از نتیجهٔ مغلوبیت قول تول غند (۱۰) روس و حرکات رجعت کردن قول تول غند (۳) شان نشئت کرده بود .

خلاصهٔ کلام در وقت شام (۲۸) آگست خط مدافعهٔ پیش کاملاً بدست ژاپانها درامد . حرکات عقب گیری ژاپانها محاربه های شدیدو بسیار دمدار را نتیجه بخشید که دراثنای این محاربه های دمدارروسها به ضایعات عظیمهٔ دوچار آمده حتی یکچندطوپ شان که درگلهابندمانده بود به ترك کردن آن مجبور گردیدند .

دور دوم

(هجوم بر موضع اصلی)

امر جنرال (قورو پاتکین) بر تول غند از شهر (لیائویانغ) بتاریخ ۲۹ آگست ۱۹۰٤ ساعت ٥ دقیقه ۱۰

وقت شام

« در (۲۸) آگست تول غندهای (۱، و۲، و۳) ژاپانها در جبههٔ (چه غو — وادی تانهو — وان بانای — طوندیاچا — شاحو — دونتای) منتشر شده میباشند .

« تول غند که درزیر ادارهٔ من داده شده درمنطقهٔ مستحکمهٔ (لیائویانغ) تجمع میکنند . درینوقت بغل راست تول غند ، بر خط (تان وانغ — قااولیزان) بامفرزهٔ جنرال ماژور (قوساغوفسکی) مستور است . وجناح چپ تول غند بر خط (به نسیقو — تالینغ — سینکیغ) بامفرزه های قول تول غند (۱۷) ستر وحمایه شده است . اگر دشمن بر حرکت پیشقدمئی خود دوام ورزد، تول غند بر خطی که ازده های (مایه نطون — داچین — سی یا اویانچو — سینلی طون — اودیاغو — قودیاچو — یا اوچو — سی یاپو — تاچیپو — سی قوآنطون) میگذرد بشدت مقاومت میکنند .

بناءً علیه اجرا کردن این فقرات ذیل را بر تول غند امر مینمایم :

(۱)

« قطعات خط اول :

اول — جنرال لیوتنان بارون (شتاکلبرغ) که قوماندان نخستین قول تول غند سیبریاست موضعی را که برتپه هائیکه از شمال ده های (مایه طون — داچین — سی یا اویانچو — سینلی طون) میگذرد واقع میباشد مدافعه میکند .

وباقول‌تول غند (۳) سیبریا ارتباط خودرا محافظه کرده اراضئی شرقیه ستر وامنیت میدهد .

« دوم — جنرال لیوتنان (ایوانوف) که قوماندان قول تول غند (۳) سیبریاست . منطقهٔ را که ازتپه‌های شمال(قوروویاچو)تابه راه(سیچانیو) — مند یافان) امتداد یافته مدافعه، وباقول‌تول‌غند نخستین‌سیبریاارتباط خودرا محافظه، واراضئی غربیهٔ راکه‌از (شانچاپوتابه‌سسی)امتدادیافته‌ستر وحمایه میکنند .

« سوم — جنرال لیوتنان (شلوچه وسکی) که قوماندان قول‌تول غند (۱۰) اوروپاست . منطقهٔ راکه ازراه (سیچیانو — مندیافان) تابه‌ده(سی یاپو) میباشد مدافعه میکند .

« چارم — جنرال سواری بارون (بلیده رلینغ) که قوماندان‌قول‌تول غند (۱۷) اوروپاست . جناح چپ راستروومحافظه میکنند .

(۲)

احتیاط عمومی

اول — جنرال لیوتنان (زاروبایف) که قوماندان قول‌تول‌غند(٤) سیبریاست .

دوم — جنرال لیوتنان (ساسولیچ) که قوماندان قول‌تول‌غند(۲) سیبریاست .

این دوقول تول غند درجوار(سیطود یاواچو) و (سی یودیاطون) اجتماع کرده میباشند .

سوم — جنرال‌لیوتنان (ده مبوسیقی) که قوماندان قول‌تول‌غند (٥) سیبریاست با اقسام مفرزهٔ خود درشمال‌ده (شاحو) درنزدیك (لیائویانغ)

موجود میشود .

چارم — جنرال ماژور (سامسونوف) قوماندان فرقهٔ قازاق سواری درپشت خط استحکامات درقریهٔ (اوبچیاله) مجتمع میباشد .

[۳]

(حمایهٔ جناحین)

درجناح چپ : جنرال سواری بارون (بیلده رلینغ) .

در جناح راست: جنرال ماژور (میچه نقو) . امر محافظه ومدافعه را بجا می آرند .

جنرال ماژور (غره قوف) جناح راست تول غندرا محافظه میکنند .

(٤)

طوپچی موضع

بموجب امرو تعلیماتی که مفتش طوپچی میدهد غندك هارا وضع و ترتیب میکنند .

(٥)

(استحکام)

خط استحکامات بموجب تعلیماتیکه قوماندان منطقهٔ مستحکمهٔ (لیائو یانغ) جنرال ماژور(ماسلوف) بدهدبر واشغال میشود .

(٦)

خسته خانه

خسته خانهٔ سیار دراستاسیون (لیا ئویانغ)میباشد .

(۷)

(جبه خانه)

قولهای جبه خانهٔ طوپچی بموجب اوامر وتعلیمات قوماندانهای قول تول غند ها درمنطقه هائیکه احتیاج دارد جدا جدا قدمه ها تشکیل میکنند .

(۸)

(قطارهای ریل)

ترنهای شمندوفر یعنی — قطارهای ریل برراهها ئیکه بقول تول غندها نشان داده شده است موجود میشوند ، وستر وحمایهٔ آنهاازطرف قوماندان های قول تول غند هادرزیرامنیت گرفته میشوند .

(۹)

(راپورتها)

راپورها اولا بمن درقرارگاه عمومی (لیا ئویانغ) واصل میشود . وقرار گاه عمومی باقرارگاههای قول تول غند هاباخطهای تلگراف وتلفون مربوط میباشد . درنزد هر رئیس عمومیهٔ ارکان حربیه ، قول تول غندوافسر مخابره میفرستد .

(۱۰)

﴿ راهها ﴾

برای رفتن بموضعها ئیکه قطعات آنرااشغال کرده اند راههائیکه تعقیب میشود قوماندانهای قول تول غند هاآنرانشان میدهد . راه های مذکور بقدرلازم تعدیل واصلاح میشود ، واشاراتی که درنقاط معینه برای نشاندادن

راهها گذاشته میشود علامتهای فارقه میداشته باشد .

اینست که جنرال (قوروپاتکین) بنابرین امری که به تول غند خود داده است از (۷) قول تول غند خود تنها (٤) قول آنرا تقریباً بر «۳۰» کیلو متره یك جبهۀ بخط اول مأمور کرده وقوتهای مهم خودرا درعقب برای احتیاط گذاشته بود که ازقسم اعظم آنها بهیچ وجه یك استفادۀ نشده بود . حال آنکه اگر « قوروپاتکین » آنها را معطل نگذاشته در وقت و آن لزوم استخدام کرده میبود احتمال که مظفریت و موفقیت « لیائویانغ » برای ژاپانها نی بلکه برای روسها حاصل میشد . اماشایان تعجب است که این امر « قوروپاتکین » بجز مدافعۀ مطلقه دگر هیچ چیزی راهم دربر نمیگرفت .

— امری که برای (۳۰) آگست به تول غند ژاپان داده شده —

امریکه ازطرف مارشال (اویاما) درروز (۳۰) آگست به تول غند ژاپان داده شده است از ینقرار است :

اول — تول غند نخستین جنرال « قوروکی » درجناح راست درمابین نهر « تایچو حو » ، وجادۀ که از (لیائویانغ) به « فنغ هوانشان » میرود یکسر بسوی شمال شرقی پیش شده بر جبهۀ (قوطوآی) و (ئی یه اوچو) بر دشمن هجوم میکنند . این تول غند احتیاط خودرا درعقب جناح راست میدارده

دوم — تول غند چارم جنرال (نوزو) راه براه برا ستقامت شمال پیش میرود ، و درجبهۀ جنوب (سیچانیو — چونا نطون) بر دشمن تعرض میکنند .

سوم — تول غند (۲) جنرال (اوقو) درجناح چپ ، جادۀ ماندارین و خط شمندوفری راکه به (پور آرتور) میرود محورالحرکات اتخاذکرده

برتپه های شمالی خط (سینیایطون — سی یااویانچو — مایه طون) هجوم میکنند . و از غرب (مایه طون) بجناح راست دشمن به نزدیك شدن کوشش میورزد . غیرك غند های احتیاط تول غند (۲ و ٤) در عقب جناح چپ ، ودرزیر ادارهٔ خود ماره شال (اویاما) میباشد .

قرارگاه عمومی بزرگ باتول غند (٤) یکجا حرکت میکنند .

سرقوماندان ژاپان که احتیاطعمومئی خودرادرعقب جناح چپ وضع کرده است بخوبی معلوم میشود که اگرازطرف روسها یك حرکت احاطه بوقوع آید یا احتیاط تول غند نخستین آنرا مقابله کرده خودا و برجناح راست دشمن یك حرکت احاطهٔ مهمی اجرا بکنند .

دراول امر ماره شال او یاما اگرچه ترتیبا ت خود را بهمین وضعیت گرفت امادرروز حرکت دفعتهً تول غند نخستین رابرجناح چپ روس بهاجرا کردن یك حرکت احاطه امر نموده ، ودر هنگا میکه تول غند نخستین این حرکت مهم ونازك را اجرا میکرد تول غند های (۲و٤) برجبههٔ جنوب غربی بشدت هجوم کرده ازقوای عسکریهٔ دشمن که درین جهت بود مقدار بسیاری را بسوی خودمشغول میساخت .

اجرای این حرکات ، در مابین تول غند نخستین وتول غند (٤) زیاده از (۲۰) کیلو متره یك فاصلهٔ بحصول آورده ، وبرای یکمدتی وضعیت جنرال (قوروکی) را بیك حال بسیاره هلکی میانداخت . باوجود اینهم تشبث ماره شال برین حرکت ، هیچ شبهه نیست که بریك فکر وتصور بسیاره مهمی مبنی شده باشد .

(تعرض تول غند نخستین)

پیش ازین دیده بودیم که تول غند نخستین ژاپان برسه قول جداشده بود . اینست

که جنرال (قوروکی) در پیش روی قول تول غند های (۳ و ۱۰) روس، لوی غند خاصه ، ولوی غند (۲) خودرا گذاشته ، وخودش لوی غند (۱۲) را باخود برداشته یکسر بسوی شمال روانه شده بود .

درشب (۳۱) آگست نهر (تایچو) را گذر کرده درحالیکه جبهه اش راست بسوی غرب متوجه ، وتپه های (قوانطون) را استیلا نمود . دروقت گذشتن نهر ازطرف روسها هیچ یك تعرض وممانعتی بوقوع نیامد . درانطرف نهر غبرك غند (۱۵) لوی غند (۲) به او التحاق نمود .

درعین زمان غبرك غند احتیاط خاصه درموقع (په نسیقو) از نهر (تایچو) میگذشت .

دروقتیکه این احوال درشمال بوقوع می آمد ، لوی غند خاصه تنها بسر خود درپیش روی قول تول غند های (۳ و ۱۰) روس بجنگ ایستاده بودند . درین اثنا لوی غند مذکوره یك جرأت فوق العادهٔ نشان داده بیك تعرض بسیار شدتناکی آغاز نهاده تپه های (چود یاغو) . و (وابناطای) را بدست ضبط و تسخیر خود دراورد .

درروز (۳۱) ماه اگرچه درپیش . بایك هجوم مقابل قطعات روسها کم وبیش بمشکلاتی برخوردند ، ولی دروقت شام این قطعات روس بنابر امریکه ازقوماندان خود گرفتند به آنطرف نهر (تایچو) برجعت مجبور شده فرقهٔ مذکور تابه (۲) سپتمبر یعنی — دوروز درساحل جنوب نهر مذکور بماندند .

درین اثنا به بنیم که تول غند های (۲ و ٤) ژاپان چه میکردند .

تعرض تول غند های (۲ و ٤)

در وقت شام (۲۹) آگست تول غند های (۲ و ٤) ژاپان ازساحل راست

(شاحو) بر خط راه آهن یکسر بسوی شمال پیش میرفتند . جهت راست خط تعرض را لوی غند (۱۰) تشکیل داده بود که این لوی غند تا به (شی‌حوپو) امتداد مینمود .

درمقابل این تول غندها ، قول‌نول غند نخستین سیبریای روس بر تپه های (شوشانپو) مقابله میکردند .

در ترتیبات تنظیم خط مدافعهٔ روس ، چقدر خطاها و نقصانها موجود بود که در آخر بحث امرقورو پاتکین آن را دیده بودیم . گویا این نواقص کفایت نمیکرد که این خطارا نیز ارتکاب کرده بودند : مثلا در خندقهای شکاری افراد عسکریه را شانه بشانه و آرنج به آرنج نشانده بودند که این قسم وضع نمودن عسکر تأثیر شدت آتش شانرا افزونی نمیدهند و هم ضایعات شانرا از حد زیاده می افزاید .

طوپ چئی خودشان را که عبارت از (۷) غندك طوپ صحرا بود کاملاً در پشت تپه‌ها وضع کرده انداخت مقوس اجرا میکردند . برین موضعها وظیفه هجوم بردن بعهدهٔ لوی غند (۳،و٥) ژاپان محول شده بود . در طرف چپ اینها لوی غند های (٦ ، و ٤) درجهت غربیهٔ شمندوفر به یك محاربهٔ بسیار بادوام متمادی مأمور شده بودند . در طرف راست : سواری لوی غند های (۳،و٥) بالوی غند (۱۰) ارتباط شان را در زیر امنیت گرفته بود . در شب (۳۰) ماه این هردو لوی غند ، رفتار هجوم خود شان را اجرا کردند . لوی غند (٥) ، طوپ چئی خودرا بموضعش جابجا نمود ، و بعداز یك محاربهٔ شدیدهٔ هجوم سرنیزه تپهٔ حرف (ع) را که درجناح چپ روسها بود ضبط کردند .

لوی غند (۳) درمیان کشتزارهای (غولیان) بعدازیك رفتار شبانهٔ بسیار مشکل ، درجوارده (لهموت چوانغ) به توقف مجبور شدند ، ودرینجا بسرعت

تمام بعضی سپرها ساخته خودرا از تاثیر مدهشهٔ آتش دشمن مستور نمودند .

در روز (۳۰) ماه محاربه علی الصباح بایك دوئللوی طوپچی آغاز نهاد . طوپچی های روس که در پشت تپه ها موضوع بودند انداخت اند یرکت اجرا می کردند .

در جهت ژاپانها (٦) غندك طوپ لوی غند (٥) کذالك در پشت تپه ها پرپشته های حرف (ی) و (هی) تعبیه شده بودند . (٦) غندك طوپ سیار لوی غند سیار که بایك قسمی از طوپ چئی مستقل تقویه شده بود از مواضع روس بقدر (٤٠٠٠) متره دور تر در داخل کشت زارهای غولیان در مواضع مستوری جابجا شده بودند . اسپهای طوپ خانه ها در عقب خانه های ده های مجوار محفوظ میبردند .

درین اثنا بقدر (٣٦) قطعه طوپ اوبوسهای صحرا از فیشن قدیم که روسها آن را از شمندوفر آورده و از طرف عساکر مستحفظه استعمال میشدند از مسافهٔ (۵۰۰۰) متره به انداخت آغاز نهادند . انداخت این طوپها بواسطهٔ متر صد هائیکه بر سر تپه اقامه شده بودند ، و باتلفون به طوپخانه های مذکور مربوط بودند اجرا میشد . اما چون موضع طوپ ژاپان را کشف نمیتوانستند انداخت شان بیهوده میرفت .

غندك های ژاپان بر سپرهای پیادهٔ روس که از دور خوب معلوم میشد هماندم تنظیم انداخت کردند ، اما انداخت ژاپانها نیز تاثیر کمی نشان دادند چونکه در قسم اعظم مرمیها اشتعال بوقوع نمی آمد .

درین اثنا لوی غند (۳) در مترسهای خودشان بیك حال غیر متحرکی مانده بودند . لوی غند (۵) بشمال تپهٔ حرف (ع) یك غند فرستاده که به این غند امر داده شده بود که بر موضعهای حرف (ح) و (ف) از پشت هجوم ببرد . این غند در زیر تأثیر آتشهای شدیدیکه از جبهه و بغلها ، و او بوسها میآمد

بضایعات بسیاری دو چار آمده بعقب کشیدن مجبور شدند .

غبرك غند (۹) که هجوم بر جبهه برده بودند نیز بعدم موفقیت منجر گردید . دو تولی اول این غبرك غند وقتیکه به درهٔ تنگ هدف مقصود رسید ازهر طرف چنان باران شدید گله برانها باریدن گرفت ، ومانند سبزه های که در زیر داس دروگر بیفتند تابفرد آخرین بر خاك هلاك افتاد . دو بلوك دیگر که در عقب آنها بودند از دو بلوك اولی درس عبرت گرفته برهمان جائیکه بودند میخ شده بماندند . درینوقت قوماندان لوی غند در خصوص تعطیل حرکت امر داد .

تشبثاتیکه ازطرف لوی غند (٤) بوقوع امد نیز عقیم بماند . پیادهٔ که دران اثنا بر جناح راست روسها هجوم برده بود از طرف تولی های مینرالیوز روس به ضایعات عظیمه دو چار گردید .

روز (۳۱) ماه محاربه بازبیك شدت فوق العادهٔ اغاز کرد . طوبچئی هر دوطرف هنوز یك تأثیر فوق العادهٔ حاصل کرده نتوانسته بود . هجومهای شدید پیادهٔ ژاپان درمقابلهٔ مدافعهٔ دلیرانهٔ پیادهٔ سبیریا منکسر میگردید . لهذا مارشال (اویاما) مجبور گردید که یك قسمی از صنف احتیاط خودرا در میدان محاربه سوق نماید .

محاربه تابوقت شام بلکه شب تمام شب بهجومهای متوالئی ژاپانها دوام ورزید . درساعت (۵) شام طوپ چئی ژاپان شایان تقدیر وتحسین حاضرئی هجوم را بعمل آورده ، ودرزیر حمایهٔ آن دوغند تازه دم صنف احتیاط ژاپان بر سپرهای پیشترین خط مدافعهٔ روس حمله های هژبرانه ، وهجومهای مهلکانهٔ برده تپه های (ح) و(ف) رابدست ضبط وتسخیر خود دراورد . بنابرین درساعت یك شب از طرف سر قوماندان روس بر قول تول غند نخستین سیبریا امر

شدکه موضعهای خودرا خالی کنند .

این امر که ازنتیجهٔ تعرض جنرال (قوروکی) پیش آمده بود درصبح روزاول ستمبراجرا گردید . لهذا قول‌تول غندنخستین سیبریا درزیر حمایهٔ آتش شدیدقطعات خط مدافعهٔدوم روس از پلهائیکه‌ازاول حاضر کرده بودنداز نهر(تایچو) به انطرف عودت کردند .

دور سوم

هجوم احاطهٔ تول‌غندنخستین ژاپان

نظر به بیاناتیکه درباب محاربهٔ شام (۳۱) آگست گفته‌شد معلوم‌میشود که هجومهای ژاپان برتمام جبهه بعدم موفقیت منجرشده بود، وبرای امر رجعت قول‌تول غند نخستین سیبریا چندان لزوم مبرمی نبود . زیرا درشب مذکورتلگرافی که مارشال(اویاما) به(توکیو) کشیده است نیزاین سخن را تأیید می‌کنند .

(صورت تلگراف)

[محاربه دوام دارد، تابحال هیچ طرف هیچ نتیجهٔ بدست نیاورده‌است .]

اگر(قوروپاتکین) احتیاطهای قوت‌مندی‌را که درزیردست داشت به خط حرب داخل میکرداین‌عدم موفقیت ژاپانها بلکه بیك مغلوبیتی‌هم منقلب میشد، اماسرقوماندان روس جنرال (قوروپاتکین) برای‌خود همین‌یك‌را اصول حرکت اتخاذ کرده بود که باژاپانها بجز اینکه تفوق عددئی جسیم بدست آرد بدیگرصورت کاری ازپیش برده نخواهد توانست ، وبنابرین‌فکر وتصور بسیار فرصت‌هارا برایگان ازدست دادند ، وازادنا تهلکه گریختن را پیشه گرفته بود .

وازینسبب بود که بمجردیکه قطعات جنرال (قوروکی) را دیدکه ازنهر (تایچو) عبور نمود حرکت احاطهٔ دشمن رایك تهلکهٔ عظیمی دانسته همان دم امر مدافعهٔ استحکام سرپل (لیائویانغ) را بقول تول غندهای (۲و۴) سیبریا ترك کرده قول تول غندهای (۱و۳) سیبریا ، وقول تول غند (۱۰) اوروپارا بساحل راست نهر (تایچو) جلب نمود ، و آنهارا باقسام موجودهٔ قول تول غند (۱۷) و(۵) یکجا کرده یك قوهٔ مهمهٔ تعرضیه ازان بوجود آورد .

ازین وضعیت جنرال (قوروپاتکین) هرصاحب بصیرت فن عسکری را این فکر حاصل میشد که جنرال (قوروپاتکین) وضعیت مهلك وبحرانئی تول غند (قوروکی) را که ازقسم کلئی خود دور، وتنها بسرخود بمحاربه مجبور مانده است بخوبی درك کرده ازان وقومانداان روس ازینفرصت استفاده کردن میخواهد . وبا این قوهٔ عظیمهٔ خود بیك تعرض مقابل شدیدی درامده وقطعات قوروکی را درمیان دره درزیر تضییق وفشار آورده تابفرد آخرین آن همهرا محو وپریشان میکنند .

بحقیقت که برای موفق شدن : این پلان ونقشه همه شرایط واحتمالات را جامع بود . اما هزارافسوس که جنرال روس این حرکت معقوله را ازقوه به فعل نیاورد ، زیرا او ازهمه چیز بیشتر بفکر رجعت کردن خود مشغول بود ، وتصور واندیشهٔ ناکامئی بسیار جزوئی درنظرش یك خوف ورعب عظیمی حاصل میکرد . لهذا این جرأت فرصت مهم محاربهٔ تعرضی را فوت کرده به بی جرأتئی وضع تدافعی درامد .

— تعرض وهجوم جنرال (قوروکی) بر «سیقوآنطون» —

جنرال (قوروکی) که بنابر تشبث جرات کارانهٔ خود تهلکهٔ عظیمی را به

نظر گرفته از جنوب (لیا ئویا نغ) یکسر بسوی شمال بحرکت احاطه اقدام ور زید . اگر چه مبدا نست که این وضعیت او خیلی تهلکه ناکست ولی باز هم بر مثل (مافاز باللذات الا الجسور) کار کرده فرصت مظفریت را فوت نمود . و چون خبر وضعیت حرکت جنرال (قوروپا تکین) را که در بالا بیان شد گرفت با وجود آن همه بی پروائی و اعتدال دمی که داشت باز هم نظر بوضع وقت حاضر خود از اندیشه واحتیاط خالی نماند .

لهذا برای مقاومت کردن هجوم تعرضئی دشمن ترتیبات لازمهٔ وضعیت تدافعئی خودرا حاضر و آماده نمود . اولا نقاطی را که گرفته بود بصورت بسیار محکمی تقویه و مستحکم ساخت . ثانیاً غبرك غند (۳) را که از عقب او آمده ودر انطرف نهر مانده بود از نهر بسوی خود گذرانید . ثالثاً غبرك غند احتیاط خاصه را نیز به نزد خود جلب نمود .

اما چون درصبح روز اول ستمبر از طرف روسها هیچ یك علامهٔ هجوم را ندید ، بلکه وضع تدافعئی آنهارا ملاحظه کرد باز بر حرکت جراً تکارانهٔ تعرضی ئیکه سابق داشت دوام ورزید .

طوپ چئی خودرا پیش از پیشین درجهت شرق ده (آنقوتان) بوضعیت بسیار ماهرانه موضع داده در زیر حمایهٔ آن بشدت بر تپه های شمالئی (سیقو آ نطون) هجوم نمود . ولی این هجوم فداکارانهٔ لوی غند (۲) در پیش آتش های شدید و مهلك خط مدافعهٔ روس بی نتیجه بماند . درشب دوم ستمبر باز این تشبث بصورت شدید تر تکرار یافت و تا بروز دوم ستمبر بعد از پیشین دوام ورزید .

وقت شام بود که تپه های مذکور از طرف لوی غند (۲) ضبط و تسخیر گردید و به اینصورت یك نقطهٔ استناد بسیار قیمتداری برای حرکات تعرضیه

بدست ژاپانها درامد .

در همانروز سه قول تول غند روس که ازنهر (تایچو) گذشته بودند از بیتابی وماندهگی که داشتند در نزدیکیهای (سینی چین) به توقف مجبور شده بودند . سرقوماندان قطعات روس که بمقاومت جنرال (قوروکی) مامور بود جنرال (بیلده رلینغ) بود که ازان سه قول تول غند تنها یك غبرك غند جنرال (اورلوف) به امداد اورسیده بود .

ترتیبات جنرال (قوروپاتکین) برای (۲) ماه ستمبر

درشام (۱) ستمبر جنرال (قوروپاتکین) به تول غند خود این اوامر را اعطا نمود .

« قول تول غند (۱۷) در جوار (سیقوآنطون) به تعرض ژاپان مقاومت میکنند .

« قول تول غند نخستین سیبریا برای تمدید جناح چپ قول تول غند (۱۷) میرود .

« قول تول غند (۱۰) در (ساقوطون) بخط دوم مدافعه یکجامیشود .

« غبرك غند (اورلوف) بحرکات قول تول غند نخستین مربوط شده جناح چپ این ترتیباترا ستروحمایه میکنند . »

پلان هجوم جنرال (قوروکی) برای « ۲ » ماه ستمبر

قوماندان روس در وقتیکه در راه اخذ وتطبیق ترتیبات مذکورهٔ خود بیك دقت مخصوصهٔ کوشش میورزید جنرال (قوروکی) ازین وضعیت متردد انهٔ ترسناکارانهٔ دشمن خود دلاورتر شده هماندم به تعرض

شدیدهٔ قرارداد .

پلان ونقشهٔ مشار الیه عبارت ازین بود که بر جناح چپ روسها یك حرکت احاطهٔ اجرا ، وبرجبهه یك هجوم شدیدهٔ ایفا نماید .

هجوم جبهه را غبرك غند (۱۵) لوی غند (۲) ، وحرکت احاطه را باتمدید غبرك غند احتیاط (خاصه) از طرف راست لوی غند (۱۲) اجرا میکرد .

غبرك غند (۳) لوی غند (۲) بطریق احتیاط عمومی در زیردست خود جنرال (قوروکی) میماند .

محاربهٔ «سیقوآنطون» و [یه‌نتای]

روز (۲) ستمبر چنان معلوم میشد که تاریخ وقوع یك محاربهٔ بزرگ میدان بشود . اما کارها در حقیقت حال بصورت بسیار خفیف وبسیطی گذران یافت .

لوی غند (۲) درحالیکه در (سیقو آنطون) بمقابل قوهٔ کلیهٔ دشمن بهزار مشکلات بمقاومت کوشش میورزید ، لوی غند (۱۲) بررفتاریکه بسوی برای دوردادن جناح چپ روسها داشت دوام میورزید .

نهایت این لوی غند باغبرك غند جنرال (اورلوف) که جناح چپ قول تول غند (۱۷) راستر ومحافظه میکرد تصادف نمود . این غبرك غند روس ، از روی ترکیب یك نمونهٔ عبرت وغرابت عجیبی تشکیل داده بود . زیرا این غبرك غند ازعسکرهای سواری وپیادهٔ لوی غند هاوغند های مختلف بهم جمع آمده بود که یك نا آشنایی ونابلدئی عمومی درمیان شان جریان داشت .

اینست که جنرال اورلوف بااین قوهٔ مجتمعهٔ غیر متجانسه درروز اول ستمبر درجهت جنوب معد نها ی (یه‌نتای) از موضعیکه سرقوماندان به او

نشانداده بود یکقدری پیشتر اخذ موضع کرده بود .

جنرال (اورلوف) پیشتر خبر گرفته بود که ژاپانها تپهٔ (چارشاخه) نام را که درنزدیکئی موضع اوست ضبط کرده اند، وازعقب شان نیزعسکر بسیاری در آمدن وجمع شدن میباشد .

درروزاول ستمبراولا از طرف جنرال(بیلده رلینغ) درباب وضعیت عمومیه وطرز حرکت ومعاونت او یك مخابره یعنی یادداشتی گرفته بود .

ثانیاً از طرف سرقوماندان جنرال(قوروپاتکین)به ایمضمون یك تلگرافی به او رسیده بود: « درامر عمومئی که به تول غند داده شده است وظیفهٔ شما اینست که اگر جنرال (بیلده رلینغ) بهجوم معروض نشود کوشش کنید که با او یکجا شوید ، واگر بهجوم معروض شود ، جناح چپ او راستر و محافظه کنید . »

جناب (اورلوف) ازین تبلیغنامهٔ مضاعف، و ضعیت عمومیه ، و وظیفهٔ خصوصیهٔ خود را خوب نفهمیده مجبور شد که از هردو طرف باز ایضاحات طلب نماید . وپیش از انکه ایضاحات به او برسد درروز (۲) ستمبر بوقت صبح از قوماندان لوی غند (۳۵) یك نوطهٔ گرفت که با آن نوطه قوماندان مذکور اورا از محاربهٔ که درشب درانجا بوقوع آمده بود آگاهی میداد . وچون صدای آتش طوپ و تفنگ نیز از انسو بشدت شنیده میشد مومی الیه بر گرفتار آمدن بمحاربه شدیدهٔ لوی غند مذکور حکم کرده برای حمایه کردن آن قرارداد .

هنوز بقدر دوصدمتره پیش نرفته بود که از تپه های (ته طون) و(چارشاخه) به آتش شدید مقر اصوار طوپچی، وپیاده معروض ماند . درین اثنا یك تلگراف دیگر سرقوماندان به او رسید که با این تلگرافنامه جنرال(قوروپاتکین) اوراتوصیه وتنبیه میکرد که دروقوع یك ناکامیابی بسیار کوچکی باتدابیر بسیار بزرگی

حرکت بکنند .

ساعت بعد از زوال به یك رسیده بود که وضعیت مفرزهٔ جنرال (اور لوف) رفته رفته خراب وتهلکه ناك میشد . وچون از طرف چپ خود تهلکهٔ دور دا دن رانیز حس نمود هماندم امر رجعت راعطانمود . امادراثنایی که این حرکت برگشتن مفرزهٔ جنرال (اور لوف) اجرامیشد ، ژاپانها بر تپه های (یه نتای) حاکم شده بودند، واز انجاغندهای رجعت کنندهٔ اورلوف رادرزیر آتش بغلکی گرفت . غندهای مذکور بصورت درهم وبرهم وپریشانی اتم سراسر ازنظام وترتیب برامده بفرار آغازنهادند . (اورلوف) برای جمع آوری آنهاخیلی سعی وکوشش ورزید ولی همه سعیش بهدر رفت .

مومی الیه (اورلوف) دراثنایی که به این غوایل مشغول بود ، وسر غبرك غند شکست خورده کی او به قول تول غند نخستین سیبر یارسیده بود قوماندان قول تول غند جنرال (شتاکلبرغ) اورابه نزدخود طلبیده بی آنکه حقیقت احوال رابخوبی بخودمعلوم کند جنرال (اورلوف) را توبیخ وتکدیر زیادی نمود . وهماندم جبراً امرداد که قوماندانی غند (۲۱۵) را درعهده گرفته بی درنگ به پیش حرکت کند .

بیچاره اورلوف ، درراه اجرای این امر بعا قبتهای الیمی گرفتار آمد . خودش بصورت سنگین مجروح گردید ،وغندزیردست او که از قوماندان خود محروم مانده بود نددرزیر تأثیر آتش شدید دشمن قسم کلئی آن محوو پریشان گردیده باقیماندهٔ آن بصورت برهم ودرهم برموضعیکه غند های(۱و۲)سیبر یای شرقی دران بودند انداخته شد .

در اثنائیکه درغرب این احوال جریان می یافت جنرال (سامسونوف) بکمال صعوبت به ایستاده کردن جناح راست ژاپانهاکوشش میورزیده بوقت

شام ازطرف جنرال (شتاکلبرغ) برای کومك (سامسونوف) غندمشر (ژاپو لسکی) فرستاده شده ولی هیچ فائدهٔ ازین کمك برای او نرسید ، هردوی این مفرزه درجوار (راه آهن) یکجا شدند .

جنرال (شتاکلبرغ) نیز بعدازانکه بعضی تعرضهای بی اهمیتی اجرانمود در تاریکئی شب بسوی (لیمانیو) حرکت رجعت خود را بجا آورد .

واقعهٔ (اورلوف) اگرچه بسیار مؤلم يك حادثهٔ بودولی بازهم روسها آنقدرکم قوت نبودند که ازحرکت تعرضی بر ژاپانها عاجزباشند، بلکه دشمنی که درمقابل شان بودبدفعات درعدداز روسها کمتربودند ،وباوجودکمئی عدد بلای دیگراین بود که ژاپانها خیلی مانده وبیتاب، وبی خوراك وکم اسباب هم بودند، حتی برنجی که بهزارزحمت ازاطراف تدارك شده بودخود تول غند نخستین آنقدرمشغول گیرودار بودکه برای پختن آن وقت وفرصت نداشتند . لهذا برای پختن ورسانیدن آن برابرخطهای شکاری تول غندمذکور، یکقسمی ازافراد سوارئی دوم فرستاده شده بود .

مع هذا باوجودیکه جنرال (قوروپاتکین) غیرازتول غند های محارب خود بسی احتیاطهای قوتمندی رانیزمالك بود خودراخیلی ضعیف شمرده برای رجعت کردن ترتیباتی که لازم بود اجرا کرد .

(هجوم ژاپانها براستحکام (سرپل) (لیائویانغ)

درووقتیکه این وقایع درشمال گذران میبافت تول غندهای (۲و٤) ژاپان مساعی مشترکهٔ خودشانرا براستحکام (سرپل لیائویانغ) توجیه میکردند .

درصبح روز(۱)ستمبر، ژاپانهاجزوتامهای خودشانرا سرازنوبه نظام وانتظام دراوردند، ونواقص ارزاق وجبه خانه راا کمال کردند . وآنروزرا

به استراحت و مانده گی گرفتن خود که فوق العاده به آن محتاج بودند بسر آوردند .

بعد از پیشین از سر تپه هائیکه پیش ازین از دست روسها ضبط کرده بودند و طوپخانه های خودشانرا دران موضع داده بودند از مسافهٔ بسیار بزرگی بر مدافعین (لیائویانغ) به بومباردمان شدیدی آغاز نهادند . این بومباردمان تأثیر بلیغی اجرا نمود ، وحریقهای بسیار هولناکی در شهر بوقوع آورد .

درهمین روز روسها مجروحها و بیمارها و سنگین بارخود را باریل به نقل دادن آغاز دادند . قول تول غندهای (۱ و۳ و۱۰) نیز از نهر (تایچو) گذر نمودند .

در (۲، و۳) ماه ستمبر لوی غندهای (۵ و۶ و۱۰) ژاپان بر جبههٔ جنوب هجوم کردند . درین اثنا لوی غند (۳) ژاپان بسوی غرب شمندوفر پیش میشدند ، ولوی غند (٤) نیز از جناح راست روسهارا بحرکت احاطه بدور دادن میکوشیدند .

هجوم های مکرر پیادهٔ ژاپان بضایعات عظیمهٔ فوق العادهٔ طرد ودفع کردید . حتی دریکی ازین هجومها غند (۲۰) لوی غند (۱۰) باجملهٔ افسران خود (۱۳۰۰) نفر ضایع کرده بودند . ولی ژاپانها چنان عزم واقدامی را مالك نبودند که از هجومهای خود دست بردار شوند . وازین بود که در شام روز (۳) ماه همه مواضع روسهارا ابتماهها بقبضهٔ ضبط وتسخیر خودشان درآوردند .

دورچارم

رجعت روسها

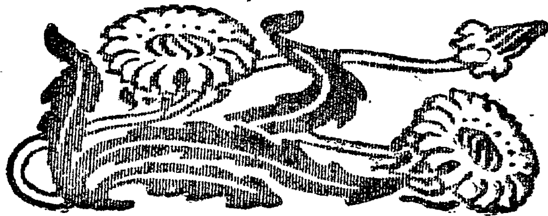
بنابر وقایعی که درشمال گذران یافته بود جنرال (قوروپاتکین) ازخوف ورعب حرکت احاطهٔ ژاپانها درصبح (۳) ستمبر رجعت قرارداده است .

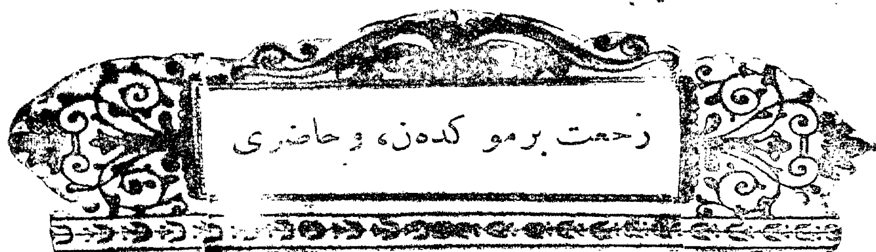
اولا لوی غند (٥٤) در زیر حمایهٔ لوی غند سواری جنرال (سامسونوف)، وقول تول غند (۳ و۱۰) در زیر حمایهٔ قول تول غند نخستین سیبریا ، و

درعقب آن قول‌تول غند(۱۷) بسوی شمال بحرکت رجعیهٔ خود آغاز نهادند ۰
قول تول‌غند(٤) برستر وحمایه‌کردن مدافعین (لیائویانغ)مأمور بودند ۰
بسببی که قطعات ژاپان به آخر درجه مانده وبیتاب‌شده بودند در خصوص عقب گیری روسهابه سبق و بطائت حرکت کردند ۰ درروز (٤) صبح ستمبر جنرال (زاروبایف) بعدازانکه همه چیزهائیکه حمل ونقل آن دشوار مینمود محووتخریب کرد شهر (لیائویانغ) راسراسر خالی کرده بود ۰ پلهاوخطهای تلگراف رانیز تخریب واحراق نمود ۰
وقتیکه پیشدار های ژاپان دزروز(٤) ستمبر بعد از پیشین به شهر(لیا ئویا نغ) درا مد شهر را کاملاً ازروسهاخالی یافت ۰ ژاپانها روسهارا عقب گیری نکردند ۰ جنرال (قوروکی) نیز در(آنطون) مانده بود ۰
ماره شال (او یاما) بمقصد خود نایل و کا میاب نگردید ، وازا نروبه این فتح وظفر ژاپان چندال ممنون وشادان نشده‌بود ۰ زیرامقصدماره شال حاصل شدن نتیجهٔ قطعی وضربهٔ آخری روسهابود ۰
معهافیه این فتح وظفر (لیائویانغ) تاثیرات بزرگ مادی ومعنوی برای ژاپانها حاصل کرده بود ۰ چونکه اولاقلعهٔ (پور آرتور) راسراسر بحال انفراد دراورده ازمعاونت وامداد تول غند صحرا محروم کردند ۰ ثانیاً نفوذحاکمیت روسها رادر(مانچوری) منکسر نمودند ۰ ثالثاً عسکرژاپانرا جسارت ودلاوری ، وروسهارا بزدلی وشکسته خاطری حاصل آمد ۰
مقدار صحیح ضایعات محاربهٔ میدان (لیائویانغ) رابصورتی که بتمامها تفصیل بدهد بیان کردن قابل نیست ۰ مع هذا ضایعات طرفین رادرمیان مجروح و مقتول تابه (۲۱۵۰۰) نفرقبول کنیم از حقیقت خیلی‌دورنخواهیم ماند ۰ ضایعات افسران طرفین (۱۳٦) مقتول و (٤٦٤) مجروح

قلمداد شده است . و چون مساوات و برابر بودن قوای عسکریهٔ طرفین را نیز درمد نظردراریم، این ضایعات واقعه درهر دوطرف یک برابر دیده میشود .

غندك های طرفین نیز باهم برابر بود ، ودرطرز فائده برداشتن ازطوپخانه ها نیزهر دو طرف یکرنگ بوده اند . که ازین اسبابها درباب مساوات ضایعات طرفین تا یکدرجه یك فکر صحیحی بدست آورده میشود .





(محاربهٔ میدان (شاحو)

بعد از محاربهٔ (لیا ئویانغ) احوال و شرایط حاضره برای یك حرکت تعقیب مکمل خیلی مساعد و موافق دیده میشد. علی الخصوص موجود بودن جنرال (قوروکی) در پهلوی روسها موقع آنها را خیلی مشکل نموده بود.

مع هذا. ژاپانها حرکت تعقیب را اجرا نکردند. آیا اینرا ورمانده گئی بسیار غالبین، یا در کمبودئی جبه خانهٔ شان. یا افراط تدبیر و احتیاط سرعسکر ژاپانی حمل نمائیم؟ درینباب هیچ یك جواب قطعی داده نمیشود.

بهرصورت که باشد همینقدر معلوم است که ژاپانها عقب گیری نکردند و روسها بکمال آسوده گی وراحت رجعت کرده توانسته اند.

جنرال (قوروپا تکین) دراول امرا گرچه خواهش و آرزوی آنرا داشت که در (موکدهن) هم توقف نکرده بالاتر ازان بسوی شمال در موضع (تیه لینغ) که پیش ازین آنرا تحکیم کرده بود، و بمتانت و محکمی معروف بود برود، ولی چون از طرف ژاپانها در عقب گیرئی خود سستی و آرامی مشاهده کرد ازین فکر خود صرف نظر کرده در جهت جنوبئی (موکدهن) بر توقف کردن قرار داد. و اینهم بفکرش رسید که این شهر بزرگ را که مرکز مقبره های خاندان حکمداران (مانچوریست) از دست دادن مخالف نقطهٔ نظر پولتیك است.

آمدیم بر ژاپانها: مارشال (اویاما) مفرزه های پیشدار خود را تا بخط

(بانیابوچا) که یکچند کیلومتره درشمال (لیانویانغ) است سوق کرده در انجا توقف نموده ودرانجا تمام ماه ستمبر را بمحکم بندی وتقویه کردن موضعهائیکه ضبط کرده بود ، واکمال ضایعات افراد ، وارزاق، ومهمات خود بسر آورده وبحقیقت که درظرف ایمدت بقدر(۳۰،۰۰۰) نفر یك قوتی آمده به تول غند سیار ژاپان التحاق کرده بود .

ازانطرف جنرال (قوروپا تکین) نیز باقول تول غند نخستین اوروپا در (موکدهن) ملا قیشده بود، وغیرازان قدمه های نخستین قول تول غند (٦) سیبریا نیز برسیدن آغاز نهاده بود .

﴿ پیدا شدن یك سر افسر دیگر در تول غند روس ﴾

درتاریخ (٤) ماه ستمبر ازطرف ایمپراطور روس یك سر افسر دیگر در تول غند روس تعیین ومقرر شده تول غندرا بر دو قسم ودو افسر تقسیم نموده این سر افسر نو ظهور جنرال(غریپه نبرغ) نام داشت که بانامهٔ مخصوص خود ایمپراطور که برای او نوشته شده بود سر افسر دوم تول غند گردید . امر نامهٔ مذکور چون شایان اهمیت بود عیناً دریجا درج ونقل مینمائیم :

« اوسقار غریپه نبرغ !

« درین حربیکه باژاپان دوام مینماید بنابر ثبات وعناد ، واوصاف دلیرانهٔ که ژاپانها بکار میبرند مجبور شدم که برای حاصلکردن نتیجهٔ قطعیه قوای عسکریهٔ دارالحرب خودمانرا بیك صورت اهمیت ناکی تزئید نمایم .

«وچون به اینصورت قوای حربیهٔ ماخیلی افزونی پیدا میکند ازانرو اگر همهٔ این قوای جسیمه درزیر یکدست حرکت بکند درامر سوق واداره آن

مشکلات بسیاری پیش میشود . پس برای آسانی مانوره و حرکات عسکریه ،
ردوی مانچوری خودمانرا بردو تول‌غند تقسیم کردم .

« تول غند اول آن در زیر اداره وقوماندهٔ جنرال (قوروپاتکین) و تول‌غند دوم آن در زیر اداره وقوماندهٔ شما میباشد .

« لهذا امیدوارم که تول‌غند خودتان را بیکصورت مسعودانه ئیکه بجزا های بزرگ و نامداری لایق باشد سوق واداره بتوانید . برحسن تجربه و مهارت شما که در تعلیم و تربیهٔ قطعات عسکریه حاصلکرده‌اید، ولیاقت وشجاعتیکه در اثنای حرکات حربیه نشان داده‌اید اعتمادمن بر کمال و بردوام است . »

این امر ایمپراطوری جنرال (قوروپاتکین) را از حرکت نفس ذو استقلالی که تا بحال داشت سراسر محروم ساخت . بلکه بزیر اطاعت واداره یك امر مستقل غیر مرئی معروض نمود . وبه اینسبب صفت سرقوماندانی دریك ظلمت مشکوکهٔ بماند . وبسببی که جنرال (غریپه نبرغ) با جنرال (قوروپاتکین) بیك رتبه ویك قدمه رفع وصعود نموداز آن ودر مابین ایندو جنرال در رقابت وخصومت عظیمی کشاده شد .

درخصوص افزونی وتقویهٔ تول‌غند (مانچوری) بایك فعالیت بزرگ و اعتنای سترگی دوام وورزیده میشد . در (۲٦) ستمبر قسم ناتمام شمندوفر بایقال کامل کردیده برای سوقیات عسکری کشاده کردید . ودرعین همین تاریخ لوی غند قازاق (دون) ، وغندك طوپ چئی (هاوان) (٤) لوی‌غند پیادهٔ (٦۱) احتیاط باشمندوفر به (خاربین) سوق شده بود .

قول تول غند (۸) (اوده‌سا) نیز برای فرستاده شدن به اقصای شرق بحال سفربر حاضر شده بود . قول‌تول غندهای (٤، و ۱٤) و (۵) غبرك‌غند شکاری برای سوق واعزام‌شدن بدار الحرب حاضر شده بودند . یك تول‌غند

دیگر نیز در دست تشکیل بود .

از ین تدابیر و این فعالیت بخوبی معلوم میشد که دولت روس بشدت بر حرب دوام خواهد نمود . در حقیقت حال در روزهای آخرین ماه ستمبر تول غند (مانچوری) یك فعالیت بزرگی اظهار کرده بر همه جبهه محاربه های قراولهای پیش بوقوع آمدن گرفت .

باوجود آنهم باز برای وقوع یك مصادمهٔ عمومیه هنوز هیچ یك اشارت و علامتی موجود نبود . درین اثنایکی یکبار سر قوماندان روس تفوق عددئی خود را که شرط اعظم مظفریت قرار داده بود حس کرده ، اعلان نمود که تول غند روس بعد ازین از مدافعه به تعرض اقدام میکنند .

این اعلاننامه که از طرف جنرال (قوروپاتکین) در (۲) اوکتوبر بتول غند (مانچوری) خطاباً نشر شده است بسببیکه از نقطهٔ نظر فن سوق الجیش، و پولتیك اهمیت عظیمهٔ را واراداست درینجا عیناً نقل مینمائیم:

(بیاننامه)

«از روزیکه دشمن بصورت خائنانه در (پور آرتور) بر ما هجوم آورده تا به اینوقت زیاده از هفت ماه گذشته . از نوقت تا بحال قطعات عسکریهٔ روس خواه در بحر، وخواه در خشکه حرکات بسیار در خشانی که مدار فخر و غرور روسیه باشد اجرا کردند . اما باوجود اینهمه آثار سعی و فدا کاری ممکن نشد که دشمن را بر خاك هلاك بیندازیم . بالعکس ، آن عدوا کثره از افکار احراز کردن مظفریت قطعیه یك آن هم خالی نمیماند .

«تا بحال قطعات تول غند مانچوری که قوهٔ معنویهٔ شان از خلل هر وقت بری و مصون است تفوق عددئی را که تول غند های ژاپان را بیك هزیمت کلیه

دوچار ساز داستحصال نتوانسته بود . وازینست که در محاربه های (داشیچاعو) و (لیائویانغ) محو کردن، وپریشان ساختن هجومهای ژاپان را موافق مصلحت ندیده بودم .

«موضعهایی را که بصورت بسیار قهرمانانه مدافعه کرده اید با نعشهای دشمن پر ومملو ساخته خالی کردید . وبی آنکه از طرف دشمن بر دسر به بینید و بصورتیکه همیشه بر محاربه های نو ومدهشی مقتدر باشید رجعت کردید .

«اینست که شما بعد از (٥) روز محاربه ، وبعد ازانکه در پیشگاه (لیائویانغ) دشمن را بضایعات کثیره دوچار ساختید بموضعیکه پیش ازان شمارا نشان داده بودم رجعت کردید . هنگامیکه امر این رجعت را بشما میدادم خیلی متأثر و دلخون میشدم! اماچه چاره که بدادن این امر مجبور بودم . زیرا ما باین حرکت عقب کشی به قوای امدادیه ووسایط حربیهٔ که برای ما فرستاده میشد تقرب میتوانستیم . ومن ازین یك خاطر جمع بودم که برای استحصال یك مظفریت قطعیه لابد بهمین طور حرکت کردن لازم میآمد .

«حال آنکه درینوقت بسایهٔ امپراطور ماقوای عسکریهٔ ماکه برای حرب ژاپان تخصیص شده بدرجهٔ که بصورت قطعئی مظفریت بخش باشد افزونی گرفت . صدها هزار انسان بهزارها عرابه هاواسپها ، عیلیونهاف خیره وار زاق از مسافهٔ (١٠) هزار وورست از هفتها به اینطرف لاینقطع در زمین (مانچوری) در جریانست . واین جریان که از قطعهٔ اوروپای روسی وسیبریا جاری شده است روز بروز تزئید شدت وسرعت کرده برای مادر (مانچوری) یك قوت بزرگ ، ویك منبع حیاتی تشکیل میدهد . واگر اینهم کفایت نکند هنوز دیگر قوتها خواهد آمد . ما هم برای غلبه کردن برخصم خود که آرزوی یگانهٔ حکمدار ماست هرچه باداباد گفته فدای نفس میکنیم .

« تابحال دشمن ما بسبب تفوق عددی ، ووضعیت دایروی خودکه برما محیط بود آزادانه وبوجه دلخواه خود اجرای حرکت کرده بود ، چونکه برای هجوم کردن برما خواه درانتخاب وقت ، وخواه دراستقامت حرکت تماماً آزادبود . اما امروزه روزساعتی که از بسیار وقتها آن را بیك انتظار الیمی منتظربودیم رسید !

« بلی عسکرها ! بعدازین نوبت پیش‌روی‌ازماست . حالا زمان آنست که ژاپانها را به آمال ومقصد خود مطیع سازیم . چونکه قوایم‌موجودهٔ تول غند ما نچوری برای این امردرینوقت بلغ مابلغ کافیست . لهذا وقت آنست که ازمدافعه بتعرض درائیم !

« بااینهم ، هیچ فراموش نبایدکنید ، که برای‌غلبه‌کردن بریك دشمن عنود قوی و جسورتنها تفوق عددی کفایت نمیکند ، بلکه بااین تفوق‌میباید که همه اجزای متركبهٔ تول غندیعنی — ازافسران گرفته تابه آخرترین‌افراد همهٔ شان بهمین آرزووامل باشند که احرازموفقیت کنندوازهیچگونه فداکاری روگردان نشوند .

« یکبار فکر کنید که روسیه‌به‌این‌مظفریت‌تابه چه درجه محتاجست وعلی الخصوص‌این راهم‌هیچ فراموش‌نکنید که مظفریت مذکوره‌برای‌ماچقدرمهم یك مسئله ایست . زیرا مامیباید که تا ممکن باشد دریك مدت بسیارکمی برادران خودرا که درقلعهٔ (پورآرتور) ازهفتماه به‌اینطرف بیك جسارتی که شایان حیرت ، وبرای تمام روسیه موجب شرف ومفخرتست مدافعه‌میکنند برهانیدن مجبوریم .

«عسکرها ! این یك را هیچ‌یك‌ساعت‌هیچ یکدقیقه ازخاطر نبرارید که مقصد ازآمدن شمادرینجا محض ازمدافعه‌کردن ومحافظه نمودن نفوذواقبال

دولت روس است در اقصای شرق که آنهم یگانه امر و آرزوی حکمدار محبوب ماست !

« ذات حشمتسمات امپراطوری برشما یك توجه واعتماد بزرگی دارد شما برای اثبات کردن اینکه به این توجه عظیمه بحق لایق هستید درراه محافظه کردن شرف وناموس سلاحهای روس که بدست شما داده شده است در هردقیقه بفدای نفس حاضر بشوید !

« سرقوماندان همه روسیه حضرت امپراطور ما ، باهمهٔ مملکت وتبعهٔ صادقهٔ خود متحداً برای مظهرحمایهٔ صمدانی شدن مابدعا مشغولست، وبرای ماقوای متمادیه فرستاده فتح وظفر مارا نیاز میکنند .

« ماهم میباید که ازین دعاهای مقدسهٔ امپراطور خود معاونت طلبیده و همهٔ خون خودرا فدا کرده سعی وغیرت خود مانرا با تاج مظفریت تتویج نمائیم و بعدازین دایما بلاتأخیر بهپیش برویم !! »

این یك از قوانین ابدئی سوق الجیش است که تشبث وحرکتی که بردشمن میشود آنرا میباید که خیلی پنهان گرفته شود . حال آنکه جنرال (قوروپاتکین) که یك تول غند بزرگ چند صدهزاری را بدوش حمیت وعرفان خود برداشته، همهٔ افکار واسرارذاتیهٔ خودرا خودبخود به اینصورت بدشمن اعلان واشاعه کردن ازوقایع حیرت انگیزیست که شایان حیرت وعبرتست . دیگر اینکه مشارالیه درین بیا نامهٔ خود بیشتر ازتدابیر برتمنیات ودعاها استناد کرده ، درمیان آن همه عبارات مغرورانه بازازناکامیابی خود خیلی بخوف واندیشه بودنش مانند آفتاب ظاهرو آشکارمانده است .

باوجود اینهم ، این جرأت وقرارناگهانی جنرال (قوروپاتکین) بر حرکت تعرضی در میان تول غند یك نشئهٔ وغروربزرگی را موجب شده همهٔ

افراد اردوگاه بیك جوش و خروش فکر تعرضی آمده هر کس یك ان اول
در ظرف دو ساعت به امر هجوم و تعرض منتظر شده اند .

﴿ وضعیت (۲) اوکتوبر ﴾

درین تاریخ وضعیت تول غند روس ازینقرار بود :

درزیر ادارهٔ جنرال (قورو پاتکین) (۹) قول تول غند موجود بود :

اولا : قول تول غندهای (۱، و۲، و۳، و٤، و٥) سیبریا ؛ وقول تول غند
های (۱۰، و۱۷) اوروپا که صورت ترکیب و تشکیل آنها پیش ازین بیان شده بود .

ثانیاً : درزیر ادارهٔ جنرال (مه یه ندورف) قول تول غند نخستین او
روپا که ازینقطعات مرکب بود :

لوی غند (۲۲) پیاده با (٦ غندك طوپ) ،

لوی غند (۲۷) پیاده با (٦ غندك طوپ) ،

کندك (۱) کندن کار سفرمینا ؛

ثالثاً : درزیر ادارهٔ جنرال (سو بولوف) قول تول غند (٦) سیبریا
که ازینقطعات مرکب بود :

لوی غند (٥٥) پیادهٔ احتیاط با (٦ غندك طوپ) ،

لوی غند (۷۲) پیادهٔ احتیاط با (٦ غندك طوپ) ،

و (۱) کندك کندن کار .

رابعاً : درزیر ادارهٔ جنرال (رەنه نقامف) لوی غند قازاق (ترانس بایقال) :

غبرك غند (غرە قوف) :

غند (۲) « وه رکنه اودینسق » ،

غند (۲) « چیتا » ؛

غبرك غند (لی یوباوین) :
غند (۲) « نه رچنسق) ؛
غند (۲) « ارغون » ،
غندکهای طوپ (۳ ، و ٤) « ترانس بایقال) ؛
خامساً : درزیرادارهٔ جنرال(غره قوف)لوی غند قازاق (اوره نبورغ)؛
غبرك غند (هر دمان) : مرکب ازغندهای (۹ ، و ۱۰) ؛
غبرك غند (دولما چین) : مرکب ازغند های (۱۱ ، و۱۲) ،
غندك طوپ های سواری (۱۱ ، و ۲۰) .
سادساً : درزیرادارهٔ جنرال (سامسونوف) لوی غندقازاق سیبریا :
غبرك غند « بومغارتن » : مرکب ازغند های « ٤ و ۷ » ،
غبرك غند « طومانوف » : مرکب ازغند های « ۵و ۸ » ،
غندك طوپ های سواری « ۵ ، و۲ » .
سابعاً : درزیرادارهٔ جنرال (میچه نقو)غبرك غندقازاق (ترانس بایقال)؛
غند (۱) « وه رکنه اودینسق » ،
غند (۱) « چیتا » ،
غندك طوپ سواری (۱) « ترانس بایقال » .
ثامناً : درزیر ادارهٔ جنرال (پرنس اوربلیانی) غبرك غند سواری (قافقاسیا) :
غند (۲) « طاغستان » ،
غند (قوبان ته ره ك) ،
تاسعاً : غبرك غند قازاق « اورال» ایضاً درزیرادارهٔ جنرال مذکور: مرکب ازغندهای (۵، و٤) .

قطعات سوارئی که بقول اردوها مربوط بوداز ینقرار است :
به قول‌تول غند نخستین‌سیبریا : از قطعات محافظ حدود(٤) طرب،
بقول‌تول (۲) سیبریا : غند قازاق (اهور)
به قول تول غند(۳) سیبریا:غند (۱)(ارغون)،وغند(۱)(اوسوری)
به قول‌تول غند(٤)سیبریا: غندهای‌قازاق(۳،و٦،و۹) سیبریا ،
به‌قول تول غند (٦)سیبریا: غندقازاق(۱)(اوره‌نبورغ)
به قول (تول غند(۱) اوروپا : نیم غندقازاق اوسوری ؛
به‌قول‌تول غند(۱۰)اوروپا : یك‌غند قازاق اوره‌نبورغ .
به‌قول‌تول غند(۱۷) اوروپا : غیرك غندمستقل‌سوارئی (۲) .
جمع همه تول غند روس بقدر(۲۰۰،۰۰۰) هزارنفر بودکه(۱۳۰۰۰)
آن سواری‌بود . وبقدر (۹۰۰) طوپ دران‌بود .

تول‌غند ، درساحل‌راست‌نهر(قوهن‌هو) ، ودراطراف (موکدهن)در مابین (فوله‌ن) و(فون شون) تجمع کرده ، وازطرف سواری باینصورت ستروحمایه کرده شده‌بود :

در پیش‌همه: درموقع ملاقی شدن نهر(شیلی‌حو) بانهر(شاحو) جنرال (میچه نقو) باغیرك غندهای سوارئی(ترانس‌بایقال)و(قافقاسیا)؛

درجناح راست:درمابین(هونهو،و،لیانهو)لوی‌غندجنرال(غره‌قوف)؛

درجناح چپ : لوی غند(سامسونوف) ، ودرمنتهای این‌جناح برراه (فوشون) وگذرگاه (تاله‌نغ) لوی غند (ره نه‌نقامف)به‌اجرای‌سیروحرکت مامور بودند .

این (۱۰۰۰۰) سوارئی روس درپیش‌روی تول‌غند خود بمقابل سوارئی ژاپان یك پردهٔ بسیارکلفت وکثیفی‌تشکیل کرده بود .

در نقطه های مهم نهرهای (هونهو،وشاحو) که قابل‌تجاوز بود بعضی

استحکامات هم انشا کرده شده بود درشمال شهر (موکدهن) بر نهرهای که راه آهن وجادهٔ (ماندارین) را قطع کرده بود نیز بعضی ترتیبات استحکامیه اجرا شده بود .

وضعیت تول غند ژاپان

ژاپانها موجود حقیقئی هر یك از تول غندهای سه گانهٔ خودشان را اکمال کرده بودند ، وساحل جنوبئی نهر (شیلی حو) را اشغال کرده بعضی آثار استحکامیهٔ مهمه نیز بوجود آورده بودند . صورت ترکیب وضع الجیشئی این سه تول غند ژاپان در (۲) اوکتوبر ازینقرار بود:

اول — تول غند نخستین جنرال (قوروکی) همهٔ دره هاو گچیدهائیکه براهائیکه ازشرق وشمال بران آمده توانسته میشد ، ودرمابین معدنهای (یه نتای) و(به نسیقو) بود محافظه کرده ، وموقع (بانیاچو) را درزیر استیلای خود داشته ترکیب آن به اینصورت بود .

لوی غند (خاصه) ،
لوی غند (۲) ،
لوی غند (۱۲) ،
یك غبرك غند مستقل سواری ،
(۵) غبرك غند احتیاط .

دوم — تول غند (٤) جنرال (نوزو) که در جهت جنوبئی معدنهای (یه نتای) بود . ترکیب آن ازینقرار است :

لوی غند (۵) ،
لوی غند (۱۰) ،
یك غبرك غند احتیاط .

سوم — تول غند (۲) جنرال (اوقو) نیزدر جنوب معدنهای (یه نتای)

بر جادهٔ (ماندارین) حاکم ، و از جهت غرب تا به نهر (هونهو) ممتد شده به این ترکیب بود :

لوی غند (۳) ،
لوی غند (٤) ،
لوی غند (٦) ،
یك غبرك غند مستقل سواری ،
یك غبرك غند مستقل طوپچی ،
(۳) غبرك غند احتیاط .

هریکی ازین تول غندها از قرار ذیل یکیك راه خط اتصال خصوصی نیز تعیین وتخصیص شده بود :

برای تول غند (قوروکی) راه (فنغ هوانغ شنغ ، -- ویچو ، -- شه مولیو ، --) تخصیص شده بود که یك قسمی ازین راه یعنی از (آنچو -- ویچو) تا به (فنغ هوانشنغ) با خط راه آهن نیز تفریش شده وقطارها به رفت و آمد آغاز نهاده بود .

برای تول غند جنرال (نوزو) راه «قایچه او -- تالیه ن وان» ،

برای تول غند جنرال (اوقو) راه (هایچه نغ -- اینقو) تخصیص شده بود .

مجموع قوای عسکریهٔ ژاپان بقدر (۱٦۱۰۰۰) بود که (۵۰۰۰) ان سواری بود . وبقدر (٦۰۰) قطعه طوپ را تول غندهای ژاپان مالك بود .

حالا دیده میشود که فرق ژاپانها وروسها ازروی عدد بدرجهٔ که شایان دقت بدیدار میباشد . اما با وجود آنهم جزو تامهای قطعات ژاپان هم از روی عدد ، وهم از نقطهٔ نظر ضبط وربط عسکری بر خصم خود فایق مینمود .

و غیرازین بسببی که تابحال هرمحاربه مطلق بیك رجعت و مغلوبیت منجر شده بود یك اعتقاد بدبینئی در دلهای عساکر روس علی الخصوص در دلهای افسران تول غند انداخته بود که این فکر واعتقاد قوای معنوی تول غند را خیلی ابتر نموده یك عنصر اضمحلالی تشکیل داده بود .

احوال اراضی میدان محاربه

اراضی که درمابین (موکده ن) ، و « لیائویانغ » بقدر (٦٠) کیلو متره ممتد شده است ، درصورت عمومیه بابسی جو یهاو ناله هائیکه ازشرق بغرب جاری شده رفته است اسقادو آبیاری میشود .

این جو یهاوادیهای تنگ وچقوری تشکیل میدهدکه درمجراهای بالائی آن بعضی سدهاومانعه های طبیعی بوجود آورده که مدافعهٔ آن خیلی آسانی پیدا کرده است .

انهار مذکوره عبارت از « هو نهو » و (تایچه هو) ، و (شاحو) ، و (شیلی هو) میباشند ، نهرهاوقتیکه در دشت میبرایندمجراهای شان وسعت و فراخی پیدا کرده است که ازین سبب جادهٔ ماندارین ، وخط شمند وفر بسبب تقاطع این نهرها (دارالحرکات) را بردومنطقهٔ که جداجدا خواص راجامعست جدا کرده است .

اول — منطقه ئیکه درغربست ، بصورت تبدیل مجرای آبها تشکل کرده واز یك دشت پرگل ودلدل عبارتست . دراثنا ئیکه باران زیادبباردد رینجا رفتار وحرکت خارج امکانست . مع هذادرینمنطقه ده های بسیار مستحکمی که نقاط مکمل استناد تشکیل بدهد موجوداست . مزروعات این دشت از جواری وباجری عبارتست .

دوم — منطقهٔ شرق است که کوهستان میباشد . این منطقه بابسی راه های وادی ودره و شیله منقطعست .

جنرال (قوروپاتکین) برای (٥) اوکتوبر امریکه به تولغند خودداده ، ان امر تولغندروس را دراول امر بر سه (گروپ) تقسیم کرده است :

اول (گروپ غرب) : درزیر قوماندہ واداره جنرال (بیلده رلینغ) که قوماندان قول تول غند (۱۷) اوروپاست . این (غروب) مرکب از قول تول غندهای (۱۰، و۱۷) اوروپا ، و بعضی اقسام قول تول غند (٥) سیبریابود .

دوم گروپ شرق : درزیر قوماندهٔ جنرال (شتاکلبرغ) که قوماندان قول تول غند نخستین سیبریاست . این (گروپ) مرکب از قول تول غندهای (۱ ، و۳) سیبریا ، وبعضی اقسام قول تول غندهای (۲، و٤، و٥) سیبریا. ولوی غند های قازاق، سوارئی جنرال (ره نه نقامف) ، وجنرال (سامسونوف) بود .

سوم (گروپ احتیاط عمومی) بودکه رأساً درزیر اداره خود جنرال (قوروپاتکین) که سرقوماندان کل است . این (گروپ) مرکب از قول تول غند (۱) اوروپا ، وقول اردوی (٦) سیبریا، و بعضی اقسام قول تول غندهای (۲، و٤) سیبریا بود .

استقامتهای عمومی ئیکه بر گروپها نشان داده شده بود اینهاست :

برای (گروپ غرب) : (موکدەن — لیائویانغ) .

برای (گروپ شرق) : (فوشون — په نسیقو) .

برای ارتباط این دو (گروپ) لوی غند جنرال (میچه نقو) وغیرك غند سوارئی (۳۱) مأمورشده بود . این مفرزه هائیکه فرستاده شده بودبامفرزه هائیکه جناح های تول غندژاپان راستروحمایه میکرد درحال تماس کرده بود .

آمدیم برژاپانها : قسم کلئی قوای عسکریهٔ ژاپان درکجا وبچه ترتیبات

اخذ موقع کردن شان معلوم نبود . مع هذا از وقایعیکه بعدازان رفته رفته معلوم گردید چنان استدلال میشود که قسم کلئی تول‌غندهای (۲ و ٤) ژاپان دربرارثی (یه نتای) بیك وضعیتی که برجادهٔ (مان‌دارین) وخط راه آهن حاکم باشد موجود ، وقوت های تول‌غند نخستین در جوار (یه نسیقو) وجهت غربئی این موقع بوده باشند .

نظر به این ترتیباتی که سردار روسی گرفته، واستقامتهای ابتدائیکه بدو قسم خود داده چنان معلوم میشود که برین یك حکم کرده بودکه جبههٔ دشمن خیلی فراخ است ، وازازو به این فکر افتاده بود که تول‌غند (قوروکی) را که در شرق (یه نسیقو) فرض میکرد بیك صورتیکه از تول‌غندهای (اوقو) و (نوزو) جدا کند جبههٔ مذکوره را ازهم بشکافد .

جنرال (قوروپا تکین) بسایهٔ احتیاط قوتنا کی که باخودداشت میتوانست که در وقت فرصت هم کار (قوروکی) راسراسر تمام نماید ، وهم بغل‌های اردو های (اوقو، ونوزو) را گرفته بتواند . مع هذا پسا نهابخوبی معلوم گردید که درحقیقت حال فکر جنرال روسی این حرکات و تشبثات کار امدونافع نبود . زیرا نظر به اقوال بسیاری از شاهدان متحد البیان بی غرض معلوم گردیدکه مشارالیه (باکروپ‌شتاکلبرغ) پیچانیدن جناح ژاپانها، وقطع کردن اتصالات (سایاماچو) و (فنغ هوانغشنغ) آنهارا تصور کرده بود .

ازین مانورهٔ سردار روسی هیچ ندانستیم که چه مقصد منظور داشت . چونکه مانورهٔ مذکورا گربموفقیت نتیجه پذیرهم گردد نتیجهٔ حاصلهٔ آن بجز اینکه ژاپانها رابرخط اصلئی اتصالات خود بیندازد دگر ثمرهٔ حاصل نمیکرد .

بهرصورت جنرال (قوروپاتکین) ازین مانوره ثقلت مرکز خود را بسوی شرق یعنی — به اراضئی کوهستانی که قبل ازین بیان کردیم میانداخت که

این هم برای روسها یك کار خیلی نامساعدی شمرده میشد. زیرا آنها اولا در جاهای کهسار بقدر ژاپانها بر مانوره غیر مقتدر بودند، و هم طوبچئی خفیفی را که در چنین جاها بسیار کار می بیند کمتر مالك بودند.

و هم غیر ازین مشار الیه قول تول غندها، لوی غندها، غیرك غندها غندك طوپهای خودرا سراسر بیکوضع خودکرندانه وضع و ترتیب کرده باینصورت ارتباط تعبیه ئیکه در مابین جزو تامها موجود بود بر هم میزد. مثلا قول تول غند (٥) سیبریارا بر سه پارچه، وقول تول غند (٤) سیبریارا بر دو پارچه و قول تول غند (١٠) اوروپارا نیز بر دو پارچه جدا کرده بود که این خطا های شایان تأسف او در محاربهٔ میدان (موکدهن) ازینهم بیشتر تکرر کرده آخر الامر ازسبب این خطا های خود در دست سر قوماندان تول غند روس هیچ یك جزو تامی باقی نمانده در مقابل دشمن عالم بر فنون باعزم خود صفر الید بماند. والحاصل جنرال (قوروپاتکین) یك قوماندان مانوره شناس باعزمی نبود والسلام.

﴿ محاربه ﴾

محاربهٔ میدان (شاحو) از (٩) اوکتوبر تابه (١٨) آن دوام ورزیده مرکب ازیك سلسلهٔ محاربا تیست که با همدیگر چندان ارتباطی ندارد. مع هذا ما این محاربهٔ میدان را ابتداءً بر سه صفحه تفریق میتوانیم.

اول — از (٤ تابه ٩) اوکتوبر رفتار تعرضئی روسها؛

دوم — هجوم روسها بر موضعهای ژاپانها، و هجوم مقابل ژاپانها، و از (١٠ تابه ١٣) اوکتوبر رجعتهای روسها بر (شاحو).

سوم — از (١٤ تابه ١٨) اوکتوبر هجومهای پی هم ژاپانها بر مواضع (شاحو).

صفحهٔ اول محاربه

روسها حرکت تعرضیهٔ خود شان رااز چارم اوکتوبر آغاز نهادند . در غرب جنرال (بیلده رلینغ) (کروپ) خودرا آهسته آهسته به پیش روی سوق داده در (۹) اوکتوبر بخط (شیلی هو) واصل شد .

درشرق، کروپ (شتاکلبرغ) برسه قول به اینصورت پیش میشد :

درراست ، قول تول غند نخستین سیبریا. ولوی غند (۵) شکارئی سیبریا. وقول تول غند (۲) سیبریا بر (بانیاپوچا) سوق شدند .

درمرکز، قول تول غند (۳) سیبریا، ویك غبرك غنداز قول تول غند (٤) یکسر بسوی (وی نیون) رفتار نمودند .

این دوقول بایك پیشدار عمومی که ازقول سوارئی (سامسونوف) مرکب بود تقدم میکردند .

درچپ جنرال (ره نه نقامف) بر (سی یانچیاچو) یکسر پیش میشد . این جنرال غیر ازلوی غند سوارئی خود بیك مفرزهٔ قوتناك پیاده نیز مالك بود .

در (۸) اوکتوبر قازاقهای جنرال (سامسونوف) درجنوب (بانیاپوچا) باقراولهای پیش ژاپان تصادف کردند . بنابرین (سامسونوف) ازدرهٔ (قوا یلنغ) گذر کرده درنزدیك (سی یانشانچو) باقراولهای پیش ژاپان بهم برخورد که پیشدار قول تول غند سیبریای نخستین نیز درعین زمان برقراولهای مذکور زشمال در هجوم کردن بود . ونیزدرهمین روز یعنی — در (۹) اوکتوبر قول تول غند (۳) سیبریا به (قااوتایچو) واصل شده ، وازجهت چپ باپیادهٔ (ره نه نقامف) ارتباط پیدا کرده درشرق (به نسیقو) براستحکامهای ژاپان بهجوم بردن حاضر شدند .

سرقوماندان روسی درمابین کروپ (بیلده رلینغ) و (شتاکلبرغ) مفرزهٔ

را ه برای پیدا کردن ارتباط مأمور کرده بود عدم کفایت آنرا دیده تقویه کر
دن آن را لازم دانست .

به اینصورت در (۹) ماه تول غند روس از (شیلی هو) تا به (وی نیو نین)
بریك جبهٔ (۵۰) کیلومتره ئی ممدود شده بود که محل نزدیك مرکز آن نقطهٔ
ضعیف ترین آن را تشکیل مینمود .

ماره شال (اویاما) این چال بازئی خصم خود را باتمام اسرار و تفرعات آن
کشف کرده جنرال (قوروکی) را بایك قسمی از تول غند آن بر محافظهٔ جناح
راست خود مأمور نموده، قسم کلئی تول غند مذکور را برای یك تعرضی شدتناکی
بسوی غرب یعنی — به نزدیکیهای جادهٔ (ماندارین) ببرد .

در وقتیکه ماره شال این پلان خود را اجرا میکرد جنرال (قوروکی) تنها
لوی غند (۱۲) خود را برای ترصد گذاشته ، ولوی غند (خاصه) ولوی غند (۲)
خود را درشرق معدنهای (یه نتای) وضع نموده بود، و در پشت آنها (۳) غبرك
غند احتیاط خود را موجود داشته با (۲) غبرك غند احتیاط دیگر جوار (یه نسیقو)
را استیلا کرده بود .

(صفحهٔ دوم محاربه)

بنابر ترتیباتیکه ذکر شد صفحهٔ دوم محاربه یعنی — هجوم روسها بر موضعهای
ژاپان سبب سه سلسلهٔ محاربات جداگانه گردید :

یکی، درمابین گروپ (شتاکلبرغ). وتول غند (قوروکی) محارباتیکه در منطقهٔ
کوهستان جریان یافته ، دیگر درمابین گروپ (بیلده رلینغ) وتول غند (اوقو) ،
محارباتیکه درداخل دشت بوقوع آمده . سوم درمابین گروپ ارتباط ، و
تول غند (نوزو) . محارباتی که درمرکز اجرا گردیده .

(گروپ شرق شتا کلبرغ) . — : وقتیکه پیادهٔ سیبریا با قراولهای پیش ژاپان تماس حاصل کرد، وظیفهٔ لوی‌غند سوارئی قازاق بختام رسید یعنی — جنرال (شتا کلبرغ) بزعم خوداین چنین حکم کرد ! — ازانرودر روز (۱۰) ماه جنرال (سامسونوف) را درزیر ادارهٔ قول‌تول‌غند(۳) داد . بعد ازان جنرال مذکور که بعدا فمهٔ درهٔ (وی‌نیونین)مأمورشده بوددرزیرامر وادارهٔ جنرال (رنه نقامف) که قوماندانئی تمام صنف سواری به اوتودیع شده بود درامد .

درروز (۱۱) جنرال سامسونوف باقسم‌کلئی‌خود ازنهر(تایچو)گذر کرده باجنرال (لی‌بوباوین) التحاق نمود .

ژاپانها چون رفته رفته تزایدکردن قوای عسکریهٔ روس‌رادرین‌جهت دیدند ، هماندم جهت مذکوررا بایك چندتولی که درساحل جنوبی داشتند بچابکی تقویه کردند .

روسها درین اثنا (٤) قطعه طوپی که باخود داشتند به‌نظام طوپ خانه دراورده برتولی های ژاپان که ازپل‌تأسیس‌داده‌گی خودشان گذشته به‌امداد می‌آمدند آتش‌کردن گرفتند . وبه اینصورت گذشتن ایشان را ازپل مانع شدن خواستند . اما جای تعجب‌است‌که این فکررا نکردند که پل‌را دراول امرضبط کنند ، ویااول به‌انداخت‌گله پل‌را خراب سازند .

حالآنکه اگرچنان میکردند برای خودشان خیلی‌خوب میشد . زیرا باینصورت‌ازتهدید پیادهٔ دشمن‌رهایی‌یافته باطوپ‌های‌موجودهٔ خودخطوط تدافعیهٔ شرقئی« به نسیقو» راازپشت‌کوبیدن‌میگرفتند .

درچنین وقت کار، سوارئی روس تنها به غایب‌نکردن موضعهای خود شان اکتفا ورزیده بهیچ مدافعهٔ تشبث ننمودند . اماژاپانها برای‌رهایی

یافتن ازین دشمن موی دماغ به‌اجرای مانوره های مفیده ، و گرفتن ترتیبات نافعه مشغول بوده ، روسها بعکس آن غیرمتحرك بودند .

درروز «۱۲» ماه بوقت صبح وقتیکه روسها میخواستند باز آتش بکشایند یك غندك طوپ ژاپان که درساحل راست نهر «تایچو» اخذ موضع کرده وانداخت خودرا برطوپ های روس تنظیم داده بودند بشدت آتش کردند .

درعین زمان خبرپیش آمدن قوت های مهم ژاپان بر استقامت جنوب بروس ها رسیدکه این قوت عبارت ازمفرزهٔ سوارئی غندمشر پرنس «قانین» و بعضی قطعات لوی غند «۱۲» بود .

سوارئی روس بمجرد دیدن این قوت هیچ درنگ نکرده یکسر بسوی غرب درکشیدند ، وبه رفتن ساحل راست نهر «تایچو» قراردادند .

بعدازکمی پرنس «قانین» ژاپانی ، میترالیوزهای خودرا بحال بطریه وضع کرده برغبرك غند پیادهٔ که ازطرف جنرال «رەنه نقامف» درساحل راست نهر [تایچو] برای احتیاط گذاشته شده بود آتش کشاد ، وغبرك غند مذکوررا بچنان ضایعاتی دوچار گردانید که درظرف کم‌مدت بقدر [٦۰۰] نعش در میدان گذاشته وقطعات خط اول خودرا کشان‌کشان اززیر آتش دشمن کشیده به‌ترك‌کردن موضع مجبور گردید .

محافظ جسورده [په‌نسیقو] جنرال قوروکی‌چون به‌اینصورت ازتضییق دشمن رهایی یافت هماندم بحرکات دلیرانه ومانوره های ماهرانه تشبث ورزیده حرکات پیش آمدن قول‌تول غند نخستین سیبریارا نیز درپیش‌گاه دره های [طومین] ، و[چاوسان]به توقف دادن موفق وکامیاب آمد .

اینست‌که [گروپ شرق] جنرال شتا کلبرغ هر انقدردست‌وپایی‌که برای هجوم زددرپیش مانوره های استادانهٔ جنرال [قوروکی] ازهرطرف برجهت

منجر گردید .

باوجود اینهم [شتاکلبرغ] هنوز میخواست که یك همت فوق العادهٔ دیگر هم نشان بدهد . اماچه چاره که ژاپانها درهرطرف خودرا تقویه داده وهیچ مجال فرصت برای او نگذاشته بودند ، وازطرف دیگرسرقوماندان جنرال «قوروپاتکین» نیز اوامر شدیدهٔ رجعت را برای او میفرستاد که درزیر این دوامر مجبوری بضرورت بعقب کشیدن بسوی شمال مجبور گردید . مفرزهٔ جنرال «رهنه نقامف» نیزبالطبع به این حرکت او امتثال ورزید .

در وقتی که این وقوعات درمابین گروپ شتاکلبرغ ، وتول غندقوروکی بوقوع می آمد . آیادردیگر اقسام میدان محاربه چه چیزها بروی کار آمده باشد؟ برویم ببینیم !

«گروپ غرب بیلده رلینغ» . — : درجهت غرب گروپ جنرال «بیلده رلینغ» در «۱۰» اوکتوبر در جنوب «شیلی هو» تقریباً تابه «۵» کیلو متره پیش آمده بود ، وقریه های «نادوسامپه» ، و «اولیتایچو» رادرزیر اشغال واستیلای خود گرفته بود .

بفکرسرقوماندان روس این بود که این گروپ ، یك نمایش عادتی درین طرف نشانداده اصل هجوم را آن دو گروپ دیگر از پیش ببرند . حال آنکه این تصور آینه مثال اورا یکوقتی سرقوماندان ژاپان درخشت پخته دیده بود . لهذا مانورهٔ خودرا بیك حرکت برهمین گروپ که جزوضعیف ترین بوددور داده باجناح چپ خودبه تعرض وهجوم شدیدی برگروپ مذکور اقدام نموده .

پیشدارهای گروپ مذکور که ازطرف دیگر قطعات استناد نداشتند در آن واحد برقسم کلئی خودشان درکشیدند . درروز «۱۱» دراطراف ده های «سانتایچو» ، و «اولیتایچو» یك محاربهٔ شدتناکی بوقوع آمد .

ژاپانها از جهتهای «لیدیانطون» بر جناحهای راست روسها بحرکت احاطه آغاز نهادند .

درروز «۱۲» جنرال «اوقو» اینحرکت احاطهٔ خودرا زیاده تر پیش برده و از طرف راست بر تول غند «٤» استنادکرده بر خط «شیلی هو» بشدت تمام هجوم نمود . در اطراف قریه های «شیلی هو — ولونوان میااو — وبه نطونیولو — ونه رزدیازا» محاربه های بسیار خونریزی بوقوع آمد . ودراثنای این خون ریزیها قریه های مذکور گاه بدست روسها گاه بدست ژاپانها ردوبدل میشد . تاآنکه آخرالامر ژاپانها غالب آمده قطعات روس مانند موجهای بحر که به دیوارهای سنگ بست پخته کاری لنگرگاهها بخورد پئی هم ویك بر دیگر شکست خورده وغلطیده . وبقدر «۳» غندك طوپ ، ومقدار بسیاری اسیر ترك کرده به آنطرف نهر «شاحو» بعقب کشیدن مجبور شدند .

حالا به بینم که دراثنای این گیرودار گروپ مرکز چه میکنند :

(گروپ مرکز جنرال قوروپاتکین) . — : این گروپ که درین اثنا یکچند کیلو متره بشمال معدنهای (یه نتای) تقرب کرده بود ، ودر پیش هجومهای شدید ، وحمله های خونریز عنید جنرال (نوزو) که با یك قسم تول غند (قوروکی) حمایه شده بود برجعت قهقری مجبور شده بود .

اگر حرکات دلیرانهٔ سواری جنرال (میچه نقو) نمیبود این قول تول غند از حرکت احاطهٔ ژاپانها بدشواری جان بسلامت میبرد . جنرال (قورو پاتکین) که بعد ازمدت هفتماه بهزار زحمت فکر تعرض وهجوم را بروی کار آورده بود دربنیار سرایر ازان فکر خود قطع نظر کرده بر خط (شاحو) باز بحال تدافعی خود برجعت قرارداد .

اینست که درین اثنا جنرال (قوروپاتکین) برای جنرال «شتاکلبرغ»

که خیلی آزاده سرا نه پیش رفته بود برجعت امرداده بود. واینقدر مقاومت که کردم محض از خاطر آن بود که برای رجعت او فرصت برساند. زیرا اگر پیشتر از او رجعت میکرد مهلکهٔ احاطهٔ کروپ شتاکلبرغ محقق بود.
اینست نتیجهٔ کروپ های سه گانهٔ هجوم آور رانهٔ روسها بمقابل تول غند های ژاپان.

رجعت — روز (۱۳) اوکتوبر به هجوم شدتناکی که تول غند «٤» ژاپان بابعضی اقسام دیگر تول غند ها مشترکاً برمرکز روس اجرا کردند گذشت. از نتیجهٔ این هجوم قطعات روس آهسته آهسته بسوی شمال عقب کشیدن گرفتند.

درین اثنا جنرال «شتاکلبرغ» برحرکت رجعت خود به اینصورت دوام میورزید:

قول تول غند (۳) که با پیاده وطوپچئی (رنه نقامف) تقویه شده بود دردره های (وانفولینغ) و قاوطولینغ دمدار ها ترك کرده ازسر (شی هوی چه نغ) یکسر بسوی شمال عقب میکشید. درین اثنا قول تول غند نخستین سیبریا درطرفهای «بانیا بوچا» به کروپ «زاروبایف» التحاق میورزید. جنرال «ره نه نقامف» نیز باقازاقهای خود ازسر کوههای «تا لینغ» رجعت مینمود.

در اثنای این رجعت، مفرزهٔ شرق روس بسببیکه ازطرف قطعات عسکریهٔ (قوروکی) از بسیار نزدیك تضییق وفشاری یافتند یکچند طوپ و بسیار اسیرشان بدست ژاپانها افتاده بود.

عین همین روز دوجهت غرب درطرف جنرال «بیلده رلینغ» به تقویهٔ مواضع که بدست داشت، ودرطرف جنرال «اوقو» بزیرطوپ گرفتن مواضع

روس ، ونزدیک کردن پیادهٔ خودرا تابدرجهٔ ممکن به پیش برای حاضری هجوم فرداس‌ورنمود .

اینست که به اینصورت بوقت شام روز « ۱۳ » تول غند روس تنها برینکه ازحرکت تعرضیهٔ خودصرف نظر کنند ، وبحرکت رجعیهٔ خوددوام ورزدباقی نمانده بلکه برخط « شاحو » بکمال پریشانی انداخته هم شدند .

جنرال « اوقو » برای هجوم مواضع گروپ غرب ازقرارذیل استقامتهای رفتار خودرا نشان میداد :

درراست لوی غند [٦] یکسر بسوی [قوان حادیان] پیش میشود ،
لوی غند « ۳ » درمرکز جادهٔ [ماندارین] راتعقیب میکنند ؟
درچپ لوی غند[٤] ، درمابین خط شمندوفر ، و« شاحو » رفتارمیکنند .
دو غبرك غند احتیاط نیزازعقب جناح چپ پیش روی میکنند .

صفحهٔ سوم میدان محاربه

هجوم ژاپانها بر مواضع « شاحو »

هجوم درشب [۱٤] ماه بوقوع آمده روز [۱٤] نیزدوام نمود . این هجوم بمقابل [٤٦] قطعه طوپ روسها که دردوطرف جادهٔ « ماندارین » وضع شده بود ازطرف لوی غند [۳] تول غند [اوقو] آغاز یافت .

بعدازان همین لوی غند دراطراف « شاحوپو» بیك محاربهٔ بسیارخون ریزی درامد . وبعدازکم وقت قریهٔ « شاحوپو » راضبط وتسخیرنمود . امار وسها بسبب رسیدن احتیاطهای تازه‌دم خودیك حرکت شدیدتعرضیه اجرا کرده آن‌را واپس استرداد کردند .

درجناح چپ، ژاپانها دههای « لانغ سیپو — و — لەنشین‌بو» راگرفتند

وبیك صورتیکه جناح راست روسهارا بحرکت احاطه تهدید نمایند درساحل راست نهر «شاحو» جایگیر شدند .

هر دو طرف، شب «۱۵» ماه‌را باهمدیگر بسیار نزدیك بر خط «شاحو» بسرآوردند . درین اثنا روسها تپهٔ «یکه درخت» ، وقریهٔ «شاحوپو» را بدست داشتند . ژاپانها نیز درساحل راست قریهٔ «له‌نغ‌سیپو» را درزیر استیلای خود دراورده بودند .

روز «۱۵» ماه محاربه بایك دوئللوی شدید طوپچی آغاز نهاد . بوقت صبح جنرال «بیلده‌رلینغ» برای پس بدست آوردن قریهٔ «له‌نغ‌سیپو» بسیار کوشش ورزید . ولی کامیاب نیامد .

دروقت شام هنگامیکه تاریکئی شب جهان رافرا گرفت غیر لگ‌غنده‌یانهای «ژاپانی بضبط کردن تپهٔ «یکه‌درخت» که نقطهٔ خیلی مهم وبرتمام منطقهٔ آن‌جوارحاکم بودبدست آورد . برین تپه تنها یك‌درختی‌موجودبودکه از هرطرف افق معلوم میشد .

در روز «۱٦» اوکتوبر بعد از پیشین ازطرف قوروپاتکین برای پس بدست آوردن این‌تپه یك امر شدیدرسید . وبرای این‌کارجنرال «پوتیلوف» مأمور گردید . درین اثنا طوپچئی ژاپان، سپرهای روس‌را که درنزدیکئی ده «ساحایان» بود شکاف شکاف میکرد .

بنابرین گرفتن این‌تپه که این آتش شدیدازان‌اجرا میشد برای روسهاضروری بود . افسران قطعات عسکریهٔ که این‌سپرهارا مالك بودند بایکدیگر مشورت کردند . غند مشر الای «۱٦» همهٔ مسئولیت را درعهده گرفته داوطلب گرفتن تپهٔ مذکورشد .

هجوم بساعت «٤» آغازنهاد . بقدر «۱۲» غندروس که بفرقهٔ «۲۲» منسوب

بود از نهر « شا حو » گذشته باسر نیزه بر تپهٔ « یکه درخت » خودرا انداختند، و بعداز یك مصادمهٔ بسیار شدید هول انگیزی تپهٔ مذکوره رابدست آوردند . اما گرفتن این تپه ، بر غند « ۸٦ » روس خیلی قیمت بها تمام شد . زیرا بعداز مصادمه در غند مذکور تنها « ۸ » افسر باقیمانده بود .

درمیان سپرهای ژاپان درمابین مخاصمین طرفین چنان یك محاربهٔ سرنیزهٔ شدیدی بوقوع آمد که تصور آن موهای انسانرا برمیخیزاند نهایت الامر این اول بار بود که از ابتدای این حرب تابه ایندم روسها دو غندك طوپ ژاپانهارا ضبط توانستند و بر موضیکه بدست ژاپانها بود حاکم شدند .

غیرك غند « ژاماتا » برین زمین مجادله بقدر « ۱۰۰۰ » مرده گذاشتند . قوماندان غندك های ژاپان که بدست روس میافتاد چون دید که چاره منحصر شد و طوپها بدست روس میافتد هماندم از دیدن این حال و اسیر رفتن بدست دشمن رفتن دیار آخرت را ترجیح کرده برسر طوپی که بالذات آنرا آتش میکرد باطپانچهٔ که بدست داشت خودرا هلاك نمود .

این هجوم بر غند روس به تلف شدن « ۸ » افسر و « ۵۰۰ » نفر تمام شد . سر از امروز نام این تپهٔ غربی این میدان را تپهٔ « پوتیلوف » ، و تپهٔ یکه درخت را تپهٔ (نودغورد) که نام جنرال ، و نام غند بود نهادند .

باوجود اینهم ، این مغلوبیت جزوئی ژاپانها بر حیثیت عمومیهٔ میدان محاربه هیچ تأثیری نشان نداد . اما اینقدر معلوم شد که اگر قوماندان تول غند روس از مهالك حرکات تعرضیه نترسد ، و بر پیش رفتن و هجوم بردن جرأت نماید اگرچه بدرجهٔ ژاپانها نباشند باز هم نایل موفقیت میشدند .

محاربه های آخری شاحو

درروز (۱۷) باران بباریدن گرفت ، دریك آن اراضی بیك حالی که گذشته

نشو ونما درامد . بحرارت وشدت خون ریزی محاربین خلل وارد شد وهم مهمات حربیه بکم شدن آغاز نهاده بود .

روز (۱۸) بایك چند مصادمهٔ بی اهمیتی گذشت . نهایت الامر بعد ازین محاربه های ده روزه هردو مخاصم بر جاهائیکه بودند بماندند . درین محاربهٔ دور ودراز ، روسها بقدر هزار (۱۰۰۰) افسر ، وسی هزار (۳۰۰۰۰) نفر ، وژاپانها (۵۰۰) افسر ، و (۱۵۰۰۰) نفر غایب کردند که بعد از محاربه های (ناپولیون) در (ایلو) و (موسکوا) درهیچ حرب دیگر اینقدر خون بیهوده وبی نتیجه ترِیخته است .

فرق عظیمی که درمابین ضایعات دو دشمن دیده میشود حقیقتاً شایان دقت وتعجب است ، سبب این فرق ازینست که اولاً طوپچئی ژاپان درخصوص استعمال طوپ بر روسها رجحانیت وتفوق داشتند . دیگر اینکه عسکر های (میکادو) درترتیبات هجوم وفایده برداشتن از اراضئی که بران حرب میکردند مهارت ودانائی فوق العادهٔ را مالك بودند . وهم افسران ژاپانی درخصوص مانوره وپلان جنگ نسبت بروسها صاحب اختراع شمرده میشدند .

نظر بروایاتیکه شاهدان بیطرف بیان کرده اند ، ودر میدان محاربه حاضر بوده حرکات طرفین را بچشم دیده اند پیادهٔ ژاپان درخصوص پیشرفتن درین محاربه نیز عین همان قواعد واصولی را که در (لیائویانغ) پیش گرفته بودند تطبیق کرده اند .

ما در تجابر ای تأیید مدعا از مشاهدات خود جنرال (قوروپاتکین) که در راپور خود بیان کرده بذکر این دو مختصر واقعه اکتفا میکنیم :

« در (۱٦) اوکتوبر در محاربهٔ میدان (شاحو) دو سه کندك ژاپان دفعتهً پدیدار شدند ، وبمجردیکه به آتش شراپنل ما هدف شدند همانَدم بجا یکنئی تمام

بجستجوی محلات مستور، وتشبث پنهان کردن خودافتادند .

« بعداز ان دیدیم که سه سه نفر، پنج پنج نفر درمیان یك مزرعهٔ جواری بسوی ماهمیدوند، وازجواریها یك یکدسته ساخته بجا بکلی تمام بسوی ما پیش میشوند . دیگر بعضی ازانهارادیدم که خطوه های جهیدن(۵۰ و ۶۰) قدمی اجرا میکنند . دراول امرما چنان گمان کردیم که آنها درمیان کشتزار جواری برای خودیك حمایه وپناه گاهی میجویند . امابعد ازان دانستیم که آنهادسته های بوته های جواری را درپیش روی خودگرفته ،وچشمهای مارا درمیان آنهاواصل کشتزارمشتبه ساخته ازکشتزاربرامده‌اند، وسپرها وجرها کنده، دسته های مذکور آن را ستر کرده اند . ودیگر قدمه ها از عقب آن هارسیده محلات مذکوره راوسعت وفراخی میدادند، وقدمه های اولی باز پیشترشده بهمانصورت موضع میگرفتند .

« اینست که باینصورت ژاپانهاداعما اراضی کایی کرده پیش میشدند .

« درروز (۱۷) اوکتوبر غندنمبر(۳۶) ماديدندكه يك خطباريك دشمن یکسربسوی شان میدوند، وچون بشدت برانها آتش کردندهمهٔ شان برزمین خوابیدند، وباوجود شدت آتش مایکمدتی درانجا درازافتاده ماندند . اما این ژاپانهای کوچك درانجابیهوده وقت نمیگذرانیدند . بلکه بالعکس برای پیش برامدن دیگر رفقای خود که از عقب شان درآمدن بود سپرها و جرها میکندند .

« بعداز انکه سپرهاراکندند، آن کتله‌های کوچك کوچك باز يك يك دودو پنج پنج بخطوه های جهیدن پیش آمده باز برزمین افتادند ، وجای اوائی آن هارادیگر قدمه ها گرفته آنهاباز بکندن سپرهامشغولشدند. اینستکه باینصورت اراضی کایی کرده خط بخط پیش میآمدند .»

پس ازین یك معلوم میشود که در هجومهای خود پیادهٔ ژاپان از زدن پیشتر اسباب زده نشدن رامیجستند. وحرکات پیش روئی شان دایما برهمین دو قاعده واصول مبنی میبود :

(١) — کندك هارا بر بعضی جزوهای کوچك کوچك بسیار متحرك وفعال جوالی که هدف اصلی را اصلا از نظر غائب نکنند، وما لك استقلال بزرگی باشند انقسام دادن .

(٢) — از محلات مستور طبیعی، بصورت بسیار واقفانه ومدققانه استفاده کردن ، ویا آنکه مانند سپرهای خاکی ، وسپرهای چوب وسنگ، وتوبره های ریگ محلات مستور صنعی بوجود آوردن .

اینست که بسبب رعایت اصول این قواعد، مقدار ضایعات خود شانرا از حد زیاده کم کرده توانسته اند .

کرنیل (برونزارت فون شللندورف) المانی که درین محاربه بصفت (آتشه میلتر) ی از طرف دولت متبوعهٔ خود آمده بود این حکایه را در مشاهدات خود تحریر کرده است که ازین حکایه یك نسقی ویکسانی ، عسا کر ژاپان در اصول وقوف وتکمل شان درفروع صراحتاً بمیدان میبراید .

این حکایه درباب هجوم جبهه ایست که در (١١) اوکتوبر از طرف غبرك غندسوم پیادهٔ ژاپان برتپهٔ قامیل بوقوع آمده است :

« ساعت (٤) بود که پیادهٔ ها جمین از یك اراضئی بسیار صاف وبی سرپناهی بگذشتن مجبور بودند . صفهای شکارئی ژاپانها به آتش شدید پیاده که از طرف جنوب میآمد، وآتش طوبچئی که از شمال میریخت هدف شدند .

« درین اثنا صفهای شکاری دفعتاً تولی تولی، وتولی های بلوك بلوك ، وبلوك ها بر کتله های کوچك کوچکی انقسام یافته بخطوه های جهیدن به پیش

روی آغاز نهادند .

« استناد های خط دوم که شکاری ها را تعقیب میکردند به نظام فاصله دار پراگنده باز بخطوه های جهیدن میدویدند . شکاریها هیچ آتش نمیکردند . ولی برای دم راست کردن توقف میکردند و چون بحد معینی که لازم بود رسیدند دفعتهً همهٔ غیرك غند بیك جبههٔ فراخ وعمیق صف شکاری در واحده برتپهٔ (قامپل) خود را اندا ختند . وبساعت شام آنجا را بدست ضبط استیلای خود در آوردند .

« از طرف روسها اگرچه باربار عودتهای تعرضیه بوقوع آمد ولی هیچ یك نتیجهٔ حاصل نشد ، وتپهٔ مذکور قطعیاً بدست ژاپانها ماند . »

(صرفیات جبه خانه)

محاربهٔ میدان (شاحو) بما نشان میدهد که محاربه های عصر حاضر در خصوص صرفیات جبه خانه تاچه درجه یك جمع مدهشی بعمل می آورد .

مثلا در روزهای (۱۲ و ۱۳) اوکتوبر تنها لوی غند (۳۵) طوپچئی روس که عبارت از (۳٦) قطعه طوپ بود در هر روز (۳۷۰۰) گله انداخت کرده بودند که جمع هر دو روز (۷٤۰۰) سرمی یعنی گله میشود .

در روز (۱٤) ماه مذکور بسببی که پیادهٔ روس از طرف دشمن به بدصورت در زیر تضییق گرفته شده بود از ان و برای رهائی دادن آن تنها درهم (۱۲۹۹۷) گله طوپچئی مذکور انداخت نمود .

بوقت صبح روز دیگر دو غندلوی غند مذکور بی جبه خانه ماندند . درعین همین روز جمع آمدن قوای مهمهٔ ژاپانها دران جوار دیده شد ، وبر سپرهای روس آتش شدتناکی کشادند که باز برای مقابلهٔ آنها ، ورهائی دادن سپرها را

ازان حال، درضرف (۴۵) دقیقه همین طوپچی بر منطقه هائیکه عسکر ژاپان
ران جمع می آمدند بقدر (۸۰۰۰) مرمی، ودرتمام همان روز (۹۶۵۲) مرمی
صرف کردند که به این حساب گویادرظرف سه روز تنها طوپ خانهٔ روس
(۳۰۰۴۹) گله طوپ انداخت کرده . وچون صرفیات طرف مقابل را نیز
تقریباً بهمین مقدار بران بیفزائیم عدد صرفیات جبه خانهٔ طوپچی به (۶۰۰۹۶)
مرمی بالغ میشود .





بروتزارت فون شللندورف

— در باب مانچوری وتول غندهای مانچوری —

« کرنیل (شللندورف) که از طرف دولت المانیا (آتشه ملیتر) وبرفاقت جناب پرنس (هوهنزولرن) مأمور بود بعد ازمحاربهٔ (شاحو) مارشال (اویاما) راملاقات کرده ، ومشاهدات خودرا ازقرار ذیل بیان کرده است »

« برای ملاقات ، روز (۲۱) اوکتوبر رامارشال (اویاما) مقرر کرده بود . باواغون صنف سوم دالان دارشمندفر به (یه نتای) واصل شدیم . دراستاسیون جنرال بارون (قوداما) که رئیس ارکان حرب تول غند ژاپا نست بابسیاری از افسران معیت او پرنس رااستقبال نمود . وبراسپانی که آورده بودند سوار کرده به قریهٔ (یه نتای) که یك کیلو متره دور تر بود ایصال کردند .

«مارشال تابه محاربهٔ (شاحو) اقامتگاه سابق جنرال (قورو پاتکین) را که در (لیائویانغ) بودقرارگاه اتخاذ کرده بعدازمحاربهٔ مذکوره در (یه نتای) بخانهٔ یك دهقان چینی نقل مکان کرده بود . اینست که درینجا پرنس را بکمال صمیمیت قبول نمود . و از آمد نش به نزد تول غند ژاپان و شرفی که به

این تول‌غند بخشیده بیان محظوظیت فرمود .

« درمابین مارشال (اویاما) که آدم بلند بالای قوی البنیهٔ بود ، وسر ورویش به اهالی المانیای جنوبی مشابهت میرسانید؛ ورئیس ارکان حربیهٔ او جنرال (قوداما) که آدم قد کوتاه نازك اندامی بود ، و سرش بسر یك جنرال فرانسوی مشابهت میرسانید آنقدر یك فرق و ضدیتی مشاهده میشد که تصویر آن ممکن نیست . خواص و اوصاف معنویهٔ این دوآدم به اشکال خارجیهٔ شان تماماً موافقست . زیرا (اویاما) باوجودیکه درطبیعت خیلی فعال و قوهٔ تشبثیهٔ فوق العادهٔ را مالکست ، ولی چون بظاهرحالش نظر میشود چنان گمان میشود که خیلی ساکن ، و سکونتش بهیچصورت وبهیچ چیزی خلل پذیر نمیشود . حالا آنکه (قوداما) چنانچه طبعاً جوال وفعال یك آدمیست ، همچنان درظاهرحال نیز مالك تیزی وشطارت است ، ودرمحاکمات ومطالعاتی که بیك سرعت برقیه بمیدان می نهد دایماصاحب اصابت و رزانت رأی بودن خودرا نشان میدهد . باوجودیکه طبیعت این دوافسر باهمدیگر خیلی مختلف است ، ولی ازابتدای سفرباهمدیگر خیلی خوش گذرانیده اند ، و همدیگرخودرابسیاردوست داشته اند ، و یکی نقصان دیگرخودشانرا اکمال وتلافی کرده اند .

« اقامتگاههای جنرالها مانند نشیمنگاههای دیگرافسران زیر دست شان خیلی ساده و از تکلف آزاده بود . برای نان خوردن ، و خوابیدن و کارکردن اوتاقهای جدا جدا نداشتند ، بلکه دریك اوتاق همه کارهای خودشانرامیکردند . برای آنکه هیچ فردی ازافراد عسکر بمیدان نمانند وسایل استراحت خود شانرا به آخر درجه تحدید وکم کرده بودند . بخاریهای آهنینی که ازژاپانیا برای شان فرستاده شده بود برای قراولهای پیش

روفرستاده بودند . زیراقراولهای پیش نسبت به افسرانی که درمیان خانه نشسته بودند بگرم شدن زیاده تر محتاج بودند . جمیع افسران ژاپانی ازافراد زیردست خودشان بیشتر راحت کردن نمیخواستند . مگروقتی که افسران بیگانه درپیش شان مهمان می آمد یکقدری بیشتر مصارف میکردند .

« برای سلام وملاقات پرنس ، قوماندان تول غند چارم جنرال قونت (نوزو) نیز به نزد مارشال (اویاما) آمده بود . اینهم کوته قد ، و صاحب اطوار واوضاع بزرگوارانه ، وخیلی شیرین کلام و محبوب یك آدمی بود . اماهزارافسوس که جنرالهای پیرژاپان چون هیچ یك از زبانهای اجنبی وا قف نبودند محاورهٔ مابواسطهٔ دیگرافسران جریان مینمود . وبه اینصورت لذتی که ازمکالمهٔ سرراست حاصل بشود قسماً غایب میشد .

« چند روز بعدازملاقات مابامارشال (اویاما) رئیس ارکان حربیه بارون (قوداما) در (لیائویانغ) به نزد پرنس آمده وقایع را که ازابتدای حرب تابه محاربهٔ (شاحو) جریان یافته بود به تفصیل حکایه نمود . وبعدازان نیز دروقوع هرملاقات درحق وقایع مذکوره معلومات متممهٔ اعطا میکرد . جنرال وقتی که این وقایع راحکایه میکرد مارا اجازه داده بود که ازسببهای پلانهای ترتیبکردهٔ او ، وازچه بودن مقصدهای اودرینباب سوالها واستفسار هانمائیم که به اینسبب ازین مصاحبه هازیاده تر استفاده میکردیم . حق نشر واشاعهٔ این افکار وملاحظات بالطبع به ارکان حربیهٔ ژاپانیاعایدوراجع است که مادرباب نشر آن حق نداریم . ولی باوجودآنهم هیچ نباشد تنها ازین یك فکر جنرال که ازحسیات معنویهٔ اوست خودداری نمیتوانم . جنرال مشار الیه دروقتیکه محاربهٔ (شاحو) رانقل میکرد گفته بود که : « بمجردیکه خبر گرفتیم که همه تول غند روس بیکبارهگی برتجاوز وتعرض اقدام ورزیده اند

منهم هماندم لازم بودن تعرض مقابل راحس، وبرحرکات تعرضیه قراردادم زیرادانستم که قوت عددی روسها برقوت مافایقست لهذا برای امید موفقیت بیشتر ازدشمن حرکت کردن مالازم وواجب مینمود .. »

« جنرال (قوداما) خیلی زیاده مبتلای سیگاره کشی بود درهردفعه که برای تفصیلات دادن به نزدپرنس میامددمبدم ازسیگاره های پرنس میگرفت . وچون یکی را تمام میکرد دیگری رادرمیداد . ودرین اثنابالطیفه هاومزاحهای شیرین خودهرکس رابخنده میاورد . وهیچ کسی را ازحاضرین نمیگذاشت تاباا ویك لطیفه ومزاحی نکنند . حتی باخود مارهشال نیزازلطیفه فارغ نمیماند . ازجمله میگفت که مارهشال درشبهامنتظماً دوازده ساعت میخوابد . امااویاما نیزچون بیان کردکه رئیس ارکان حربیهٔ من نام خدا چارده ساعت میخوابد ازاثر وهرکس قهقهه های خودرا براوعطف نمود .. »

مومی الیه کورنیل درباب شهر (لیائویانغ) باینصورت تفصیلات میدهد :

«اصل شهر (لیائویانغ) یك ونیم کیلومترمربع باچاردیوارمحاط یکشهریست . برای داخلشدن بشهر، اول ازمحلهٔ نوی که روسهاساخته اندگذشتن لازمست . بناهای منتظم این محله که بطرزساخت اوروپاست دربنوقت ازطرف ژاپانهابرای خسته خانه‌ها ، ودفترهاتخصیص شده است بعدازان ازپیش روی باغچه ئیکه آنرا (باغچهٔ قوروپاتکین) میگویند گذشته درنزد هیکل (پاغود) میرسد . شکل این هیکل عبارت ازیك مخروط پخته کاری ئیست که ازچه وقت ساخته شده باشدمعلوم نیست . اماچنان گمان میشودکه ازطرف یکی از حکمداران (کوریا) که بحرب تابه اینجاها آمده باشدساخته شده باشد . آثارانهدام ازهرطرف این هیکل پدیدار شده است . ازهر بغل آن سنگها وپخته کاری های ان غلطیده وبهزاران کبوترهای صحرایی درانجاها آشیان ساخته اند . بعضی رسمهاونقشهای برامدهٔ

ه بران هست ونداتستیم که چیست هنوز خراب نشده .

« در دامنهٔ (پاغود) دو هیکل (بودا) بوضعیت معلومهٔ که دارد نشانده شده است . یکی از جسامت طبیعیه بزرگتر واز برنج ریخته شده است . مردمان چینی درباب محافظهٔ اینگونه آثار قدیمه هیچ اعتنا نمیورزند . ژاپانها دراینوقت اطراف این هیکل راسیم گرفته اند ، وبرای محافظهٔ ان ازسنگهای بنای (پاغود) که غلطیده وافتاده بودند روی آن راستر کرده اند .

« باغچهٔ قوروپا تکین بایك دیوار گلی محاط ، ودر درون ان بقدر پنجاه شصت درخت نشانده شده ، وچندسرکهاوچمنهادران طرح یافته که ازکانابه هاوکوچ های چوبی وچند چراغهای رنگین ان معلوم میشد که برای استراحت وتنزه افسران روس این باغچه بوجود اورده شده باشد . اما اساساً اگر اینجایك مزارستان چینی ها بوده باشد احتمال دارد . زیرا در بعضی اطراف آن صورت سنگ پشتها که از سنگ تراشیده شده وبرسر آن لوح سنگهای بزرگ گذاشته شده بود دیده میشود .

« ژاپانها این باغچه رادراینوقت برای بستن اسپهای خود اصطبل ساخته اند . چنانچه در (دالنی) دیده بودیم درینجا نیز بزرگترین بناهائیکه روسها ساخته اند همانا یك تیاترو بزرگ بود . این بنای تیاترو که بعضی اقسام آن بتأثیر گله های ژاپان محترق شده بود دراینوقت سر ازنو از طرف ژاپانها دست کاری شده برای اسلحهٔ عسکری سلاحخانه اتخاذ شده است .

« هر نفر عسکری ژاپان یك یك قطئی کوچکی درجیب خود داشتند که درمیان ان گولی های (مالك میکروپ) موجود بود . بعد ازنان هر نفر به بلع کردن یکدانه حب مجبوراند . واین ازبرای انست که جلوگیرئی امراض ساریه مانند (تیفو) وغیره را بکنند .

« برتأثیراین حب حکم کرده نمیتوانم ، امااین یك محققست که درتول غند

ژاپان یکقلم امراض ساریه ظهور ننموده است . درخصوص محافظهٔ صحت عسا
کر ژاپان هرروز غسل کردن شان باآب گرم نیز دخل کلی دارد . حتی در شدت
ماهای بسیار شدید نیز در حالتیکه سردی تحت الصفر به (۲۰) درجه میبود در
میدان باز خمهای سنگی چینی هارا باآب جوشان پرکرده تا بگلو درمیان آن
میدرامدند ، وبعدازان برامده درحالیکه مانند مرجان وجود شان سرخ
شده میبود . وازبدن شان تفت ها میبرامد درهوای مانند یخ همچنان برهنه
تابه اقامتگاه خودشان میرفتند ، ودرانجا خود را خشک کرده البسهٔ خودرا
می پوشیدند .

« در (لیائویانغ) اگرچه دکانهای بسیاری موجود است اما این دکانها
بیک حالی که برای دفع احتیاجات یک اهالئی فقیری کفایت بکنند میباشد . در
میان این اهالئی جاهل که بظنون باطله معتقد هستند از هرچیز بیشتر اجزا خانه
ها خوب کار میکردند .

« شهر لیائویانغ از خسارتهای محاربه تایکدرجه مصون و محفوظ مانده بود .
دکانداران بعداز رجعت روسها دکانهای خودشانرا برای ژاپانها باز کرده بودند .

« اهالئی قریه ها به تعمیر مسکنهای خودشان که در اثنای محاربه خراب شده
بود مشغول بودند . واین مسکنها بسببی بی تکلفئی شان بزودی تعمیر میشد .
تابوقت تمام شدن تعمیر مسکنهای شان اهالی درمعبدها سکونت گزین شده بو
دند . درحوالئی که تول غندها ازان میگذشت محصولات از دیگر وقتها بیشتر منفعت
پیدا میکرد ، وبدست اهالی زیاده تر پیسه میدرامد . چونکه تول غندها ذخیره
وحیوانات اهالی را بقیمتهای گزافی خریداری میکردند . علی الخصوص عرا
به داران خیلی منفعت برمیداشتند . یک عرابهٔ بارکش تابه سه چهار پوند اجرت
میگرفت . روسها وژاپانها به این یک خوب دانسته بودند که برچینیان بزور

کار کردن نمیشود . زیرا چینیها بمجرد دیکه زور را میدیدند یا میگریختند و یا اینکه پنهان میشدند . لهذا مجبور بودند که کار خودشان را بخوش رضاو خو بی و دل آسا برا نها اجرا بکنند . من چنان گمان میبرم که این چینیهای حریص طماع ازین دل آسا هاو خوش معامله گیها وقوع اینگونه حربها را در هر سال از دل و جان آرزو نمایند .

« در روزها گاهی پیاده ، و گاهی براسپ و عرابه در اطراف شهر گردش و تنزه میکردیم ، و در شبها یکچند هفته پی هم راپورهای مفصل رئیس ارکان حرب خطهای منزل ، قایمقام (آریتا) را میشنیدیم .

« مومی الیه در راپورهای خود اکثر از ارتباط های تول غندبادنباله ، و تکمیل شدن نواقصات بحث رانده ، و حرکت های پیش روی را برا کمال آن مو قوف دانسته تفصیلات میداد .

« مشکلاتی که درباب تدارك و اکمال لوازم تول غند دیده میشد ، و تفصیلاتی که درین خصوص از قایمقام (آریتا) میشنیدیم بما یك فکر مختصری در خصوص فاصله های دور و دراز حرکات مختلفهٔ تول غند های ژاپان که باعث حیرت و تعجب محافل عسکریهٔ اوروپا شده بود میداد . الحق که سوق و نقل ذخیره و ارزاق یك تول غند بزرگ که علی الدوام به آن محتاجست در (مانچوری) خیلی مشکلات بهم میرساند . زیرادر (مانچوری) بهترین موسمهای نقل و سوق لوازمات متنوعه ئیکه تول غند همیشه به آن احتیاج دارد ها نادر زمستانست که صحراها یخ به بندد . در دیگر موسمهاهمهٔ راهها دریاهای گل و لاي ست که عرابه هاوطوپها بهزار مشکلات بران حرکت میتوانند . علی الخصوص در اراضئی کهسار که راهها هم دران مفقود باشد . مشکلات یکی بر هزار میشود .

« مأمورهائیکه برای خدمات منزل در تول غند ژاپان مقرر بودند خیلی

جان کنی ها کرده اند ، واز هر گونه وسایط استفاده کرده اند ، وتد بیر های بیشماری دران باب اندیشیده اند . در نهرهای (لیائو) و (تایجه) بصد ها زورقچهٔ چینیان رابه اجاره گرفته بکار انداخته اند، ودر خشکه (۳۰۰۰) شتر، و قاطر و یابو، و بصد ها عرابه استعمال کرده اند .

« روز سوم نومبر تول غند ژاپان جشن ها و شادمانیهای روز ولادت (میکادو) را اجرا کردند . افسران همه باهم یکجا طعام خوردند . روسها وقتیکه (از لیائو یانغ) رجعت میکردند ،قدار کانئی شیشه های (شامپین) ترك کرده بو دند . نوشیدن این شرابهای فرانسوی بصحت امپراطور ژاپان نصیب ما گردید . دران روز افرادرا طعامهای خوب وشیرینی ها، وشرابهای برنج دادند . بعد از پیشین جشنها وبازیها شروع نموده . تیاترها ، وپهلوانیها ، ومسابقه ها ، و شمشیر بازیها ترتیب داده شد . درهمه تول غند یك سرور وشادی عمومئی بر پابود . اما باد بسیار تند وسرد پر خاکی که درانوقت دروزیدن بود مسابقه ها را یکقدری بید ماغ میکرد . باوجود انهم ژاپانها در مقابل تأثیرات شداید هوائیه غیر متحسس بودند . مثلا پهلوانهای، کشتی گیر درچنین سرمای شدید بجزیك پتلونی کوتاهی که برای ستر عورت درپا داشتند دیگر سراسر برهنه بو دند . ودر اثنای کشتی گیری خیلی عرق میکردند ، وبعد ازانکه از کشتی فارغ میشدند، تابوقت رسیدن دیگر دور کشتی شان تنها یك بالاپوشی برشانه انداخته خودشان راازخنك محافظه میکردند .

« درمسابقه ها کسانیکه می بردند از طرف (حکمهای بیطرف) برای مکافات شان به اعطای (پکه ها ، ولوحه های تصویر ، وکارت پوستالهای تصویر دار، وقطی های سیگاره وغیره) تلطیف و نوازش می یافتند . وکسانیکه بای میدادند از طرف سیر بینان به او تسلی ودلاسایی داده میشد، وبر بعضی خنده

بسیار بزرگی که هر طرف آن پوشیده شده بود داخل شدیم ۰ مگر این جا محل باز یگاه تیاتر بود ۰

«بازیها شروع شده بود ۰ از بازیهائیکه سیر بینان ژاپانی خیلی خوش و محظوظ میشدند و اظهار سرورها میکردند طبعاً ماهیچ نمیدانستیم ۰ اما وقتیکه حقه بازان ببازی شروع کردند بقهقهه های ژاپانها ماهم اشتراك کردیم و وقتیکه اینقسم اولین بازیها اختتام یافت دردرون یك خیمهٔ بسیار بزرگی برای طعام خوردن دعوت شدیم ۰ طعام پیشین بصورت بسیار وافری خورده شد ۰

«نفرهای عسکری که بقیافت پیشخدمت باشیهای او تلهای بزرگ اور وپا بودند بیك مهارت ودقت و نزاکت فوق العاده ایفای خدمت میکردند ۰ در اثنای طعام یك موزیکهٔ عسکری مارشهای ملئی جملهٔ ما اجنبیها را بکمال مهارت بدور می نواختند ۰

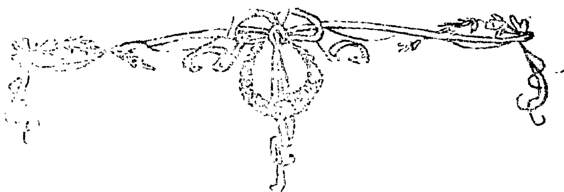
وقتیکه طعام تمام شد کشتی گیریها و پهلوانیها آغاز نهاد ۰ هر پهلوان عنوان های بزرگ بزرگی بر خود نهاده بودند ۰ و هر پهلوانی که بمیدان میبر امد بصدای بلند عنوانی که بر و گذاشته شده بود اعلان میشد ۰

« اول پهلوانانیکه برامد بعنوان جنرال (شتوسل) ، و جنرال (نوژی) بودند ۰ هردو پهلوان بشدت باهم در آویختند ۰ امادرینبار (شتوسل) برده (نوژی) بای داد ۰ بعد از ان جنرال (قورو پا تکین) با (اویاما) در آویخت بعدازانکه یکچندبار باهم مساوی آمدند جنرال (قوروپا تکین) مغلوب شد ۰

«(تفنگ ماشیندار) باطوپ (اوبوس) سنگین چاپ بمیدان برامد ۰ اما تفنگ ماشیندار غالب آمد ۰ باز عسکر طوپچی (باعسکر استحکام) بهم بیاویخت عسکر استحکام، عسکر طوپچی رابرزمین آورده ۰ درین اثنا جنرال (آیه هارا) که از صنف استحکام بسر رسیده بود نفر مذکور را که عنوان عسکر استحکام را گرفته

بود به سیگریت‌ها و شیرینیها تلطیف و نوازش کرده ، و بجنرال (اوزه قو) که رئیس ارکان حرب تول‌غند دوم بود ، و از صنف توپچی بسر رسیده بود رخ آورده ریشخند‌ها و لطیفه‌های مزاحانه بعمل آورده ، وچون درمقام استهزا یعنی جنرال (اوزه‌قو) را کشیدن گرفت همه حاضرین قهقهه را بفلک رسانیدند ، وچون درآن اثنا (پورا رتور) نیز سقوط نموده بود ، همه‌کس دراینباب برهمین فکر بود که فتح قلعه را مساعئی موفقیتکارانهٔ عساکر استحکام تسریع و تعجیل نموده است لهذا هر کس جنرال (اوبه‌هارا) را باین فخر و غرور حق میداد .

« بوقت شام که تاریکئی میشد هر کس پئی کار خود رفته جشن ختام یافت ماهم باافسران تول‌غند دوم وداع کرده به (چای کیااو) عودت کردیم . در آن روز در تول‌غند دوم وچارم هیچ وقوعاتی نبود . ژاپانیها باینرار نزاکت فوق العادهٔ روسها حمل کردند .



وضعیت حربیه در ابتدای جنوری

اول سنة ۱۹۰۵

ومحاربهٔ سانده پو

در ابتدای سنهٔ (۱۹۰۵) برسر نهر (شاحو) وضعیت تول غندهای طرفین باینصورت بود .

روسها

در پیش روی جناح راست ، ودرمابین نهرهای (لیاعو) و(هون) یك مفرزهٔ مختلط روسها اجرای ترصد میکردند . درخط (ماتوران — طاشواتهو) چارونیم لوی غندقازاقهای جنرال (غره قوف) جناح راست تول غند را در زیرامنیت داشته بودند . درعقب اینها جنرال (میچه نقو) باغبرك غند سوارئی (قافقاس) ولوی غندقازاق ماورای (بایقال) موجود بود .

ازتول غند (۲) مانچوری) قول تول غند (۵) سیبریا درزیر قوماندهٔ جنرال (غریپنبرغ) خط مدافعهٔ را که درمابین (طاشواتهو — شویالنزا — والیانتون) بود گرفته بود . ودرعقب این قول تول غند (۱۰) ، ودرجنوب موکدهن) درسرپل نیز قول تول غند (۸) موجود بود .

قول تول غند مختلط (۱) ، قسماً دراستاسیون (موکدهن) ، قسماً برای بیرون براوردن حاضر بودند .

تول‌غند(۳) مانچوری ، باقول‌تول‌غند (۱۷) اوروپا ، وقول تول غند (٦) سیبریا درزیرقوماندهٔ جنرال (قائولبارس) موضع (شاحو) را مدافعه مینمود .

قول‌تول‌غند(۲ — ۳ — ٤)سیبریادرزیرقوماندهٔ جنرال (لینه‌ویچ) بمحافظه کردن حوالئی شرق مکلف بود .

قول تول‌غند (۱) سیبریا در(بورنیزا) احتیاط راتشکیل میداد .

نیم لوی‌غند شکاری‌قول تول‌غند (۳) سیبریاباقول‌تول‌غند (زه‌نقامف) دراضئی جبالیه برای محافظهٔ ارتباط در(ماچیوندان)بود .

قرارگاه عمومئی تول‌غند، در(چانزاه‌وتون) بود .

مجموع همه قوت های روس که دراطراف (موکده‌ن) جمع امده بودند عبارت از (۳٤٦) کندك‌پیاده ، و(۱٦۹) طرب سواری ، و(۱٤۷) غندك طوپ‌بود، ضایعات‌سراسراکمال‌شده‌بود، یعنی‌عددمحاربین‌به (۳۰۰،۰۰۰) تفنگ وشمشیر، و(۱۱۰۰) طوپ بالغ‌شده‌بود .

قول تول‌غند (۱٦) که بقوت (۲۸،۰۰۰) تفنگ ، و(۹٦) طوپ بود، بتاریخ (۳۰) جنوری مواصلت میکرد .

— ژاپانها —

جناح چپ‌تول‌غند ژاپانرا مفرزهٔ (آقیجاما) که مرکب‌از(۲)کندك ، و(۱۲) تولی، و(۱)غندك طوپ‌بود محافظه میکرد، قسم‌کلئی‌این مفرزه‌که در موقعهای(حوقوتای) ،و(سانده‌پو)، و(لیدیانتون)بود، موقعهای‌مذکوررا بصورت قوتناکی تحکیم کرده بودند .

جناح چپ‌تول‌غندِ الوی غندهای(٤ — ٦ — ۳)وقطعات‌احتیاط‌تول‌غند

(۲) جنرال (اوقو) تشکیل مینمود . این تول‌غند خط (واندیازا) — لین شیپو — لاموتون — قودیازا) را مدافعه میکرد در جهت شرق این تول‌غند (۲) ، تول‌غند (٤) جنرال (نوزو) بود که بایك لوی‌غند احتیاط ، ولوی‌غند (۱۰) خط (قودیازا — چوانانزا) راتابه (سین‌لون‌تین) محافظه ومدافعه مینمود .

تول‌غند نخستین، بالوی‌غندهای (۲) ، ولوی غند (۱۲) . ولوی غند خاصه وقطعات احتیاط در خط (بیان‌یانوزا) تام بمقابل روسها افتاده بود .

برای احتیاط عمومی،لوی غند (۵) که پیش ازین به تول‌غند (٤) منسوب بود، در (شیلیهو)،ولوی‌غند (۸) که نو آمده بود در (یه‌تای) که قرارگاه عمومی اتخاذ شده‌است میبودند .

روسها قوت ماره شال (اویاما) را درنهایت دسمبر عبارت از (۱۷۸) کندك پیاده‌و (٦۱) طوب سواری، و(۱۱۱) غندك طوب که مجموع همه عبارت از (۲۲۵،۰۰۰) نفر آدم‌جنگاور، (٦٦٦) طوب محرابا شد تخمین میکردند .

تول‌غند (۳) ژاپان که (پور آرتور) رافتح کرده ، وبه اینسو روان شده بودند به (۸۰،۰۰۰) نفر بالغ میشد .

درابتدای جنوری جنرال (قوروپاتکین) به تعرض قرارداده بوده زیرا جنرال میخواست که پیش از رسیدن تول غند (۳) بر ژاپانها هجوم ببرد . بمقابل خطوط مواصلهٔ دشمن علی الخصوص بر خط (لیائویانغ — داشیچاعو) از طرف قوت سوارئی خود یك تشبث بزرگی راتصور کرده بود که به این تشبث، آمدن تول‌غند جنرال (نوژی) فاتح (پور آرتور) را باشکال می‌انداخت، وهم مقدمهٔ اجرا آت تعرض متصورهٔ او میشد .

حرکات سوارئی جنرال (میچه نقو)

برای حرکات سواری‌ئیکه اجرای آن متصور بود جنرال (میچه نقو)

مأمور گردیده ، در (۸) جنوری درحوالئی (سیفانتای) (٦۸) طرب سواری ، و(۳) غندك طوپ سواری ، ونیم غندك طوپ صحرا را جامع بود ، یگانه وظیفهٔ که بر جنرال (میچه نقو) تحمیل شده بود این بود که خطهای شمندوفر (لیا ئویانغ — داشیچاعو) و(داشیچاعو — اینقو) را خراب کند تا تول غند مظفر جنرال (نوژی) از (پور آرتور) آمده نتواند .

بنابرین جنرال مشار الیه بسه قول سر راست بسوی (اینقو) برفتار آغاز نهاد که این سه قول مرکب ازین قوتها بود :

قول راست جنرال (سامسونوف) (۱٦) طرب سواری ، و(۱) غندك طوپ سواری ، ونیم غندك طوپ های صحرا .

قول وسط ، جنرال (ابراموف) (۲۲) طرب سواری ، و(٦) طوپ

درقول چپ ، جنرال (تله شوف) با (۳۰) طرب سواری ، و(٤) قطعه پیادهٔ اسپ سوار ، و(٦) طوپ ، و(٤) تفنگ ماشیندار .

در عقب قول وسط ، (۹) تولی صحیه که بهیئت صحیه صلیب احمر منسوب بود ، و(۱۵۰۰) حیوانات بارکش که به ارزاق ومأکولات بارشده بودند پیروی میکرد .

قبل ازین کشف کرده شده بود که در خارج خط (هون) قولهای کشف ژاپان تا بخط (سیفانتای — انشیلیون) پیش آمده اند .

ومنطقهٔ اراضئی که درمابین نهرهای (لیائو — وهون) واقعست درزیر استیلای (۳۰۰۰) جمعیت های (طونغوز) میباشد .

در (۹) جنوری جنرال (میچه نقو) از (سیفانتای) حرکت وبارفتار بغلکی بوقت پیشین بموقع (قالیاما) واصل گردید . درینجا یکی از قولها نهر (لیاعو) را ازسر سطح منجمد آن مرور کرده بجهت غرب نهر مذکور گذشت . دو قول دیگر ساحل شرق نهر مذکور را گرفته تا برابرئی (طاوان) آمده است .

مفرزه شب‌را درطاوان گذرانید . در هردوطرف نهر مقدار وافری ارزاق ، وخوراکه اسپها پیداشده بود . بجز جماعتهای قوتمند (طونغوز) ها که درجنوبی (طاوان) بودند دیگر اثری ازدشمن دیده نشد .

در (۱۰) جنوری بافاصله های کوچك هرسه‌قول درساحل (هون) سر راست بسوی (قالیهو) حرکت کردند . در (قالیهو) قولهای‌سواری بعدازانکه بخوبی دم راست کردند به‌آنطرف ساحل (هون) گذرکردند . درانجا‌یك قریهٔ که ازطرف نیم طرب‌سوارئی ژاپان، وجماعتهای کلئی (طونغوز) هامستو لی‌بود تصادف کردند . بعدازیك محاربهٔ کوتاه‌تفنگ، قطعات‌پیش‌قول‌وسط همچنان سواره جبراً بقریهٔ مذکور درامدن خواستند امابضایعات‌کلی دوچار آمده‌واپس رانده‌شدند . دربنوقت‌یك محاربهٔ‌شدید‌دقریه‌هاوده‌ها ده آغازنهاده دیگرقولهانیز به‌توقف‌مجبور شدند . اینمحاربه‌تابشام‌دوام‌ورزید . وچون پردهٔ ظلمت‌شب برجهان‌افگنده شد ژاپانها بکمال‌سهولت وبی آنکه ازطرف روسها تعقیب شوند ازقریهٔ مذکور برامده بقسم کلئی خود ملحق‌شدند .

روسها امشب را درادردوگاه میدان بازخود درجنوب (قالیو) بسر آوردند ، وازنتیجهٔ تحقیقات‌شان‌چنان معلوم شدکه (نیوچوانغ) بصورت‌خفیف و[اینقو] بصورت قوتمند تر ازطرف ژاپانها درزیر استیلا میباشد .

در [۱۱] جنوری جنرال [میجه‌نقو] باتکمیل‌قوت‌خوداز‌جوار [قالیغان]، نهر (تایچه) را گذرکردند . به قافلهٔ سنگین بارمفرزه دربنوقت‌یك‌قول عرابه های مجروحین نیزالتحاق کرده بود .

مفرزه های سواری ئیکه برای خراب کردن شمندوفر فرستاده شده بود برتخریب پل شمندفرکه در (هایچونغ) بود موفق نشده‌بودند . ولی‌در بعضی‌جاهاراه آهن را خراب‌کرده توانسته بودند . اما این‌خسارات بیك

درجهٔ بود که مسئلهٔ نقلیات را به سکته نمی انداخت •

روز دیگر قوماندان قول تول غند سوارئی روس، ضبط وتسخیر کردن استاسیون (اینقو) را تصور کرده بود • اما چون خیلی ناوقت بر فتار آغاز نهاده بود بموقع [چیا نجیانی] که از استاسیون مذکور (۶) کیلومتره دورتر است بعد از پیشین بساعت [۴] واصل شده بود • ازینجا طوپچئی روس بر پیادهٔ ژاپان که موقع گرفته بوند آتش کشادند • وبه بعضی بناها حریق بوقوع آوردند • ولی بمقابل آتش شدید شکاریهای ژاپان پیش آمده نتوانستند، وچون درینوقت خبر حرکت یك فرزهٔ ژاپانی از راه «هایچونغ» برقطع کردن خط رجعت قول تول غند سوارئی روس رسید • جنرال «میچه نقو» تهلکه را حس کرده، واز اکمال کردن پلان خود صرف نظر نموده بساعت هفت ونیم برجعت آغاز نهاد • واز بیم بریده نشدن خط رجعت خود بر «نیوچوانغ» نیامده مجبور گردید که یك راه دیگر را پیش گیرد • لهذا برین راه که صعب المرور وبی راهه بود به بسیار بطائت ودشواری در شام «۱۳» جنوری نهر «لیاعو» را از جوار «دونهویان» مرور نموده در خط «دونهویان — ژانشاهو» شب را بسر آورده •

قولیکه درشرق مانده بود به تضییق وفشار سخت قولهای کشف ژاپان گرفتار آمده، وتلفیات خوبی داده درشب به تبدیل دادن اقامتگاه خود مجبور گردیده بود •

در روز «۱۴» جنوری قولهای غربی ووسطئی جنرال «میچه نقو» تابه «شالنیغ» بر رجعت خود بلامحاربه دوام ورزید • قول شرق که درشب باز دوبار دیگر از طرف ژاپانها دوچار تلاش شده بود بوقت صبح از طرف طوپچئی ژاپان بزیر آتش طوپ گرفته شده، واز جهت ساحل «لیاعو» از طرف قطعات پیادهٔ ژاپان پیچانیده شده بود • مع هذا از راه دیگری به «شالینغ» مواصلت

شان میسر گردید .

درمفرزهٔ عقب‌گیر ژاپان چون سواری بدرجهٔ کفایت نبود از ارتباط و تماس خود شان راباقول‌تول غند« میچه‌نقو »غایب کرده این قول‌تول‌غند بر حرکات رجعت خود کامیاب آمدند .

در روز« ۱۵» جنوری قول‌تول غندبه« یاجیشان »آمده روز دیگر نهر « لیاءه» را مرور نموده است، ودرشمال« قالیاما » اردوگاه خودرا تابوقتیکه اردویش لغو میشد، و بحال اصلئی خود برمیگشت درانجامانده است .

اینست که حرکات تعرضیهٔ قول‌تول جنرال«میچه‌نقو»به اینصورت رسیدهٔ به ختام گردید ضایعات این قول تول‌غند در تحرکات عبارت از«۷»افسر «۷۳» نفر مقتول؛ و«۳۲» افسر، و«۲۳۷» نفر مجروح، و«۲۷» نفره و « ۱٤٤ » اسپ اسیرمیبا شد .

—﴿ محاربهٔ (سانده‌پو) ﴾—

درین اثنا جنرال « قوروپاتکین» درباب صورت اجرای تعرض متصوری که برین قرارداده شده است بیان کردن رأی ومطالعهٔ خودشان را به قوماندانهای تول غند های خود جدا جدا تبلیغ نمود ، ودرعین زمان نقلت مرکز قوای عسکریهٔ خودرا یکسر به نقل دادن بسوی غرب تشبث ورزید .

قوماندا نهای تول‌غند متفقاً هم درینوقت وهم در وقتیکه مجلس حرب منعقد گردید رأی ومطالعهٔ خودشانرا چنین بیان کردندکه جناح چپ اردوی«اوقو» هدف اصلئی تعرض، واستاسیون «یه نتای» بصورت عمومیه هدف الحرکات انتخاب بایدشود . واز«۱۲» قول‌تول‌غندی که بدست موجوداست (۷)تول غند آن برای بسر آوردن این هجوم رابکمال موفقیت، کافی و وافی شمرده میشود . بناءً علیه جنرال (قوروپا تکین) بر جناح چپ ژاپانها بر اجرای هجوم قرار

داده در ۱۹ جنوری امر تعرض را عطا نموده فقره ئیکه شایان اهمیت ترین این امر میباشد عبارت ازین فقره است :

« هدف نخستین تعرض ما ، ومقصد یگانهٔ ما ازین تعرض باید که همین مسئله باشد که تول غند ژاپانرا به پشت نهر (تایجه) دفع نمائیم ، وتاممکن باشد درباب دو چار انهزام کردن شان صرفه اقدام ورزیم . وبه اینصورت هجوم تعرضی را قبول می کنم .

« هدف نخستین هجوم ، تول غند (اوقو) راتعیین کردم . بنابرین جناح چپ این تول غند (اوقو) احاطه میشود . قطعات تول غند (۱) و (۳) بر تول غند های (نوزو) و (قوروکی) هجوم میبرده ودیگر اقسام تول غند (۲و۳) بر جناح چپ ژاپانها براحراز کامیابیها تابع میماند »

این تعلیمات عمومیه تفرعات بسیاری داشت که باترتیبات و اوامر مفصلی اکمال شده بود . ترتیبات مذکوره را هر تول غند نظر به ترقیات وحرکات تول غند مجاور جهت غرب خود ، تنظیم واتخاذ میکرد .

ازجملهٔ تدابیر متقابلهٔ که ژاپانها اتخاذ کردند این بود که جنرال (اوقو) بنابر امر مارشال (اویاما) فرقهٔ (۳) خودرا که تا بحال در جناح راست بود برای تمدید دادن جبهه بسوی (یاندیاوان) جلب نموده این لوی غند در صبح (۲۷) جنوری تماماً در موضع جدید خود اجتماع کرده بودند .

جنرال (غریپه نبرغ) در (۲۵) جنوری بحرکات هجوم خود آغاز نهاده بود . قطعات (میچه نقو) ، و (قوزوغوفسکی) دره ها وگذرگاههای (مامیاقای وچیتیایچی) را گرفتند . وقسم اعظم سوارئی (میچه نقو) باسه ونیم غند سو راست بسوی شرق روانه گردید . قول تول غند نخستین سیبریا اول موقعهای (قوتایجی) ، و (حایلاتوزا) را اشغال کردند که محافظهای ضعیف آنجاها که از

طرف ژاپانها در انجابودیکسر بسوی (هوقوتای) و (طوپاوه) عقب کشیدند .
بعده این قول تول غند نهر (هون) را گذشتند . وبرین دوقریه در نیمشب بهجوم
برخواستند وبعد ازجنگهای عنودانه قریه‌های مذکور را اشغال توانستند .
قوهٔ محافظهٔ ژاپان که در (هوقاتای) بود، وعبارت از (٤) طرب سواری ، و (۱)
تولی پیاده بود ازپیش روی قول تول غند نخستین روس به (قوچونچی)
در کشیدند .

بمقابل خط (سانده پو — لیدیانتون) لوی غند (۱۵) پیاده، باقطعات قول
تول غند (۱۰) به پیش سوق کردیده ، وموقعهای (هوانتی) و (چوشانتون) از
طرف اقسام قول تول غند (۱۰) بدست اورده شده بود .

قراولهای پیش ژاپان بر (سانده پو) و (لیانتون) عقب کشیدند جنرال (غریپه
نبرغ) غبرك غندهای (۲ — ۵) شکارئی خودرا بسوی (چانتان) سوق کرده
بود . امابرضبط کردن موقع مذکور کامیاب شده نتوانسته بودند .

این بار هجوم روسهابنا گهانی شده بود . مارهشال (اویاما) بنابرحوادث
های که ،فرزه‌های سوارئی کشف برایش فرستاده بود ازاحتیاط عمومئی خودلوی
غند (۸) رااسرراست به (هوقوتای) بحال پیش روی وضع کردهبود . وقوماندان
این لوی غند جنرال (طازومی) را بقوماندانئی جناحی که دوچار تهلکه شده
بود، مأمور کردانید .

این لوی غند (۸) دروقت شام روز (۲۵) از (یه‌نتای) روانه شده روز
دیگر بوقت صبح باهردوغبرك غند خودبه (طاطای) و (صوماپو) آمده وهماندم
بر قول تول غند نخستین سیبریا به تعرض اقدام ورزید .

قول تول غند روس امروز بوقت صبح وقت، یك غبرك غند خودرا بفرقهٔ
(١٤) پیاده داده ، ودر پیشگاه (هوقوتای) و (طوپای) یك موضع گرفته بود

۵ . هجومهای ژاپان را که بمقابل این موضع اجرا کردید، باضایعات عظیمه عقیم مانده است .

دوغبرك غند لوی غند (۸) درین اثنا بفراخئی [۵] کیلومتره از همدیگر جدا شده بودند . غبرك غند جناح چپ از غبرك غند جناح راست سراسر جدا مانده بود . و ازطرف غبرك غند سواری [میچه نقو] که دران اثنا بحوالئی [سیویو] آمده بود به تهدید افتاده بود .

اماجنرال [طازومی] خبر تقویه شدن خود را بایك لوی غند دیگر احتیاط گرفته خاطرجمعی حاصل کرده بود که این لوی غند دروقت شام روز [۲٦] از [شیلیهو] بسوی [لاندونغو] بحال پیش روی وضع شده بود .

لوی غند [۱٤] پیاده بایك غبرك غند قول تول غندی نخستین سیبریا بوقت پیشین بر [سانده پو] بهجوم آغاز نهاده . این [سانده پو] تنها بایك غند سواری ، و بایك چندتولی پیادهٔ تفنگ ماشیندار و یك غندك طوپ ، مدافعه کرده میشد . باوجود آنهم این مفرزهٔ کوچك ژاپان بمقابل قول تول غند روس چنان مدافعهٔ شدیدانهٔ دلیرانهٔ اجرا کرد که شایان حیرت بود . وبعدازانکه غبرك غندهای [۲] و [۵] نیز بمحاربه اشتراك ورزیدند بهزار مشکلات و بسیار ضایعات قسم اعظم قصبهٔ [سانده پو] بدست روسها درامد . امادریك موقع مستحکم قصبه که برجعتگاه مشابهت داشت ژاپانها بکمال متانت وپایداری برمدافعه دوام میورزیدند . بوقت شام [۲] کندك پیاده ، ویك تولی تفنگ ماشیندار ویك غندك طوپ به امداد وتقویهٔ مدافعه کنندگان ژاپان رسید .

در شب [۲۷] ازطرف لوی غند [۱٤] روس باز بکمال شدت بر [سانده پو] هجوم بوقوع آمد . اماژاپانها بشدت تمام پایداری کرده هجوم روسها رارد کردند . لهذاروسها هجومهای خودشان را بی نتیجه دیده [سانده پو] راسراسر

خالی کردند .

بوقت صبح [۲۷] جنوری یك مفرزهٔ ژاپانی که به لوی غند [۵] ژاپان منسوب و مرکب از [۱] غند پیاده ، و [۱] غندك طوپ بود از [لاندونغو] به [سیو یو] رفته ودرانجا با سواریهای [میچه نقو] تصادف کرده آنهارا بعقب کشیدن بسوی شمال مجبور گردانید .

درخط [سانده پو — صومایو] محاربه سر از نوعلو ریز اشتعال شده بود . چونکه قول تول غند نخستین سیبریا به تعرض سر از نو قیام ورزیده بود، و برای ضبط کردن [صومایو] بشدت تشبث نموده بعد از محاربه های عنودانهٔ که اجرا گردید ، و غبرك غند [۲] شکاری سیبریا نیز به امداد آمد قسم شمالئی [صومایو] راضبط کردند ، ولی هجومهای سوارئی [میچه نقو] که در شرق و جنوب [سا نشانپاو] اجرا کردیداز طرف ژاپانها ردودفع شد .

قسم کلئی لوی غند [۵] ژاپان در شمال [طاطای] منتشر شده بود، و تا به شام به غبرك غندهای شکارئی روس که در [لیو تیاقو] بود بقدر [۸۰۰] متره نزدیك شده بود، ولی هیچ جنگی درمابین دو خصم هنوز درنگرفته بود .

هنوز سر از شام [۲۷] جنوری، جنرال [غریپه نبرغ] از سرقوماندان قوهٔ امداد به طلب کردن ارجا کردن گرفته بود . زیرا قوهٔ موجودهٔ خود در ابرای دوام کردن حرکات تعرضیه غیرکافی میدید . ولی جنرال [قوروپاتکین] بجواب او خبر داد که « قوت تول غند دوم را برای توقیف کردن هجوم ژاپانها کافی میبینم . » حالانکه درعین زمان درجهت ژاپانها، سرقوماندان مارشال « اویاما » یك غند پیاده ، و «۳» غندك طوپ ، ویك غبرك غند پیادهٔ لوی غند «۲» تول غند نخستین را برای امداد و تقویهٔ مفرزهٔ خود بمقابل جنرال « غریپه نبرغ » فرستاده بود .

بوقت صبح «۲۸» جنوری غبرك غند «۱۵» ژاپان از «لاندونغو» آمده اول باقطعات لوی غند «۵» مشترکاً قطعات قازاق «میچه نقو» را یکسر بسوی غرب طرد کردند . وبوقت شام به «صومابو» واصل گردید .

در نتیجه لوی غند «۸» ژاپان از صبح وقت به تعرضات پی‌هم از طرف قول تول غند نخستین روس دوچار آمده بودند . برای تقویهٔ این لوی غند ، غبرك غند دوم شکاری را باغند یکم لوی غند «۱٤» فرستاده شده ، وبه قوت این قوهٔ امدادیه قریه های «صوما پو» و «حوکیاچی» بدست ژاپان هادرامد .

لوی غند «۵» ژاپان پیش از پیشین «لیاتیاقو» راضبط نموده . دوغند پیاده ئیکه از طرف روسها برای تقویهٔ «لیاتیاقو» فرستاده شده بود بحال ووضعیت اینموضع هیچ تبدلی آورده نتوانست .

قوماندان قول تول غند «۱۰» روس جنرال «چرنیسکی» برأی خود بایك غبرك غند پیاده بر «لابوتای» و «سیاعوتابچی» اختیار تعرض نموده . اما تابوقتیکه درانجا میرسید شام شده بود . وقریه های مذکور درزیر استیلای عساکر ژاپان درامده بود . این حرکت جنرال «چرنیسکی» هیئت قوماندهٔ ژاپان را مجبور گردانید که لوی غند «۳» را بحوالئ شمال «لاندونغو» بفرستند .

در «۲۸» ماه ، جنرال «اوقو» مقابل قول تول غند «۱۷» روس از طرفین خط شمندوفر به تشبث یك هجوم نمایشی قیام ورزیده بود . مارشال «اویاما» درشام همان روز برای تقویه لوی غند «۵» از «طادوزامپو» دیگر قوای عسکریه را به «طاطای» سرراست سوق نمود که این قطعات که بقوت های احتیاط منسوب بودند بوقت صبح روز «۲۹» درانجا واصل شدند .

جنرال «غریپه نبرغ» از حرکت کردن پیش قول تول غند «۱۰» جنرال

« چرپنسکی » حال و وضیعت حربیه‌را مساعد و موافق پنداشته ضبط و تسخیر کردن « سانده پو »را سودوباره آرزو نموده‌بود . اما چون باز از « قوروپاتکین » طلب امداد نمود ، بجواب آن امر رجعت برای او رسید .

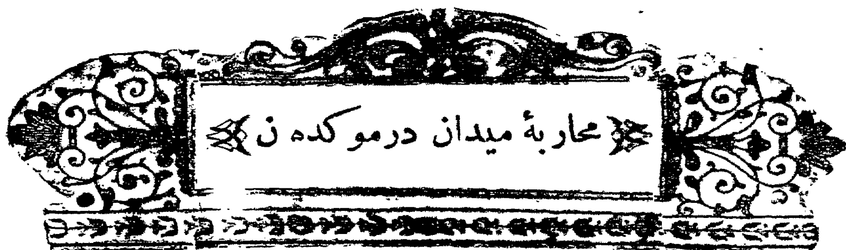
فی الواقع روسها روز دیگر بوقت صبح وقت با محاربه‌های شدتناك و تایکدرجه بصورت منتظم برجعت آغاز نهادند . ژاپانیها تا به نهر « هون » روسهارا عقب گیری کردند . از انجا پیشتر تعقیب کردن از طرف قرارگاه عمومی تجویز نشد . لوی غند های « ۵ » و « ۸ » ژاپان درخط « سانده‌پو — هوقوتای » به ساختن استحکامات آغاز کردند .

قول تول غند شکارئی روسها نیز برخط « چانتان سیفانتای » درکشیده درانجا باستحکام ساختن آغاز کردند .

درین محاربه ضایعات ژاپانها از مقتول ومجروح بقدر « ۸۷۰۰ » واز روسها تقریباً « ۱۵،۰۰۰ » آدم بود . « جنرال شتاکلبرغ ، وجنرال میچه نقو ، وجنرال قوندراتوویچ » مجروح شده بودند . وبسبب شدت برودت مجروحین مذکور از زخمهای خودشان خیلی مضطرب شده‌بودند .

درینمحاربه « ٦٤ » کندك پیاده . و « ٤٨ » طرب سواری ، و « ۲۷ » غندك طوپ روسها که جملةً « ٦۰۰۰۰ » جنگ آورباشد ، بمقابل « ٤۲ » کندك پیاده ، و « ۲۰ » طرب سواری ، و « ۲۰ » غندك طوپ ژاپانیها که جملةً « ۵۰،۰۰۰ » هزار عسکر باشد محاربه کرده‌اند ، ونتیجهٔ غالبیت بازهم بطرف ژاپانها مانده است .

جنرال (غریپه نبرغ) بعدازین محاربه به آرزوی خود قوماندانی را ترك کرده به‌روس عودت کرده است .



« درباب چگونگی آغاز کردن محاربهٔ (موکده‌ن) موسیو (بار زینی) نام شخصیکه بصفت مخابر یك جریده یعنی — اخبار ایتالیایی در محاربهٔ موکده‌ن حاضر بوده‌است تصویرات خودرا چنین تحریر کرده است:

« چنان حس میشد که محاربه قریب الوقوع باشد . آیا بچه دلیل ؟ اینست که بر جواب این مقتدر نیستم ! زیرا مدتیست که طوپ‌های طرفین التزام سکوت کرده‌اند؛ سوقیات و حرکات قطعات ژاپانی که رفتار اسرار انگیز آنهارا بر صحرای انجماد کرده در شبهای پیشتر دیده و شنیده بودیم، درینوقت فاصله پذیر ختام شده بود . مسئلهٔ نقلیات طوپ‌های دیو آسای که از (پور آرتور) در عرابه‌های قوی بار کرده ، و باعسکرهای تنومند قوتناکی کشیده آورده شده بود نیز به انجام رسیده بود ؛ در صحراهای یخ بسته هیچ یك مانوره و تطبیقاتی بوقوع نمی آمد . همه کس چنان گمان میکرد که حرب ختام یافته است .

« در قرارگاه عمومی ژاپانها مراسم قبولها، وجشنها، و مهمانیهایی هم اجرا میکردید . جنرالها ، وارکان و امرای عسکریه از هروقت بیشتر بانشاه، و نشاط دیده میشدند . پس چنانچه هوا، وقتیکه بسیار آرامی و گرمی پیدا کند ، در پئ ان بهمه حال ظهوریك طوفانی تخمین میشود ما هم ازین احوال سکونت اشتمال قریب الوقوع بودن محاربه را استدلال میکردیم !

« هرروز ، بعدازانکه آفتاب درپس پردهٔ افق میدرامد اجرای سوقیات

وحرکات عسکریه بکمال سکونت بمیدان میبرامدکه از مسئله انشه میلیترهای اجنبی که درتول غندژاپان بودند بشبهه افتاده بودند .

« تول غندجنرال (اوقو) که من به آن منسوب بودم ، درنهایت دسمبراز لوی غند های چارم ، ششم ، سوم مرکب بود . درینوقت یعنی — اواسط ماه فبروری ازلوی غندهای هشتم ، وپنجم ، وچارم مرکب شده بود . لوی غند سوم سراسر ازمیان غائب شده رفته بود . ازین لوی غندهیچ اثر وخبری درمیدان نبود . تول غند جنرال (نوزو) که ازلوی غند دهم ، وپنجم ، ویك غبرك غند مستقل تشکیل یافته بود یکی یکبار ازلوی غند ششم ، وتول غند دهم ودو غبرك غند مرکب گردیده بود .

« هرگاه به مکالمات افسران اجنبی که درتول غند مابود عطف سمع دقت شود اینسخنان شنیده میشد :

یکی — آیا (نوزی) درکجا خواهد بود ؟

دیگری — درمنتهای جناح چپ !

— نی ، در منتهای جناح راست !

— نی نی ، دراحتیاط عمومی

— شما نمیدانید ، تول غند (نوزی) سرراست بسوی (سین مین تین) دررفتار پیش روی خوددوام دارد .

— نی بابا ، به (قوشان) میرود !

— نی ژاپانها به نیت تعرض کردن نیستند . چونکه (قوروپاتکین) نیم ملیون عسکررا مالك شده است .

— ژاپانها بهمه حال هجوم میکنند !

— نی مدافعه میکنند .

— آیا لوی غند سوم چه شد ؟

— راستی ؛ اینمسئله یك معمائیست كه دانسته نمیشود !

« والحاصل درمیان این همه فکرهای ضدو متباین یك چیز راستی اگرباشد همینست كه : ژاپانها برای آنكه دشمن خودرا غافل سازند ، وحاضریهای واقعهٔ خودشان را پنهان سازند ترکیبات تول غند خودشانرا تبدیل داده بودند . »

تعلیمات بارون [نوژی]

درروز (۵) ماه فبروری سنه ۱۹۰۵ ازطرف بارون (نوژی) به تول غند سوم مظفرخود اینگونه تعلیمات داده شده است .

« شما ، به ضبط وتسخیر كردن قلعهٔ (پور آرتور) موفق وكامیاب شدید كه آن قلعه را خود دشمن . وهمهٔ دنیا (ممتنع التسخیر) گمان كرده بودند ! وبرای این فتح و ظفرهزارگونه مشكلات وزحمات رابرخودگوارا ساختید صداقت ، وشجاعتی كه شما نشان دادید همهٔ عالم آنرا تحسین میکنند كه به این صداقت وشجاعت منهم حیرانم !

« حالا بیك محاربهٔ میدان نوی اشتراك میورزیم . دریندیار با دشمن خود درصحرا محاربه میکنیم . وبرای حاصل كردن یك موفقیت بسیار درخشان درنتیجه پذیر كردن اینمحاربه ئیكه ازدو سال به اینطرف دوام میورزد كوشش میورزیم . محاربهٔ (پور آرتور) را محاربهٔ (موكده ن) كامل الثمره میگرداند .

« اگرچه به این یك میدانم كه شما فرقی را كه درمابین محاربهٔ موقع مستحکم ومحاربهٔ صحر است بخوبی میدانید ، ونمیخواهم كه دریندباب تفصیلات بدهم . ولی بازهم آرزو میکنم كه بر بعضی نقاط نظردقت شمارا جلب نمایم :

۱ — وقتیکه یك نتیجهٔ غیر موافقی حاصل شود ، مشترك بودن اجرای حرکات را بهانه کرده مسئولیت وبازخواست را بر قطعات مجاور اسناد کردن یك عار وخطای بزرگیست که ازان اجتناب کردن ضروراست ، وهر قطعه ، بی آنکه معاونت وامداد دیگران انتظار بکنند ، خود آن قطعه را لابد ولازمست که برای معاونت دیگر قطعات هر دم وهر زمان حاضر باشد .

۲ — در محاربهٔ صحراء چارهٔ یگانهٔ مظفریت همانا بکمال عزم وجسارت محاربه کردنست . اگر یك قسم تولغند پریشان هم بشود ، بازهم میباید که ازان مأیوس نشده به اعتماد وشدت زیاده تری بر محاربه دوام وعناد کرده شود . که به این سبب در نتیجهٔ کار مظفریت عمومیه بدست میآید .

اگر در عین یك موقع بسیار بما نید بضایعات بیجا وبیهوده گرفتار می آئید ، لهذا در کم مدت کار را پیش بردن ، ودر پیش روی بهدر نشدن غیرت کردن ، وبر مهالك موجوده بصورت عازمانه وشجیعانه پیش رفتن لازم است .

۳ — برای حاصل کردن مظفریت قطعیه ، اساس شرطها اینستکه جبه خانهٔ خود را به اداره وتدبیر استعمال باید بکنند ، ورعایت کردن این شرط ، در محاربه علی الاکثر خیلی دشوار است . مع هذا در اثنای یك محاربهٔ تعرضی تدارك کردن جبه خانه بقدر دلخواه خیلی مشکلست . لهذا برای آنکه بالآخره پشیمانی دست ندهد ، ودر وقت بسیار لازمی بی جبه خانه نماند درباب استعمال جبه خانه از اول تصرف واداره کردن لابد وضروراست .

٤ — غایهٔ مقصد ، در محاربهٔ صحرا همانست که قسم کلی دشمن را پیدا کرده محو کرده شود . لهذا باقوت های ضعیف دشمن ، و قطعات کشف ان بسیار سر گرم نباید شد . ودایما غیرت وسعی باید کرد که قوت مهم دشمن را بگیر بیارید .

۵ — دشمن ماسواری بسیار قوتمندی راما لکست . ازاز وعقب های تول غند ما به تهدیدات این سواری معروض خواهد شد . اما اینمسئله بر نتیجهٔ قطعیه هیچ دخل وتأثیری بهم نمیرساند . بنا برین ازین هیچ اندیشه نکرده بکمال امنیت وجسارت پیش بروید .

۶ — تول غند امپراطور ما ، درمیدانهای محاربه بر قوتهای فایق دشمن دائما بشدت عزم ومتانت خود ، وکمال امنیت خودکه بر حاصلکردن نتیجهٔ قطعیه دارد احراز غلبه کرده است . درینبار نیز محتملست که بیك دشمنی که عدداً بر تول غند ما فایق باشد تصادف بکنیم . اما این هیچ اهمیتی ندارد . لهذا قوهٔ معنویهٔ ما برای مغلوب کردن اینچنین یك خصمی که عدداً بر ما متفوق باشد متین وناقابل تزلزل باید بود .

« تول غند ما که تابحال انظار تحسین همهٔ عالم را جلب کرده دریندوقت ایفای یك وظیفهٔ بسیار بزرگی را درعهده کرده است که بسایهٔ بجا آوردن این وظیفه نتیجهٔ حرب اقصای شرق ، و استقبال آیندهٔ اقصای شرق تعیین کرده خواهد شد . مظفریت ، ویا مغلوبیت تول غند بحرکات و مساعی شما تعیین خواهد شد . آیا برای شما بزرگتر ازین یك مدار مفخرتی تصور میشود ؟

« هیچ شبهه ندارم که وظیفهٔ خود تانرا فداکارانه ایفا کرده شرف و شانی که تابحال آنرا کمایی کرده اید به این موفقیات محاربهٔ محر محافظه ودو بالا خواهید کرد . در شرف مظفرتی که کمایی کنید یك حق اشتراك خود رانیز چون بیاد می آورم از حالا شادان ومفتخر میشوم .

« وصیت آخرین من همینست که هرقدر که ازدست تان می آید سعی وکوشش کنید ، ودشمن تان رامغلوب سازید . »

❁ تعلیمات جنرال اوقو ❁

در (۲۰) فبروری جنرال (او قو) نیز به افسران تول غند دوم خود خصوصی و محرم یك تعلیماتنامهٔ فرستاده است که بعضی فقرات تعلیماتنامهٔ مذکور که خیلی شایان استفاده است نقل میشود:

« از مصالحه بحث را نده میشود . ما به این بحثها بیگانه باید باشیم . چونکه این بحث وظیفهٔ دیپلوماتها ست ، و ظیفهٔ ما اشتغال کردن باپولیتیکه نمیباشد . ودر نظر ماحرب، آنوقت خاتمه پذیر شمرده میشود که دشمن سراسر مغلوب و پریشان شود . حالا که دشمن هنوز سراسر پریشان نشده است . بلکه بلعکس ، یك فعالیت وتیقظ بسیار بزرگی نشان میدهد ، و بمحاربه کردن هر دم یك فرصت مناسبی را انتظار میکشد . تا دشمن محو و منهزم نشود ، و ظیفهٔ ما هیچگاه کامل نمیشود .

« میبینید که زمستان سخت (ما نچوری) نزدیك تمام شدن رسیده است . تول غند ما از محاربهٔ (شاحو) به اینطرف بکمال فعالیت حاضریهائیکه اجرا کرده ، جمله گی حاضر و آماده شده است . لهذا زمان آن رسیده که بسوی نتیجهٔ قطعیه یك خطوهٔ نوی بیندازیم .

« برین یك اطمئنان تمام دارم که شما هم بفکر من اشتراك کرده برای اینده بکمال اعتنا حاضر شده میباشید . طبعاً به این میدانید که به اوامر من و اوامر دیگر ما فوق های خود اطاعت کردن خیلی لازم و واجب است . این تعلیماتی که بشما میدهم ثمرهٔ تجربه های مدهشیست که بمقابل خون و حیات هزاران افراد وافسران حاصل شده است . زیرا از بسی ماههاست که با یك دشمن بسیار بزرگ و منتظم جسور و قوتمندی روبرو و دست گریبان میباشیم . ازین تجربه های متمادی درباب محاربات آینده بسیار چیزهای قیمتداری نوی آمو

ختلیم • بنابرین بی آنکه تعلیمات سابقه را از نظر دقت دور بدارید ، به احکام این تعلیماتیکه بقرار ذیل برای شما بیان میکنم حرف بحرف رعایت کردن شمارا وصیت میکنم :

« ۱ — آتش طوپچی برای حاضر کردن هجوم بالطبع خیلی اصول خوبیست مع مافیه اگر در وقت انداخت طوپهای سنگین چاپ بزرک صنف پیاده ، بحرکت پیش روی حاضر نشده باشند برموضع های دشمن تنها گله بارانیدن یك حرکت بیفائده ایست • صنف پیاده اگرچه ترقیات شان بسیار آرام هم باشد • بازهم از پیش رفتن لحظهٔ پس نباید بمانند • زیرا یك مسافهٔ بسیار کمی کاپی کردن از جابجا ایستادن درهرحال بهتراست • واگر پیش رفتن پیاده غیر ممکن باشد ، صنف طوپچی تا بوقتی که صنف پیاده بحرکت آغاز کنند انتظار کرده بعدازان به آتش کردن ابتدا کنند • پیاده هرچه باداباد دائما به پیش رفتن کوشش ورزد • درمیان حرکت پیاده وانداخت طوپچی آهنك وموافقت تمام موجود باید بود •

« ۲ — موضعیکه یکبار بدست افتد بازازدست نباید داد اگر یك عودت شدتناکی تعرضیهٔ دشمن بوقوع آید برای رد کردن آن بامبهای دستکی ، و تفنگهای ماشیندار همیشه حاضر و آماده باید بود • تفنگهای ماشیندار از همه وقت بیشتر درینگونه احوال بکارمیآید • امابرای خوب کاردادن اینها میباید که ما شینهای تفنگها دائما بخوبی ودرستی پاك کرده شده وروغن داده شده باشد اگر چه تعمیرات اینگونه سلاحها خیلی جزوی و بی اهمیت هم باشد بازهم در دقیقه های بسیار مشکل وبحران انگیز محاربه اگر تعمیرات آنها لازم شود همان دم اجرا با ید شد • میترالیوزهارا هیچ وقت جداجدا استعمال نباید کرد •

« ۳ — درموسم بسببی که برزمین منجمد جرها وخندقهای شکاری

کندن مشکل ومتعسر است ، ازانرو قطعاتیکه برای هجوم میروندباید که باخود جوالهای ریگ موجود بدارند . اگر دشمن خیلی متین باشد ، ویا آنکه به تفنگهای ماشیندار تصادف شود تابخط هجوم پیش، یك قطعهٔ کوچك طوپچئی بی اسپ از طوپچئی جبل باید فرستاد . درچنین احوال برای خراب کردن خط مدافعهٔ دشمن طوپهای چوبین که مواد اشعالیه انداخت میکنند بکمال موفقیت استعمال کرده میشود .

« ٤ — دروقتیکه هجوم بریك جبههٔ بسیار واسعی بوقوع آید برای تصرف واداره کردن جبه خانه وافراد، قریه ها وده هائیکه درپیش آید تحکیم کرده ازانها مانند نقطهٔ استناد استفاده باید کرد . واراضئی بازی را که درمابین ده ها میماند بایك خط شکارئی از هم گسسته اشغال باید کرد که بسایهٔ این اصول قوتهای احتیاط جمع وزیاده کردیده درهر وقت وهرموقعیکه خواهش باشد، ازانها استفاده کردن قابل میشود .

« ٥ — بمجردیکه موضعهای نو استیلا شوده ماندم درخصوص احوال اراضی وترتیبات وحرکات دشمن راپور باید بفرستید . زیرا تتبع ومطالعهٔ آن برای احرازموفقیت فوق العاده حائز قیمت واهمیت است . ازهرچیز مقدم یك کار دیگر یست که آنهم اینست که حرکات قطعاتیرا که درجناحهاست دایماتد قیق کردن ، حال ووضعیت حربیه را ازطرف خود حکم وتقدیر نمودن ، ونظر به آن حال ووضعیت اجرای حرکت کردن .

« عسکرها ئیکه تنهامنفعت خودشان را اندیشیده ، وبمنفعت رفقای خود هوقت واعتنا نکنند آنها مر دمان عادتی ناعسکریست که از صنعت حرب سرا سر بیگانه اند .

« ٦ — قطعات عسکریه هرگاه درعین یك موقع طول مدت بمانند بکس های افرادشان باچیزهای بیلزوم بسیاری پر میشود که آنهم آزادی وسرعت وحرکت

شانرا خلل دارمیسازد. لهذا ازبرداشتن اشیای بیکاره عسکرهارا مانع شوید . ودایما اسباب سرعت حرکت شانرا جستجو نمائید . برین یك بسیاردقت کنید که سلاح وجبه خانهٔتان بهیچصورت بدست دشمن نیفتد . اگردیدید که آنهارا برده نمیتوانید واحتمال بدست دشمن افتادن شان پیش آمد ، اگرچه بهای حیات تان هم باشد ، انهارا محوکنید ، وبسوزانید ، ولی قطعیاً نگذارید که بدست دشمن بیفتد . »

(قوتهای تول غندهای طرفین دراثنای محاربهٔ (موکدهن)

(تول غند های ژاپان)

قوماندان عموم تول غند، مارشال (اویاما) — رئیس ارکان حرب عمومی جنرال (قوداما):

تول غند (۵) م

قوماندان : جنرال (قاوامورا) : قرارگاه : (کیهن شانغ) رئیس ارکان حرب : جنرال (اویی جاما) .

	کندك	تولی	غندك طوپ
غبرك غند احتیاط اول	۸	۱	٤
غبرك غند احتیاط دوم	۸	۱	٤
لوی غند (۱۱) هم	۱۲	۳	٦
در نزد قرارگاه	۱	۰	۰
جمع کل	۲۹	۵	۱٤

تول غند (۱) م

قوماندان جنرال (قوروکی) : قرارگاه (یانلیمانجی) رئیس ارکان حرب : جنرال (فوجی) :

	کندك	طرب	غندك طوپ
لوی غند (۲) م	۱۵	۳	۷
لوی غند (۱۲) هم	۱۸	۳	۸
لوی غند (خاصه)	۱۲	۳	۹
احتیاط تول غند	۹	۰	۰
	۵٤	۹	۲۸

تول غند(٤) م

قوماندان جنرال(نوزو) : قرارگاه (طاپو) رئیس ارکان حرب: جنرال (اویه ها را) :

	کندك	طرب	غندك طوپ
لوی غند (۱۰) هم	۱۲	۳	۷
لوی غند احتیاط	۱۲	۱	۲
لوی غند (٦) م	۱۲	۳	۷
احتیاط تول غند	۱۸	—	۱۸
	۵٤	۷	۳٤

تول غند (۲) وم

قوماندان جنرال (اوقو) : قرارگاه (دوزامپو) رئیس ارکان حرب : جنرال (اوزه قو)

	کندك	طرب	غندك طوپ
لوی غند (٤) م	۱۲	۳	۷
لوی غند (۵) م	۱۲	۳	۷
لوی غند (۸)	۱۲	۳	۷
غبرك غندسوارئی(۱)م	۰۰	۱۲	۱

	کندك	طرب	غندك طوپ
درنزد قرارگاه تول غند	۱۸	۰	۰
	٥٤	۲۱	۲۲

تول‌غند (۳) م .

قوماندان جنرال (نوژی) قرارگاه (سیاعو) رئیس ارکان حرب : جنراله (ماچوناغا) .

	کندك	طرب	غندك‌طوپ
لوی غند (۹) م	۱۲	۳	۷
لوی غند (۷) م	۱۲	۳	۱۰
لوی غند (۱) م	۱۲	۳	۷
غبرك‌غندسوارئی (۲) م	۰۰	۱۲	۱
احتیاط تول غند	٦	۰۰	۲۰
	٤۲	۲۱	٤٥

احتیاط عموم تول‌غند

	کندك	طرب	غندك‌طوپ
(۳) غبرك‌غند احتیاط	۱۸	۰۰	۰۰
لوی‌غند (۳) م	۱۲	۳	۷
	۳۰	۳	۷

غیر ازین مقدار (۱۷۰) قطعه طوپ او بوس سنگین چاپ و مقدار (۲۰۰) تفنگ ماشیندار نیز موجود بود .

تول غند روس

سرقوماندان عموم تول غند های روس جنرال (قوروپا تکین) ، رئیس

ارکان حرب عمومی، جنرال (ساخاروف)، قوماندان قرارگاه، جنرال (ئەورت)، قرارگاه تول‌غند (سیاحه تون) بود :

تول غند (۱) م

قوماندان : جنرال (لینه ویچ)، قرارگاه : (هوانشان) رئیس ارکان حرب : (هارکه ویچ):

	کندك	طوب	غندك	تفنگ‌ماشیندار
مفرزه های (مادریلوف) و (ماسلوف)	۲۳	۲۳	۷	۰۰
قول‌تول‌غند (۳) م سیبریا	۱۵	۱۸	۸	۸
قول‌تول‌غند (۲) م سیبریا	۲۰	۲	۹	۸
قول‌تول غند (٤) م سیبریا	۲۲	٤	۱۰	۰۰
قول‌تول‌غند (۱) م اوروپا	۳۰	۳	۰۰	۰۰
	۱۲٤	۵۳	٤۵	۱٦

تول غند (۳) م

قوماندان : جنرال‌باروت (بیلده‌رلینغ) : قرارگاه (سویاتون) رئیس ارکان حرب : جنرال (مارسون) .

	کندك	طرب	غندك‌طوپ
قول‌تول‌غند (٦) م سیبریا	۱٦	٦	٦
قول‌تول‌غند (۱۷) اوروپا	۳۲	۱۲	۱۲
قول‌تول‌غند (۵) م سیبریا	۲۸	٤	۱۲
	۷٦	۲۲	۳۰

تول‌غند (۲) م

قوماندان : جنرال (قوئولبارس) : قرارگاه : (ماتوران) رئیس ارکان

حرب : جنرال (روسکی)

	کندك	طرب	غندك	ماشیندار
قول‌تول غند (۱) م سیبریا	۳۰	۶	۸	۱۶
قول‌تول‌غند(۱۰)م اوروپا	۲۸	۲	۱۴	۰۰
قول تول غند (۸) م	۳۲	۲	۱۲	۱۶
قول‌تول‌غندمختلف شکاری	۲۴	۲	۹	۰۰
مفرزهٔ غرب	۸	۳۶	۲	۴
	۱۲۲	۴۸	۴۵	۳۶

احتیاط عموم تول غند

	کندك	طرب	غندك‌طوپ	ماشیندار
غندپیادهٔ (۱۴۶) م	۴	۰۰	۰۰	۰۰
ازغندقازاق(امور)	۰۰	۲	۰۰	۰۰
قول تول (۷۲) م	۱۶	۰۰	۶	۰۰
قول‌تول‌غند(۱۶)م	۲۴	۰۰	۹	۱۶
	۴۴	۲	۱۵	۱۶

غیر ازینها این قطعات نیز موجود بود : از غند(۲۸۳) وم (۴) کندك پیاده . غند قازاق (اوسوری) « ۶ » طرب سواری ، و (۲) غندك طوپ . طوپچی (هاوان) « ۱۰ » غندك (۶۰) قطعه طوپ . طوپهای قدیم صحرا(۶) غندك (۴۸) طوپ . طوپهای بزرگ سنگین چاپ (۳۰۰) قطعه . تفنگ ماشیندار (۱۲) عدد .

نظر به ایحساب تول غند روس دریتزمان (۳۷۰) کندك پیاده و

(۱٤۲) طوب سواری و (۱۵۳) غندك طوپ را مالك بود . یعنی از (۰۰۰ ، ۳۲۵) پیاده ، و(۰۰۰ ، ۱۸) سواری ، و (۱۰،۲۰۰) طوپ صحرا و (۳۰۰) طوپ بزرك سنكین چاپ ، و (۸۸) تفنگ ماشیندار مرکب بود .

تول غندژاپان (۲٦۳) کندك پیاده ، (٦٦) طرب سواری ، (۱۵۰) غندك طوپ رامالك بود. یعنی از (۲٦۳۰۰۰) هزارپیاده ، و(۱۱۰۰۰) سواری ، و (۹۰۰)طوپ صحرا ، و (۱۷۰) طوپ بزرك سنكین چاپ ، و(۲۰۰) تفنگ ماشیندارمرکب بود .

پس به اینحساب معلوم میشود که درمابین تول غند های دوخصم متقابل تفوق باز هم بطرف روسها بود . از قول بعضی مخابر های اجنبی روایت میشود که چون از ارکان حرب ژاپانها در اوایل محاربه ازمقدار قوت شان پرسیده میشد دا یماقوت خودراازقوت خصم خودکمتربرقم میدادند ،وهرکس رادرینباب به قانع ساختن کوشش میورزیدند که: مقصد شان ازین کم زدن این بودکه : روسهارابرقبول کردن وپیش آمدن بمحاربه تشویق وترغیب دهند ، وبعدازان شرف وشان مظفریت خود شانرادوبالاکنند . امادرینوقت عکس آن مسلك را پیشه گرفته اند : یعنی چون ازمقدار قوت خودشان سوال شود چنان اوضاع و اطواری نشان میدهند که گویاقوت شان بملیونهابالغ شده است .

(احوال طپوغرافیهٔ میدان محاربه)

میدان اراضی‌ئیکه درغرب جادهٔ (موکدن — لیائویانغ) واقعشده صاف وهموار است . درینوقت نهرهائیکه درین دشت موجود میباشد بایك

طبقهٔ کلفت یخ مستور است که بمرور طوپهای کلان خوب مقاومت میتواند .

این صحنهٔ حرب بسیار بزرگ یك خاصهٔ ممیزهٔ عجیبی دارد که آنهم درمابین تشکلات طبیعیهٔ قسم غربی وشرقی آن بدرجهٔ غایان دقت یك فرق ومباینتی موجود است . یك رهروی شمندوفر میدان محاربه را ازیکسر تا بدیگر سر قطع میکند ، وقتی که از پنجرهٔ واغونی که دران سوار است بطرف چپ وراست خود نظر می اندازد چنان گمان میبرد که دردو مملکتهای جدا گانهٔ سیاحت دارد .

دریکطرف خالی وهموار یك دشت بی پایان تمادی کرده رفته است ، ودر دیگر طرف یك ساحهٔ اراضئی عارضه ناکی که ازکوههای سخت وبرهنهٔ سر تیزی متشکلست مشاهده میشود .

در اثنای محاربه بغیر از (۲۶) فبروری تا (۱۰) مارچ که درین دو تاریخ گرد بادهای سرد وتندی ظهور یافته بود دیگر همه روزه صاف و آفتاب دار گذشته بوده تنها وادیهای فراخ (شاحو) و (هون) بقرار عادت خود دود آلود و در طرفالاغر بوده حرکات را خیلی بشکال میانداخت .

جبههٔ خط مدافعهٔ ژاپان اگرچه مانند جبههٔ خط مدافعهٔ روسها متصل نبوده اما باز هم خیلی قشنگ بوده ، هائیکه درعقب خط نخستین بود بحال مدافعه وضع شده بوده از طرف بعضی اهالی تقریباً مستوری تأسیس داده شده بود ، استحکامات و موضعها با یکدیگر وباقرار گاههای قومندانها وقرارگاهها باهمدیگر بوسطهٔ تلگراف وتلفون باهمدیگر مربوط بودند .

درمیدان محاربه بازئی بزرگ را الکتریك اجرا نمود ، اگر شمندوفر نمیبود باز هم اینچنین تول غندرا پوره رسانیدن ممکن میشد ، اما اگر تلگراف و تلفون نمیبود امر سوق واداره اینچنین تول غند درمحاربه خارج دایرهٔ امکان

میشد ، زیرا یك چاوش اسپ سوار برای آوردن خبر را از منتهای جناحها تا به قرارگاه عمومی لااقل (۱۲) ساعت دور را صرف کردنش لازم می آمد ، و برای نوشتن و واپس بردن امرها کم از کم (۲٤) ساعت بخرچ میرفت . حالانکه درظرف این مدت در وضعیت حربیه چه تبدلاتی نبوده حاصل نمیشد؟

لهذا همه میدان محاربه بایك شبکهٔ خطوط الکتریکیه سراسر مستور شده بوده این شبکه بواسطهٔ (٥٦) استاسیون تلگراف وتلفون ازمواضع مختلفه همهٔ اخبار وحوادث را بقرارگاه ماره شال (اویاما) بسرعت برق نقل و ایصال مینمود .

{ آغاز حرب }

(وقایع از (۱۹) فبروری تا به (۲٦) فبروری)

در (۱۹) فبروری در قرارگاه عمومی روس یك مجلس حربی منعقد گردیده درین مجلس قرار داده شد که برجناح راست ژاپانها یك هجوم تعرضی اجرا کرده شود ، این قرار بیك فکر قطعی و مستحکم عبارت از جلوگیری تعرض عمومی ژاپانها مستند نبود ، زیرا طاقه برای او امکان نبود .

نتیجه های محاربه های اخیره بر روسها واضح ثابت کرده بود که درمقابل قوت ماندونتر از خود باهم پیاپی مغلوب شده آمده اند ، حال آنکه درینوقت بایك قوت نزدیك به مساوی آن بیشتر از پیشتر چه نتیجهٔ خواهد بخشید ؟

هیئت قوماندهٔ روس درینباره نیز به این فکر نبود که یك کار جدی و حقیقی از پیش برد ، بلکه آرزوی اینرا داشت که بعالم نشان بدهد که تول غندروس هنوزهم موجود و فعال یك تول غند میباشد ، و ازینسبب بر اینچنین یك تعرض

ظاهری قرارداده بود .

درمجلس حرب این یك قرار گیرشد که بر موضع دشمن که درجوار (سانده پو) میباشد تعرض وهجوم کرده تول‌غند دشمن‌را یکسر بسوی‌شرق براند . وبعدازانکه هجوم طوپ‌چی حاضر بشود ، قول‌تول‌غند مختلط نشان انداز بر(وانچادوپن) ، وقول‌تول‌غند (۸)م برموقعهای(سانده پو)،و(سیا عوناچی) ، وقول‌تول‌غند (۱۰)م (برلاپوتا)تعرض میکند ، وغند (۹) م این قول‌تول‌غند بمقابل(لیدیانتون) نمایش اجرا مینماید .

درحالیکه قرارهیئت‌قوماندهٔ روس برینمنوال بود دفعتهً دروضعیت‌عمومیه دگرگونه یك‌تبدلی حاصل‌شد . زیرا درین اثنا قرارگاه عمومئی ژاپان بناگهان بردوجناح روس‌بیکباره‌گی‌حمله آورهجوم کردید .

به‌این ملحمهٔ کبرا که بنام محاربهٔ (میدان موکدن) به صفحات تاریخ داخل شده ، ویك‌سلسلهٔ محاربات مدهشهٔ را دربر گرفته ازهمه پیشتر تول غند (قاوامورا) آغازنهاده است .

وظیفهٔ یگانهٔ این تول غند ، عبارت ازستر و محافظه کردن جناح راست تول‌غند ژاپان بودکه بر(موکدن) بهجوم حاضرشده بود . هدف رفتار جنرال (قاوامورا) سرراست موقع (فوشون) بود . این‌تول غند (قاوامورا) درابتدای امرازیك لوی غند مرکب بوده د (شینامپو) براورده شده بود . این‌لوی‌غند یکمدت‌طولانئی رهگذارمظفریت تول‌غند(قوروکی) راتعقیب کرده ازسر(ینیغ یانغ) بمیدان محاربه واصل‌شده بود . این‌لوی غند درنهایت دسمبربادشمن تماس‌پیدا کرده ، وسیرهای شکارئی‌خودرا کندهٔ به انتظار فرصت نشستهٔبود . دران اثنااز(یور آرتور) درزیرقوماندانئی‌جنرال (ساماجیما)لوی غند (۱۱) م واصل میدان محاربه‌گردیده‌بودکه این‌لوی‌غند

به تقویت لوی غند (قاواموزا) ماموز گردیده بود .

این لوی غند (۱۱) م درسردیهای شدید ماه جنوری (مانچوری) در کوه ها ودره های بابرفها ویخها مستور زیاده از یکماه راه پیموده از (پور آزتور) به (مانچوری) آمده بود . و بمجرد رسیدن بمیدان محاربه ها ندم بجنگ سوق گردید .

پیش از انکه محاربه آغاز کند جنرال (ساماجیما) برافرادلوی غند خود این خطابه را بر خواند :

« عسکرها ! قوماندان تول غند ، رفتن مارا بمحاربه امر نموده این امر را برای لوی غند خود شرف بزرگی باید بشماریم . من، در (پور آرتور) باشمایکجا درتا بستان وزمستان بهرنوع مشقتهای محاصره اشتراک ورزیدم . وبازباشمایکجابسیار راه دورودرازی پیمودم . باوجودآنهم هنوز استراحت میسر نشد . زیرا استراحت به انجام یا فتن حرب موقوف ست . حالا نکه حرب هنوز به انجام نرسیده است .

« عسکرها ! بخاطرخودبیارید که سلامت مملکت مابه نتیجهٔ این محاربه تا بعست . برشجاعت شما ، وبدست آوردن مظفریت شعشعه دارشما اطمئنان تمام دارم . لهذا شمارا امر میکنم که چنانچه لایق وسزاوار قهرمانها باشد حرب بکنید ! »

در (۱۹) م فبروری این طول غند که بنام (تون غندیالو) موسوم شده است — زیرا از راه یالو آمده — در حالیکه در طرف راست لوی غند احتیاط ، ودرچپ لوی غند (۱۱) م را ترتیب داده بود بامفرزهٔ شرق روسها بمحاربه آغاز ، وجنگ کرده تا به (۲٤) م فبروری آنها را ازموقعهای شان که در جوار (حینیدولی — چنحو چن) بود یکسر بسوی شمال غربی طرد

ودفع کردند .

وظیفهٔ ضبط کردن (چنحوچن) به حصهٔ لوی غند (۱۱) م (پور آرتور) اصابت کرده بود . یکی ازمخابر های اجنبی در باب این محاربه باینگونه تفصیلات میدهد .

«موضعهای روس از یك سلسله های تپه های پرسنگلاخ سخت مرکب شده بود ، واین تپه ها با طوپخانه‌ها ، واستحکام های بسیار محکم ومتینی که به درجهٔ استحکامات دایمی گفته شوند تجهیز وتحکیم کرده شده بود . وازهر طرف با سپرهای شکاری احاطه شده بود ، این تپه های پرسنگلاخ آنچنان یك منظرهٔ مهیبی داشتند که ژاپانها آن‌را (پور آرتور کوچك) نام نهاده بودند .

«لوی غند (۲۳) م پیش از طلوع آفتاب بهجوم آغاز نهاد . از نیمشب باینطرف برف میبارید ، سردئی هوانیز خیلی شدید بود . رفتار لوی غند خیلی زحمت آگین شد . یك قسمی ازین لوی غند میبایست که از نهر (تایجه) بگذرند . اما چون طبقهٔ یخها که سطح آنرا مستور داشته بود آب شده بود . پل بستن لازم امد . ازین تاخیریکه مجبوریت پیش امد هجومیکه برای وقت صبح مصمم شده بود ، بوقت پیشین اغاز شد، ژاپانها از همه عوارض زمین استفاده کرده خودرا تابه (۴۰۰) متره بدامن کوه رسانیده درانجا خط اول هجوم خود شانرا تأسیس دادند که درین اثنا طوپچئی دشمن نیز بکمال فعالیت به گله ریزئی شدیداغاز نهاده بودند .

« ازهجومهائیکه امروز وامشب اجرا کردید هیچ فائدهٔ حاصل نشد . بوقت سحر محاربه سراز نو اغاز نهاد . موضع دشمن ازجهت جنوب وغرب پیچانیده شده بود . اما بهجوم برخاستن غیرممکن بود .

« ترتیبات تدافعیهٔ روسها ازدامن تپه تابه ذروهٔ آن به اینصورت بود:

اولا یك خندق ، در عقب آن دیگر خندق نخستین شکاری ، و در اطراف آن شبکه هاو دامهای سیمی ، بعد ازان خندق دومین شکاری ، وباز شبکه هاو دامهای سیمی ، بعد ازان باز یك خندق شکاری وباز دامهاو شبکه های سیمی ، وبر سر ذروه استحکامهای پخته وطوپخانه ها موجود بود .

« جنرال (ساما چیما) دید که اگر سعی واقدام بسیار دلیرانهٔ فداکارانهٔ اجرا نشود ضبط کردن این موقع خیلی بطول می انجامد . لهذا به اصولهای فوق العاده ئیکه در محاصرهٔ (پور آرتور) استعمال کرده بود مراجعت کرده یك مفرزهٔ افراد استحکام را با گله های دستکی مجهز نموده بر خندقهای شکاری دشمن سوق نمود .

« افراد استحکام ، بصورت از همدیگر جدا جدا بکمال دلاوری ومهارت سنگها وعارضه های زمین بغله ها را سپر کرده کرده تا بخندق پیش روی نخستین خودرا رسانیدند ، ودفعتهً از کنارهای خندق گله های دستکی خودشانرا برافراد خندق پرتاب نمودند . این ادوات سهمناك ناریه، بیك اصابت مدهشهٔ مخربه درمیان عسکرهای دشمن کفیدن گرفت . وازخاك ، وغبار، ودود، وپارچه های وجود ابرهای کثیفی بالا میبراورد .

« روسها ازین هجوم ناگهانی دوچار تلاش عظیمی گردیده خندقهای خود شانرا خالی کردند . ودرین اثنا بقدر بیست نفر افراد استحکام ژاپانی بر شبکه ها ودامهای سیمی برامده درمیان آن بکشادن یك راهی موفق شدند .

« طوپچیهای ژاپان درین اثنا بر خندك شکاری دوم آتش بسیار شدیدی کشاده ازانسبب روسها هیچ سر خودشان را از خندق بیرون کشیده نمیتوانستند . وسپرها در زیر آتش طوپ تار ومار میشدند، افراد استحکام درزیر حمایهٔ طوپچی خود در امده سر از نوباجرای حرکت آغاز کرده بودندکه درین اثنا دفعتهً یك

اشتعال مخوفی بوقوع آمده بیك ولولهٔ دهشت افزایی کوه را دریك دود بسیار کثیفی غرق نمود . مگر روسهایك تقبی نیز در اطراف استحکامهای خود ترتیب داده بودند که درینوقت آن را درزیر پاهای افرادعسکر استحکام ژاپان آتش داده اند . بقدر ده نفر آنها مقتول افتادند . دیگرشان بکار خود مشغول شدند .

« درینوقت مانعهٔ دوم خندقهای شکاری نیز کشاده شده بود ، و ازانسبب همهٔ پیاده بهجوم برخاستند . روسها درینوقت برمهاجمین آتش تفنگهای ماشیندار خود را توجیه دادند ، و از ذروهٔ کوه سنگهای بزرگ بزرگی را بر انها میغلطانیدند برای پیش رفتن پیاده ، هنوز بهمت و معاونت عسکر استحکام احتیاج بود . لهذا افراد مذکوره از میان سنگها و بغله ها خزیدخزیده بر خندق سوم شکاری پیش شدند ، واز زیر بمهای دستگئ خود شان را درمیان خندقهای مذکور پرتاب کردند . درظرف یکچند دقیقه صفهای روسها پریشان و برهم شده بفرار رو نهادند . پیادهٔ ژاپان ازین فرصت استفاده کرده تا به استحکام ذروهٔ کوه واصل شدند .

« آتش ژاپانها درمیان عسکرهای روس که درسر نشیبئ کوه بحال فرار بودند تخریبات عظیمه اجرا میکرد . درهر طرف کتله های نعشها بر روی همدیگر دیده میشد . ژاپانها سه قطعه طوپ ، و بسیاری از افرادعسکریهٔ روس را ضبط و اسیر کردند .

« یك افسر روسی که بدست ژاپانها اسیر شده بود میگفت :

« این چنین موضع مستحکم و بجز قالبهای (پور آرتور) دیگر کسی ضبط کرده نمیتواند . هیچ شبهه نیست که تول غند جنرال (نوژی) درینجا باشد ! »

« جنرال (قوروپا تکین) نیز چون برنتیجهٔ این محاربه واقف گردید برین یك قایل شد که تول غند جنرال (نوژی) درینطرف است لهذا نظر دقت خود را سراسر بطرف جناح چپ عطف نمود . حال آنکه مقصد یگانهٔ جنرال (نوژی) نیز همین بود

که خصم خودرا برین قانع ساخته از جناح راست یك ضربهٔ محکم قطع برو حواله نماید .

« روسها بعد ازین محاربه در دیگر موضع های مستحکمی که بکمال اعتنا در پی آن ساخته بودند نیز ثبات نتوانسته ، تا به (دالین) عقب کشیدند . ژاپانها بعد از پیشین بساعت (٤) به قریهٔ (چنحوچن) درامدند . قریه درمیان علوها وشعله های اتش مانده بود . »

در (۲۵) فبروری این تول غند زیاده تر پیش رفته باجناح قول راست خود به (زیت شالین) ، وباقول جناح چپ خود به (دالین) واصل شد . این حرکات امروزی را یك مخابر دیگر به اینصورت حکایت میکنند :

« درجهٔ حرارت درزیر صفر به (۲۲) درجهٔ سانتیغراد فرو آمده بود برف بسیار کثیفی میبارید . حرکت پیش روئی ژاپانها درمیان سکوت و سکونت عمیقی اجرا کرده میشد .

« بوقت طلوع فجر ، موضعهای دشمن که در (دالین) بود پدیدار گردید . از طرف ژاپانها نیز ترتیبات هجوم حاضر شد . روسها درینجا نیز موضعهای خود را ترتیبه های سنگلاخ سختی گرفته بودند . ژاپانها بظاهر احوال اینموضعها دیده ضبط وتسخیر انرا آسان شمردند . بوقت پیشین بهجوم برخاستند . امابمشکلات غیرمنتظری دوچار شدند . زیرا برفیکه میبارید بمجرد دیگه برزمین منجمد شده می افتاد همانندم انجماد کرده رفتار ژاپانهارا بران خیلی متعسر و دشوار مینمود . مجروحین و مقتولین از بغله هائیکه هجوم میبردند تا بقعر وادی غلطان غلطان می افتادند . بعد ازکمی یك باد بسیار تند وشدیدی بوزیدن آمده برفهارا گرد باد آسا به اطراف افشاندن گرفت . حال وموقع بدرجهٔ رسید که تحمل قابل نبود . شب بسیار برف دیگر بارید . سردی هوا نیز خیلی

افزونی گرفت . بسیاری از افراد انجماد می کردند ، واکثر مجروحین و فات می یافتند .

« در تاریکی شب ژاپانیها فرصت ظلمت را غنیمت دانسته بازهجوم خود شانرا تجدید کردند . امابسبب کرده ودمهٔ برف راه خودشانرا اغلاط کرده به بسی مشکلات گرفتار آمدند ، وبالطبع . ای روز بانتظار کشیدن مجبور شدند ، اماباوجود آنهم دوقطعهٔ ژاپانیه برای احاطه کردن موضع دشمن راازجهت شرق وشمال شرق سوق شده بود از تاریکی شب استفاده کرده به ایفای و ظیفهٔ خود موفق شدند .

« روسها بوقت صبح چون دیدند که از پشت درزیر تهدید ژاپانیها مانده اند موضعهای خودشانرا ترك کرده بسوی شمال عقب کشیدند . واردوگاه لوی غندبزرگ خودشانرا که دران جوار برپا کرده بودند آتش زدند ، وبعدازان تابه (ماچونطان) رجعت کرده درانجا با قوای احتیاطیهٔ که از (فوشون) رسید یکجاشده به تعرض ژاپانیهامقاومت کردند . »

حالا نقطهٔ دیگرمیدان محاربه انظاردقت مارادعوت میکند . آتش جنگ وقتال ازراست آغاز کرده سوراست بسوی چپ توسع وانتشارمینماید . در ظرف کم مدتی می بینیم که همه صحنهٔ محاربه ازکوههای شرقی گرفته تابه وادی (لیاهو) که در اقصای غرب بست دریك سیلابهٔ آتش ولوله اندازدهشتی غرق واستیلاشده است .

تول غند (۱) م روس دریترروزهامیدید که قطعات دشمن بطرف جناح چپ شان پیش می آمد . در (۲۱) فبروری لوی غند (۲) وم (قوروکی) بسوی شرق سوراست برفتار آغاز نهاده در (۲۳) وم فبروری قسم کلی آن به (وینیوتین) ، و قطعات پیش آن به (سیانچاجی) و (لیدیاواپان) واصل

شده بود . روز دیگر این لوی غند بر رفتار شمال شرقی خود یکسر دوام ورزیده غبرك غند (۱۵) هم آن بجوار (یوقاخزان). وغبرك غند (۳) وم اُن تابه (چاهوانچای) آمده بود . بااین خبرها که بقرارگاه روس رسید یك خبر غلط دیگری نیز رسید که آنهم عبارت ازین بود که احتیاط تول غند ژاپان که در (یانتای) بود یکسر بسوی شرق بحرکت آغاز نهاده است .

ازین خبر غلط جنرال (قوروپاتکین) به این گمان افتاد که ژاپانها رجناح چپ شان به تعرض قرار داده است . لهذا بوقت شام تعرض تول غند (۲) وم خودرا تأخیرداده ، قول تول غند (۱) م سیبریارا نیز بسوی (شیهی جون) فرستاد که لوی غند (۷۲) وم قول تول غند سیبریا نیز در (۲۵) م فبروری انهار اتعقیب مینمود .

قوماندانی همهٔ جناح شرق به جنرال (لینه ویچ) تودیع کرده شده جنرال (ره ننقامف) که یك کمی پیشتر ازین به قوماندانی مفرزهٔ غرب تعیین شده بود باز بمفرزهٔ شرق فرستاده شد .

در (۲۵) م فبروری لوی غند (۲) وم تول غند نخستین ژاپان سرراست بسوی منتهای جناح چپ روسها که در جوار (سقورای) تخمین میشد با دوقول منتظم به پیش روی آغاز نهاد . اما به اینچنین اراضئی سنگلاخ سخت خیلی کم مسافه قطع توانسته بودند .

لوی غند (۱۲) هم تول غند نخستین درطرف چپ لوی غند (۲) وم مانورهٔ تعرض را اجرا مینمود . این لوی غند غبرك غند (۲۳) وم خودرا در موضع مستحکمهٔ (بیانیو پوزا) گذاشته باغبرك غند (۱۲) هم خود ساحل نهر (چانهزای) را استیلا کرده ، وغبرك غند احتیاط خودرا به (تابه کو) پیش برده بود . غبرك غند (۲) وم لوی غند خاصهٔ تول غند نخستین

در شب (۲۵) م فبروری تعرض روسها راکه از جنوب (بانز یتتون) بوقوع آمد دفع نموده غبرك غند (۱) م خاصه نیز در همانشب یك موضع پیش روسهارا که درجوار (فیندیابو) بود ضبط نمودند .

حرکات ابتدائیهٔ تول غند (قوروکی) را مخابر ایتالیایی موسیو (بارزینی) به اینصورت تفصیل میدهد :

« بوقت شام (۲٤) م فبروری لوی غند جنرال (قوروکی) که از (٤) ماه به اینطرف درموضع های خود آرام گزین استراحت بودند برامده بحرکت آغاز نهادند . شب خیلی سرد ، وتاریك ولی هوا ساکن و آرام بود . برای انشا کردن سپرها در اثنای محاربه ، در پشتهای عسکرها توبره های با خاك پرشده موجود بود .

« از نتیجهٔ تجربه هائیکه در هجومهای شب برای ژاپانها حاصل شده بود این یك را دیده بودند که دشمن دا بابه عوعوهٔ سگها از وقوع هجوم ژاپانها تنبیه وبیدار شده اند . این مسئلهٔ سگها ازطرف ارکان حربیهٔ تول غند ژاپان بکمال جدیت درزیر نظر مطالعه گرفته شده بتمام ده هاوقریه های همجوار اعلان وتنبیهات اکیده اجرا نمودند که یاسگهای خودرا درخانه هاحبس کرده نگذارند که آوازشان براید ، ویا آنکه سگهای خودشانرا تلف نمایند وگرنه بمجازات بسیارشدیدهٔ گرفتار خواهند شد . پس بنابرین اخطاروتنبیهات اکیدهٔ جلوگیری عوعوهٔ کلاب برطرف گردید .

« دراثنای پیش روی یکچند نفرعسکر از لاشهای شیله های ، بلند درمیان وادیها غلطیدند . برای سختی ودشواری این راه همین یك کفایت میکند که بگوئیم درتمام دنیا ازین اراضی سخت تر ووحشیتر هیچ مملکتی نخواهد بود .

« مجرای نهر (شاحو) قسماً در مابین تول غند (قوروکی) وروسها

خط فاصل تشکیل میکرد • یکچند ده وقریهٔ بد بختی که درمیان وادی موجود بود به سرمیهای تول غند های طرفین معروض مانده بودند • این قریه های بدبخت گاه از طرف روسها وگاه ازطرف ژاپانها ضبط وتسخیر شده، ودرتمام زمستان گاه ازچپ وگاه ازراست به آتش طوپ مخاصمین دوچار مانده اند •

« لوی غند خاصه که من با او همراهم ، بعد ازانکه بقدر سه ربع ساعت بررفتار خود دوام ورزید قولهای کشف او خبرداد که درساحل جنوب (شاحو) یکچند قریه هادرزیر استیلای دشمن میباشد، بنابرین درمیان سکونت لیل نخستین بارصدا های سلاحها عکس اندازپرده های گوشهای ما گردید •

« روسها بعدازیك آتش کوتاه تفنگ موقعهای خود شانرا بدشمن واگذارشده رجعت کردند • قمر ازدامنهٔ افق بلند گردید وکار ژاپانهارا که به عملیات تحکیمیه مشغول بودند سهولت عطا نمود • ژاپانها تابه طلوع آفتاب برای تحکیم کردن موضعهای خود کوشیدند •

« در عین همین شب لوی غند (۱۲) هم ژاپان ، تابه قرا ولهای پیش روس رسیده، ولوی غند (٤) م نیز بلا مشکلات دیگرلوی غند هارا تعقیب کرده بود • قطعات محاربه دراثنائیکه به اینصورت بسوی دشمن پیش می آمدند درعقب آنها ازطرف دیگر قطعات برای جابجا کردن طوپچی محاصره خط راه آهن خفیف شمند وفرو ضع و تمدید میکردید • دیگراقسام سه جبههٔ حرب امروزرا بسکونت گذرانیدند •

« ژاپانهاازین حرکات پیش رفتاری فعالانهٔ شان درطرف شرق مقصد یگانهٔ که داشتند این بود که فکر روسهارا برین ثابت سازند که تعرض قطعیه بمقابل جناح چپ روسها اجرا میشود وبه اینصورت دایماً جناح راست خود شانرا خالی میکردند • »

—﴿ وقایع از (۲۶) فبروری تابه (۱) مارچ ﴾—

در (۲۶) فبروری ، قول جناح راست تول غند (۵) م ژاپان تابه (سان لونیو) تمدید داده شد .

غبرك غند (۱۵) هم لوی غند (۲) وم تابه درهٔ سقورای نزدیکشده بود . امادر انجا ازطرف قوتهای فایق روسهابه توقف مجبورشد .

غبرك غند (۳) وم ژاپان امروز در جوار (ایان) جمع می آمدندغبرك غنداحتیاط لوی غند (۱۲) تپه‌های جنوب (سونشوچوزی) را گرفته بودند .

لوی غند خاصه ، درین اثنا درتمام جبهه به آتش طوپچی آغازنهاد ، غبرك غند (۳) جمع اوری خود راکمال نموده بمحاربه اغازنهاد . وبعدازمحاربهٔ شدتناکی تا ابتراتمه د بعضی ازاقسام استحکامات روس را که در جهت شرقئی درهٔ (و انغولین) بود ضبط نمود .

لوی غند (۱۲) هم بصورت عمومیه تنهابه آتش طوپچی اکتفامیکرد ، اما در جبههٔ لوی غند خاصه درینروزها بسی محاربه های خونریزانهٔ بوقوع می‌آمد . وچون اینمحاربات درمیان قطعات پیش بوقوع می آمددر وضعیت عمومی هیچ یك تبدلی حاصل نمیکرد .

امریکه ازقرارگاه به (قوروکی) آمده بودهمین بودکه شدت هجومهای خود را برجبهه روس افزونی دهد تا آنکه دیگر قسمهای خود را برای تقویه دادن فرصت نیابد .

تول غند (٤) م (نوزو) تپه های (پوتیلوف) وجوار انرا باطوپهای بزرگ سنگین چاپ خود بکوبیدن آغاز نهاده طوپچی تول غند (۲) م (قوروکی) برای انکه نظر دقت دشمن را بسوی غرب جلب نکند درینوقت اختیار سکوت کرده بود .

در جناح چپ، تول غند (۳) وم جنرال (نوژی) بکمال فعالیت برای اجرای تصور مدهشهٔ مانورهٔ حرکت احاطهٔ خود کوشش میورزید . وبا (٤) قول به پیش رفتاری خود اغاز نهاده امروزیعنی در (۲۶) م فبروری بخط (ما میقای — قالیاما) واصل شده بوده غیرك غند سواری (۲) وم در وادی (لیاعو) پیش شده بوقت شام در جوار (طقو) رسیده بود .

در (۲۷) م فبروری — تول غند (۵) م ژاپان باهردو قول خود به تعرض بر (دیتا) و (اوبونیولو) دوام ورزیده ولی هیچ یك نتیجهٔ مهمی بدست آورده نتوانست .

تول غندهای (۱ — ٤ — ۲) ژاپان باصوبهای صحرا و محاصرهٔ خود موضعهای دشمن را میکوبیدند . قطعات روس ، بموضع اصلی تحفظ خود شان عقب کشیده دران جا آرام گرفته بودند . وازاین رو بضایعات بزرگی دوچار نمیشدند .

یکی از مخابرین محاربه کیفیت داخل شدن تول غند (٤) م جنرال (نوزو) را درمیدان محاربه باینصورت بیان میکنند :

« در روز (۲۸) م فبروری بوقت ازصداهای طوپ عادتی هرروزه خیلی قوتناکتر و کثیفتر یك ولولهٔ مهیب و دهشت آوری شنیده میشد . انچنان یك ولوله که پردهٔ گوشهای چینیٔی را که تا در (لی ئویانغ) به اسوده حالی نشسته بودند به اهتزاز می اورد . این غرش طوپ مانند عکس صدای یك طوفان مدهشی که در طبقات فوقانئی هوای نسیمی بوقوع امده باشد درهر طرف افق منتشر میشد .

« مگر طوپهای محاصرهٔ دیو آسایی که طرفین مخاصمین آن را مالك بودند ، ودر مرکزهای خود آنهارا تعبیه کرده بودند به ایفای وظیفه اغاز نهادند .

تقریباً (٤٠٠) طوپ هاوان ، و اوبوس دیو آسا از طرفین در حال فعالیت امده بود . اینست که تول غند (٤) م ژاپان که درزیر قوماندهٔ جنرال (نوزو) بود به صحنهٔ محاربه به اینصورت داخل شده بود .

« در طرف راست این تول غند ، وتادرمنتهای افق از مدت (٨) روز به اینطرف تولغند (٥)م جنرال (قاواموراً) ، ویکقدری ازان نزدیکتراز چار روز به اینطرف تول غند(٢)م جنرال(قوروکی) محاربه میکردند . در (٢٦ ، و٢٧) ماه محاربهٔ طوپچی ا نقدرشدتناك نبوده فاصله بفاصله بوقوع می امد . روسها برای دانستن امتداد موضع ژاپان باطوپها مرکز ، و جناح چپ ، وجبهٔ ژاپانها را جستجو کردند ، ولی ژاپانها به ستر وپنهان کردن قوت های خودشان موفق وکامیاب آمدند وهیچ سررشتهٔ به روسها ندادند . پیادهٔ ژاپان درخندقهای شکارئی خود دریك سکوت عمیق انتظار می کشیدند وتنها به ترصدودفع کردن حرکات کشف دشمن اکتفا میورزیدند .

درتاریخ حرب تابه اینندم هیچ یك مثالی دیده نمیشود که افواه ناریهٔ بسیار جسیم ساحل ، یعنی — طوپهای بزرگی که در ساحلها برای کوبیدن کشتیهای جنگی وضع میشود درمحاربه های میدان استعمال شده باشد ، وهیچ کس تا بحال بخیال وخاطر خود نیاورده بود که طوپ های اوبوس (٢٨) سانتیمترهٔئی برای ایفای خدمت کردن باغندك طوپ های صحرا در میدان محاربه اورده شود . اتشه ملیتر های اوروپا که بحسیات یك معلمی که درامتحان شاگردان مکتب بیایند در اینجا امده اند ، خودشان درینمحاربه مانند شاگردی مانده معلومات عسکریهٔ خود شانرا بابسی مکتسبات جدیده تزئین وتوسیع داده واپس به مملکت های خودشان برگشته اند .

« صداهای مهیب دهشتناك طوپخانه های (نوزو) از نقاط بسیار بعید

افق نیز شنیده میشد ۰ انسان وقتیکه به این غندك طوپ ها نزدیك میشد هنوز از یکچند کیلو متره دور تر لرزهٔ زمین را حس میکرد ۰

« طوپ های (۱۲، و ۱۵) سانتیمتره ئی در استاسیون (شاحو) تعبیه شده بود، ابنیه های استاسیون سراسر ویران شده بود، و گله های روس درمیان غلطیده گیهای انها ئی هم اشتعال میورزید ۰ لکن طوپ های ژاپان با ستره های بلند و قوتغندی مستور بودند ۰ در چار اطراف طوپ ها، خرمنهای خاك ، و پارچه های غلطیده گی ها و سنگنهائیکه موجود بوده بتأثیر گله های روس بهوا میشد! و گاه گاهی هر چیز درمیان یك هرج و مرج طوفانی بلاغائب شده میرفت ۰ در جهت غرب استاسیون . و هزار متره دور تر از استاسیون در یك دهی یك غندك طوپ از ان اوبوسهای (۲۸) سانتیمتره ئی که (پورت ارتور) غلبه جسته اند تعبیه شده بود ۰ اراضئی یجا چون عارضه ناك نبود برای طوپ ها هیچ یك سترهٔ طبیعئی موجود نداشت ۰ بمقابل گله های بزرگ دشمن درمیدان باز مقابله مینمود ۰ تنها در پیش روی هر طوپ از توره های [illegible] ساخته شده بود ۰

« ان طوپ های اوبوس سنگین در زیر دست افسران خود [illegible] انقیاد و مطاوعت تام [illegible] طرفیکه [illegible] میخواستند [illegible] سهولت بالا و پائین میشده طوپ [illegible] میداد ۰ در پی هر انداخت اوبوس ژاپان ۰ یك [illegible] پیه می امد ۰ گله های روس وقتیکه بر زمین میافتاد زمین مانند زلزلهٔ بسیار شدیدی بلرزه می امد ۰ خرمن های خاك ، و غلطیده گیهای که بر هوا میشد روی هوا را تیره میساخت ، و در ظرف یك ان همهٔ غندك طوپ بایك دود سیاه و کثیفی ستر و احاطه میشد ۰

« وقتیکه یك گلهٔ افتاده اشتعال میورزید طوپچیها برای یك ان تعطیل

خدمت کرده بیك حرکت غیراختیاری خم میشدند . ویا در زیر سپر پنهان میشدند . این یك اثر بحرانست . افسران نیز مانند نفرها میکردند اما همان دم این حال زایل شده همهٔ شان باز بر سر طوپ میدویدند . وباز بکمال سکونت وانتظام بر کار خود شان دوام مینمودند . هیچ یك عملهٔ ماشینخانه ها در وقت کار ماشین های خود از این عسکرهای طوپچی زیاده تر باسکونت وانتظام متر کار نمیتوانستند . افراد طوپچی (نوزو) بافراد عمله و ماکینیست یك واپوری مشابهت میرساند که در حال وقوع یك قضاء سیده گی برای رهایی دادن کشتی و کشتی نشینان خود کوشش ورزند . اندیشه وتلاش این افراد نیز باتلاش واندیشهٔ انها مشابهت می رسانید . »

در اثنای محاربه ، احوال روحیهٔ عسکر چنانچه انسان گمان میبرد واحوال هیئت اشتمال محاربه را می بیند به آندرجه مدهش و پر هراس نیست . بلکه ازانچه گمان میشود خیلی ساده تر واسانتر است .

زیرا یك تول غند پیش از تشکیل یافتن برای حرب ؛ از بسی انسانهای مختلف بیدل و آرامی مرکب میباشند ، مثلا از مردمان دهقان ، وصنعتکار ، وکاتب وامثال این گونه عناصر مختلفه جمع آمده میباشند که اینها از دلاوری ، وقهرمانی هیچ بهرهٔ ندارند . وهیچ شبهه نیست که پیش از جمع آمدن تول غنده هرگاه یکوقتی خود را هدف یك سلاحی به بینند در قلب خود یك اثر خوف وخلجانی حس نکنند . حالا آنکه در تول غند چون این انسانهای عادتی جمع آیند هر یکی از انها یك قهرمان دلاوری میشوند .

زیرا حرب برای تمام انسانها یك وظیفهٔ شمرده میشود که هر کس به ایفای آن مکلف میباشد . استعداد وقابلیت انسانها در خصوص عادت گرفتن با چیز های غیر طبیعی بدرجه ایست که شایان حیرتست . مثلا یك شهریکه در

زیر بومبارد مان طوپ گرفته شود ، اهالی شهر رفته با آن بومبارد مان چنان عادت میگیرد که آنرا یك حال طبیعی میداند که اینحال در (پور آرتور) بواقعی مشاهده شد ، زیرا بمجردیکه بومباردمان توقف میکرد باز الماردسر کها از عرابه ها و فیتونهای مردمان شهر که برای هواخوری میبرامدند پر میشد ، وچنانچه کسی بگوید که « باران ایستاده شد ، بیا که بهوا خوری برائیم . » در پورآرتوز نیز همچنین گفته میشد که « بومبارد مان ایستاده شد . بیا که ببازار برویم . »

در احوال عادتی نیز همچنین است : مثلا در روی زمین هیچ وقت بیماریهای مدهش مانند وبا ، وطاعون ، ودیگر گونه قضاها و فلاکتها کم نمیشود . باوجود آنکه هر روز بسیاری از همجنسان خود را می بینند که بیمار میشوند ، وبه تهلکه گرفتار می آیند ، ومیمیرند باز هم هر کس بهمین قانع هستند که من ازین تهلکه ها ازادم، و از آن و هر کس بکمال ذوق بکار و بار خود مشغول میباشند .

اینست که عسکرها هم بمیدان محاربه بهمچنین حس توکل نیکبینانه و اطمئنان جسورانه داخل میشوند . وباوجودیکه بسی از رفقای خود را مجروح و مقتول افتاده می بینند ، باز هم چون بسی رفقای خود را زنده می یابند حسیات نیکبینانهٔ شان افزونی میگیرد .

ذاتاً حرب بجز یك شکل خصوصی حیات بشریه دگر چیزی نیست : وازانست که انسانها در میدان حرب تدریجاً الفت پیدا میکنند .

مخابر (بارزینی) بر تفصیلات وقایع حربیه دوام کرده میگوید :

« یکقدری دورتر از غندك طوپ (اوبوس) ژاپانها یك منارهٔ چوبی بلندی برپا کرده بودند که اینجا موقع رصد اتخاذ شده بود، وبمثابهٔ چشم غندك طوپ شمرده میشد . زیرا در حجره ئیکه از آهنهای خط شمندوفر برین منارهٔ

بوجود آورده بودند افسران طوپچی ژاپانی نشسته، وضع دشمن را ترصد میکردند . و نتیجه های انداخت وتاثیرات آنهارا باتلفون اخبار میکردند . روسها برای تخریب این قلهٔ ترصد بسیار صرف سعی و غیرت میکردند ، در اطراف ان متصل گله های روس افتاده اشتعال میورزید . و قله را درمیان دودها و شعله ها مستغرق میگردانید . گاهی دیده میشد که یك پارچهٔ گله از تیرکش حجره بدون حجره نفوذ مینمود ، وبعد از کمی یك افسر ژاپانی را می دیدیم که سروریش در خون آلوده شده از قدمه های قله فرومی آمد وبا خطوه های آهسته آهسته تنها بسر خود بسوی محل خسته خانه روانه میشد . اما باوجود اینهم تلفون از خبر دادن گله ها ئیکه اصابت میکرد ویانمیکرد کو تاهی نداشت .

در این پارچهٔ تیره رنگی که از دودهای اشتعال شرانپلها متشکل بود بیك وضع حزن آوری [illegible] طرف راست تپهٔ (پوتیلوف) درمیان دمه ها و ابرها بصورت مبهمی ترسیم میکرد . گله های لاینقطع ولایحصای ژاپانها در قلعه ها و در قلهٔ تپهٔ مذکور پی‌هم میکفید . وهر انداخت با کتلهٔ دود [illegible] این تودهٔ سحاب آسای دودها تپه را [illegible] شکل اصلی [illegible] تبدیل میداد . و بعد از یك مدتی [illegible] سحاب [illegible] تپه [illegible] از میان آن سحابپاره ها عرض وجود میکرد .

در این تپهٔ (پوتیلوف) هزارها انسان موجود بود . چونکه روسها آنرا بیك صورت بسیار معتنای تحکیم وتقویه نموده بودند . در دیگر موضعهای روس که در کنار ساحل نهر (شاحو) بود نیز اینچنین دودهای کثیف ومظلم دیده میشد . آثار تخریبات آتش طوپچی ژاپان ازدور نیز فرق وتمیز میشد . درجاها ئیکه گله

های ژاپان میکفید کتله های بزرگ سنگ، وغلطیده گیها، وپارچه های اعضای انسان بهوا میشد .

« بعد الظهر درنزدیك خط شمندوفردود های کثیف ومظلم عمودی آهسته آهسته ومتمادیاً بالاشدن ، ورفته رفته انتشاریافتن ا ن دیده شد . قریهٔ (حانچاپو) که بقدر چارونیم کیلومتره از استاسیون (شاحو) دورتر بود درمیان علوها وشعله های مدهشی بماند . روسها درینقریه چونیها، وکدامهای مهمات، وجبه خانه های خودشانرا تأسیس داده بودند .

« بعداز کمی که دودها خیلی افزونی گرفت دفعتهً یك اشتعال بسیار مدهشی که صدا های ان خیلی مهیب ودلخراش بود شنیده شد، ویك عمود شعلهٔ زردرنگ بسیار غلوی بسوی سما بالا برامد .

« مگرلیند ودها وشعله های بلا آسا از برهوا کردن مغازه های جبه خانه ها بعمل آمده بود . قریهٔ (شاحوپو) درمیان علوها سراسر سوخته محو گردید . درعقب آن آتش بقریهٔ (یاحشاچو) ، و(قولیتو)، و(شونتانچو) نیزسرایت کرده همهٔ افق درمیان یك شعلهٔ بسیار سهمناك غریبی بماند . وچون درین اثنا آفتاب هم غروب نموده بود دهشت وعظمت این شعله هادوبالاشده بود . »

درشب (۲۸) فبروری قول تول غند (۱۷) روس بمقابل پل شمندوفر استاسیون (شاحو) یك تعرض مقابلی اجرا نمودند . ولی ازطرف لوی غند (٦) ژاپون باضایعات کثیره دفع ورد گردید .

تول غند(۳)م جنرال (نوژی) که وظیفهٔ مهمهٔ حرکت احاطه رادرعهده گرفته بود درشام ها نروز بخط (قوتایجی — قویی قان) داخل شده درجناح راست خودبادشمن تماس حاصلکرد .

جنرال (قوروپاتکین) درزیر تاثیراین احوال مدهشه خیلی به اندیشه و

اضطراب مانده همه نظر دقت خودرا به اینطرف توجیه نمود. وبخوبی دانستکه
درجناح راست او دقیقه بدقیقه یك تهلکهٔ بسیار بزرك ومدهشی بظهور میآید.
یك لوی غندکه در زیر دست خودش در احتیاط تول غند موجود بود هاندم
بر استقامت (سالین بو) به پیش روانه نمود وغیر ازین یك لوی غند دیگری نیز در
داخل قول تول غند (۱۰) م تشکیل داده در عقب آن لوی غند در فرستادن بود.

وقایع (۱) م مارچ

سر از امروز جنرال (نوژی) مجبور بود که باقطعات روس دست وگریبان
شود. لهذا دریکم مارچ قولهای خود را بایکدیگر نزدیك کردن، وبحرکت (کین
چرخ) دوام ورزیدن را قرارداد.

سوارئی این تول غند (۳) م بی آنکه محاربه کنند بوقت شام به (طامنتون)،
وکندکهای پیش آن به (سین مین تون) واصل شد.

لوی غند (۷) م به (حاشی قانزا)، ولوی غند (۱) م به (تپاقانچو)، وغیرك غند
احتیاط به (بوحاتای) رسیدند. لوی غند (۹) م اگرچه موضع در جوار (سیقان
تای) احاطه کردند، ولی بنابر مشکلات واقعه، تعرض قطعی را برای شب آینده
تأخیر دادند.

لوی غند (۲) م جنرال (اوقو) که تاحال در موقع های خود بی صدا وندا
بسخو کرده انتظار تقرب تول غند (۳) م جنرال نوژی را داشتند درینوقت
بفعالیت آمده جناح راست لوی غند (۸) م تابه موقعهای (چانتانحوتان) و (چانتان)،
وجناح چپ لوی غند مذکور بر موضعهای روس که درمابین (چانتان) و
(سیفانتای) بود تعرض نمود.

لوی غند (۵) م تول غند (۲) وم درشب (۲) وم مارچ بعد از محاربه
های شدید ومعندانهٔ خونریزانه، روسهارا از موضعهای شان بیرون براورد.

لوی غند(٤) م ، و (۲) غبرك غند احتیاط در (حونلین پو) حاضر امر ماندند .

درباب حرکات ابتدائی تول غند (۲) م جنرال (اوقو) یکی ازمخاربین حرب این تفصیلات را بیان میکنند :

«موضعهای روس که درمقابل تول غند (۲) م ژاپان تصادف کرده بود ازخط شمندو فرتا بساحل راست نهر (هون) امتداد یافته و یك خط مستحکمی تشکیل داده بود که ازجبهه بر ان هجوم بردن رابخیال وخاطرهم نباید گذرانید . زیرا اینچنین یك تشبث هم به بسیار وقت محتاج بود ، وهم خیلی ضایعات راموجب میکردید . لهذاجنرال (اوقو) درین اثناباجنرال (نوژی) مشترکاً باهمهٔ قوای موجودهٔ خود بر (چانتان) تعرض کردن ، وبعد ازانکه این موقع مهم را ضبط نماید بر خط مستحکم روس از بغل بهجوم بردن قرارداده بود .

« هنوز در(۲٦) م فبروری که طوفان های برف برساحل نهر (هون) خرمنهای جسیم ومتحرکی تشکیل میداد یك غندك طوپ استحکام ژاپان بساختن یك پل بزرگی برنهر(هون) درمقابل (حوقوتای) مشغول شده بودند . اینست که ازین پل تول غند (۲) مرور نموده ازراههای مختلف استقامت (چانتان) را گرفته بودند .

« در نیمشب لوی غند (۸) م ازنهرمذکور گذشتند خطوه های منتظم غندك ها برسراین پل نو ساخت صدا های خفه شدهٔ آهنگ داری حاصل میکرد . صدا های طوپها ، وعرابه های جبه خانه ومهمات تابسیار دورجا ها عکس مینمود .

« ساعت دوبود . هرنفر بریك یك توبرهٔ خاك که خدمت سپرساختن شانرا ایفانماید برشانه داشتندکه به این وضعیت نفرهای ژاپانی قیافت عجیب

الشکل غریبی را گرفته بودند ، و چنان پنداشتی که یك نوع مخلوقات کاولهٔ بی سری هستند .

« ژاپانیها بکمال تقید و احتیاط همه شب راه پیمودند . پیش از صبح بساعت (۶) بقدر (۷۰۰) متره به نزدیك موضعهای دشمن رسیدند . وهما ندم بر زمین خوابیده در پشت توبره های ریگ خود خزیدند و بطلوع افتاب منتظر ماندند . طوپچی یك کیلومتره دورتر موضع گرفته باطلوع شمس یکجابه اتش اغاز کردند .

« امروز هوا صاف بود . قریه ها واستحکامها واضح وعیان دیده میشدند . بردیوارهای خشت پختهٔ قریهٔ (چانتان) عسکرهای روس دیده میشد که با (فلامه) یعنی — بابیرق کوچك مخابره میکردند . وبه این اشارت های شان از دیگر طرف نیز جواب میرسید . بوقت پیشین غندك های ژاپانیها گله های شراپنل خود را کمکرده گله های طورپیل انداختن گرفتند .

« گله های طورپیل مانند نقب کار کرده کتله های سنگ وخاك را بر هوا کرده برروسها می افشانید . صنف پیاده درزیر حمایهٔ توبره های ریگ خود تدریجاً پیش میرفتند .

تا به نزدیك شام درتمام جبههٔ تول غند اتش شدید وکثیف طوپ چی دوام ورزید ، وبوقت شام کسب اعتدال نموده بعداز کمی سراسر منقطع گردید . شب خیلی مظلم وساکن بود . تنها درمنتهای شرق صدا های رعداسای او بوسهای (نوزو) که تپهٔ (پوتیلوف) رادرزیر اتش گرفته بودند شنیده میشد . گاه گاه صدا های تفنگ نیزازانطرف بگوش برمیخورد .

بساعت (۹) شب درتمام میدان محاربه یك سکوت عمیقی حکمفرما گردید . درچنین زمانهای سکونت محاربه یك حال ثقلت بخشی پیدا میشود . انسان

بکمال خلجان بوقوع یك حادثهٔ فوق العادهٔ منتظر میماند .

« درین اثنا دیدم که یك ضیای کوچکی از نزدیکئی قرار گاه جنرال (اوقو) بدرخشید ، این ضیا بعد از کمی خاموش ، وباز ظهور نمود . مگر این یك چراغ الکتریکئی بود . از بسیار دور یك چراغ دیگر به این چراغ جواب داد ، واز دیگر نقطه یك چراغ دیگری یکدوبار روشن وتاویك شد . مگر از طرف ار کان حربیهٔ تول غند به اینصورت به لوی غندها تبلیغ اوامر میکرد . وقتیکه تبلیغ امر ختام یافته همهٔ چراغها اشارت (دانسته شد) را بداد همهٔ روشنیها بیکبار خاموش گردید .

« بعد از یکدقیقه منظرهٔ میدان محاربه تبدیل یافت . درهر طرف افق لمعه های آتش طوپ وتفنگ شعشعه نثار گردید . وبانك ولولهٔ هول انگیزی سکونت عمیقهٔ شب را خلل دار گردانید مگر ژاپانها برموضعهای دشمن بهجوم آغاز نها ده بودند . هجومهای ژاپانها مانند امواج بحر که بساحل بخورد تا به پیش شبکه ها ودامهای سیمئی استحکامهای دشمن رسیده در انجا دوچار توقف گردید .

« لوی غند (٥) م بساعت (۱۰) درساحل راست نهر ، یك استحکام دشمن راضبط وتسخیر نمود . که درین اثنا جنرال (نوژی) نیز (سیفانتای) را ضبط کرده بکمال عزم ومتانت سرراست بسوی شمال پیش میرفت .

« بتأثیر بومباردمان ده هاوقریه هاعقب یکدیگر آتش میگرفت . وهمهٔ سما را بیك رنگ آتشین شعله نثاری تزئین میکرد . بروشنئ حریق راهها وخندقهای شکاری که عساکر روس دران بودند بخوبی مشاهده میشد . درجاهائیکه خالی گمان میشد غیرمتحرك کتله‌ها ، ویاخود قافله های مجروحین دیده میشد . گاه گاهی که گله های شرانپل براین خرمنهای انسان میکفید چنان معلوم میشد که دریك محل حریقی مردمان جمع آمده‌اند .

« در تاریکئی شب گاه گاهی که بعضی سایه های انسان نزدیك میشد صدا های (تاره دا) یعنی — (کیستی) بلند میگردید ، دیگر بعضی صداها آن را جواب میداد . وبعدازان باز هرچیزی غریق سکون میگردید . »

درینطرف حال بدینمنوال بود . اماتول غندچارم جنرال (نوزو) از سرقوماندان امر گرفته بودکه برجبههٔ خط روس هجومهای پی هم برده نگذاردکه دشمن قوتهای خودرا بر (اوقو) و (نوزی) صرف بتواند .

درپیش روی این تول غندموضع بسیارقوی ومستحکم تپهٔ (پوتیلوف) مانع افتاده بود . این تپه که اس الاساس جبههٔ روس بودروسها آنرابعد از محاربهٔ (شاحو) بحال یك موضع مستحکم ممتنع التسخیری دراورده بودند . درپیش گاه این تپه دامها و شبکه های سیمی بسیار محکمی ساخته بودند ، و بسی چاههای گرگ دام ونقب وغیره موانعه ها بوجود آورده بودند ، و به اینصورت (٦) خط موانع فرعیه درپی همدیگرتأسیس داده بودند . و ازجنوب شرقی تپهٔ مذکور تابه (شاحوپو) استحکامهای متعددی ساخته وآنهارابواسطهٔ خندقهای شکاری ، و موانع فرعیه بهمدیگرربط والصاق داده بودند .

جنرال (نوزو) بنابرامریکه ازقرارگاه گرفته بود برموضع (پوتیلوف) بهجوم بردن قرارداد .

تفصیلات این هجوم راموسیو (بارزینی) باینصورت حکایه میکنند :

« غبرك غند جنرال (ایمایاشی) که قول چپ لوی غند (۱۰) هم بود برضبط این تپه مأمورگردیده بساعت (۸) روز (۱) م مارچ خندقهای خزهٔ خودشانراترك کرده بحرکت آغاز نهادند . روسها آتش طوپ شدیدی برانهااجرامینمودند ولی پیادهٔ شان هنوزساکت بودند .

« ژاپانها امروز از هژ از متره پیشتر رفته نتوانستند • فردا بوقت صبح یك برف بسیار کثیفی میبارید • جو هوا با پارچه های برفی که بادجنوبی آنرا یکسر بسوی روسها می افشاند مستور بود • عسکر ژاپان این حال را یك امداد معنوی شمردند •

« غبرك غند (ایمایاشی) تول غند خود را ترك کرده درزیر حمایهٔ طوفان برف تا به (شاجوعوتو) پیش رفتند • نزدیکترین موضعهای دشمن از ینجا بمسافهٔ (۲۰۰۰) متره بود • بعداز پیشین برف منقطع گردید ، وافق صاف شد • زمین بایك لباس سفیدی مستور بود • چیزهائیکه خیلی دور بود هم خیلی واضح و آشکار دیده میشد •

« روسها بمجردیکه رفتار پیش آمدن ژاپانهارا فرق و تمیز کردند شدت آتش خودشان را تزئید کردند • وژاپانها چون از ده (شاعوجوتو) برای هجوم کردن بر استحکام (حولوتون) برامدند یك آتش شدیدمدهش طوپچی برا نها توجیه گردید • شرانپلها ئیکه برزمین می افتاد برف هارا مانند گرد بادی بهوا میکرد •

« غند چپ غبرك غند ، زیاده تر به آتش دشمن معروض بود • درظرف (۲۰) دقیقه تولی های اول این غند (٤) افسر و (۱۲٤) نفررا غایب کردند اما باز هم بر رفتار پیش روئی خود دوام میورزیدند • خط هجوم بدشمن بقدر (۱۲۰۰) متره نزدیکشد • اراضی باوجودیکه عارضه ناك بود باز هم سراسر درزیر حاکمیت تپهٔ (پوتیلوف) بود •

« محاربهٔ طوپچی خیلی شدتناك است • گله های جسیم ژاپانها ، ترتیبات تدافعیهٔ روسهارا زیروزبر میکنند ، دامها و شبکه های سیمی را میغلطانند ، سپرهارا بهوا میکنند ، اما روسها درباب تلافی و تعمیر کردن خسارات خودشان سرعت ومهارت حیرت آور نشان میدادند و بمجردیکه دود اشتعال گله های ژاپان زایل

میشد بسرعت تمام عسکرهای روس برامده خرابیهارا پس تعمیر میکردند، وباز پس در پشت سپرها میخزیدند .

«صداهای قوماندهٔ افسران ژاپانی که بر صفهای عسکر (برخ زاو ! . . . برخ زاو ! . . .) گفته حکم میکردند متصل عکس اندازمیکردید وتفنگهای ماشیندارشان متصل بر خندقهای شکارئی روس آتش میافشاندند .

«بیشترین خندقهای شکارئی روس بالک تولی ممتاز نشان انداز مدافعه میشد . ژاپانها تفنگهای ماشیندارخودشان رابالا کشیده کشیده این خندقهارا درزیرباران گله گرفتند . لکن طوپچیهای روس برای رهائی یافتن از پی آتش جحیم آساطوپهای (۱۵) سانتیمتره یی خود دو عدد آنهارا تخریب کردند .

« در ساعت پنج . مهاجمین در هرحمله خرمنها خرمنهای نعش خود شانرا پامال کرده هجوم میبردند . درین اثنا قوماندان غبرك غند جنرال (ایما یاشی) مجروح شد . یك پارچهٔ شراپنل بر سینه اش اصابت کرده بود . دو کپتان به امداد قوماندان دویدند . جنرال هر دودست خودرا برسینهٔ خود فشرده گفت : (بگذارید ، ضرور نیست . . . هنوز برپاایستاده شده میتوانم .) اما بعد ازانکه بدشواری یکچند قدم برداشت از میان دستهای کپتانها بر زمین افتاد . کپتانها درزیر بغلهای جنرال درامده هنوز یکچند قدم نرفته بودند که دیگر یك گلهٔ شراپنل آمده دو کپتانرا نیزمجروح نموده یك پارچهٔ گله برقلم پای کپتان (یاشولی) اصابت کرد . یك پارچهٔ دیگرازسینهٔ کپتان (حایاشی) درامده ازمهرهٔ کمرش بیرون جهید . کپتان (حایاشی) یك تبسم اضطراب آلودی کرده گفت : (میمیرم !)

« محاربه درین اثنابشدت دوام میورزید . در جائیکه این جنرال ودو کپتان مجروح افتاده بودند هیچ یك نفر، وهیچ یك مددرسی نبود ؛ این

نقطه خالی ومتروك بود . جنرال (اعایاشی) وکفتان (یاشولی) درحالی که متصل از زخمهای شان خون جاری بود ، در پیش کفتان (حایاشی) که جان میکند زانو برزمین دعاشدند . و آخرین سخن اورا که گفت : (برای میکادو) شنیدند.

« ژاپانها درین اثناتپهٔ آخرینی را که در پیشگاه موضع دشمن بود ضبط کردند . بر بغلهٔ تپه عادتا یك جالهٔ گلهٔ میبارید . مهاجمین از بغلهٔ سخت وسر تیز تپه فرو آمده بر بغلهٔ دیگرا نطرف وادی به تجالك بالاشدن گرفتند . و بعد از تلفات بسیاری بر خندقهای شکارئی روسها که بر ان تپهٔ دیگر بود هجوم برده ضبط نمودند مدافعین به استحکامهای (حولاتون) خود که (۱۰۰۰) متره عقب تر بود رجعت کرده ، واز انجا باجملهٔ استحکامهای (پوتیلوف) مشترکاً بر خندقهای شکاری که ژاپانها آنرا ضبط کرده بودند یك آتش دوزخین اسایی کشادند .

« ژاپانها برای عملیات جدی تدافعیهٔ خود هیچ فرصت نداشتند . ازان رو در میان برفها خودرا دفن کرده به انتظار کشیدن مجبور شدند . درنجاتیات کردن خیلی دشوار مینمود ، به پیش رفتن نیز دیوانه گی شمرده میشد . هیچ کس سرخود را از سپر بالا کرده نمیتوانست . روسها مانند کسانیکه بر تختهٔ آماج تیراندازی کنند برین نقطهٔ سیاه یك آتش کثیف ومجتمع توجیه نموده بودند .

« ژاپانها به این وضعیت مهلك و خوفناك خود بقدر (۱۰۰) متره دورتر از روسها مدت سه شبانه روز درهمین جا بماندند . درزیر باران گلهٔ شدید متمادی دشمن ، ودرمقابل سردی شدید مانچوری این کتلهٔ عسکری ژاپان بقدر (۸۰) ساعت مقاومت کرده اند که تصویر وتعبیر دشواری این مقاومت خارج دایرهٔ امکانست . »

در تول غند نخستین ، غبرك غند خاصه درشب (۱) م مارچ روسهارا از (فیند یاپو) طردودفع کردند . ولی روسهاباز هم تا بهفتم مارچ درساحل جنوبی نهر مانده توانسته اند . ودرین اثنا درمابین طرفین بسی محاربه ها

بوقوع آمده است .

درعین همین شب غبرك غندخاصهٔ (۲) م ، موقع (یالرنتیتون) راضبط کرده اند . امار وسها باز بیك هجوم مقابل اگرچه موقع مذکور رابدست آوردند ولی بازدوم بار ژاپانیها بهجوم شدیدهٔ خود پس بدست آوردند . و درینبار بصورت قطعی بدست ژاپانیها ماند .

درحق این هجوم یك شاهدوقایع . این تفصیلات رامیدهد :

« در پیش وپس قریهٔ ئیکه روسهادران تحصن کرده بودنددو خط مدافعهٔ موجود بود . درروز (۱)م مارچ دیوارخشت پخته ئیکه خط اول مدافعه راتشکیل میداد ازطرف یك تولی عسکر استحکام ژاپانی با گله های دستی تخریب شده وهماندم یك کندك بدرون هجوم نمود . ژاپانیها وقتیکه درمیان خانه های خراب شدهٔ ده درامدند نعش یکچندنفر رفقای خودشان را که یك روز پیشتر گم کرده بودند درانجا یافتند .

« همهٔ این نعشهاسراسر برهنه‌شده بودند ، دربعضی ازانهاهیچ اثر زخمی ندیدند . ژاپانیها چنان گمان کردندکه آنهارا روسها بقصد برهنه کرده درخنك انجماددادهاند ، درروی و پیشانی بعضی ازانها بعضی آثارزخمهائیکه از نغل موزه حاصلشده باشد پدیدار بودودندانهای بعضی ازانهارادیدندکه شکسته شده است .

« این مسئله درنظر ژاپانیهابه تحقیق رسانیدکه روسها درحق این رفقای شان معامله های وحشیانه اجرا کرده اند . ازین خبر بدرجهٔ بقهر وغضب آمدندکه عقل شان ازسرهای شان کوچ نمود ، وهماندم بهنیت اینکه همهٔ روسهارااسیر کنند ، وانتقام رفقای خودشان رابگیرند بیك شدت وسرعت وحشیانهٔ برق آسایی ازهردوطرف ده برامده برخط مدافعهٔ دوم روسهاهجوم بردند .

« این هجوم آنقدر آنی ، ومدهش وغیرمنتظربوقوع آمده بودکه روسها

فرصت مقاومت را نیافته به آنطرف ساحل فرار نمودند. لکن بقدر (۲۸) نفر آنها فرصت فراررا نیافته اسیر افتادند.

«در ینوقت یك منظرهٔ مؤلمی بوقوع آمد. عسکرهای ژاپان که بغلیان آمده بودند این اسیر هارا از خندقهای شان کشان کشان براورده یکان یکان را بقتل رسانیدند.

«قوماندان غبرك غند بمجردیکه ازین کیفیت خبردار گردید همانـدم به محل وا قعه شتافته جلوگیری عسکر خودرا ازین فعل نا شایسته نمود. ودر حق جسارت کنندگان این فعل یك جزای بسیار مدهشی که درنزد ژاپانها خیلی موجب عیب وعار شمرده میشود ترتیب داد. وآن جزا اینستکه: از خط آتش یعنی — خط پیش روی حرب برداشته تابه آخر خط حرب دور انداخت.»

غبرك غند (۳)وم لوی غند (۲) وم ازدست قول تول غند [۳] وم سیبریاموضع مستحکم غربی درهٔ (قاوتولین) راضبط نمود.

جنرال (قوروپا تکین) برای رهایی یافتن ازتهلکه ئیکه یکسر ازطرف غرب پیش می آمد برجعت دادن منتهای جناح راست خودقرارداده برهمه قطعه های (۱۷) م و (۱) م قول تول غند هـای خود امر داد که یکسر بسوی (موکدهن) رجعت نمایند. این قطعات در زیر قوماندانی جنرال (ده ویت) یك لوی غند تشکیل داده رجعت نمودند.

وقایع از (۲) وم مارچ تابه (٤) م

درشب (۲)وم مارچ، مفرزهٔ غرب، وقول تول غند نشان انداز مختلط، وقول تول غند [۸] م روسهار جعتیکه امرشده بود اجرا کردند.

گدامها ، وانبارهای ارزاقیکه در (سیا اوسین ‌مین‌تین) داشتندآتش دادند . ژاپانهاچون شعله های این آتش‌زده‌گی‌را دیدند دانستند که‌روسها رجعت میکنند . لهذا هماندم باجناح راست‌تول‌غند (۳)وم ، وجناح چپ تول غند (۲) وم خود ، روسهارا‌تضیق وتعقیب نمودند .

درجوار (سیفانتای) درمیان لوی غند (۹) م ژاپان ، ومفرزهٔ غرب روسها که در حال رجعت بودند یك محاربهٔ شبانهٔ بسیارخونریزی بوقوع آمد . ودرنتیجهٔ کارزارروسهاپریشان شدند ودرزیرحمایهٔ یك دمداری‌که فداکردند تابه (ایدیاپو) بررجعت خود دوام توانستند .

قول‌تول غند نشان انداز مختلط ، وقول تول غند (۸) م‌نیزازدوساحل نهر (هون) تابخط (سوهودیاپو — تونای) عقب کشیدند پیادهٔ قول‌تول غند (۱۰) هم از (۳) غند عبارت‌بوده درزیرقوماندهٔ جنرال (هرشلمان)، وقول تول غند (۵) م سیبر یادرشب (۳) وم ماه تابجوار (قازدیاپو) عقب کشیدند، ودرموضعهای مستحکم(پانزولینزا) دمدارهای‌خودرا گذاشتند .

درطرف ژاپانها ؛ لوی غند (۹) قطعات روس را که ازساحل راست نهر (هون) رجعت میکردندتعقیب‌کرده در وقت شام (۲) وم مارچ تابجهت غربی (ساچازا) پیش شده توانستند . جنرال (نوژی) بادیگرلوی غند های خود برفتـار پیش روی خود دوام ورزیده ، لوی غند (۷) م ان بوقت شام بخط (تاشی هینزا — تازی پو) ، ولوی غند (۱) م بخط(چاند یافان — بزین یولو) واصل شد ؛ غبرك غند احتیـاط تابه (سالین پو) تعقیبات اجرانمود . غبرك غند سواری (۲) وم تابه [چودیاتا] رسید .

بعـد ازپیشین ازطرف لوی غند پیادهٔ(۲۵) ، ولوی غند (شاتیلوف) روس‌یك تعرض مقابل‌برژاپانهااجرا کرده شد . ولی این تعرض با آتشهای

شدید بغلکی لوی غند (۱) م ، و (۷) م ژاپان که از شمال و جنوب اجرا میشد بصورت بسیار شدیدی دفع نموده شد .

لوی غند های (۸ و ٥) تول غند (۲) وم ژاپان بعد ازانکه دمدار های روس را که درموضعهای مستحکم موجود بودند بشدت تمام دفع وطرد کردند دروقت شام (۲) مارچ تا بخط (چه وور بو — وویتازی) پیش شده توانسته اند .

دو غبرك غند احتیاط ، ولوی غند (٤) م بصورت عمومیه تنها به آتش طوپ اکتفا میورزیدند . حرکات امروز ینهٔ لوی غند (٤) م راخابر اینا لیابی باینصورت تصویر میکنند .

« صبح روز (۲) وم مارچ یك برف بسیار کثیف ولرزانی میبارید . درین صحرای بی پایان دمهٔ برف مانع دیدن درختان بسیار نزدیك نیز میشد . قافله های مجروحین از (سانده پو) ودیگر قریه هادر آمدن بود . برمیدان سفید یکه درپیش انظار ماتمادی داشت زنبیل والاهاوزنبیلها مانند یك خط مستقیمی پدیدار بود .

«برف، آثار خرابی ووحشت میدان محاربه راسترمیکرد، وهرخرابی راسرازنو تنظیم میداد، وسپرهای خراب ومتروك شکاری را بایك چونه کاری سفید نرمی یکرنگ و یکسان میساخت ، وبر نعشها ئیکه میان خندقهارا پر کرده بود یك کفن سفیدی پوشانیده هرچیزرا از نظر تجسس ستر وپنهان میکرد . دست شفقت طبیعت خرمنهای کشته گان را باخرمن خرمن کفن مخمل سفیدی میپوشانید ، وازمیان پیچهاو شکنهای این کفن اشکال مقتولین بیکصورت مبهمی پدید ارمیگردید . وبعد ازیکچند ساعت که باریدن برف شدت میکرد آن هرج ومرج مردگان یکسان شده دران عالم متروك ومبهمی

بغیر از دستهای خون آلودی که بسوی سما بالا بود دیگر هیچ چیزی دیده نمیشد.
« سانده پو » در میان علوها وشعله ها در احتراق بود ، و در اطراف (چانتان) محاربه بکمال شدت دوام میوورزید ، لوی غند (٤) م نیز درین حوالی محاربه میکردند .
« بعد از پیشین قوماندان غبرك غند چپ این لوی غند (٣) کندك خود را بر هجوم سوق نمود ، این کندك ها بعد از (٦) ساعت در میدان محاربه بسیاری از رفقای خود را ترك کرده واپس عودت کردند . زیرا دشمن خودشانرا خوب مدافعه میکردند .
« بعد از ان بر هجوم شبانه قرار دادند . یك غند که سر از نو تشکیل یافته بود هجوم حقیقی را اجرا میکرد ، در عین زمان سه تولی پیاده ، برای جلب کردن نظر دقت دشمنرا بدیگر طرف ، از جهت غرب نمایش اجرا میکرد .
« امشب خیلی تاریکی تیره درونی بود . ساعت دوی شب بود که غند مذکور خندقهای شکاری خودشانرا ترك کردند . وبقدر (٣٠٠) متره در پیش بر زمین خوابیدند ، ودرزیر آتش خفیف دشمن به جریان احوال منتظر ماندند .
« سه تولی که برای اجرای نمایش مامور بودند وقتیکه بجناح روسها واصل میشدند ، و صول خود را باسه فیر متصل آتش تفنگ به دیگر افراد غند اخبار میکردند .
« یکی یکبار از طرف غرب بصورت بسیار واضح . وتیز سه فیر متصل آتش تفنگ عکس انداز گردید . اینستکه پارولهٔ شیکه به آن انتظار کشیده میشد همین بود . لهذا افراد غند سر نیزه های خودشانرا بر تفنگهای خودشان سوار کرده به بسیار بصیرت و احتیاط به پیش شدن آغاز نهادند . واز طرف قوماندان غند بر افراد تنبیه شده بود که هیچ سخن نگویند ، و هیچ تفنگ نیندازند .

«اینستکه این خدعهٔ حرب نتیجهٔ موفقیت بخشید. روسها گمان بردند که ژاپانها باقوای عظیمهٔ خود حرکت احاطه اجرا کردند، وازانرو بهمانطرف سه تولی توجیه انظار دقت کرده بهمانسو آتش کردن گرفتند، وازوجودغندیکه بی صداوبی ندا لحظه بلحظه به آنها تقرب میکردند خبردار نشدند. وسایه های سیاه سیاهی را که از میان دامها و شبکه های سیمی میگذشتند اصلا فرق نکرده بودند.

«یکی یکبار بمهای دستکشی ژاپانها بیك ولولهٔ هول انگیزی اشتعال نمود، و در عقب آن دفعةً بمهاجمهٔ هزارها نفر سپرهای استحکام غلطیدن گرفت. در هجومهای شب افسران ژاپان برافراد معیت خود تنبیه میکردند. که دایما بر آدمان بلند بالای قوی جثه آتش بکنند. زیرا درمیان ظلمت شب سیما واونیفورمهٔ اشخاص فرق و تمیز نمیشد که دوست اندیادشمن وظیفهٔ علامت فارقهٔ دشمن و دوست را بزرگی و کوچکی جثه نشان میداد. اما چون تاریکی شب بدرجهٔ بود که بزرگی وکوچکئی جثه نیز معلوم نمیشد، ازان رو ژاپانها دایما فریاد میکردند که: (ته کی قا، میقاتاقا؟) یعنی — آیا دوستست، یادشمن؟ وزمان بزمان صدا های «میقاتا، میقاتا.» شنیده میشد.

«آخرالامر روسها بیك حال پریشانئی تمام فرار کردند. درین وقت برف میبارید؛ (چاپتاحو) بانعشها مالامال بود ویك حال خرابه زاری را گرفته بود. از مجروحین کسانیکه به سردی طاقت داشتند بقرارگاه فرستاده میشدند. اکثر ژاپانها دوسه زخم برداشته بودند. حتی به بعضی هفت زخمه وهشت زخمه نیز تصادف میشد.

«شش ساعت آخرین محاربه برای سلاحهای روسها سراسر غیرمساعد شده بود. زیرا (سیفانتای، چانتان، پای تاچو) ضبط شده بود. ژاپانها درمقابل این موضعهای قوتمندی که غیرقابل تسخیر شمرده میشد بقدر چهارماه متمادیاً

انتظار کشیده بودند . حالا آنکه در ینوقت این موضع های مستحکم، وقریه های پئ هم یکی در پئ دیگر سقوط میکردند .

« بوقت پیشین، بر (چوچانتای) هجوم برده شد . اما پیشدارها خبر دادند که روسها قصبه راآتش زده رجعت کرده اند . فی الواقع از سرهای خانه های ده دود های کثیفی میبرامد، واین دودها بسرعت کسب ظلمت وکثافت میکرد . لحظهٔ نگذشته بود که از میان شاخهای خشك درختان ده شعله های نخستین آتش زده گی پدیدار گردید.

وقتیکه ژاپانها بسوی این ده پیش میشدند . دفعةً از زیر پای شان یك اشتعال مدهشی بوقوع امد بسیاری از عسکرها بیك قوهٔ دفعیهٔ مدهشی برهوا اشدند . مگر این یك نقب ترتیب کردهٔ روسها بود که بشدت تأثیر اتش زده گی برهوا گردید .

« ژاپانها وقتیکه درقصبه داخل شدند انرا بحال یك بحر اتشینی یافتند در میان این صحرای وسیعی که بابرف مستور بود ، منظرئیکه این حریق بزرگ نشان میداد ، مهیبتر ومصیبت انگیز تر ازان یك منظرهٔ تصور نمیشد .

« ساعت (۲) بود که طوفان برف منقطع گردید . سمار وبصافی نهاد . کندك های دشمن که یکسر بسوی(حوچوتون) بحال رجعت بوددیده شدند . درین اثنانفر بهرهٔ ژاپانی فریاد برورد که :(میته کیته ، میته کیته) یعنی دشمن، دشمن .

« مگر بقدر (٤) کیلومتره دورتر کثیف وارام یك قول روس که درحال رجعت بودند اگرچه بچشم خوب دیده نمیشدند . اما بدوربین واضحتر وعیانتر دیده میشد قطعه های پیاده بلوك بلوك جداشده بود که عدد این بلوك ها تخمیناً ده کندك بنظر میامد . درپیش روی این بلوكها . خیلی عرابه وطوپ میرفت . اینها قطعاتی بودند که درساحل نهر (هون) مغلوب شده وحالا بحال رجعت بودند .

«غندك های ژاپان که بر (قوچاچو) دانه های تخریب میانداختند طوپهای خود را بسوی این فراریها دور داده به انداختن شراپنل آغاز نهادند . بعد از یکچند دقیقه نخستین دانهٔ شراپنل از قول روس خیلی به اینطرف کفید . رفته رفته طوپ چیهای ژاپان مسافه را افزونی داده انداخت خود را تنظیم دادند . وسر از ین وقت بومباردمان هیچ فاصله پذیر نشد .

« قول روس در زیر آتش طوپ چئی ژاپان بر رفتار رجعیهٔ خودشان دوام داشتند . گاه گاهی در صفها خالی جاها وسکته ها بوقوع میامد . اغلب احتمال این بود که مجروحانرا بر میدا شتند . این کله ریزی را فراریهای روس یك حادثهٔ سماوی مقتدری شمرده درمیان این میدان هلاك مستریحانه و متوكلا نه بر رجعت خود دوام میورزیدند .

« قوت روسها که در (قوچاچو) بود نیز قریهٔ مذکوره را ترك کرده بر جعت آغاز نهادند . دو کندك ژاپانی به قدمهای دویدن از جهت شرقئی ده پیش رفته رجعت روسها را به انهزام و پریشانی گرفتار آوردند . روسها دیگر دهها را نیز خالی کرده میرفتند، ودر زیر آتش طوپ چئی ژاپان بصورت درهم وبرهم فرار می کردند .

« آفتاب درین اثنا غروب کرده بود . قولهای رجعت کنندهٔ روسها که از طرف طوپ چئی ژاپان درزیر آتش شدید گرفته شده بودند درمیان تاریکی شب از نظر نهان گردید . گویا ظلمت لیل بشفقت آمده این فراریهای بیچاره و پریشان را درزیر حمایهٔ خود گرفته بود .

«آتش طوپ درهر طرف منقطع گردید . غندك ها برای اماده شدن بحرکت شفق را انتظار میکشیدند . شعله های حریق قریه ها وده ها درهر طرف افق صحرای سفید یك چراغان آتشینی تشکیل داده بودند . زمان بزمان یك فیر

آتش تفنگ شنیده میشد . »

پیش ازین گفته بودیم که تول‌غند (٤)م ژاپان امر هجوم را بر جبههٔ روسها گرفته بود تاآنکه فرصت امداد رسانیدن قوت رابجناحهای خود نیابد. اماقطعات ژاپان بمقابل موضعهای بسیارقوتمندروس خیلی کم‌مسافه قطع توانسته بودند، وبوقت شام خود را بمو ضعهای روس نزدیك کرده بودند . محاربه بورود شب نیز منقطع نگر دیده بود .

آمدیم بر تول‌غندنخستین: لوی‌غند خاصهٔ تول‌غند خاصه، باغبرك‌غندخاصه امروز نیز در جنوب (شاحو) بماندند ، ملوی‌غند (١٢)م نهر را گذر کرده موضعهای (چانهیزای) روسهارا ضبط کردند . کذالك غبرك‌غند(٣)وم لوی‌غند (٢)وم ، دو استحکام دیگر روس را که درشرق درهٔ (قاوتولین) بود ضبط کردند .

آمدیم بر تول‌غند(٥)م ژاپان: در وضعیت تول‌غند پنجم هیچ یك تبدل اساسئی بوقوع نیامده است .

آمدیم بر تول‌غند (٣)وم جنرال (نوژی) : بنا بر تعرض مقابل روسها، که در (٢) مارچ اجرا کرده بودند جنرال (نوژی) تارسیدن لوی‌غند (٩)م تول غند (٢) انتظار کشیده روز دیگر که لوی‌غند(٩)م مذکور رسید درمقابل خود قول‌تول‌غند (٨)م روس را یافته قوت تول‌غند مذکور روس بدون محاربه رجعت کردند . امادر (سالین‌پو) لوی‌غند (٢٥)م پیادهٔ روس ولوی‌غند(شاتیلوف) روس بیك محاربهٔ جدی قیام ورزیده بعداز یك مجادلهٔ خون ریزانهٔ بیك مغلوبیت وانهزام بسیار فلاکتاوری دوچاری امدندوتابه استحکامات غربئی (موکدون) بصورت بسیار پریشانی فرار نمودند .

آمدیم بر تول غند (٢)وم : جنرال(اوقو) درساحل جنوب نهر(هون) بر حرکت (شی حرخ) خود دوام ورزیده ، ودمدارهای روس‌رایگان

یکان دفع کرده میرفت .

از هجومهائیکه تول غند (٤)م برجبهه اجرا کردند تابحال یك نتیجهٔ قطعئی حاصل نشده بود . غیرك غند جنرال (ایمایاشی) مجروح بکمال شجاعت بر تپهٔ (پوتیلوف) برهجومهای خونریزانهٔ مهلکهٔ خوددوام میورزد . از طرف دیگرغیرك غندجنرال (اوتامی) که بهمین لوی غند تول غند (٤)م منسوبست نیز بهمین همین شجاعت ودلاوری محاربه میکنند .

احوال امشبهٔ غیرك غند (ایمایاشی) را یکی از مخابرین باینصورت نقل و حکایه میکنند :

«نیم شب بود که افرادغند جناح چپ غیرك غند (ایمایاشی) که یك کندك ازانها درموضعی که گرفته بودند درزیر قوماندهٔ کرنیل (تاقانوری) میبودند . درین اثنا دیدند که یك سیاهی به سوی شان میاید ، وصدا های پای هم بگوش شان برخورد چون مسافه نزدیك بودسیاهی مذکوررا عسکرخودگمان کرده اوازدادند که : (طاره وا) یعنی — کیستی؟ از طرف مقابل بزبان ژاپانی اوازامدکه (میقاقا) یعنی — دوست! ژاپانها بشبهه افتاده تفنگهای خودشان رابسوی تاریکی توجیه داده منتظر شدند . اما بر اتش کردن جسارت نورزیدند .

«سایه ها نزدیکشده میامدند . یکی یکبار درظلمت وسکونت شب صداهای (هورا) عکس انداز گردید . مگریکچندطابور روس باسر نیزه بر کندك ژاپانی هجوم شبخون آوردنده درظرف یك آن یك مجادلهٔ مدهشی بوقوع امد . بجز صداهای ضربه‌های سرنیزه ، وتیغ وخنجر و آه ، وانین وصیحه های جانخراش دگرچیزی شنیده نمیشد .

«بعداز کمی ژاپانهادرمقابل قوای فایقهٔ دشمن مقاومت نتوانسته وبسی مجروح ومقتول و همه اشیا ولوازمات خودرا ترك کرده رجعت نمودند .

« روسها درین موقعیکه ضبط کردند بماندند و غزلسرائی اغاز کردند و اشیاو اسباب ژاپانها را روی هم ریخته و پترول بران افشانده آتش دادند . ژاپانها از دور این حال را مشاهده میکردند ، و چون دیدند که مجروحان و مقتولان ژاپانی را نیز در اتش می اندازند تاب وطاقت نیاورده مقدار باقیماندهٔ جزوی ٔ کندك مذکور بیك شجاعت مقاومت شکن هزبرانهٔ بر روسها حمله آور شد ، و آنچنان یك مجادلهٔ شدیدی نمودند که تصویر آن ببیان نمی آید .

« حال و وضعیت ژاپانها تهلکه ناك ضایعات شان از حد افزون بود . افسران شان بچهار نفر تنزیل یافته بود . در دیگر کندك این غند نیز تنها سه نفر افسر مانده بود قوماندان غند نیز مجروح شده بود . و پی هم امداد میطلبید .

« نهایت یك کندك ژاپانی به قدمهای دویدن به امداد رسید این کندك که با گله های دستکی مجهز بودند بر روسها هجوم بردند ، صداهای مدهش گله های دستکی که پی هم اشتعال میورزید بیك عکس صدای دلخراشانهٔ در وادیها و دره ها عکس انداز میگردید . آخر الامر روسها بی تاب و بیطاقت شده به استحکامهای خود رجعت کردند .

« هنگامیکه فجر دمید ، دیده شد که خرمن نعشهای روس و ژاپان میدان محاربه را ستر و پنهان ساخته بود . سردی هوا زخمیها را پی هم میکشت . اه ها ، واینها ، و نالشها ، و فغانها از هر طرف بالا میشد ژاپانها نعشهای مقتولین را سپر ساخته درعقب انها میخزیدند . »

از (۲٦) فبروری به اینطرف (٤۰۰) نفر از افراد استحکام ژاپانی در شمال شرقی موضع (فانشان) روس ، بقدر یك کیلومتره دور تر درعقب یك عارضهٔ زمین به تأسیس دادن سپرهای شکاری مشغول شده بودند . تا به (۲) مارچ این خط که استنادگاه هجوم را تشکیل میداد ، تدریجاً توسیع و تقویه شده نهایت

«تا بجای که نظر کار میکرد کتله های متحرك ، خرمنهای انسان، عرابه ها اسپها دیده میشد ، ودر میان اینها برقهای سرنیزه ها وسلاح های عسکر چشمها را میدرخشانید .

«برف ز ایلشده بود . برهر وجب خاك نقشهای قدم، واثر نعلهای بارکشها وخطهای عرابه ها دیده میشد . درهر طرف اسباپها واشیائیکه انداخته شده بود بنظر برمیخورد مثلا بالاپوشهای پوستیندار قزاقها ، پاکتهای کارتوس، بوط، موزه، سپرهای شکارئی که کنده شده ونیم کاره مانده، وبیل وکلنگ. وسلاح صف صف در میان ان سپرها دیده میشد . واز ین یك معلوم میگردید که روسها بنابر مقصدیکه حرکت شان سهولت یابد این اسباپهای خودشانرا انداخته اند بالاپوش های سموردار خود شان را باوجود سردی هوا ازدوش انداخته حتی موزه های خودشان را نیز از پا کشیده بر اراضئی منجمده پای لخت رفتن را ترجیح کرده بودند .

«گاه گاهی که این سیلابهٔ عظیم بشر بیك مانعهٔ پیش میامدند، مثلا بیك ده مستحکمی که هنوز از طرف یکچند نفر عسکر مدافعه میشد، ویا بیك سپر شکارئی پیش میامدند بی انکه یك لحظه توقف کنند ان مانعه هارا پامال کرده میگذشتند . ژاپانها علی الاکثر یك طوپخانهٔ خودرا بسرعت پیش رانده ، وبجایکی اخذ موضع کرده در میان صفهای آخرین فراریها گله باری میکرد .

« روسها مرده گان خود شانرا دفن نمیکردند ، واز بسکه در فرار سرعت داشتند تنها یك تخته چوب صلیب داری برسر آن مرده گان بر زمین خلانیده ونام مرده را بایك قلم سربی بر ان نوشته اکتفا میورزیدند . رفته رفته سرعت فرار شان بدرجهٔ رسید که برای اینهم فرصت پیدا نمیکردند . بعد از یك کم وقت برای مجروحین نیز عین همین حال بوقوع آمد . وقتیکه دشمن نزدیك میشد مجرو

حان متروك ولرزان، واز خوف واضطراب خودشان نالان میخزیدند. درسیما های شان آثار خوف وحیرت نمایان، وبچشمهای حیرت نشان خود بطرف ژاپانیها نگران میبودند.

«کندك های ژاپان بیك سکوت وسکونت باعزمی رفتار داشتند. نفرها در زیر بکس پشتکئی خودشان یك کمی خم شده، وروهای شان درخاك ودود غرق گشته و نظرهای خودرا برزمین دوخته باقدمهای یك نسق وآرام خود متصل به پیش میرفتند. اینها عادتا بیك ماشین جاندار یکجنسی تشبیه میشدند.

«بمجرد یکه امر (دریترا) یعنی بایست داده میشد عسکرها همانند برزمین میخوابیدند، وهماندم بخواب میرفتند. ایحال به آنقدر یك سرعتی واقع میشد که گمان میرفت که کندك ها همه محو وزایل شدند. افرادی آنکه جاهای خصوصئی انتخاب کنند بی تکلفانه وبهم آمیخته خواب میکردند. یکی دستهای خودرا بر دیگر رفیق خود درازمیکرد. موزهٔ دیگری خدمت متکای دیگری را بجامی آورد.

«از دیگر طرف عرابه ها، وغندك، وعرابه های چینئی که از دشمن گرفته شده بود میآمد. اردوگاه به اینچیزها کسب جسامت میکرد اسپهای مانده شده گردنهای خودشانرا بر همدیگر تکیه داده ارام میکردند، درمابین پاهای اسپها وعرابه ها افسران وطوپچیان بخواب میرفتند. علی الاکثر نعشهای مقتولین روس نیز در میان این کتلهٔ غیر متجانسه موجود میبود. عسکر های ژاپان در پهلوی آنها بکمال بیغمی میخوابیدند.

«از دور صداهای طوپها طنین انداز میشد. فاصلهٔ آتش خیلی کم بود. درینوقت امر های نو توزیع میشد. عسکرها یکی پئی دیگر بیدار میشدند واز زمین برخواسته صف می بستند. آخرترین خبرها ازدهن بدهن انتشار می نمود. این خبراین بود که: (روسها اسن تاپچو) را خالی کردند).

« همهٔ ده ها میسوختند ، از صحرا یك ابر گرد ودود مدیدی بر میخواست این گرد وغبار قول اوبوسهای جسیمی بود که از بومبارد. ن (چانتان) می آمدند . »

تول غند (٤) ژاپان باقطعات لوی غند (٥)م در جنوب نهر هون بر تعرضهای خود شان دوام میورزیدند .

بسبب عقب کشیدن قول تول غند (٥) م سیبریا درمابین قول تول غند مذکور ، وقول تول غند (۱۷) یك جا خالیٔ بزرگی بعمل امده بود . قوماندان قول تول غند (۱۷) هم برای پرکردن جاخالیٔ مذکور بساعت (۹) شام امر داد که واپس کشیده اجبارا پرکنند . اما بعد از (۲) ساعت جنرال از قرار خود نکول کرده بازبه برگشتن امر داد .

روز (٤) م مارچ یك روز خون آلودی برای لوی غند (٤) م ژاپان گردید . تول غند (او قو) درحالتیکه بحرکات ظفرانهٔ عقب گیری دوام میورزید . لوی غند (٤) م بیك مقاومت مایوسانهٔ دشمن تصادف نمود .

لوی غند (٤) م بردو قول رفتار داشت . درراست غبرك غند (هایاشی) در چپ غبرك غند (حوناغا) موجود بود . درراه به بسیار نفرهای قراول ساخته گی روسها تصادف کردند . که برچوبها کلاه هاوبالاپوشها پوشانیده مانند مترسها برای بازی دادن پیشدار های ژاپان درپشت خندقهـا ایستاده کرده بودند . مخابر باینصورت بیان میکند .

« بساعت (٦) غبرك غند (حوناغا) بحرکت آغاز نهاد . هنوز تاریکی بود ، خنك هم شدید بود ، امابادنبود . بساعت (٨) خطهای پیش بقدر (۱۵۰۰) متره نزدیکشدند .

« درموضع روس سکوت وسکونت برکمال بود . بساعت (۱۰) نخستین

فیر آتش متصل صدا کرده ویکچند نفر مجروح افتاد . بعد از آن آتش تفنگ از هر طرف ولوله انداز دهشت گردید . آتش روسها خیلی مؤثر بود .

« بعد از (۲۰) دقیقه که هجوم آغاز نهاد ، خط نخستین هجوم سراسر محو شده بود . قوماندان غبرك غند آخر الامر هجوم خود را توقیف داده از جهت شمال وجنوب بر هجوم امر نمود .

« یك روز لطیف وصاف زمستان بود . هدفها بخوبی فرق وتمیز میشد . قسم اعظم آتش طوپچی بر (شالینچو) توجیه شده بود . در قریهٔ (شالینچو) که تحصنگاه روسها بود بر سر یك خانه یك بیرق روسی نمودار بود که علامت اقامتگاه جنرال روس بود . ژاپانها بادو گلهٔ طوپ این خانه را درمیان دود ها وغبارهای انهدام غرقه نمود . در اطراف یك تلاش وپریشانی بزرگی دیده شد ، وعلامات فرار در افراد روس پدیدار گردید . بادوربین میدیدیم که سپرهای روس چسان باگله های طوپ برهوا میشد .

« یك گلهٔ طوپ ژاپان بریك طوپ روس اصابت نموده طوپ را پاره پاره نمود . طوپچیها بفرار آغاز نهادند . درموضع روس پریشانی وپراکنده گی سرزدهٔ ظهور گردید . شعله های حریق که علامت رجعت است ازمیان خانه های قریه پدیدار گردید .

« غبرك غند (حوناغا) قریه هایی را که از طرف دشمن ترك شده بود استیلا نمودند . ژاپانها یکچند تفنگ ماشیندار وصد ها تفنگ یافتند . ساعت (٤) بود که صداهای مسرتکارانهٔ (بانزای ، بانزای !) عساکر ژاپان بفلك برشده حتی مجروحین نیز به این سرور عمومی اشتراك میورزید .

« ضایعات ژاپانها عبارت از (٤٠٠) نفر بود .

« آمدیم بر غبرك غند (هایاشی) : جنرال (هایاشی) بموجب امریکه

گرفته بود بوقت صبح بحرکت اغاز کرده بکمال سهولت قریهٔلا (شیجو) را که در زیر اشغال یك مفرزهٔ خفیف روس بود استیلا نمود . اما روسهادر نجابنابر فکر مخصوصی مقاومت نکردند . زیرا در جوار (لاشیجو) یك طوپچی بسیار قوتمند شان دریك موضع پنهانی بسخو کرده بودند . و به انداخت مهیا نشسته بودند . ژاپانهابجردیکه ازقریه برامدند (۶۰) قطعه طوپ روس بیکبارگی بران ها آتش کردند . این آتش برقریه یك تأثیر بسیار مخوف ومهلکی اجرانمود . ژاپانهادانستندکه روسهادرزیرحمایهٔ این آتش طوپ بیك هجوم شدیدی آغاز خواهندکرد .

« فی الواقع قولهای کشف ژاپان خبردادندکه یك کتلهٔ مظلم وتیرهٔ از دوربه اینطرف در حرکت میباشند . بلی ، روسها بهجوم اغازکردند . قریهٔ (لاشیجو) مانند دیگرقریه های چین بایك دیوارخشت پختهٔ محاط بود . ژاپانهابچابکی تمام باسرنیزه های خوددر دیوارهای مذکورتیرکشها کشیدند وبکمال استعجال در جا های لازمی خندقهای شکاری کندند .

« روسهابزودی تمام نزدیکشده میرفتند . چون به(۲۰۰)متره نزدیك شدند . ژاپانها خیلی مؤثر ، مدهش ، کثیف یك اتش کشادند . درظرف یکدو دقیقه خط نخستین روس محو کرده شد . این خط چون از نظر زایل شد جسمهای سیاه سیاهی بر روی هم غلطیده دیده شد .

« بعد ازان خطهای دوم ، وسوم هجوم کردند . اما این دوکتلهٔ نیز که بقدر (۱۰۰) متره به نزد یکشدن موفق شده بودند درمدت بسیار جزوی کاملاً ناپدید گردید . باقیمانده گان بسرعت تمام بقدم دویدن بفرار نهادند .

« درین محاربه از ژاپانها(۸۰۰)، واز روسها(۱۳۰۰) عسکر ضایع شدند .

« سما باابرهای مظلم پوشیده شده یك شب بسیار تاریکی جهانرا فرا گرفته

بود . ده های همجوار درمیان شعله های آتش مانده همه افق یك حلقهٔ آتشینی شده بود . درهر هرطرف زنبیل وا لاهای خسته خانه باچراغهای خیره مجرو حین راجستجو میکردند . وچراغهای کوچك الکتریکی برای تبلیغ کردن اوامر، ونقشهٔ حاضری فردا درلمعه نثاری بود . »

امروز درتول غند های (۱، و ٥) م محاربه‌ها ئیکه شایان ذکرباشد بوقوع نیامد . غیرك غند خاصهٔ (۲) وم تول غند نخستین به هجومهای مقابلی که دوچارشده بود باوجودیکه بضایعات کلی دوچار شدند ولی بازهم درشمال ساحل نهر(هون) ثبات کرده وموضع خودراخیلی تحکیم کرده اند .

تول غند (٥) م از خطی‌که در(۱) م مارچ به ان داخلشده بودبه‌پیش رفتن کامیاب نیامده بود . لهذاازقرارگاه عمومی در(٥) م مارچ برای‌تول غند نخستین امررسید که برای سهولت‌بخشیدن تعرض‌تول غند(٥)م‌یکسر بسوی شمال شرقی حرکت‌کنند .

امروز جنرال (قورو پاتکین) برقطعات تول غند (۳) وم ، و(۲) وم ژاپان که از طرف غرب بر(موکده ن) پیش می آمدند تعرض کردن را قرارداد . وبرهر هرطرف برای این ترتیبات اوامرتبلیغ نموده اما کیفیت تبلیغ اوامر بخوبی تنظیم نشده بودکه ازانروقول جناح راست بوقت صبح موعود هنوز بخوبی ودرستی برای هجوم حاضرنگردیده‌بوده وبعدازپیشین مجمع آمدن موفق شده ازانرو در (٥) م مارچ بر تعرض متصورهٔ خود کامیاب نیامد .

حالا نکه ژاپانها ازروسها خیلی پیشترتشبثات خودرا بکاربردند . در وقت صبح بسیارتاریکی روز (٥) م مارچ، قسم کلی لوی‌غند (۸) م ، و (٥) م ژاپان برفتار پیش روی آغازنهادنده فرقهٔ (٥) م روسهارا که درشمال

نهر (هو نهو) موضع گرفته بودند ازموضعهای شان طرد ودفع کردند .
این نتیجه چون حاصل شد ، رو سها بخوف افتادند که ژاپا نها موضع شانرا
از میان بدونیم خواهندکرد . واز ینسبب تعرض متصورهٔ شان بتأخیر افتاد .
تول غند (۳) وم امروز یعنی پنجم مارچ را به تنظیم دادن محلهای
قطعات خودگذرانید . واین حرکات او بکمال موفقیت بلامانع و به سکونت
تمام اجرا گردید .
تول غند (٤) م نوزو ، امروز بر تعرض و هجوم تپه های مستحکم و
ممتنع التسخیر (پوتیلوف) و (نووغورد) قرارقطعی داده ضبط وتسخیر
کردن آنرا جداً تصمیم نمود . و به اینسبب ازغرب بسوی (شا حو پو)
پیش آمده دروقت شام (٥) م مارچ پیاده های خود رابمسافهٔ (۶۰۰) متره
بموضعهای دشمن نزدیك ساخت این حرکت پیش روی، درشب (٥) م مارچ
بسهولت اجرا گردید .
درروز (٦) م مارچ ژاپانها تپهٔ (پوتیلوف) را ضبط و استیلا کردند .
درباب کیفیت ضبط واستیلای تپهٔ (پوتیلوف) این تفصیلات را مخابرین حرب
بیان میکنند :
« درروز (٦) م مارچ درعقب موضع روسها دودهای بسیار کثیف
ومظلمی بلند میشد ، هیچ شبهه نیست که این علامت رجعت بود .
« امشب ژاپانها براستحکامات (حولاتون) بریك هجوم شدیدی قرار
دادند . خط اول پیشترین خود را نزدیك نیمشب تقویه کردند . آتش رو
سها آنقدر مؤثر نبود . درنیمشب بحرکت پیش روی اغازنهادند . یك قطعه
عسکر استحکام بعد ازانکه ثلثان موجود خودرا غایب کردند ازمیان دامها و
شبکه های سیمی بکشادن یك راهی کامیاب شدند .

« ضعیف شدن مقاومت دشمن ظاهر واشکار بود . بوقت صبح ساعت (٤) همهٔ استحکامهای اطراف ضبط کردید . درینوقت از هر طرف صدا های قوماندهٔ قوماندانهای ژاپان که (سوزومه !) یعنی — (زرزاو !) شنیده میشد . اما تپهٔ (پوتیلوف) انقدر قوتناك بودکه هجوم بردن روزرا بر ان بخیال وخاطر هم نیاید اورد . فی الحقیقه تپهٔ پوتیلوف باوجودیکه دیگر استحکامات اطراف ان سراسر ضبط هم کردیده بود بازهم تابحال خودرا مدافعه میکرد .

« برای بازکردن راه درشب قطعه ها سوق کرده شده در زیر اتش تفنگ های ماشیندار این قطعه ها نیم قوت موجودهٔ خودرا ضایع کردند . اماچون همهٔ غبرك غند بیکباره گی به اجرای صولت اغاز کردند بغله های پرسنگلاخ تپه دریك ان با مها جمینیکه سینه کش بران بالامیبرامدند مستور کردید . ژاپانها بعد ازانکه خندقها وسپرهارا گذشتند بایك طوفان تهیجات درمیان رودوتها ئیکه روسها ترك کرده بودند خودرا انداختند .

« درمیان سپرها ئیکه بر هوا شده بود ، وکوسنگهای که پارچه پارچه شده بود ظروفهای شکسته ، وتفنگهای ماشین دار پاره پاره شده ، ونعشهای مقتولین ئیکه [illegible] دیده میشد .

« صبح دمید . بر سوزوره بلند تپهٔ (پوتیلوف) یك بیرق (شمس طالع) ژاپانی موجزن مهابت کردیده . درینوقت یك صدای مهیب وممدید (بانزای) دراطراف واکناف عکس اندازشد .

« [illegible] نهایت الامر غبرك غند (ایه یاشی) تپهٔ (پوتیلوف) ممتنع التسخیر رابفدا کردن جانها ضبط وتسخیر کردند . »

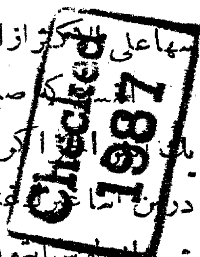
آمدیم بر غبرك غند (۲) م لوی غند نه تپهٔ (پوتیلوف) راضبط کرده : این غبرك غند که در زیر قوماندهٔ جنرال (اوتامی) بوده بسبب سعیها وفدا کاریهای بیهوده

ئیکه در (۳، و ٤، و ٥) مارچ اجرا کرده بودند امروز بیتاب و طاقت مانده بودند . هم عسکرهای روس و هم عسکرهای ژاپان بیتابانه بخواب رفته بودند . هیچ صدای تفنگ از هیچطرف شنیده نمیشد . درینوقت نوبت آتش به طوپچی آمده بود .

درمیان عساکر ژاپان که درزیر آتش طوپچئی دشمن خوابیده بودند ضایعات خیلی زیاده بود . دریك قریه ئیکه بمسافهٔ (۲٥۰۰) متره در جنوب (یو شانتون) موجود بود در پشت یك دیوار جنرال (اوتامی) باافسران معیت خود نشسته بودند . درینجا درهر بیست دقیقه یکباریك آتش متصل شرانپل همی ریخت . یك کمی به انسو بیرق صلیب احمر افراشته شده بود که این محل خسته خانه بود . دوکتورها ، ومعاونهابا دانه های شرانپلی که ازطرف دشمن میامد زخمی میشدند . مجروحین نیز زیاده تر مجروح میشدند . مع هذا دوکتورها بکمال سکوت وارامی برکار خود دوام میورزیدند .

درپشت دیوارده یك صحنهٔ جالب دقتی مشاهده میشد . هرمجروحی که ازخط محاربه میامد ، بمجردیکه قوماندان غیرك نمند جنرال (اوتامی) رامیدید همانده وضعیت عسکرئی خودرا گرفته ، وراسمهٔ احترام را بجا اورده بسوالیکه ازطرف قوماندان پرسیده شود منتظر میماند . مجروح ، اگر افسرمیبود به نزدیك جنرال امده وراسمهٔ احترام را بجا اورده درحالتیکه اززخمش خون درجریان میبود درباب حال و ضعیت حربیه بیان معلومات میکرد . جنرال اگرچه میگفت : « بسست ، تشکر میکنم ، چابك بروید زخم خود را به بندید . » بازهم مجروح همهٔ تفصیلات خط حرب را که موجب فایده برداشتن جنرال باشد فراموش نکرده همه را یکان یکان بیان میکرد .

امشب یعنی — شب (٥) م مارچ روسها بریك هجوم مقابل برخواستند که مقصدشان ازین هجوم پنهان کردن رجعت شان بود . ذاتاً رجعت کردن رو


Checked 1987

مهاعلی الحکم از آتش کردن شدید ولی بی تأثیرشان معلوم میشد .
امسکا صبح روز (٦)م مارج از استحکامهای (لوشیانتون) اینچنین بیان اذا کرده میشد . بوقت پیشین شدت آتش سراسر تخفیف یافت .
درین اثنا عسکر دشمنند (ایمایاشی) بر (حولاتون) درهجوم کردن بود . بساعت یك شب از (لوشیانتون) یك انداخت شدتناکی شنیده میشد . مگراین نشانه حیات ومقاومت اخرین دمدار روس بود . بعد ازکمی از طرف ارکان حربیهٔ جنرال (نوزو) امرامد که از (شاحو) گذشته یکسر بسوی (فانشان) پیش رفته شود .
دشمن بحال رجعت نام بود . بعدازغروب آفتاب میدان محاربه خالی و متروك ؛ وهمه قریه های سوی شمال درمیان علوها وشعله هامستغرق مانده بود .
صبح روز (٧) م مارج تا از بسیار دور جاها کوتاه اما بسیار شدتناك آتش تفنگ شنیده شده بساعت (١٠) این صدا از بسیار دورتر جاها عکس انداز میشد .
از (فانشان) هم گذشتند . محاربه درینوقت به (موکدهن) نزدیك میشد . استحکامهای تپهٔ (پوتیلوف) و (حولاتون) و (لوشیانتون) که از هفت شبانه روز دراطراف آن محاربه های خونریزانهٔ دوام کرده بود و موجب تلفات عظیمه شده بود درینوقت درعقب، متروك وتنها مانده بوده ودر میان ولوله وهیجانهای محاربه های نوی که بعدازین بمیدان میبرامد سراسر فراموش شده رفته بود .
آمدیم بر لوی (٤) تول غند (٣) م جنرال (اوقو) : حرکات روز (٥) م مارج لوی غند، مذکوره رایکی ازمخابرین حربیه به اینصورت تفصیل میدهد:
« بعد از جنگ وقتال معندانهٔ که در (لاشیمپو) بوقوع آمد ژاپانها استراحت گزین نشدند . ازسر رود وتهابر جهیده یکسر بسوی پیش بحرکت

دوام ورزیدند . شعله های ده های محروقیکه دراطراف بودبرای غبرلك غند (هایاشی) درظلمت شب خدمت مشعله داری را ایفا مینمود . مقاتلهٔ (لاشیمپو) فراموش شده بود . دراینوقت هرکس به افکار محاربه هائیکه بعدازین بوقوع می آید مشغول بودند .

« بساعت (۸) شام به یك دهی که (۳) کیلومتره پیشتر بود بیامدند . ده سراسر متروك وخالی بود . در میان این متروکیت حزین ، حریق توجه دلخواه خودا اجرای حکم مینمود . همهٔ خانه هایکان یکان و پی هم طعمهٔ لهیب آتش میشد . روسها به (طازوزامپو) عقب کشیده بودند . در کوچه ها ، وزیر درختان بزرگ ده ژاپانها تول غندهای خودرا برپاکرده بودند . ضیای مغموم حریق ، تول غندراروشنی وحرارت میبخشید . درخارج ده و در میان ظلمت کثیفه قراولها بهره میدادند . گاه گاه ازبسیار دور لمعه های آتش طوپ دیده ، وصداهای رعد آسای بعید آن شنیده میشد . مگر این صدا از بومباردمان تپهٔ (پوتیلوف) می آمد .

« غبرك غند (صوناغا) ی این لوی غند ؛ بعدازانکه تابشام استراحت نمود به وقت صبح (۵) م مارچ پیش از طلوع اردوگاه خودراترك کرده بحرکت پیش روی اغازنهاده بود ، وبعدازکمی ده (قوچاچو) را استیلا نمود .

« غبرك غند (هایاشی) بساعت (۱۲) تاجنوب ده (طازوزامپو) پیش شده بود . قراولهای پیش روس بی انکه یك گله بیندازند به (پای تاچون) که مجمع قسمکلی شان بود عقب کشیده بودند .

« ژاپانها دراثنائیکه درقسم جنوبی قریه یك کمی توقف کرده سرازنو برای پیش رفتن حاضری میدیدند ، طوپچئی روس برده مذکورناگهانی و شدید یك آتشی کشادند . جنرال (هایاشی) یك افسر را باچند نفر برای تجسس

به پیش روانه کرد . بعداز دو دقیقه این قول کشف دویده دویده امده خبر دادند که روسها از (پایتاچون) برقریه هجوم میاورند ، وبمدخل شمالئی قریه نزدیکشده اند .

« جنرال (هایاشی) گفت : « یك هجوم مقابل اجرا بکنیم» اماافسران معیت اومدافعه را تکلیف کردند . اما جنرال که مالك یك طبیعت غیرقابل انحنا بود شمشیر خودرا کشیده وبه پیش برامده ، (هجوم مقابل لازمست) گفته بالذات قومانده را بدست گرفت .

« مسافهٔ که در مابین هردوقریه بود بقدمهای دویدن قطع کرده شد . شرانیلهای روس دراطراف قریه همیریخت ، واززمین ابرهای خاك وغباررا بر میداشت . ژاپانها بیتاب وبی توان شده بقریهٔ شمالی رسیدند . خط اول دشمن از خط احاطهٔ دیوارقریه بقدر (٤٠) متره دورتربود . خط دیگران هنوز (٢٠٠) متره دورتر بودند که اگر یکچنددقیقه تأخیرمیشداین دیوار قریه بیك استحکام دشمن تحویل می یافت . بیك استعجال بسیار بزرگی ژاپانها اخذموقع کرده خزینه های تفنگ خود شانرا بر صفهای دشمن خالیکردند . این مدافعهٔ غیر منتظرصولت روسها را شکستاند .

« خط پیش هجوم روسها برخاك هلاك غلطید ، وخط دوم ان بعقب درکشید . وبه اینصورت قریهٔ (طازوزا میو) بدست ژاپانها درامد .

« سما باابرهای کثیف ومظلمی مستور، شب خیلی حزن اورومغموم بود . لکن در اردوگاه ژاپانهایك سرور وشادمانی بزرگی حکمفرمابود . چونکه در قریهٔ (طازازامپو) شراب ، نان ، ازهرگونه طعامهای (قونسرده) شده . یعنی — درمیان قطی هامحفوظ مانده ، زغال البسه ، جبه خانه ، لوازم حربیهٔ خریطه ، سیمهابرای دامهاوشبکه ها وبسی مهمات دیگرموجودبود .

«از طرف جنرال امر شد که افراد هرچه که ارزو داشته باشند بگرفتن مأذون اند. ازینسئله یك سرور بسیار مخصوصانه افراد بود. هرکس غزلسرایی میکنند، رقص و شادمانی اظهار مینماید. باده نوشی، وطعام خوری دارد. چنان گمان میشد که گویا اینهمه فداکاریها برای نایل شدن همین مسرت امشبه بوقوع امده است. احتمال که فردا در محاربه خواهند مرد، اما درینوقت هیچ کس فردارا نمی اندیشید. هراندیشهٔ که بود مصروف همین بود که امشبه شب به استراحت وعشرت بگذرد: «یکی جرعه اب از پئی بدسگال به از عمر هفتاد و هشتاد سال!»

«درهمشب بود که از قوماندان لوی غند (٤)م این امر امد: هرچه بادا باد گفته خط شمندوفر، وقریهٔ)پاتاچون(را میباید که ضبط کنید.

«لهذا در زیر خیمه یك مجلس مذاکرهٔ کوتاهی عقد گردید. بعد از یکساعت چاووشهای امررسان بقوماندانهای غبرك غند ها امر جنرال را تبلیغ مینمود. وقت هم به صبح رسید.»

تول غند جنرال (نوزو) باغبرك غند جناح چپ خود بساعت (٦) بهجوم (حانجاپو) اغاز کرده بود. درین اثنا لوی غند (٤)م جنرال (ازقو) نیز امر قوماندان فرقه را که عبارت از ضبط کردن خط شمندوفر و قریهٔ (پای تاچون) باشد ایفا مینمود.

غبرك غند (صوناغا) سرراست براه شمندوفر پیش میشود، وغبرك غند (هایاشی) از (طازوزامپو) بر قریه های (پای تاچون) هجوم میبرد. طوپچئی ژاپان نیز حرکات اینهارا ستر ومحافظه مینماید.

از حرکاتیکه غبرك غند (صوناغا) بر خط شمندوفر اجرا نمود هیچ یك نتیجهٔ حاصل نشد، زیرا روسها انجارا خیلی تقویه و مستحکم نموده بودند.

امروز به اینصورت گذشت . خیلی . کچیزی فائده حاصلشد . آنهم بخون بهای (٤۰۰) نفر .

غبرك غند (هایاشی) درین اثنا پیش از انکه بر (بای تاچون) هجوم کنند برای استیلا کردن قریهٔ (شا کین بو) کوشش میورزید . یك کندك برای هجوم به پیش فرستاده شد . زمین بادانه های طو یل سوراخها وشکافته گیهای جسیمی پیدا کرده بود . عسکرها درمیان این حفرها میدرامدند ، ودرانجا خودشانرا از آتش دشمن تا یکدرجه محافظه میکردند .

درمابین (طازا میو) وقریهٔ برای هجوم میشد بقدر (۱۲۰۰) متره مسافه موجود بود . آتش تفنگ تأثیر شدیدمدهشی اجرامیکرد . ضایعات خیلی عظیم بود . برای تقویهٔ هجوم یك کندت دیگر فرستاده شد . این کندك نیز از آتش تفنگ بضایعات بسیاری دچار گردید . گاه گاه موضعهای روس از آتش دشمن بایك دود آبی رنگی مستور میگردید . یکی یکبار بهجوم بر خاستن غیر ممکن بود . بجز اینکه خطوه بخطوه از پیش رفتن مسافه کمایی شود دگر چارهٔ نیست . بوقت شام خط اول هجوم بقدر (۲۰۰) متره بدشمن نزدیکشده بود . وولولهٔ محاربه بدرجهٔ بود که صداهای امرهای افسران نیز شنیده نمیشد .

وقتیکه شب شد محاربه یکقدری سکونت گرفته عسکرهای زنبیل دار و غندهای خسته خانه برای جمع کردن مجروحین بگردش آغاز نهادند . این افراد صحیه در اثنائیکه بهایفای وظیفه های خود مشغول بودند مجروح ویامقتول شده بزمین میافتادند .

یکی ازین افراد که گله برسینه‌اش خورده بود دیگر رفقایش چون خوا ستند که بر داشته اورا ببرند اوامتناع نموده گفت : (مرا بگذارید که بمیرم زیرا من یك ادم بیفایدهٔ هستم . من برای برداشتن آمده بودم نه برای برداشته

شدن . دیگران را نزد دارید.) این آدم بکمال استراحت وجدان به ارامی جان داد .

جنرال (ها یاشی) از بیهوده گذشتن امروز متأثر شد . بساعت تمام افسران خود را جمع کرده در کنار یك آتش بزرگی که افروخته بودند یك مجلس مذاکره عقد نمود .

جنرال گفت :

« امروز صبح یکی از غیرك غندهائیکه به تول غندما منسوبند بضبط کردن قصبهٔ (حانچا بو) موفق گردید حالانکه ماهنوز (شا کین بو) رابدست آورده نتوانستیم . آیا شما به این راضی هستید که از دیگر رفقای عسکریهٔ خود پس مانید؟ اگر همه غیرك غندما محو بشود باز هم باید که این قریه را ضبط کنیم . من برای مردن حاضرم . آیا شما حاضر هستید؟ »

افسران بعد از شنیدن این سخن جنرال بکمال سکوت بر قطعه های خود عودت کردند . بعد از کمی همهٔ تول غند بجوش و خروش آمد . مگر سخن جنرال افراد را بغلیان آورده بود ، و بر اینها یك تأثیر سحر آمیزی اجرا کرده بود . در ینوقت همهٔ افسران و افراد بمردن حاضر شده اند ، و همهٔ شان مردن را تمنا میکنند .

ترتیبات هجوم بر قریهٔ (شاءو کین بو) بساعت یکشنیم ختام یافت در میان صفهای عسکر یك سکوت عمیقی حکمفرما بود . خط نخستین هجوم را دو تولی پیاده تشکیل مینمود . پلان و نقشهٔ هجوم این بود که بمواضع دشمن بیصدا و بی ندا نزدیکشده و بعد از آن یکی یکبار باسرنیزه هجوم را اجرا کنند بنابرین پلان ، عسکرها محاربه نمیکردند . ولی یکسر بسوی . وضعهای دشمن میدویدند . در تاریکی شب بمقابل لمعه های اتش تفنگی که از خط شکاری موضع روس دیده میشد نومیدانه ووحشیانه میدویدند .

عدد مقتولین دقیقه بدقیقه افزونی میگرفت . صدای افتادن مردگان از برخوردن تفنگ شان بر زمین سخت معلوم میگردید . چنان پنداشتی که گویا افراد به امر جنرال (هایاشی) که گفته است (خود را بکشید) عمل میکنند .

در ظرف یکدو دقیقه دو تولی نخستین محو گردید . درعقب (۱۹) نفر باقیماند . محو و زوال این دو تولی بچنان جلدی و سرعت بوقوع آمده بود که کفتانی که در خط دوم قوماندہ میکرد چون بکفیدن و اشتعال گله ها یکقدری روشنی پیدا شد، دیدکه در پیش رو هیچ کس نمانده ، ازان رو چنان گمان کرد که آن دو تولی برای محافظهٔ جان خود شان بر زمین دراز کشیده باشند . بلی دراز کشیده بودند اما چنان درازکشیدنی که تاابد برنخیزند بنابرین خط دوم ، بجای خط اول قایم گردید ، ودران ساحهٔ موت برفتار آغاز نهاد . درکم مدت نصف این خط نیز مقتول گردید . وخطهای (۳) وم و(٤) م نیز بضایعات عظیمه دوچار شدند .

ظلمت شب چون خیلی تیره بود موضع روسها تفریق نمیشد . ژاپانیها دران تاریکی شب بروشنی آتشهای تفنگ دشمن به پیش میدویدند ، ونعشها ومجروحان خود شانرا پامال میکردند ، وازموانع فرعیهٔ روسها برمیجهیدند .

خطهای پیشترین ژاپان بقدر (۳۰) متره بموضعهای روس نزدیک شدند . امادرپی شان خیلی کمترعسکرمانده بود . عاجلاً امداد فرستادن لازم بود . جنرال (هایاشی) کرنیل (قاجوغازه) راباکندکش امر کرد که قریه را از جهت شمال احاطه بکنند . اما چون روسها جهت شمال رانیز بخوبی تحکیم کرده بودند یک باران بلای گله های تفنگ وتفنگ ماشیندار را بران ها بریختند .

کرنیل که ازهمه پیشتر در دویدن ، وتشویق دادن بود ازقلم پای خود

زخمدار گردیده بیفتاد ، وبه کفتانی که درعقب او بود گفت که : « قوماندا را شهاد رعهده بگیرید . » کفتان گفت : « مستریح باشید . هرچیز بخاطر خواه شما اجرا خواهدشد . » اینرا گفته وهماندم به پیش دویدن وامردادن آغاز نهاد .

افراد استحکامی که باان کندك همراه بودهاوانهای چوبینی را که همراه داشتند درنقاط مناسبه تعبیه کردند . ژاپانها باان هاوانها از مسافه های نزدیك مواد مشتعلهٔ ناریه انداختن گرفتند ودرکم مدت نتیجهٔ تأثیرات مدهشهٔ آنها دیده شد . دیوار ها وسپرهآینی هم غلطیدن گرفت ، و شعله های مدهشهٔ احتراق بالاشد .

مهاجمین ازین احوال استفاده کرده بهجوم سرنیزه برخواستند ومانند یك سیلابهٔ خون افشانی که درجریان آید هرچیزیکه درپیش روی شان می آمد باخود برداشته میبردند . روسها موضعهای خودراخالی کردند ، واز خانه بخانه ودیوار بدیوار برجهیده برخط شمندوفر بفرار آغاز کردند .

در وقت طلوع فجر میدان محاربه پدیدار گردید . درخندقهای شکاری مجروحین ، ومقتولین باخاك وخون اغشته شده خرمنهای جسیمی تشکیل داده بودند . در میان غارهای بزرگی که دانه های طورپیل انرا بوجوداورده بود اعضای بشر پرومملوشده بود . این منظرهٔ مؤلمه موهای انسانرا برمیخیزانید . ودل انسانرا زیر وزبر میکردانید . ضایعات ژاپانها زیاده از (۲۰۰۰) ادم بود . روسها بقدر (۱۷۰۰) تفنگ وبسی جبه خانه و خیلی مهمات وارزاق درین قریه ترك کرده رفته بودند .

درینوقت همه صحنهٔ محاربه رایك واویلای سرور غالبیت پرکرده بود . عسکرهای ژاپان در اطراف اتش بزرگی که درپول غند افروخته بودند جمع امده متمادیاً اواز های (طــا یقو قو ؛ با نزای زنده باد میکادو !) را

بفلک میرسانیدند .

سرقوماندان روس جنرال (قوروپاتکین) خط مدافعهٔ جهت (شاحو) واسرا سرخالی کرده قوت خودرابرای تقویهٔ جبههٔ غرب جمع نمود . زیرا ازانطرف تول غند جنرال (نوژی) خط رجعت تول غند روس رااحاطه نموده بود .

احتیاط عمومئی تول غند ژاپان در (۷) م مارچ درعقب جبههٔ تول غند (۳) وم مخود مواصلت کرده بود . غبرك غند (۱۷) م لوی غند (۳) وم تول غند (۲) وم بوقت صبح (۷) م مارچ بموضع مستحکم (بوحونتون) روس داخلشده . ولی از طرف قول تول غند نخستین سبیریا ، ولوی غند (شانیلوف) وغند (۱۰) م روس که برای تقویت آنطرف آمده بودند بضایعات عظیمه دوچار شده وهمه موجودی غبرك غند مذکور به (۴۰۰) نفر تنزل کرده در نیم شب برجعت مجبور شدند .

باقیماندهٔ لوی غند (۳) وم ولوی غند (۸) م خاصه بر هجومهای خودشان دوام میکردند . وقوعات امروزی را مخابر ایتالیایی به اینصورت بیان میکنند .

« درروز (۷) م مارچ هنگامیکه روشنئی خیرهٔ آفتاب زمستان پردههای دمهٔ کثیف هوا را پاره کرده جهان را روشن ساخت معبد (یه لین) مانند منارههای چراغ دوار ساحل بحر در منتهای افق پدیدار گردید . دران اثنا از تول غند (اوقو) مشاهده شد که یك خط سیاه درازو اسرارانگیزی ممدود شده می آیند . مگر اینها قطعههای عسکر روس بودکه برای اجرای هجوم می آمدند .

» بادوربین اولا یك کتلهٔ جسیم بشر مشاهده شد . بعد از ان سرها ، و تفنگ های شان را تفریق کردیم . اماپاهای شان درمیان ابر کثیف خاکی که از حرکت رفتار شان میبرامد پنهان بود .

» جنرال (قوروپاتکین) میخواست که تول غند (نوژی) را که راه گریز

اورا گرفته از میان بدونیم کرده یك راهی برای خود باز کنند . از طرف ار کان حربیهٔ تول غند ژاپان، حرکات این سیلابهٔ مظلم بیك اعتنای مخصوصی تعقیب وتدقیق کرده میشد . تخمیناتیکه درحق قوت دشمن داشتند رفته رفته افزونی میگرفت . قوهٔ مذکوره لااقل از یك قول تول غند مرکب بود . حالا آنکه در مقابل آن تنها دو غند عسکر ژاپان موجود بود . این دو غند قوت آزمای ژاپان باوجود کمئی عدد خود دلیرانه مقاومت کردند . اما سراسر محو هم شدند .

« مصادمه در (لیقامپو) بوقوع آمده پیش از آنکه از جریان محاربه بحث رانیم بماسبق احوال یکقدری عطف نظر بکنیم :

« در مقابل (لیقامپو) لوی غند (۳)م ژاپان موجود بود که یك قسمی ازین لوی غند برای معاونت لوی غند (۸)م تول غند (۲)م که بسیار در زیر تضییق و فشار آمده بود فرستاده شده درینوقت تنها یك لوا که مرکب از دو غند باشد مانده بود .

حال آنکه روسها از (لیقامپو) تابه (چه نجی تین) مضاعف یعنی — دولایه یك خط مدافعه تشکیل کرده بودند . قریه های (لیقامپو) و (صانغه یا) دو مرکز مقاومت این خط بودند .

« قوماندان لوی غند هجوم را برین دو قریه امر نمود . غندها بر قریه های مذکور دویدند . غندیکه بر هجوم (صانغه یا) مأمور بود این قریه را بیك حمله ضبط کرده روسها بر خط دوم مدافعه عقب کشیده از انجا قریهٔ (صانغه یا) را بزیر آتش مقراصواری گرفته حال غند را بیك دورهٔ بسیار ومدهشی در اورده . غندك طوپهای روس نیز باین اتش اشتراك ورزیدند . غند دیگر که بر قریهٔ (لیقامپو) بهجوم توجه کرده بودند بوقت صبح بامشکلات وضایعات بسیاری بعضی اقسام قریهٔ مذکور را بدست ضبط وتسخیر در اورده بودند .

« اینست که درینوقت روسها برای پس بدست اوردن این دو قریه بهجوم مقابل باقوای فایقه اغاز کرده اند .

« ژاپانها بکمال دشواری و جانکنی موضعهای خود شانرا محافظه میکردند . بساعت (۹) روسها قوۀ امدادیۀ فایقه گرفته بودند . بساعت (۱۰) چون دو به طرف گردید بصورتیکه مذکور گردید نزدیکشدن یك قول تول غند مکمل روسها مشاهده شد .

« محاربه تابشام بیك وحشت ودهشت بی مثیلی دوام کرده هردوطرف بضایعات عظیمه دوچار شدند . بجزیك غندمشر و یك سرچاووش دیگر همه افسران غند زخمی وکشته شدند . برا کثر تولیها نفرهای عادتی قوماندهی کردند . افرادنقلیه که جبه‌خانه نقل میکردند نیز تفنگهای نفرهای مقتول را برداشته درخندقهای شکاری بصف حرب داخل میشدند .

« غند مشر در اثنای محاربه بسرچاووشی که قوماندان یك کندك شده بود گفت : « نمیدانم که ایابیرق غند رهایی داده شده است یانی ؟ » سرچاووش تا میخواست جواب بدهد که بناگهان دوگلۀ دشمن امده برسر غندمشر اصابت نمود ، وهماندم مقتولاً برزمین افتاد .

« سرچاووش هماندم شمشیر غند مشر را گرفته وبوضعیت لازمۀ عسکریه بمردۀ غند مشر سلام داده هماندم درمیان افرادغند که برحیات مانده بودند صفت قوماندانی را گرفت .

غند دیگر که در (صانغه‌یا) مدافعه جا نکنانه اجرا مینمود بعد از پیشین به سبب تلف شدن اکثر نفری های غندهایش ، وافزونی گرفتن قوای دشمن خط مدافعۀ خودرا به تنك کردن لزوم دید . بساعت (۳) ضایعات غند بیك درجۀ مدهشی رسید . یك قسم قریه رابامجروحینی که دران بودبه ترك کردن

مجبور گردید . در بعضی جاها نعشهای مرده گان راه را سراسر سد نموده بود که بمجبوریت آنهارا پامال کرده میگذشتند . درمیان این خرمنهای دهشت افزا، خونها مانند یك سیلابهٔ جریان داشت که شدت سردی آن خون را انجماد داده یك یخ مالکی بوجود آورده بود .

« بساعت (۵) خبر مدهش تمام شدن جبه خانه شایع گردید غند مشر بکمال بی پروایی امر کرد که توشدانهای جبه خانه دارکشته گان را جستو کرده بردارید . وبصدای بسیار مهیبی متمادیاً همین دو کلمه ا تکرار میکرد که : (شینومادا) یعنی — (نابعر ک !)

« آخر الامر، غند مشریك قرار نومیدانهٔ داد که آنهم این بود که با همین فیئهٔ قلیلهٔ خود بر دشمن حمله کنند. و بکار حیات خود و افراد خود خاتمه کشد . لهذا کرنیل (اوقوچی) را که بغیر ازو دیگر افسر نمانده بود به نزد خود خواسته گفت :

« من برین یك قراردادم که هجوم کنم ، عاقبت این هجوم معلوم است که چیست . شما بیرق غند را گرفته به نزد جنرال ببرید. و از احوال به او خبر بدهید؟»

« کرنیل (اوقوچی) اگرچه خیلی استرحامها کرد که مرا ازین کار عفو بفرمائید و بگذارید که بهجوم اشتراك ورزم ، ولی چون رهایی دادن بیرق غند عبارت از ناموس ان غند است به اطاعت کردن مجبور شد .

« کرنیل با (۶) نفر قریه راترك نموده براه افتاد . پس هم این شش نفر بعضی مقتول و بعضی مجروح افتادند تنها کرنیل و یك نفر اخری باقی ماند . لکن بعد از کمی انها نیز مجروح شده افتادند . و بکمال مشکلات خودرا کشان کشان اززیر اتش دشمن کناره کردند . درینجا کرنیل از نفر پرسید که :

— چه نام داری ؟

نفر — (می یه را) نام دارم •
کرنیل — راه رفته میتوانی ؟
نفر — یك كمی •
کرنیل — ایا بیرق ومکتوب که بتو بدهم وعده میکنی که بجنرال برسانی؟
نفر — بلی •

«کرنیل بیرق خون الودرا بدودست پرخون خود بکمال احترام تابه پیش جبین خود بالا براورده به نفر تسلیم نمود ، بعد ازان این مختصر وصیتنامهٔ خودرا نوشته کرد :

« درینوقت که میدان محاربه را ترك کرده ام بنابر امر قوماندان غنداست که به ایفای وظیفهٔ مقدسهٔ رهایی دادن بیرق غندمرا مأمور نموده اماچون زخم کاری خورده ام بسبب موفق نشدن برایفای این وظیفهٔ مقدسهٔ خود خیلی بحسرت میمیرم •

برای انکه امشب باغند مشر ودیگر رفقای خود که ازعالم حیات وداع میکنند ملاقی شوم به انتحار کردن قرار دادم • ازین زیاده نوشته نمیتوانم • چونکه خیلی مضطربم • الوداع ! »

« کرنیل (اوقوچی) بعد ازانکه این مکتوب خودرا نوشته به نفر (می یه را) تسلیم کرد طپانچهٔ خودرا کشیده بر شقیقهٔ خود خالی کرد •

« بعد از یکساعت بقرارگاه غبرك غند یك نفری کشان کشان وبحالت نزع واصل شد • این نفر (می یه را) بود که بر پشت خود بیرق غند ودرمیان کلاه خود مکتوب کرنیل را آورده بود • »

لوی غندهای (۵) م و (۶) م ژاپان که درساحل جنوب نهر (هون) بودند ، بعد از محاربه های خون ریزانهٔ بسیاری بوقت شام (۷) م مارچ ، روسهارا

تا بخط شمندوفریکه درمابین (مادیاپو) ، و(سویانون)بودطردودفع کردند .
درباب حرکات امروزینهٔلوی‌غند(٤)م‌این‌تفصیلات رامخابرهابیان میکنند:

« بر (حانچوپو) ازجبهه هجوم بردن غیرقابل مینمود . (حانچوپو) میبایست‌که از غرب خط شمندوفر احاطه شده از پهلو و پشت هجوم بران برده شود .

« اضطرابات ومشقاتی‌که عسکرهای قراول ژاپان‌که (۳۰۰) متره دور تراز موضع دشمن به بهره‌کشیدن مجبور بودند ، وبروزها گرسنه وتشنه و وسردی شدید ، وزمینهای یخ بسته درزیربومباردمان آتش‌طوپ دشمن بسرآورده اند ممتنع التصوراست .

« حرکت احاطهٔ موضع مذکور درنیم‌شب (٦) م مارچ اغاز نهاد . اما چون اراضی بخوبی کشف نشده‌بودخیلی به ارامی پیش رفته میشد . روز (۷) م مارچ حاضریها همه اکمال‌شده بهجوم اغازشد . روسها خط شمندوفر را نخستین خط مدافعه قرارداده بودند ، و دراسرتحکیم وتقویهٔ آن بسیار فداکاری بخرج داده بودند .

« اول یك کندك به پیش رفته بقدر (۳۰۰)متره بشمندوفر نزدیکشدند ، پیشتر ازان پیشتررفتن خیلی مهلك بود . ژاپانا نهایکهای نوءیدی بهجوم قرار دادند . خط پیشرو پریشان گردید . خط دوم نعشهاو پامال کرده بپیش رفتند . وروسهارا از خط شمندوفربه آنطرف براندند . روسها بزیرفت یك منظرهٔ عجیبی درعسکر ژاپان تماشا میکردند :

« میدیدندکه یك قافلهٔ نفریهائی که تخته چوبهای درازدرازی رابصورت عمودی بدست داشتند جنبان جنبان بسوی شان می امد چون به نزدیك دامها وشبکه های سیمی روسها رسیدندهماندم بیك چستی وچالاکی بسیار

عجیبی تخته چو بهارا بر روی سیمهادراز انداختند ، وتامیدیدندکه چه میشود کنندکیکه ازهمه پیشتربود بیك صولت طاقت برانداز انهٔ برانها برامده خودرا درخندقهای شکاری واستحکامهای روسها پرتاب کردند . درظرف یکدو دقیقه درمیان تمام استحکامهاوسپرهایك مجادلهٔ وحشیانهٔ برپاگردیدوزدوخورد سرنیزه وتیغ و خنجر ولکد ومشت ودندان برپاشد .

« روسها تدریجاً به خالی کردن موضعهای خودشان آغاز کردند (حانچوپو) بساعت (١١) ازطرف ژاپانها استیلا کردید . این موضع اهمیت فوق العادهٔ را مالك بود . زیرا این موضع خط جبههٔ روسهارا از پشت وپهلو تهدید میکرد ، ودرا تموضعهای مستحکم خودرامحکم کردن محال مینمود .

« فی الواقع بمجردیکه (حانچوپو)سقوط نمود روسهاعموماً برجعت آغاز نهادند ، وبرای مشغول ساختن دشمن ، وستر کردن رجعت کردن خوددر استحکامهای خود شان قوتهای خفیفی کذاشتند .

« در مقابل تول غند های (قوروکی) و (قاواءورا) نیزمقـاومت و توانایی روسها دوچار تزلزل کردید . در (٨) م مارچ بوقت صبح جنـاح چپ ، وهمهٔ مرکزتول غند ژاپان بکمال متانت بر خط مدافعهٔ نوروسهاپیش روی آغاز نهادند . »

همهٔ این محاربهٔ میدان (موکدهن) ازیك قریهٔ کوچکی که (١٢) کیلو متره درجنوب (لا موتون) واقعست ، وازیك خانهٔ کوچکی که درین قریه میبا شد سوق واداره میشد . ولوله ، ودغدغهٔ هزاران طوپهای آتشفشان که در نقطهٔ حرب اجرای تخریبات میکرد احتمال که به این قریه هیچ عکس نمیکرد واگر میکردهم بصورت بسیار مبهمی عکس میکرد .

این خانهٔ کوچك بمثابهٔ دماغ وجود انسان بود ، وچنانچه جمیع رگها

و پی های وجود بشر به دماغ مربوط است ، و همهٔ حرکات بشر تابع حسیات همان دماغست پس اگر وجود محاربه را وجود یك انسانی فرض کنیم این خانهٔ کوچك را بمثابهٔ دماغ آن قیاس باید کرد ، وچنانچه همه پی های وجود بدماغ مربوط است ، هر نقطهٔ میدان محاربه نیز باسیمهای تلگراف وتلفون بهمین خانه مربوط میبود . هر کار درهمین خانه تفکر میشد ، و هر حاضری درهمین جادیده میشد . وهمهٔ آن تول غند به آن بزرگی دراموز جزوی و کلی از همین خانهٔ کوچك ومحقرسوق واداره میشد .

همهٔ فعالیت وحرکت صد ها هزار آدم که بصدها کیلومتره زمین رافرا گرفته اند ازطرف یك شخصی که درمیان چاردیوار همین خانهٔ کوچك نشسته ترتیب وتنظیم داده میشد . این آدم یك چیزی تصور میکند ، وبعد ازدو دقیقه این تصور وتفکر او بنجاه شصت کیلومتره به آنطرف صدهاهزار آدم را بیکبار بحرکت می اندازد ، ویابیست هزار آدم را دفعتهٔ دردریای آتش وخون غوطه میدهد ، ویا بهزارها طوپ رابغرش می آورد ، ویا یکچند کندك را درظرف یکدوساعت بی نام ونشان میسازد .

بیك سخن این آدم طرز جزیان وقایع حربیه ، ومسلك سیاسیهٔ چند حکومت علاقه دارتبدل وتزلزل یافته میتواند ، ویك عبارت آن موجب تبدل عظیم تاریخ بشریت میشود . این آدم را البته قارئین کرام شناخته باشند که جناب مارشال (اویاما) ست .

یکی ازمخابرین حرب که اقامتگاه وقرارگاه مارشال (اویاما) رازیارت کرده مشاهدات خودرابه اینصورت حکایت میکند :

« درخانهٔ دهقانی یك چینی ، واسع وراحت یك اوتاق . دریك گوشهٔ این اوتاق یك بخاری آهنین بسیار گرم . درپیش بنجرهٔ بزرگ این اوتاق که

بر قفسهای سیمی آن کاغذ هـای شفاف چسپا نیده شده بود یك میز بسیار بزرگ . بر روی این میزیك خریطه — یعنی یك نقشهٔ خیلی بزرگ دار الحرب مانچوری هموار وبیخ شده بود . بر ین خریطه درهرهرجاجسمهای چار گوشهٔ دندان فیل که نمبرهای رنگارنگ مختلفهٔ بران محکوك بود گذاشته شده بود ، واین جسمهای استخوانی نمبرداراز خود فنرهای فولادی داشت که بر روی خریطه درهر نقطه ئیکه دل میخواست ثابت کرده میشد .

• در پیش این خریطه یك جنرالی نشسته بود که به تفکرات عمیقه فرو رفته وچنان محوشده بود که گویانقش همان خریطه گشته است . این جنرال، رئیس عمومی ارکان حرب تول غند ژاپان ، بارون (قودا ما) بود . در پهلوی جنرال (قوداما) یك جنرال دیگری نشسته بود که برجسمهای نمبر دارمذکور حصرانظاردقت کرده ، وبرای حرکت دادن آن درهر آن حاضر و آماده بود . این جنرال معـاون رئیس ارکان حرب جنرال (فوقوشیما) بود . دریك گوشهٔ این میزدر مابین دو آلهٔ تلفون یك غند مشر ارکان حرب نشسته بود که بامخابرات تلفون چنان مشغول بودکه بدیگرهیچ چیزی تمیز داخت . درعقب این میز، ودرپیش دیوار یك میزدیگری بودکه برروی آن میز نیز بعضی آلات وادوات فنیه موجود بود ، ودوکپتان ارکان حرب باآنها مشغول بودند .

• خود مارهشال (اویاما) در وسط اوتاق بریك آرام چوکی نشسته بود . درسیایش سکونت ، ومتانت عمیقی رونمابود . گاه گاه یك ابر دودی هرطرف چهرهٔ مارهشال رااحاطه میکرد . مگرمارهشال سیگاره میکشید ، وبرمیزی که درپیش رویش افتاده بود یك کاسه چای بسیارخوشبویی مانده شده بود . درپیش رویش دوجنرال دیگر نشسته بود .

« دو افسر ارکان حرب که در پیش میز نزدیك جنرال (قوداما) نشسته بودند باآلهٔ (ستنو غراف) امرهایی راکه جنرال میداد قید و ثبت میکردند ، وبرهر امر وقت وزمان دادن ان امر را باساعتهای قرونومتر واشارت کرده برای دستخط به نزد ماره شال تقدیم مینمودند ، ماره شال عینك طلای خود رابکمال اعتنا برچشم خود نهاده کاغذرا امضامیکنند .

« در پهلوی این اوتاق یك دالان بزرك دیکری بودکه درین دالان به پهلوی همدیکر هفت ماشین تلکراف موجود بود ، این هفت ماشین از طرف هفت نفر افسر بیك آهنك دایمی استعمال میشد ، وبقدر ده دوازده افسر دیکر تلکرافهایی راکه از نقاط مختلفهٔ دار الحرب می آمد نوشته وپاك نویس میکردند .

« درین دالان واین اوتاق بجز طراقهٔ یکرنك ویك آهنك ماشینهای تلکراف دیکر هیچ صدا وندایی شنیده نمیشد ، آیا بخیال وخاطر کدام کس بگذرد که این ادمهای ساکت وساکن درینوقت به سوق وادارهٔ یك محاربهٔ میدان بسیار مدهش وخون ریزی مشغول باشند ؟ »

در ساعت (۸) روز (۷) م مارچ جنرال (قوروپا تکین) خالی شدن جبههٔ جنوب خط حرب خود را امر نمود . در (۸) م مارچ مفرزهٔ جنرال (ره ننقامف) بکمال انتظام بسوی شمال برجعت اغاز نهاد .

در تول غند اول روس، قول تول غند (۳) م سیبریا ؛ و نصف لوی غند (۷۲) م پیاده ، وقول تول غند (۲) م سیبریا ، و قول تول غند (٤) م سیبریا در همین روز رجعت قهقرئی منتظمی اجرا کردند . رجعت تول غند بسیار خوب حاضر شده بود . راهها ئیکه تابه (هونهو) رفته بود خیلی واسع ومنتظم بود ، عسکرهای تول غند اول روس به انتظام تمام رهسپاری داشتند اینها از طرف ژاپانیها بی انکه بیك ضرر شکاری دوچار اینند به نهر (هونهو) واصل شدند .

تول غند(۳)م ، و اقسام تول غند(۲)م روس رجعت خودشان را به بسیار اسانی اجرا کرده نمیتوانستند . چونکه انها برای تسهیلات رجعت اردوهای مذکوره دیگر دیروزو پریروز بمحاربه های شدید معروض شده بودند، ودرین وقت راههای شان را بسی عرابه ها ، وطوبها ، وقافله های لوازمات حربیه بسته کرده بود . معهذا این قطعات نیز بی انکه بمشکلات بسیار بزرگی گرفتار شوند به (هونهو) واصل شدند ، واز پلها ئیکه پیش ازین حاضر شده بود ، و بعضی از روی یخهای نهر را گذر کردند .

دمدارهای تول غند سوم روس در ساحل جنوب نهر، و در داخل استحکامات (سرپل) بماندند . دمدارهای تول غند اول ومفرزهٔ (ره ننقامف) در مابین (ڤولین ، وفوشین) درمیان استحکاماتیکه ساخته شده بود توقف کردند .

ژاپانها، از چندروز به اینطرف رجعت کردن روسها را حساب و ملاحظه کرده بودند . اما کشف کردن رجعت قطعیهٔ شان را در شام(۷)م مارچ دانستند بنابرین بحرکات عقب گیری خیلی ناوقت اغاز شده بود .

در وقت صبح(۸) مارچ از قرارگاه عمومی بر تول غندها این امر اعطا کردید:

« مسئلهٔ مهم اینست که دشمن را از مابین (قوشون) و(موکدهن) جدا باید کرد . بنابرین هرلوی غند ضایعات خودرا بنظر نیاورده تا که ممکن باشد بسرعت وشدت پیش بروند ، و امروز میباید که بهنهر(هون) واصل بشوند . برمفرزه های ضعیف دشمن نظردقت عطف نکرده قطعه های بزرگ را بدست باید بیارند . »

غیرلک غند (۱۵)م لوی غند (۲)م تول غند نخستین جنرال(قوروکی) پیش از پیشین حرکت کرده ، وتابه شام ۸ کیلومتره مسافه قطع نموده به (شوبوزا) ، ویك قول جناح چپ ان به (تیندیاپو) واصل شد ، قوماندان لوی غند

باغبرك غند (۳) وم در نیم شب به (لیو کیاچی) رسید .

لوی غند (۱۲) هم تول غند مذکور نیز پیش از پیشین بساعت (۷) بحرکت اغاز نهاده (۲۰) کیلومتره مسافه قطع نمود . جناح چپ این لوی غند دایما با دشمن بحالت تماس بود . غبرك غند خاصه، احتیاط لوی غند (۱۲) هم را تعقیب نمود .

موضع دشمن که درمقابل جبهۀ لوی غند خاصه خالی شده بود در نیم شب (۸) م مارچ از طرف لوی غند مذکور استیلا گردیده بود . امر عقب گیری به این لوی غند بساعت (۸) واصل شد . وهماندم غبرك غند خاصۀ (۲) وم ؛ و غبرك غند خاصه (۱) م در جوار (فیندیایو) اجتماع کرده بعد از پیشین بساعت یك بحرکت پیش روی اغاز نهادند . قول جناح راست دمدارهای دشمن را طرد کرده تا بشام (۱۷) کیلومتره ، وقول جناح چپ (۲٦) کیلومتره مسافه قطع کردند .

لوی غند (۱۰) هم تول غند (٤) م (۱۳) کیلومتره ، ولوی غند (٦) م تول غند، (۹) کیلومتره مسافه قطع کردند . لوی غند احتیاط این تول غند از پشت مرکز هردولوی غند حرکت میکردند .

لوی غند (٤) م بادوغبرك غند احتیاط بازدرزیر قوماندۀ تول غند (۲) وم درامده امروزتابه جوار (شان تون) پیش رفتند ودرانجا در پیش استحکامات روس توقف نمودند . لوی غند (۵) پیش از پیشین اولا (یلتایزا) وبعد از ان (مادیایو) رااستیلا نمود . لوی غند (۸) م بمقابل موضعهای مستحکم روس در (فانگیا تون) و (یا نزتون) پیش شده نمیتوانستند . لوی غند (۳) وم جناح چپ خودرا بسوی شمال تمدید داده وبادشمن بهاتش طوپ اغاز نهاده بود .

تول غند (۳) وم (نوژی) بسبب حرکتی که یکسر بسوی چپ اجرامیکرد

در مابین اووتول‌غند (۲) وم (اوقو) هنوز از (۷) م مارچ جاخالئی فراخی حا صل شده ، و رفته رفته این خالی گاه وسعت پیدا میکرد لهذا برای پر کردن این جا خالی در وقت شام (۸) مارچ جنرال (اوقو) قسم کلی لوی غند (۸) م را از موضعیکه داشت درکشیده یکسر بسوی شمال سوق نمود .

تول‌غند (۳) وم جنرال (نوژی) در روز (۸) م مارچ از قرارگاه عمومی امر گرفت که بهر قدر ضایعاتی که باشد التفات نکرده دشمن مقابل خودرا پریشان سازد . لهذا لوی غند (۷) م خودرا درعقب گذاشته باغبرك غنداحتیاط بر خط (سیااوهاتون — تاقانزیتون) تعرض نمود . وبوقت شام بر ضبط موقع (سیا اوها نتون) موفق شد . لوی غند (۹) م بر (پادیازا) حرکت کرده آن جارا ضبط نمود ، وبر رفتار شمالئی خود دوام ورزید .

لوی غند (۱) م هجومهای خودرا متمادیاً تجدید وتشدید کرده بضبط کردن خط (زانتانچی — لیودیاقو) کوشش میورزید . روسها نیز درین طرف از اقسام تول‌غند (۳) وم خود درهر ساعت قوت گرفته وجناح راست خودشان‌را تهدید مینمودند .

این حوادث روز (۸) مارچ را یك مخابر عسکری به اینصورت حکایه میکنند:

« روز (۸) م مارچ ، روسها قسم جنوبئی نهر (هون) را یکی یکبار تخلیه کرده بودند . ژاپانها ، موضعهای مستحکمی را که ازهفته ها بر ان اجرای هجوم مینمودند همه‌را ایگان یکان ضبط واستیلا کردند . تپهٔ (پوتیلوف) که سبب آنقدر فداکاری های عظیمه گردیده بود صبح روز (۸) م مارچ بکمال سهولت بدست امد .

« درینوقت مانع عظیمی که برطرف کردن ان لازمست همانا نهر (هون) است . تول غند روس یکی یکبار بقدر (۱۵) کیلومتره عقب رفته بود، ونهرهون را

درمابین خود ود شمن مانع قرارداده بود . وانهمه مقاومت معنذا نهٔ که در مرکز وجناح راست اجرا میکرد منقطع گردید .

« تول غند های (نوزو، قوروکی، قاوامورا) سرراست بسوی خط مدافعهٔ جدید روسها بر فتار آغاز نهادند . موضعهای مستحکمی که باولولهٔ پردهشت حرب وجدال ، وبومباردمانهای دوزخین مثال بیك خرابه زاری تحویل کرده بود دراینوقت بایك پردهٔ خون الود حزین ومؤلمی مستور ومتروك درعقب مانده نایرهٔ حرب بایك وحشت متزایده درموضعهای پیشتر ازان بکمال شدت وخون ریزی درگرفته بود» .

—{ وقایع از (۹) م مارچ تاختتام محاربهٔ میدان (موکدهن) }—

درنهم مارچ یك گردباد بسیار شدید خاك الودی که چشم چشم را نبیند حکمفرما گردید . این گردباد برای هردوطرف فائده مند شده بود . زیرا روسها دراجرای رجعتهای پر مشکلات خود شان ، وژاپانها در باب حرکات رفتار تول غند (۲)وم و (۳)وم خود که بسوی چپ پیش میرفتند ازین خاك بادسهولت دیده بودند .

مارشال (اویاما) این یك رادرك نمود که تعرض تول غند (۳)وم جنرال (نوژی) براستقامت جنوب شرقی جناح چپ او رابه تهلکه میاندازد . بنابرین بر تول غند مذکور امر نمود که زیاده تر ازشمال گردش کرده بر جادهٔ (موکدهن — تیه لینغ) یك جبههٔ موازی بگیرد .

جنرال (قوروپا تکین) نیز مجبور بود که برای رهایی دادن تول غند خود را ازتهلکه وستر کردن رجعت خود محاربه های بسیار شدید ومعندا نهٔ دمدار اجرا نماید .

درینجا درباب حرکات لوی غندهای (۵)م و (۸)م تول غند (۲)وم ژاپان، از تاریخ (٤) م مارچ به اینسو از زبان مخبر حرب ایتالیایی موسیو (بارزینی) این تفصیلات را بیان کرده باز بصدد رجوع مینمائیم :

« لوی غند (۸)م تول غند جنرال (اوقو) که جناح چپ تول غند ولوی غند (۵)م هم‌مرکز اردو را تشکیل داده بوددر (٤) ماه مارچ در پیش روی سد شمندوفر واصل شده وبادشمن بمحاربه اغاز نهاده بود. جنرال (اوقو) به این دولوی غند امر هجوم را عطا نمود .

«موضعیکه روسها انرا تحکیم نموده بودند از موقعهای (یانزیتون — زاناجو) گذشته تابه (موجاپو) تمادی کرده رفته بود. عملیات تحکیمیه از نهایت جنوری آغاز نهاده بود. جنرال (قوروپاتکین) از یك حرکت دور خوردن دشمن ازین طرف در اندیشه بود، وبه اینسبب درباب محکم بندی این موضع خیلی اهمیت داده بود. فی الواقع درین اندیشه وتخمین خود خطا هم نکرده بود. چونکه اگر این موضع مستحکم موجود نمیبود (موکدن) خیلی وقت ضبط میشد. و اغلب احتمال خط رجعت همه تول غند روس قطع میگردید .

«پیادهٔ روس بدرازئی سد شمندوفر تعبیه شده بودکه در پیش روی شان بوسعت (۱۵۰۰) متره یك میدان انداختی موجود بود. ژاپان ها بمجردیکه به پیش رفتن آغاز نهادند ازموضع روسها نخستین گله های طوپ برانها ریختن گرفت وغندك ها در عقب همدیگر بصحنهٔ فعالیت داخل میشدند. وخط آتش رفته رفته وسعت پیدا میکرد. ازمیان درختهای قریه هائیکه روسها آنها را تحکیم کرده بودند علوهای آتش طوپ دیده میشد. ژاپانها بهمصورت به شمردن عدد طوپ های دشمن وکشف کردن موقعهای آنها موفق میشدند. تنها درمقابل لوی غند (۵) م ژاپان (۷٦) قطعه طوپ روس موجود بود .

« یك غیرك غند این لوی غند که در زیر ادارهٔ جنرال (سوریزاوا) بود برای هجوم به پیش سوق کردید . طوپ خانه های روس برای جستجوی موضع طوپ چئی ژاپان گله هائیکه میانداختند در میان درختها اشتعال ورزیده شاخهای درختانرا و خود درختان را پاره پاره میکرد . طوپ های روس گاه گاهی که موضع طوپ چئی ژاپان را می یافتند یکچند دقیقه متمادیاً بران نقطه گله باری کرده آنجارا به آتش ودود مستغرق میساختند .

« طوپ های ژاپان نیزدردایرهٔ اصول وانتظام برکارخود دوام میورزیدند . اما عسکر پیادهٔ شان بیك آرامی و احتیاط فوق العادهٔ پیش رفته میتوانستند . همهٔ عسکر های ژاپانی در میان غندك های بسیار موجودهٔ روس ، همان غندك که خود آنهارامیکوبید میشناختند ، و دریتباب ملکه و مهارت پیدا کرده بودند . لهذااز ان غندك هیچ چشم خودشانرابرنمیداشتند ، وبمجردیکه شعلهٔ آن طوپ هارامیدیدند ، همان دم دربشت یك ملجاء و پناهگاهی میخزیدند ، ودرانجا کفیده شدن بمهاراانتظارمیکردند . بعدازیکچند ثانیه گله های بدفعتهً اشتعال میکرد ، ویك باران شدید گله همی بارانید . در ظرف این چند ثانیه خلجان واندیشهٔ که حکمفرما میشد تصویر کردن آن به اینصورت که ازدور انسان بقلم تحریر کند ممکن نمیشود مگر که انسان بااین افراد درزیر آن باران گله بالذات موجود باشد .

« باوجودیکه هجوم تابشام دوام وورزیدباز همهیچ ثمرهٔ حاصل نشد . درشب هجوم تعطیل کرده شد . امشب خیلی تاریك وسرد بود . درمسافهٔ (۸۰۰) متره دورتر ازپیادهٔ روس ، ژاپانها درحالتیکه برنظام محاربه بودند بخواب رفتند . قراولهای دیده بان شان صدمتره بروسها نزدیکتر بهره وپاسبانی میکردند .

« صبح بوقت فجر افرادقراولهای پاسبان پیش رورابرای استراحت کردن

به پس آورده بعوض ان دیگر افراد فرستادند. یکی ازین افراد بطرف خسته خانه روان شد، زیرا رخسارش بازخمهای کوچك کوچکی مجروح وخون آلود بود. داکتری که انرا معاینه کرد ازو پرسید که :

— روی تراچه شده که اینچنین شکاف شکاف شده است.

نفر بجواب گفت که :

— زخمهای روی من از گلهٔ دشمن نیست من خودانرا زخم کرده‌ام.

داکتر گفت :

— چرا ؟

نفر — من درخط قراولهای پیش پهره میدادم. ازبیم انکه مبادا بخواب بروم، واین خواب من یك نتیجهٔ فلاکتی بر رفقای من پیش بیارد رخسار خود را باسر نیزهٔ خود مجروح ساختم تاخوابم نبرد.

« روز (٥) م مارچ هوا خیلی دمه الود بود. غبرك غند (سوریزاوا) سرازنو بهجوم آغاز نهاده درزیر آتش طوپ وتفنگ بسوی موضع دشمن بعزم و متانت تمام پیش میرفتند. تاآنکه بموضع سد راه اهن به نزدیکشدن موفق شدند. و بیك هجوم هزبرانه قیام ورزیده باگله های دستکی یك قسمی از سد را برهوا کرده برضبط وتسخیر آن موفق وکامیاب امدند.

« بعد ازین موفقیت قطعیه قریب وامین دیده میشد. (موکده ن) یك کمی به انطرف در منتهای افق دیده میشد. گاه گاه درمیان درختان از دور دودهای (لوقو موتیف) شمندوفر دیده میشد که در (موکده ن) رفت و امدداشت. نفرهای ژاپانی که انرامیدیدند بدستهای خودچنان او ضاعی نشان میدادند که گویا میگویند « بسست ! بعد ازین برسیاحت خود دوام نخواهی ورزید ! »

« محاربه بکمال شدت باز دوام ورزید . عسکر پیاده بر موضعهای روس که درشرق سد شمندو فر بود به تعرض دوام ورزیدند . معهذا از هجاجماتی که تا به شام دوام ورزید، شایان تذکار یك نتیجهٔ حاصل نشد .

« امشب یك شب بسیار سرد محاربه بود . ترمومتره تحت الصفر (۱۹) درجه را نشان میداد (۲۰۰۰۰۰) نفر بدون حرکت در میدان خوابیده بودند . صبح روز (٦) م مارچ اغاز نهاد . حال ووضعیت محاربه هیچ تبدیل نیافته بود .

« قوماندان لوی غند و قتیکه راپورت افسر ارکان حرب لوی غند را که اختیار کردن مدافعه را تکلیف نموده بود بخواند گفت : « مدافعه کردن و عقب کشیدن را هیچگاه قبول نخواهم کرد ! » و هماندم بر هجوم امر داد این امر چنین بود که کفتان (سوری) بایك غند احتیاط از شمال (زاتاجو) یك حرکت احاطه اجرا کنند وقسم کلی ازجبهه هجوم ببرد .

« غند احتیاط سد را گذشته وبعدازانکه ضایعات بسیاری دادند بقدر (۷۰۰) متره دورتر از موضعهای روس درمیان یك عارضهٔ زمین خزیدند . ولی چون قوهٔ امدادیهٔ روسها بدرجهٔ یك لوی غند دیگر بالغ شده بود ژاپانها هیچ کاری پیش برده نتوانستند .

« صبح روز (۷) م مارچ هوا صاف و براق بود . طوپچی از صبح وقت بکار اغاز نهاد . درمیان طوپهای روس طوپهای بزرگ (۱۵) سانتیمتره یی که دانه های طور پیل برپیادهٔ ژاپا نهادرمیدان میریختاندنیزموجودبود . این گله ها وقتی که برزمین اشتعال میورزید ابرهای کثیف دودوخاکی را بر هوا میکرداز بلندی درختهابده بار بلندتر میبرامد ، وبرصحرا یك پردهٔ کثیف ظلمتی پهن میکرد .

« بعد از یك دوساعت سر از نو بر تمام خط حرب اجرا شدن یك هجوم توی امر داده شد . در ظلمت کثیفهٔ شب خط نخستین بر موضعهای (زاتاجو) پیش دویدند . ژاپانها وقتیکه به (۷۰۰) متره نزدیك شدند روسها در تاریکی آتش کشادند . هنگامیکه ضیای فجر منتشر میشد مهاجمین (۱۵۰) متره نزدیکشده بودند . روسها در پیشگاه موضع اصلیٔ خودشان رودوتهای ممتنع التسخیر بسیارقو تمندی بوجود اورده بودند .

« بساعت (۸) از صبح باز یك گردباد شدید فوق العادهٔ برخاست این گردباد دانه های ریگ منجمد شده را مانند گله می افشاند . و همه اطراف را ناقابل تصویر بیك هرج ومرجی می انداخت .

« درمیان صفهای مهاجمین مقدار مقتولین و مجروحین رفته رفته افزونی میگرفت . وقتی که امر برخاستن هجوم میشد یك ثلث افراد بر میخواستند و دو ثلث ان مجروح و مقتول افتاده میبودند . افراد غند متعاقب همدیگر می افتادند . درظرف یکساعت امر قوماندانی بدوکرنیل ، وبعد ازکمی به سه کفتان ، و بعد ازکمی دیگر تنها به یك صوبه دار منحصر ماند .

« ساعت (۱۲) بود که یك چاووش به بسیار عجله و تلاش به کلبهٔ جنرال درامده خبر تمام شدن جبه خانه را رسانید ، و از بسیاری هیجان دستهای خود را بروی خودکشیده میگریست . ومیگفت که عسکرها که بر خط حرب بلاحرکت و بیکار در خندقها نشسته اند .

« بقدر دوساعت بیك تلاش و هیجان ناقابل تعریف گذشت . امابوقت شام علامات رجعت در هر طرف تول غند دشمن پدیدار گردید . سر از نو امیدها پیدا شد . درسایهٔ ظلمت شب بعسکر جبه خانه توزیع شده برای هجوم بزرگ آخرین حاضریهای لازمی دیده شد .

« در وقت صبح (۱۰)هم مارچ عسکرهای لوی غند(۵)م بر قصبهٔ (زاناچو) هجوم کردند . قصبه از طرف دو کندك روس که خدمت دهدار را میدید محافظه میشد . روسها غیر منتظم یك دو فیر تفنگ کرده قصبه را خالی کردند . گویا این دو فیرا نهایك رسم سلام و تعظیمی بود که برای طرف غالب بجا اوردند .

« لوی غند(۵)م بعد ازین محاربه تمیکردیلکه یکسر بسوی استاسیون (موکدهن) که در حالت سوختن بود پیش میرفتند . با این استاسیون تمهٔ محلهٔ روس شهر را نیز اتش گرفته بود ، ودرمیان این حریق همه خیالها وافکارهای روس نیز همیسوخت . »

هنگا میکه این لوی غند(۵)م بر (تازاچو) هجوم میکرد لوی غند(۸)م نیز بر (پازیاتون) و (فانکیاتن) هجوم میبرد . ومدت شش شبانه روز جنگهای بسیار خونریزانهٔ بوقوع امده بود که انهم از (٤)م مارچ اغاز و تا به (۱۰)هم مارچ بر جمت عمومئی روسها به انجام رسید که تفصیلات محاربات این لوی غند نیز از ینقرار است :

« روز (٤)م مارچ بحاضرئی هجوم گذشت . در وقت ساعت (۱۱) شام از طرف قوماندان لوی غند امر رسید که بوقت صبح روز (۵)م ارچ هجوم اغاز شود .

« هنگا میکه ژاپانها از اس المهاجمهٔ خودشان به پیش رفتن آغاز نهادند در میدان محاربه یك سکوت تامی حکمفرما بود . از دور عکس ولولهٔ وغا شنیده میشد .

« هجوم از طرف دو غند پیاده اجرا میشد . (۲) غندك طوپ ، ویکچند تفنگ ماشیندار هجوم را حمایه میکردند . روسها هیچ جواب نمیدادند . وتا بوقتی که بقدر (۸۰۰) متره بموضعهای روس نزدیك شدند هنوز هم از طرف روسها هیچ اثر حرکت پدیدار نبود . لهذا از طرف قوماندان غندیك تولی به پیش سوق شد که تا به بینند روسها در موضع خودشان هستند یانی .

تولی مذکور بخندقهای شکاری بجردیکه بقدر (٤۰۰) متره نزدیك شد

دفعتهً از طرف روسها به اتش بسیار شدیدی گرفتار آمدند . درعقب آن طوپچئی روس نیز به اجرای فعالیت اغاز نهاد . در ظرف (۲۰) دقیقه معلوم گردید که در یك نقطهٔ موضع مدافعه زیاده از (۱۳۰) طوپ مجتمع میباشد .

«جنرال (اوقو) طوپچئی لوی غند خود را محتاج تقویه یافت . لهذا به غیر لك غند طوپچئی تول غند جنرال (نوژی) مراجعت کرده مدد خواست . در وقت صبح (٦)م مارچ (۲٤) قطعه طوپ صحرا که (۱۲) قطعهٔ انرا روسها ضبط شده بود بایك غندك طوپ (هاون) به لوی غند (۸)م جنرال (اوقو) در زیر ادارهٔ قوماندان لوی غند تودیع کرده شد .

« یك غندك طوپ صحرا بجابکئی تمام در تپه یکئی ده (اولیمپو) اخذ موضع کرده بر غندك طرف روس که بران جهت اتش میکردند اتش کشاده . ده (اولیمپو) به تأثیر اتش دشمن اتش گرفته بود . اتش در خانه هائیکه اسپهای غندك طوپ دران بسته شده بود سرایت کرده حیوانات بیچاره بصدا کردن . و لگد زدن اغاز نهادند . لکن در چنان زمان بحران محاربه کسی بحال انها نپرداخت . اتش حیوانهای بیچاره را کور کرده . یالها و دمهای انهارا سوختاند . وجود های شانرا کباب ساخت .

« در شب چون حریق را خاموش کردند اسپها بلرزهٔ جاکنندن بوده . در میان یك خرمن غلطیده که مو تلفات ، اینهایك کتلهٔ یگانهٔ ذی حیات و خون الودی تشکیل کرده بود . .

« بوقت پیشین همهٔ احتیاطهای لوی غند بخط اتش سوق کرده شده بود و لی ضایعات انقدر بسیار بود که قوماندان لوی غند مجبور شد که به تلگراف از جنرال (اوقو) امداد طلبید . حال انکه قوهٔ احتیاط برای جنرال (اوقو) نمانده بود . لهذا از لوی غند (۳) وم معاونت رجا عود . لوی غند (۳) وم هم اندم امداد فرستاد .

« این لوی غند (۳) وم که قوهٔ احتیاطیهٔ مارشال (اویاما) را تشکیل میداد بوقت فجر (٦) م مارچ بموضع محاربه رسید ، ولی بازهم هرچه کوشش کردند یك خطوه هم پیش رفته نتوانستند ، دو غند مشر مقتول شد ، یك غند مشر سه دفعه زخمی شده بود وبازهم بر وظیفهٔ خود دوام میورزید ،

« صحرا ها تپه هاشیله ها بامقتولین ومجروحین مستور شده بود بوقت شام آتش مدا فعین یکقدری خفت پیدا کرده ژا پا نها باز بیك هجوم نومیدانهٔ بر خاستند ، اما مقاومت روسها باز کسب شدت کرده ومهاجمین را بضایعات کلیه دو چار کردند ، لهذا زیاده برین بر هجوم اصرار کردن کار عاقلانه نبود ، از آن رو قوماندان هجوم را تعطیل کرده منتظر شب ماند ،

« مفرزهٔ که برای هجوم شب تخصیص کرده شده بود عبارت بود از سه کندك پیادهٔ کلهٔ دستی دار ، ویك تولی استحکام که با مشت ها وآن چوبی مجهز بود ، این قوت بر (یانزیتون) هجوم میکرد ، و یك قطعهٔ دیگر که از (٤٠٠) پیاده ویك تولی استحکام مرکب بود بمقابل (فا نکیا تین) نمایش اجرا میکرد ،

« قوماندان لوی غند در اطراف یك آتشی که در تول غند افروخته شده بود نشسته در خصوص اینکه کرا برین مفرزهٔ نمایش قوماندان کند در تفکر وملاحظه بود ، زیرا همه قوماندانهای غند مقتول ویا مجروح شده بود ، یاور حرب قوماندان کفتان (قویاما) قوماندان شدن خود را استرحام نمود ، جنرال نیز موافقت کرد ، جنرال لوی غند در امریکه برای هجوم بعسکر میداد این کلمه ها موجود بود :

« این یك را هیچگاه از خاطر نبرارید که برای سلامت تول غند (میقادو) بهمه حال ضبط کردن این قصبه ها لازم است ، »

« عسکرها در یك سکوت عمیقهٔ به پیش روی اغازنهادند . هنوز بقدر (۸۰۰) متره نه پیموده بودند که قراولهای پیش دشمن برانها فیر کردند . ژاپانیها هیچ جواب نداده به پیش روی دوام داشتند درینوقت از خندقهای دشمن سیلاب گله برانها باریدن گرفت اماژاپانیها بضایعات خودشان ندیده یکسر پیش میرفتند . تا انکه تولی استحکام خودرابسپرهارسانیده گله های دستی خودرا پرتاب کردند، ودرمیان مدافعین یك هرج ومرجی برپانمودند . ولی در ان وا حدروسهااز خودراجمع کرد بچنان شدت اتش کردندکه قوهٔ کافیهٔ هجوم برای ژاپانیهاباقی نمانده درزیر باران اتش گله جابجاماندند .

« کفتان (قوپاما) وقتیکه به تول غند عودت کرد از (۴۰۰) نفر (۲۱) نفرباوبود . ودراثنایی که قوماندان لوی از ومعلومات میپرسید . دفعتهً یك جنبشی خورده بی اختیارانه برزمین افتاد . مگربا گلهٔ تفنگ درران خود زخمداربود .

« قوای عسکریهٔ که برهجوم (یا نزیتون) مأموربودندبساعت چارونیم صبح بحرکت مهیاشده بودند . غندمشر (چوغاوا) بسببی که همه افسران تلف ومجروح شده بودند برسه کفتان باقیمانده امرنمودکه تابه هجوم سرنیزه نرسند هیچ اتش نکنند . لهذا ژاپانیهابضایعات وتلفات خوداهمیت نداده به پیش رفتاری خود دوام میداشتند . ویك چند نفربه نزدیك خندق رسیده بودند که همه مقتول افتادند . وهماندم یکچند نفرروسهااز خندقها برامده مجروحین مذکوررابخندق کشیده بردند .

« درین اثنادفعهً روسها اتش خودرا منقطع کرده درهر دوطرف درین صحرای بی پایان یك سکوت عمیقی برپا گردید . گو یایك صدای هاتف غیبیٔ آمده هردوطرف رابه تسلیم سلاح امرنمود . »

اضمحلال تول غند روس در (۱۰) هم مارچ آغاز نهاد . در ینروز یك گرد باد مدهش طوفان ریگ دروزیدن بود . این باد از جنوب بسوی شمال میوزید که به این سبب تول غند های (نوزو) و (قوروکی) و (قا وا اما مورا) را که در عقب تول غند روس از نهر (هون) میگذشتند از نظر دشمن ستر و وقایه میکرد .

این هر سه تول غند ژاپان ؛ بر تول غند مضمحل شدهٔ روس که انتظام خود را غائب کرده ، ویگانه چارهٔ نجات وسلامت خود را در فرار کردن بسوی شمال یافته بود از هر طرف هجوم میبردند .

در پشت موضع مقاومتگاه غربی روس تهلکهٔ مدهش احاطه موجود بود ، ودر تمام تول غند یك تلاش و حشیانهٔ فرار عمومئی حکمفرما شده بود ، اما عسکر های شجیع دمدار روس بمحو شدن هرگونه امیدهای ظفر ندیده برای رهایی دادن تول غند مغلوب خود بفدا کارئی تمامی کوشش میورزیدند ، محاربه هنوز سر انجام ختام پذیر نشده بود بلکه تجزی و انقسام یافته بود .

لوی غند سوم که به امداد لوی غند هشتم تول غند (اوقو) در پیشگاه (یانزیتون) بمحاربه های مدهشهٔ که پیش ازین مذکور گردیده آمده بود باوجود تلفات زایده روسها را مغلوب ساخته ، ودو غندك طوپ شان را ضبط کرده ، وباهمان طوپ های خود شان قافله های مدید روس را که بیك حال پریشانی بسوی (تیه لینغ) رجعت داشتند کوبیدن گرفتند .

یك غبرك غند روس بر منارهٔ بلند معبد (په لین) که جنرال (قوروپاتکین) از انجا صفحهٔ اخرین محاربه را تماشا کرده بود یك بیرق سفید تسلیم را برافراشته بودند . وچون عدد ژاپانها را که به انسو پیش می امدند کم دیدند هماندم بیرق علامت تسلیم را فرو اورده به آتش اغاز کردند ، ولی بعداز کمی بفرار

مجبور شده بقدر دوصد نفر مقتول هم گذاشتند .

تول غندهای (نوژی) و « نوزو » و « قوروکی » و « قاوامورا » بحرکات عقب گیری دوام داشتند . تنها تول غند « اوقو » خیلی بی تاب و بی توان مانده بود . مع هذا از میان خندقها و کشترارهائیکه با نعشها و جسدهای هزارها انسان ولاشه های حیوانات بارکش ، وشکسته گیها وپاره پاره شده گیهای طوپ ها و قونداقها پر و مستور بود تول غند « اوقو » بسوی شهر « موکدهن » در پیش شدن بود . عسکرهای این اردو غزلهای ظفر را میسرودند . ولی بازهم در چشم های شان آثار حزن و تأثر مشهور بود . چونکه وقتیکه طرم جمع شان نوا خته میشد « ۲۲۰۰۰ » نفر از رفقای تول غند خودشان را کم می یافتند .

لوی غند « ٦ » م تول غند جنرال « نوزو » در « ۱۰ » هم مارچ در شمال شرقئی شهر (موکدهن) (۱٦) قطعه طوپ دشمن را ضبط نمود که این طوپها به تول غند نخستین روس عائد بودند . بعد از ان لوی غند مذکور زیاده تر بسوی شمال رفته موضعهای : اورتانجی — پولینپو) راضبط کردند . بساعت (٤) جبهه لوی غند مذکور بخط (سیلاهونتون) و (پولینپو) متوجه شده بود .

تام درین اثنا بود که قطعات قول غند روس از شهر (موکدهن) به برامدن آغاز نهاده بود . اینها عسکرهای جنرال (هاندفلد) بود . لوی غند ژاپان روی خود را بجانب اینها پس گردانیده وسرهارا در زیر آتش طوپ و تفنگ خود گرفتند ، ویك حال فلاکت اشتمال پریشانی برانها آوردند . درینجا ضایعات روس به (۵۰۰۰) رسید ، وبدست ژاپانها (۱۲۰۰۰) اسیر افتاد .

لوی غند احتیاط نیز باین لوی غند جمع آمده باقطعات لوی غند (۱۰) هم که روسها از میان آنها زور کرده میبرامدند مساونت نمودند . ودر شمال شرقئی (مه کدهن) در پیش قبرستان ایمپراطورهای (مانچوری) « ۱۵۰۰ » عرابه

های نقلیهٔ روس را بدست اوردند . و دەمدار هائیکه این عرابه ها را تعقیب میکردند در مقابل تعرض لوی غند (٦) م ژاپان بسوی شمال وغرب از هم جداشده پریشان شدند .

لوی (۱۰) هم بعد ازین یکسر بر استقامت شمالی برفتار پیش روی خود دوام ورزید . اما بسبب کهسار بودن اراضی کم مسافه قطع کرده توانسته ، وبوقت پیشین به (سیند یغوا) مواصلت کرده اند . بعد ازعصر لوی غند مذکور خبر عقب کشیدن دشمن راازجوار (طاوا) و(سیانو) گرفته هماندم حرکت ، وبه آنجا ها مواصلت نمود . ودر مابین جادهٔ ماندارین وراه آهن قولهای پس روندهٔ روس را بزیر آتش شدید طوپچی گرفتند .

تول غند های (۲) وم و(چارم) ژاپان در وادی (هونهو) هیچ یك قطعهٔ روس رانگذا شتند . ودرتاریخ دهم و یازدهم مارچ قطعات روس که در جوار (موکدەن) اسیر شده اند تقریباً (۱۵۰۰۰) آدم ، و(۵۸) قطعه طوپ بود .

قوای اصلیهٔ جبههٔ غرب روس باطوپچی ونقلیهٔ خود از صبح (۱۰) هم مارچ بصورت پریشانی وابتری براستقامت (تیه لینغ) رجعت میکرده طوپچی ژاپان که درجهت جنوبی استاسیون (موزیتای) اخذ موقع کرده بود این قول فراری رابزیر آتش بیرحمانه گرفته همهٔ ارتباط وانتظام انرا محو مینمود . و آن به آن تول غند روس رابیك حال دلسوزانهٔ میدر اورده تام درین اثنابود که دوصد سوار (طونغوز) هاازیك جهت بغل تول غند روس ظهور یافته برعسکرهای پریشان شدهٔ روسها حمله آور شدند . روسها درهمه صفحات یك هزیمت وفرار حقیقی را تصویر کرده درهم وبرهم شدند .

لوی غند خاصهٔ تول غند نخستین ژاپان صبح بساعت (۸) ونیم ازجوار

کیوزان برخاسته بر خط (پوهو — سیانوا) به پیش روی، آغاز نهاد ۰ و بسبب صعب المروربودن اراضی ، ومقاومت معندانهٔ دمدارهای تول غند نخستین روس حرکت لوی غند مذکورآهسته آهسته ترقی میکرد ۰ وتابشام بخط (سین تون — پوهو) داخل شده توانست ۰ قول تول غند (٦) م سیبریا ایجاراىوقت عصرهاىروز تخلیه کرده بود ۰ غبرك غند خاصهٔ (۲) وم بعد از پیشین بساعت (٦) بخط(پوهو — سیانوا) رسیدوخرمنهای پراکندهٔ دشمن را که بحال رجعت بودند بزیر آتش طوپچی گرفت ۰ غبرك غندسواری خاصه بسیاری ازعرابه های نقلیهٔ دشمن را اغتنام میکردند ۰

محاربهٔ میدان (موکدەن) با تاریخ (۱۰)هم ماه مارچ به انجام رسید ۰ در روز (۱۱)هم درجنوب (پوهو) مفرزه های بسیارروس بدست ژاپانها افتاد ۰ که به اینصورت لوی غند خاصه درحوالیٔ (سیانو) (۲۳۰۰۰)اسیر بجنگ آورده بود ۰

عقب گیری عساکرفراری روس در (۱۱) هم مارچ بعهدهٔ تول غند (۵) م ولوی غند های (۲)وم و(۱۲)هم تول غند نخستین ، وتول غند(۳)وم محول گردید ۰ لوی غند خاصه ، وتول غند(۲) وم ، و(٤)م درموضعهای که دروقت شام (۱۰) هم مارچ واصل شده بودند بماندند ۰

نظربه بیانات ارکان حربیهٔ روس ضایعات مجموعهٔ روس درین محاربهٔ میدان (موکدەن) مجروح ومقتول و اسیرعبارت از(۹٦۵۰۰) آدم است که مقدار(۲٤۵۷) آن افسر ، وتقریباً (۵۳۰۰۰)ازاسیراست ۰

ضایعات مجموعهٔ ژاپانها از افسرونفرمجروح ومقتول عبارت از(٤۱۰۰۰) آدم میباشد ۰

جمع ضایعات طرفین عبارت از(۱۳۷،۵۰۰) انسانست که اگرانسانهای

صلح برو راز دهشت اینچنین یك جمع مهم بلرزه درافتاده قلمهای تحریرات
لوایح طرفدارئی (صلح عمومئی) شان از دستهای شان بیفتد جا دارد .

جنرال نوژی چرا بر حرکت احاطهٔ خود موفق نیامد؛ وهمهٔ تول غند روس را اسیر ویا تسلیم نتوانست ؟

در باب حرکات تول غند (۳) وم ژاپان که درزیر سر افسرئی فاتح (پور آر
تور) جنرال (نوژی) بود، ودر محاربهٔ میدان (موکده ن) وظیفهٔ مهمهٔ
حرکت احاطه را بجامی آورد . در خصوص عدم موفقیتش بر احاطه کردن
روسهارا بتمامها و یامحو کردن آنها، این بیانات ذیل را مطالعه کردن از
فایده خالی نیست :

تول غند (نوژی) درمیان هر پنج تول غند ژاپان قوتمندترین آنها بود،
ومرکب از (۹۰،۰۰۰) آدم بود. جنرال (نوژی) از موضع خود که درمابین نو
(هون ... (لیاعو) بوده در (۲۷) م فیبروری بحرکت آغاز نهاده بود .
روسها درین حولی ده (سوفانتای) را تحکیم کرده جناح راست خود شان
را بران استناد داده بودند . روسها در (سوفانتای) (٤٠) طوپ ویك قوهٔ
محافظهٔ قوتمندی گذاشته بودند . غربِ غند سوارئی جنرال (میچه نقو) را نیز
درینجا تعیین کرده بودند . اما خود (میچه نقو) موجود نبوده زیرا هنوز در
خسته خانه بود .

ژاپانیها برای آنکه روسهارا احاطه کرده بلامحاربه برجعت مجبور گردانند
ازهمه پیشتر رفتار جناح چپ خود شان را تعجیل کردند .
بعد ازانکه باقازقهای چند مصادمه کردند در (۱) م مارچ بر (سوفانتای)
هجوم بردند . تمام آن روز روسها باقوهٔ طوپ چئی خود خود شانرا محافظه

و مدافعه کردند . هم بیك صورتیکه همه افسران یك غندك طوپ ژاپان را بقتل رسانیدند . امروز بر سینۀ غندمشر (اوشیدا) که قوماندان لوی غند طوپچی بودیك کلۀ شراپنل روس اصابت کرده در آن واحد در پیش چشم افراد طوپچئی او بی نام و نشان گردید . امادر شب قوۀ محافظۀ روس که خطر رجعت شانرا جنرال (نوژی) درزیر تهدید دراورد بر رجعت مجبور شدند . در عین همین روز یك مفرزۀ سوارئی تول غند (نوژی) به (سین مین تین) واصل شد که به این حساب از نقطۀ عزیمت تام (۶۰) کیلو متره مسافه پیموده بودند .

در (۲) م مارچ تول غند (نوژی) از (موکدن) (۲۰) کیلو متره بجهت غرب آمده بود . به اینصورت جناح راست تول غند محاربه کرده کرده (۴۵) کیلو متره وجناح چپ تول غند (۶۰) کیلو متره مسافه قطع کرده بودند . درینوقت جبهۀ تول غند از شمال بسوی جنوب دور خورد .

قطعات روس که از (سوفاتای) بر اورده شده بودند به آتش شدید طوپچئی تول غند (۲) وم جنرال (اوقو) که درانوقت (چانتان) را ضبط کرده و بحرکت عقب گیری شد تنا کی افتاده بود گرفتار آمد . سر ازین وقت تول غند های (اوقو) و (نوژی) در صحرا منتشر شدند . در اینطرف و آنطرف مصادمه های کوچك کوچك بوقوع می آمد . درین اثنا پیشدارهای لوی غند (۹) م بهجوم ناگهانی یك قطعۀ روس دو چار آمدند بیك صورتی که طوپچیهای پیشدار های مذکور به استعمال کردن طوپهای خود شان وقت نیافته بهر چیزیکه بدست شان آمد خود شانرا مدافعه کردند . ولی بعد از کمی قوۀ امدادیه آمده بر رفتار خود دوام ورزیدند .

عسکرهای ژاپان (جیغی ! جیغی !) گفته به پیش میرفتند . جیغی — یعنی (باز بچه) . این کلمه بزبان عسکرها ازین سبب افتاده بود که جنرال (اوشیما)

که در (پور آرتور) استحکام مدهشهٔ (اورلونغ شانغ) راضبط کرده بود ، چون در ینبار بر (سوفانتای) هجوم میبرد گفت : « این چیست ؟ جینی ! » لهذا ازانوقت عسکرها اینمحاربه را جینی — یعنی بازیچه خطاب داده بودند .

اما رفته رفته این محاربه ازجینی گری برامده یك حال دهشت اشتمالی را پیدا کرده . زیرا جنرال (قوروپاتکین) چون درینطرف تهلکهٔ عظیم محو شدن تول غند خودرا میدید همهٔ اهمیت وقوت ومهارت عسکری خودرا بهمین طرف صرف میکرد .

در (۲)م مارچ بوقت صبح یك لوی غند مکمل روس از (موکدن) تازه دم رسیده از سه جای برمرکز تول غند (نوژی) هجوم نموده . ولی چون جناح راست ژاپانها از بغل بر دشمن تهدید وصولت اجرا کرد بعداز یك محاربهٔ شدید وکوتاهی روسهارا بعقب کشیدن مجبور ساختند . درین زد وخورد (۴۰۰) نفر تلفیات از ژاپانها بوقوع امد . اما به (موکدن) هم (۱۷) کیلومتره نزدیك شده بود .

تا به اینوقت هرچیزی بروجه مطلوب جریان یافته بود . وچنان معلوم میشد که پلان حرکت منتج موفقیت شود . همه افراد بر مظفریت خود قایل بودند

روز (۴)م مارچ همهٔ این خیالهای شیرین ورنگین را تار ومار میکرد . زیرا در حالتیکه جنرال (نوژی) گمان میکرد که بر جناح راست روسها بیخبر و ناگهان هجوم ببرد . دید که دشمن برای محافظهٔ خود ازین ضربهٔ ناگهانی تدابیر لازمه اتخاذ کرده است .

فی الواقع (نوژی) بیك موضع مدافعهٔ بسیار مستحکم ومکملی تصادف کرده بود که بدینصورت حرکت احاطه دوچار توقف گردید . جنرال (نوژی) به امیدان بود که درخارج میدان محاربه حرکت خواهد کرد حال انکه درمقابل مواضع مستحکمهٔ دشمن بمحاربه کردن مجبور آمد . تول غند (نوژی) عیناً بو

ضعیتی که تول غند (ازقو) در پیش سد شمندوفر تصادف کرده بود بهمان وضعیت سر دو چار شد . و برتمام خط حرب بایك جسارت نا امیدانهٔ محاربه آغاز نهاد . همهٔ دسیائیکه درین حوالی بود نیز خیلی مستحکم شده بود .

شمندوفر یك صد کیلو متره دورتر ازینجا بود . دیرکهای تلگراف که ان صحرای بی پایان را سرتاسر قطع نموده بود عیاناً مشاهده میشد اینستکه به آنجا واصل شدن همان . مشاهده مظفریت رادراغوش کردن همان !

بلی . اگر راه آهن عقب (موکده ن) را گرفتن ممکن شود ژاپانها همهٔ تول غند (قوروپاتکین) را اسیر میتوانند کرده اما هزار افسوس که درپیش روی این مقصد یك سد بسیار عالی واقع گردید .

بلای دیگر اینکه از دیگر تول غندهای خود جدا شدن ، و طرق مواصلهٔ خود را بتهلکه معروض ساختن . و به اینصورت تا بسوی شمال و نهایت موضعهای روس رفتن و حرکت احاطه را اجرا کردن نیز غیر ممکن مینمود . والحاصل شاهد دلارای مظفریت یکچند متره به انطرف جلوه گری میکرد ، امادست امید ازدامن وصالش کوتاهی مینمود .

قطارهای بسیار دراز و پربار شمندوفر که به موکده ن رفت و آمد داشت دیده میشد . این قطارها درزیر گله های آتش طوپ ژاپان رفت و آمد داشتند .

درسرده ، وهر قصبه جدا جدا محاربه ها بوقوع میامد . طوپچیهای ژاپان برای آنکه زیاده تر تأثیر حاصل کنند بموضعهای روس نزدیك شده میرفتند . اما بهمان نسبت اسپها و افراد طوپچیئی خود شانرا ضایع کرده میرفتند . حتی بعضی طوپ خانه ها تابه (۶۰۰) متره مسافه نیز بخط حرب نخستین پیادهٔ دشمن نزدیك شده بودند . هیچ صبر کردن جائز نبود ، هرچیز را فدا کردن لازم میامد .

(۷) م مارچ آمده . درهر طرف سیلابه های خونین جریان داشت . تول غند

(نوژی) شب و روز بلا فاصله بر دشمن خود در امیاند اختند . وصولتهای هز بر انه اجرا میکردند . و برای یك قدم پیشتر رفتن، و یك کمکی فایده بر داشتن خود شان را درهر دم و هر لحظه بیحابا فدا میکردند . حال انکه علی الدوام قوتهای نو نوی به امداد روسها میامد . در (ما کیاچو) نام یك دهی طوبچئی ژاپان همهٔ افسران خود را ضایع نموده تنها از طرف یك چاووش قومانده و اداره میشد .

در شب (۸)م مارچ یك مفرزهٔ سوارئی برای بر هوا کردن خط راه اهن روس تشبث کردند . این مفرزه نعلهای اسپهای خود را کنده بودند . از انسبب قراولهای روس که پاسبانی راه اهن را میکردند خبردار نشدند . لهذا یخبر همهٔ انها را از تیغ کشیدند، و بطول (۲۰) متره راه آهن را با (۱۰۰) متره سیم تلگراف بر هوا کردند . اما در ظرف (۸) ساعت روسها باز این خسارات را تعمیر کرده شمندوفر با مدوشد آغاز نهاد .

درین اثنا تول غندروس از جهت جبهه، و شرق برجعت آغاز نهاده بودند، ولی انبطور فی الحظه بلحظه تقویت میدادند . مقاتله بعین شدت دوام میورزید . وچون تول غند نوژی خبر میداد که روسها رجعت میکنند و ایشان بر بریدن خط رجعت انها، و اسیر ساختن جملهٔ شان کامیاب نمیشوند از قهر و غضب بسیار بدر جهٔ تهور آمده خودشان را بی محابا طعمهٔ آتش دشمن میکردند . قهرمانهای معتبر و معروف (پور آرتور) امروز مقتول شدند .

روز (۹)م مارچ بر (به لین) هجوم بردند . ودرین هجوم یك غند ژاپان یکجا مقتول گردید . وقتیکه از طوفان گردباد ریك برخواست محاربه شدت خود را زیاده تر افزود . برای طوبخانه هاهیچ اسپ باقی نمانده بود . بسبب طوفان ریگ (۱۰) متره بیشتر دیده نمیشد .

روسها بقوت یك قول تول غند بر یك غبرك غند ژاپان هجوم مقابل اجرا نمودند،

وغیرك غند مذکور را بحال پریشانی برجعت مجبور نمودند. این هرج ومرج الحق که نمونهٔ یك شور رستاخیزی بود. امرهای قوماندانها بجای نمیرسید. جریان احوال بخوبی معلوم نمیشد. در بعضی نقطه‌ها ژاپانها سراسر محاربه را باخته بودند. اردوگاه جنرال (نوژی) بادانه های طوربیل دشمن آتش گرفته بتأثیر باددران واحد بقریه های اطراف آتش سرایت نمود. گردباد ریگ، باشرارهٔ وشعله های آتش، ودودهای کثیف ممتزج شده یك نمونهٔ حقیقتی دوزخ را تشکیل داده بود. درچنین حال جهنم مثل که عساکر ژاپان برهایی جان از آتش بی امان افتاده بودند یك لوی غند مکمل روس هجوم ناگهانی خونریزانهٔ برلوی غند جناح چپ اجرا کردند. این لوی غندبیك طوفان مدهشی که از انسان، و آتش و خاك مرکب بود گرفتار آمده بود. مقاتله های خونریزانه وحشیانهٔ سرنیزه و خنجروگله های دستی ومشت ودندان بوقوع آمد.

جناح چپ تول غند (نوژی) بدرجهٔ منهزم شدن رسیده بود. یك غیرك غند که درزیر قوماندهٔ جنرال (قاوامورا) بود تقریباً همهٔ موجود خودرا غایب کرده بود.

جنرال (آیدا) این تلگرافنامهٔ مختصر قطعی را بجنرال (نوژی) کشید:

«به تهلکهٔ محو ومنهزم شدن معرض میباشم. هیچ عسکر برایم نماند. تا بچهار ساعت دیگر مقاومت کرده خواهم توانست.»

بنابرین لوی غند (۹) م هماندم ازمرکز بطرف جناح چپ، ولوی غند (۱۱) م برای پرکردن جاخالئی لوی غند (۹) م بحرکت افتاد. این لوی غند وقتیکه بحرکت آغاز نهاد عسکرها از مدت (۲۲) ساعت هیچ چیزی نخورده بودند.

اینستکه عسکرهای لوی غند (۹) م درمیان اینچنین هرج ومرجی که همه وحشت طبیعت، وجمله وحشت بشریت باهم دست اتفاق داده اجرای احکام مینمود بحال گرسنه گی وبیتابی که تصور از ان دهشت میکنند براه پیمایی دوام

میور زیدند .

در (۱۰) هم مارچ در حالتیکه در جهت جنوب محاربه سر اسر منقطع شده بوده وروسها بحال رجعت منهزمانه افتاده بود درین حوالی احوال جابجا دوام میورزید .

شهر (موکده ن) از طرف تول غند (اوقو) استیلا گردید . در ساعت (٦) شب تول غند (نوژی) بیک صولت آخرین جانفشانانه روسهارا دفع کرده ، و بخط شمندو فر رسیده توانستند . اما خیلی ناوقت بود ، وکار ازکار گذشته بود زیرا قسم کلئی روس بسوی شمال فرار کرد . رفته بود . در وقت صبح (۱۱) هم مارچ تول غند جناح چپ با تول غند جناح راست یکجا شد . یعنی بعد از انکه تول غندروس از دایرهٔ احاطه شدن برامد تول غند (۳) وم ژاپان حرکت مهم احاطه را اکمال بتوانست . و بجای تصور اسیر کردن (۳۰۰۰۰۰) ادم تنها (۳۰،۰۰۰) آدم را اسیر نمود . ولی اینهم انکار نمیشود که سبب یگانهٔ استعجال فرار و هزیمت تول غند روس باز هم همین حرکات احاطهٔ جنرال (نوژی) گردید . ولی چه سود که تصور محو کردن انرا بصورت قطعی همان موانعات مذکوره از قوه بفعل آورده نتوانست .

در روز (۱۰) هم مارچ بوقت سحر جنرال (اوقو) در شهر شهیر (موکده ن) مظفراً داخل میشد .

در اثنائیکه ازسطح منجمدهٔ نهر (هون) قطعات خود را تعقیب کرده می گذشت ، بسوی کتله های نعشهای که سطح بیضای منجمدهٔ نهر رابیک رنگ خونینی رنگین ساخته بود بصورت بسیار محزونانه ومتألمانه عطف نظر نمود که اینها آخرترین فداکاران این محاربهٔ خونریزانه بودند .

جنرال امر (دور) یعنی (د. یتر) را بداد ، واز اسپ خود فرو آمد . دیگر افسران معیت او نیز ساکتانه بجنرال خود پیروئی حرکت نمودند . بعد از ان

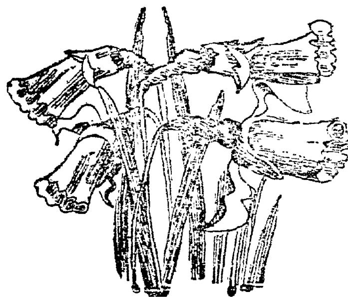
جنرال بکمال حرمت وانکسار کلاه خودرا کشیده وبه این کتلهٔ جسدهای خون آلود توجه کرده گفت :

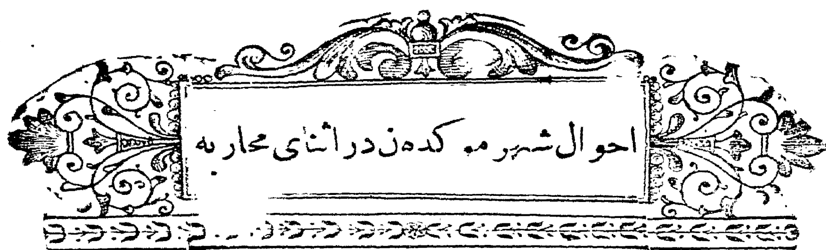
« دشمن مغلوب کرده شد. بفداکارئی شمامدیون شکرا نیم. چونکه این مظفریت را بسایهٔ همت شما بدست آوردیم ؛ برخوردار شوید . »

دیگر افسران نیز کلاههای خودرا کشیده بودند، وکلمهٔ (برخوردارشوید) را تکرار میکردند . نفرها بعد ازانکه جملهٔ راسمهٔ احترام راانجا آوردند بازامر (مارش) یعنی (زاو) داده شده براه افتادند .

عسکرها در هرچند قدم که میرفتند بسوی مقتولها بر میکشتند وکلمهٔ (برخوردارشوید .) را تکرار میکردند .

درمیان زنده هاومرده ها، یعنی مابین امروز ودیروز یك ارتباط ومناسبت اسرار آلود ، وخوفناك ، و باوجود آنهم لطیف وشیرینی موجودبودهر نفر که برسر این زمینها ئیکه بخونبهای هزاران رفقای خود ضبط کرده اند چون قدم میزدند میپنداشتند که صداهای وقاپرور برادران فانی شدهٔ خودرا میشنیدند، وچنان گمان میکردند که درعالم ارواح با آنها حسبحال میکنند . وازاروهردم بسوی آنها توجه کرده کلمهٔ (برخوردارشوید !) را تکرار میکردند .





درروزهای آخرین محاربه ؛ روسها در شهر (موکده ن) یك زندگانئی بسیار باصفای پرعیش و نوشی گذرانیده ند . در اثنای این محاربه هرگاه بر شهر (موکده ن) یك نظری عطف میشد ، انجا را یك نشاط گاه باذوق و سروری می یافت . و چنان پنداشتی که برای مبارکبادئی یك مظفریت شعشعه داری جشنها و شهر آئینها اجرا میشد ! در حالتیکه در چار اطراف شهر (موکدهن) مدهش ترین محاربه های این عصر اخیر ولوله انداز حیرت عالمیان میشد ، درمیان اینشهر بزرگی که مقر ادارهٔ مملکت (مانچوری) ، ومقبرنیاگان ایمپراطورهای چین ، وباسه قانه دیوارهای متین محاط است هیچ کسی نمیدانست که در خارج چه هست وچه میشود ! بلکه بدانستن وآگاه شدن ان روسها خود را مجبور و محتاج هم نمیدیدند

درچنین محاربهٔ مدهشهٔ که بقدر (۸۰۰۰۰۰) ادم بایك جدال وقتال وحشیانه یکدیگر خودشان رادرخارج موکدهن محو وفنامیکردند شهر (موکدهن) بیك استراحت وسکونت بیپایانی مستغرق دیده میشد . تنها در باب مظفریتهای عظیم روس حوادثهای مبهم مبهمی شیوع می یافت .

در (۷) م مارچ یك قول سوارئی قازاق که از پنجاه نفر مرکب بودد و نفر اسیر های ژاپانی را دست بسته درپیش روی خودشان انداخته در چار اطراف شهر گردانیدند . قازاقها این دو نفر اسیر بیچاره را مانند حیوانات وحشیه در کوچه های شهر تشهیر میکردند ، وبه چینیان نشان میدادند . ایا بهتر ازین دلیل

مظفریت چه باشد ؟

در شب بعضی حوادث ناگواری در شهر شایع شده یك هیئتی از ارباب تجارت شهر (موکدهن) در نزد معاون مدیر پولیس کفتان (لیپونوف) امدند و در باب کیفیت حرب و خالی کردن ونکردن روسها (موکدهن) را استفسار کردند . (لیپونوف) بجواب کفت :

« — بیغم وخاطرجمع باشید! موکدهن دایما در دست روسها خواهد ماند . اردوی مادر ینوقت به اجرا کردن یك حرکت مهمی مشغولست . این حرکت تابه دوروز دیکر باعث محو و پریشان شدن کلی ژاپانها نتیجه پذیر خواهد شد !»

این حرکت که معاون مدیر پولیس کفته بود اغلب احتمال که حرکت رجعت روسها بود . ارباب تجارت از تجواب ممنون شدند . اما این ممنونیت شان از نفرت شان به ژاپانها نبود . بلکه بسبب ارامی و پیسه بدست اوردن ممنون شدند .

ارباب تجارت اینشهر را عسکرات غرق کرده بودند . هر دکان چینی بیك میخانهٔ تحویل یافته بود . (موکدهن) برای عسکر روس از حال شهریت برامده بحال یك میخانهٔ بزرکی تحویل یافته بود .

قطعات عسکریهٔ روس که از یکطرف شهر درامده از دیکر طرف شهر می برامدند در نجا خود را سرخوش و بدمست کرده میبرامدند . این عسکرها مانده و ساکت میآمدند ، و پرجوش و خروش شده میبرامدند . از شهر مرور نمودن خودشان را یك مکافات بسیار بزرکی برای خودشان میپنداشتند . این عسکرها پیسه های بسیاری که در مدت مدیدی در میان استحکامها از تنخواه خود شان جمع اورده بودند همه را برای یك شیشه مسکرات صرف میکردند . وکسانیکه پیسه نداشتند از اسلحه و تجهیزات خود شان یك چیزی میفروختند .

سواریهائیکه با کمربندها و لباسهای دراز قا خری از قافقا سیا می آمدند در

کوچه های ملوث و متعفن محلهٔ قدیم شهر در امده اسپ و یا کمر بند مزین خود شانرا برای فروختن به چینیان پیش میکردند . چینیان به این تکلیف در اول امر جواب ردمیدادند ، و بشدت با آنکه مخالفت میزدند ولی چون چار اطراف خود در ادیده که کسی نمیبود به آهسته گی رجا و نیاز آنهار اسعاف کرده بمقابل یك چند پیسهٔ کمی گرانبهاترین اسباب های شانرا میخریدند .

عسکرها ئیکه اسباب هم نمیداشتند بدزدی و شقاوت جسارت میکردند . مثلا یك شبی بود که دو نفر قازاق دردکان یك تاجر فرانسوی درامده تاکه میتوانستند خوردند و نوشیدند ، و بعد از انکه بدمست شدند صاحب دکانرا بقتل تهدید کرده همهٔ پیسهٔ که داشت طلب کردند . تام درین اثنا دو نفر افسر روسی از پیش دکان مذکور میگذشت . فرانسیس به افسران مذکور خطاب کرده گفت : (به بینید عسکرهای شما مرا یغما میکنند .) افسران بقهقهه خنده کرده درگذشتند . فرانسیس چون دیدکه کسی بدادش نمیرسد همانم بدرون دکان خود بر جهیده گفت : (باشید که پیسه برای شما بیارم .) و از انجا با یك تفنگ دو میلهٔ پر کرده آمده و هر دوی شانرا بر خاك هلاك بینداخت ، و همه اشیای قیمتدار خود را برداشته به (سین مین تین) فرار نمود .

اینگونه احوال و وقوعات رفته رفته آنقدر بسیار شد که در ذیل احوال عادتی وطبیعی درامد .

در بازار کبیر (موکدەن) که بهترین و محتشمترین جاده های دنیا شمرده میشود مأمورین بزرگ ملکی و نظامی روس در عرابه های مکلف و مطنطن چین سوار شده متمادیاً درسیر و گردش میبودند . درمیان این عرابه ها بعضاً عرابه های مکلف نقره پوش ابریشمین اسباب (ماندارین) یعنی توانگران و اصیلزادگان چین نیز دیده میشد که تاجرهای بزرگ موکدەنی باچهره های متبسم خود

دران نشسته میبودند .

یک کله خلایق سردوزن که ازمردم مانچوری وروسی وعسکری وملکی وبیکار وبکار مرکب بودند درمیان این ازدحام بمشکلات تمام حرکت میکردند، ودر پیش دکانها ومیخانه ها ئیکه صداهای عیش و نوش وساز وسرود روسها از از بخارج عکس میکرد ازدحام بیشتر خرمن میشد .

قوله‌های محافظ سواری پئی هم درشهر گردش میکردند، و نیزه‌های دراز قازاقها نامه‌به بیرقهای مزرکش رنگارنگی که بردکانها آویخته شده بود آنهارا پاره میکرد . بسبب بیرقهای بسیاری که درین بازار آویخته شده روسها آنرا (جادهٔ بیرقدار) نام نهاده بودند .

علی الاکثر قطارهای درازی که ازطوب، وجبه خانه متشکل بود بایك طراقهٔ عظیمی ازمیان شهر میگذشتند . وعسکرهای گردآلود رخ کبودی که همه فجایع احوال مرگ ازسیمای شان پدیدار میگردید نیز باآنها میگذشت . آیا اینها ازکجا می آیند وبکجا میروند؟ هیچکس اینرا نمیپرسید . زیرا این پرسان وظیفهٔ هیچ کسی نبود .

همه حیات وفعالیت شهردر همین جاده تکاثف کرده بود . وهرانقدر که صداهای طوبهای جنگ وجدال نزدیکتر میشد، وخانه های شهر ازغرش طوب های جنگ بلرزه می درامد این عیش وعشرت بهمان نسبت افزونی وتزاید میکرد .

هرکس این راحس میکرد که یك مصیبت بسیار خوفناکی رفته رفته نزدیك میشود . امابرای آنکه این مصیبت بخاطر نیاید، واز حواس فراموش شود بذوق وصفا وعیش وعشرت سعی وانهماك ورزیده میشد .

هر چیزی ناقابل تصویر گرانی پیدا کرده بود . بازارها درمیان یك حال محشر نمونی مانده بود . طلا ونقره از جیبهای عسکر وافسر براٰمده درکیسه

های شراب فروشان ، و فرشهای فاحشه گان همی غلطید . وهرا نقدر که هزیمتها ورجعت ها زیاده ترمیشد این عیش و نوش هم تزاید مینمود .

در شبها افسران روس با همشیره ها یعنی فاحشه های که داوطلب بخدمت پرستارئی هیئت صلیب احمر داخلشده وصفت راهبه گی را گرفته بودند دست بدست انداخته و سرخوش و مست شده بی پروا مانند حیوانات چارپا در هر کوی وبرزن بکار و گردش مشغول بودند . واین حالرا خیلی طبیعی و معقول میدانستند زیرا برای یك تولغندکه شان و شرف مظفریت دران ممنوع و جائز نیست ، دیگر همه چیز برای آن آزاد و جایز شمرده میشود .

درهنگامیکه خبر سقوط (پورآرتور) بعسکر روس رسیده بود در بعضی قریه هائیکه قراولهای پیش تولغند روس دران موجود بود جشنها و شهر آئینها ترتیب شده بوده همهٔ افراد و افسران باده نوشی و رقص میکردند . رقاصه های شان همشیره های صلیب احمر بودند . ولوله و ماندگی این عیش وعشرت در آخر جشن درمیان اعماق جاهای پنهان استحکامها برای برادر ها و همشیره ها یك سستی و رخاوت مخنق و ثقلت بخشی حاصل میکرد ! . . .

قراولهای ژاپان درمیان سکوت وسکونت الم انگیز میدان محاربه این آواز های نشاط وسرور مجنونانهٔ عسا کر روس وصداهای موزیکه شانرا میشنیدند



ضابطه یعنی کوتوالئی شهر موکدەن بعدازانکه دانست که محاربه بای داده شد ورجعت آغاز نهاد کمر همت را بظلم وجنایت تنگ بربست . اولا دایرهٔ ضابطه یعنی محکمه کوتوالی خودرا دریك واغون درجهٔ اول نقل داده . واغلب احتمال که این نقل را برای تسهیلات فرار خود اجرا نمود وبعدازان رئیس ضابطه غندمشر

(چارچوف) همهٔ سوداگران معتبر وتوانگران پرزر شهر را بحضور خود خواست . سوداگران وتوانگران مذکور درحالتی که سرهای شان برهنه ، و سرفرو بردهٔ احترام برصفهٔ استاسیون شمندوفر استاده بودند . غندمشر (چارچوف) آنهارا خطاب کرده گفت :

« هرگاه تابه بیست وچار ساعت از شهر نبرائید ، وشهر را خالی نکنید شمایانرا بجزاهای سخت سختی مجازات خواهم کرد . »

تاجرهای بیچاره ازین سخن سراسیمه شده عجز ونیاز آغاز کردند ویك قدری بیشتر مهلت خواستند . زیرا دربنقدر مدت کم چسان مالهای خود را فروخته وجمع کرده خواهند توانست ؟ این امر برای آنها اعلان افلاس بود . وهم یکدام طرف بروند . طریق یگانهٔ فرار جادهٔ (سین مین تین) بود که آنهم یك وقتی از طرف ژاپانها گرفته شده بود .

معاون مدیر پولیس کفتان (لیپونوف) تاجرها را یك یك چارهٔ نجات تلقین نمود . وآن چارهٔ نجات عبارت ازین بود که اگر هر کسی که مبلغ (۱۲،۰۰۰) روبله برای او بیارد ، امابشرطیکه یك پیسهٔ آن کم نباشد آنوقت آنشخص را برسلامت وامنیتش خاطرجمع خواهد ساخت .

پس هر کسی که مبلغ مذکور را آورده توانسته بود بکمال استراحت به تجارت خود مشغول بماند ، وهر کسیکه نیاورده بود بهزار گونه زجر دو مثل همان مبلغ را ازو بگرفت .



دروقت صبح (۹) م ماه مارچ درشهر (موکدن) کتله های عسکر از محاربه برگشته افزونی میگرفت . تضییق وازدحام بیکدرجه فوق التصور رسید . گرداب خاك بادی که از کوچه ها وبازارها اززیر قدمهای عسکر برمیخواست

تا بکمر قبه های معابد ، ودیوارهای بلندسه قاتهٔ شهر بلندشده قبه هاودیوار های مذکور را بنظر چنان جلوه میداد که گویا در هوا معلق مانده است .

در ینوقت قوهٔ ضابطهٔ حکومت چین بحال فعالیت آمده ولباسهای سراپا سرخ خود شان را در برکرده ومسلح شده برای محافظهٔ مقابر وسرایهای ایمپرا طور های چین که درداخل دیوار سوم شهر موکده نست حاضرو آمادهٔ تقیدات شدند .

عسکرهای روس درین مقابر داخلشدن میخواستند . پاسبانان چین آنها را منع میکردند . ازین رهگذر درمابین شان منازعه ومجادله پیش می آمد . وسیلاب های خون جاری میشد .

امادر جادهٔ (بیرق دار) هنوزهمان حیات پر نوش وخروش دوام میورزید . افسران روس که ازمیدان محاربه فرارکرده ازین جاده میگذشتند بدکانهای دلاکئی اوروپائی درامده ، وچنانچه برای یك بالوبی بروند اسباب توا لت یعنی آرایش وپیرایش خود رااجرا میکردند . این افسران شیشه های متعدد لوانطه را رکالاوکلاه حتی درمیان موزه های خودریخته ، ویك بانگنوط بیست روبله گی یاده روبله گی در پیش سرتراش انداخته براهیکه داشتند روان می شدند .

درین اثنایکی یکبار ازدروازهٔ جنوبی شهر یك قول سوارئی قازاق چارنعله بتاخت آمده فریادبراورد که :

« ژاپانیان آمد ! ژاپانیان آمد ! »

بنابرین یك تلاش وهیجان عظیمی برخواسته هرکس بیك وضع مجنونانهٔ بکریختن آغازنهادند . دریك آن همهٔ بازارها خالی شد . درهرطرف دروازه هاودکانها بشدت بسته شد . این یکچند دقیقه درمیان یك خوف ودهشت

تلاش آوری گذشت . بعد از ان سر از نو یك سکوت و سکونت تمامی حکمفرما گردید . از قرارگاه عمومئی تول غند روس که در استاسیون شمندوفر بود امر ها آمد؛ عسکرهای روس را که در جاده‌ها و بازارها پریشان بودند جمع آوردند، و آنهارا از شهر کشیده شهر را خالی کردند .

سر از ین آن، شهر (موکده ن) مانند یك محکوم مجرمی که به اعدام محکوم شده باشد درمیان یك اضطراب پرفشاری گرفتار آمده منتظر نتیجهٔ عاقبت احوال خود بماند .



استاسیون شمندوفر در جهت غربی شهر و بقدر دو نیم کیلومتره مسافه واقع شده است . درین روزها در ینجا یك فعالیت و کار گذاری، تمادئی موجود است . قطعات سوارئی اوامربر. و اوامر آور به‌ر طرف در تکاپو، و غندها ، و غندکها در پئی هم در گذر دیده میشد . قرارگاه هیئت عسکریهٔ روس در ینجا تأسیس شده بود در اطراف این استاسیون یك (موکده‌ن نو) روسها ساخته بودند که آنرا (موکده‌ن روسی) نام نهاده بودند . عمارتهای جسیم، بازارها ، ومگازه های منتظم، خسته‌خانه‌ها ، قصرها ، و باغچه ها جملةً بطرز اوروپا ساخته شده بود .

در روزهای آخر محاربه بقدر نصف تول غند روس در ینجا و جوار استاسیون جمع آمده بودند . از ینجا برای مدافعهٔ تول غند (نوژی) و (اوقو) بصورت متمادیانه عسکر سوق میشد .

قرارگاه عمومئی جنرال (قوروپاتکین) نیز درهمین استاسیون بود . جنرال مذکور آخرین بار در (۸)م مارچ بوقت صبح در ینجا مشاهده شده بود . بعد از ان ساعت ، براسپ خود سوار شده یکسر بر استقامت معبد (په لین) بسوی شمال تباعد کرده بود . در سیمایش علایم تعب و تأثر مانند هر وقت پدیدار بود .

بر راه آهن هزارها واغونها و قطارهای ریل ایستاده بودند که اینهائی هم عسکرهای فراری را بسوی شمال کشیده میبردند . از تول غند (نوژی) همین قطارها دیده میشد . بسی غندها بیك تلاش خوفناکی پیاده بسوی شمال روان بودند بعضی فرقه هایه برابری خط راه آهن بسوی پایان میرفتند که اینها همان قطعات تازه‌دمی بودکه بر تول غندهای (نوژی) ، و (اوقو) حمله میبردند تا خط رجعت تول غندروس را محافظه کنند .

در وقت صبح (۹) م مارچ قسم جنوب اردوگاه تنهاو خالی مانده بود . ژاپانها دیشب بر خط راه آهن حمله آورده بخط خرابی رسانده بودند، و از ان سبب بقدر هشت نه ساعت برای فرار سکته عارض شده بود . امابعداز (۸) ساعت باز قطارهای شمند و فر برفت و آمد آغاز نهادند .

قطارهای ریل آنقدر پربار بودند که بر سر بامهای ریل نیز عسکرها با تفنگهای سر نیزه دار خود نشسته بودند . ترنمات غزلسرائی این عسکرها از واغونها و بام های قطارهای ریل تابگوش عساکر ژاپان میرسید . آخرترین قطار ریل بعد از پیشین بساعت (٤) موکده‌ن را ترك نمود . روسها برای سوختاندن شهر موکده‌ن نو خود از اول حاضریهای تیل ریختن وغیره را دیده بودند . بعجر دیکه ترن آخری حرکت کرد ضابطهٔ روس شهر را آتش دادند بادشدیدی که از طرف جنوب درویزیدن آمده بود حریق مدهش را لحظه بلحظه وسعت میداد . چونیها ، بازارها و الحاصل همه عمارات شهر چی هم به بسیار زودی طعمهٔ آتش میشد .

عسکرهای روس که پس مانده بودند، وراه فرار نیافته بودند به یغما و غارت شهر آغاز نهادند . و از نتیجهٔ یغما و غارت درمابین خودشان مجادله و مقاتله در گرفت . مگازه های شراب را شکستانده، و پیپهای مسکرات را بسر نیزه شکافته

مانند خرسهای تشنه بر ان چرکاب مسکرات هجوم میبردند • واز نشهٔ آن سر مست شده مانند گرگهای دیوانه از خودو بیگانه رافرق نکرده انواع جنایت ها اجرا میکردند •

درین اثنا حریق نیز رفته رفته اجرای شدت میکرد، واماکن ومبانی پی همدیگر احراق بالنار میشد • سما از انعکاس آتش حریق یك رنك آتشینی پیدا کرده بود • ایحالت سما منظرهٔ یك فجر خونینی را نشان میداد • بلکه بر حال اینگونه خونریزیهای وحشیانهٔ نوع بنی بشر که خود شان را اشرفترین حیوانات میشمارند خون میگریست !

حوادث فرار کردن روسها ، ونهب وغارت باقیمانده‌ها در اطراف منتشر شد • طولغوزها وگروه سرسرئی چینیهای گرسنه که در اطراف ونواحی بودند نیز برای بی نصیب نماندن بر شهر نو هجوم آوردند ، ودرمیان لهیب های آتش هرچیزیکه بدست شان آمد ازیغماگری صرفه نکردند • وبریك معبدی که روسها آن را گدام گوشت خشك ساخته بودند ودرینوقت یك طرف آن را آتش گرفته بود به بوی گوشت مانند سگهای گرسنه هجوم بردند ، وگوشتهارا میبردا شتند که بنا گهان تبه معبد غلطیده بسیاری از آنهارا تلف نمود •

خوف و تلاش بخسته خانه‌ها سرایت کرده ، مجروحین وهمشیره ها دعامی کردند • وبعضی از آنها بیرقهای سفید برداشته برای نیاز کردن زود آمدن ژاپانها بطرف تول غند ژاپان روان شدند •

فجر دمید • درینوقت عسکرهای روس که شب همه شب شراب نوشیده بودند واز خود بیخود شده بودند بتاثر خمار بر همدیگر خود شان تفنگ میانداختند ، وگاه یکچند نفری دریك گوشهٔ بسخو کرده بر چند نفر دیگر که در دیگر گوشه بودند به پنهانی آتش میکردند ، وباز آنها بر یشان هجوم می آوردند •

چنان پنداشتی که یک بازئی حرب اجرا میکردند .

صبح بساعت ده قول نخستین سوارئی ژاپان داخل شهر گردید . این دو نفر سواری بود که به تول غند جنرال (توزو) منسوب بود . این سواریها بعد از انکه بهر استقامت نظر کردند یکسر بسوی شمال رفته از نظر پنهان شدند . درعقب آن پیشدارهای تول غند (٤)م ژاپان به آمدن آغاز نهاد . ساعت (٤) بود که همه تول غند (نوزو) ازمیان غلطیده گیها ، و سوخته گیهای شهر نوروس مرور نمود .

ماره شال (اویاما) چون امر کرده بود که درداخل شهر محاربه نشود از نروقطعات عسکریه از بیرون دیوارهای شهر میگذشتند . بر تول غند (۲)وم (اوقو) امر شد که شهر را استیلا و امر انضباط آنرا ایفا کنند . لهذا درهمان روز بعضی قطعات (اوقو) در شهر (موکده ن) داخلشدند .

درینوقت نیز هنوز بعضی قازاقهای روس در کوچه های تنها و ساکت شهر گردش میکردند و دروازه های خانه هارا بقوند اقهای تفنگ شکسته داخل میشدند ، ودران خانه قتل و یغما اجرا میکردند .

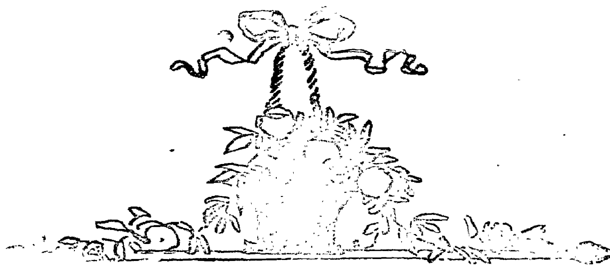
این عسکرها که در میدان محاربه بر ایفای وظیفهٔ خودشان مقتدر نشدند میخواستند که درینجا حرص خونخوارانهٔ خود شانرا تسکین کنند . وحشتی که این قزاقها ، وعسکرهای روس درین رجعت (موکده ن) اجرا کرده اند تعریف وتصویر کردن آن قابل نیست . این یغماگران خونخوار چون دیدند که خط رجعت شان بریده شد ، بسوی شهر برگشته این افعال شنیعه را بروی کار آوردند . برقولهای نخستین سوارئی ژاپان نیزدرداخل شهر آتش کردند . ودر جاده ها وبازارها بعضی مصادمه های کوچکی بازاینها بوقوع آوردند .

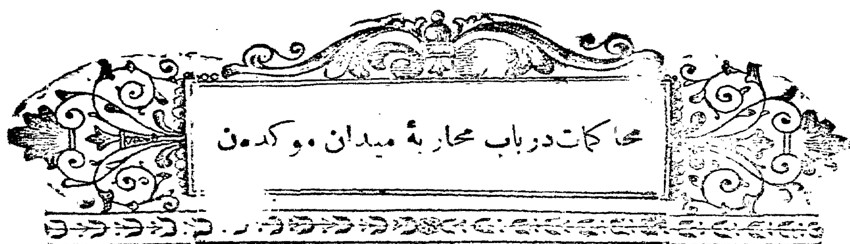
فردا بوقتی که آفتاب جهانتاب علم جهان افروزی رابر افراشت بر دروازه

های شهر بیرق (شمس طالع) ژاپانی در تموج آمد .

شهر موکدهن امروز در حالتی که با بیرقهای چین و ژاپان مزین شده بود . از خواب برخواست . ویك حیات تازهٔ جدیدی سر از نو پیدا کرده . در شهر یك شادمانی ، وولوله و خرمیٔ بدیعی حکمفرما گردید . در هیچ طرف از موجودیت روسها اثری پیدا نبود .

اینست که شهر (موکدهن) درمیان یك شب اینقدر تبدل نموده بحران و هیجان دیروزینهٔ آن باسکوت و آرامئی امروزینهٔ آن یك تضاد عجیبی تشکیل داده بود . مردمان بومئی شهر برای تماشای اسیران روس ، و نظام و انتظام عساکر ژاپان درهر طرف جمع آمده ژاپانهارا سلام میکردند .





« درین بحث از نتایج مشاهدات و مطالعات جناب (پرتو) پاشاکه درین محاربه از طرف دولت علیه عثمانی حرکات تول غند (۳) وم ژاپان را تعقیب کرده اند محاکمات و مطالعات فائده مندی استفاده شده است . »

محاربهٔ (موکدهن) از محاربه های میدانیست که در تاریخ حرب جدید برای فن عسکری خیلی شایان استفاده است .

درین محاربه یك تول غندیکه نسبت بخصم خود مساوی حتی در بعضی نقطه ها از خصم خود فرو تر بود ، برچنان خصمیکه در موضع های مستحکمی که از ماهها ماهها بکمال اعتنا و فداکاریها حاضر ئی محکم شدئی آنهارا دیده بودند اخذ موقع گرفته بودند تعرض و هجوم کرده ، و این حرکت تعرضیهٔ خودشان را باکلیل مظفریت تزئین و تتویج نموده اند .

ژاپانها بمقصد قطعئی دو چار انهزام ساختن دشمن خود اختیار تعرض کرده اند ، و باینصورت روسها را بحرکات و تشبثات خود تابع ساخته ، و شرایط کامیابی خودشان را بقوت مانوره بدست آورده دشمن را از موضع مستحکم شان بیرون و بمغلوبیت مقرون نموده اند .

این یك از قواعد اساسیهٔ فن حربست که در محاربه هر نوع موفقیات بامدافعهٔ مطلقه نی بلکه بتعرض باعزم و جهد استحصال میشود . که این مسئله با این محاربهٔ (موکدهن) نیز بدرجهٔ ثبوت رسیده معهافیه اینمحاربهٔ (موکدهن) کاملاً بمحو و اضمحلال تول غند روس نتیجه پذیر نشده است ، و ژاپانها یك

(ایبه‌نا) ویایك (سدان) حاصل کرده نتوانسته‌اند .

اسباب حقیقیهٔ این عدم موفقیت را میباید که درطرز توزیع و انقسام تول غند ژاپان تحری وجستجو نمائیم .

مارشال (اویاما) در ابتدای محاربه غیر از احتیاطهای دیگر تول غند های خود، تنها برای احتیاط عمومی لوی غند (۳) وم، وغیرك غندهای (۱، ۱۳، و ۱٤) را که جمعاً بقدر دونیم فرقه میشد درعقب مرکز نگهداشته بود که این مسئله هیچ موافق نبود .

سببی که سرقوماندان ژاپان را به‌این حرکت واداشته بود این بود که چون تول غند (۳) وم خودرا از جناح چپ. وتول غند پنجم خودرا از جناح راست سوق کرده بود، لهذا اگر در اثنا روسها برشکافتن جبههٔ ژاپان تشبث ورزند این قوت مقابله بتواند . لیکن نظر بوضعیت عمومیهٔ حربیه این تدبیر احتیاطی عبارت از اثر یك احتیاط مفرطی شمرده میشد . زیرا مرکز تول غند ژاپان خیلی مستحکم وباطو یهای بسیار بزرگ سنگین جاپی که از (پور آرتور) آورده شده بود بخوب صورت تقویه شده بود . بنا بران انجا به تشبثات محتملهٔ دشمن یك قوت ومتانت مکملهٔ را حائز بود . وحاجت به‌این قدر قوهٔ احتیاطیه نبود .

دیگر اینکه یك تول غندیکه از مغلوبیت بمغلوبیت دوچار شده باشد وعاجز بودن خودرا از اجرا کردن حرکات جسیمهٔ حربیه اثبات کرده باشد اقدام ورزیدن اینچنین تول غند برینکونه یك حرکت مهمهٔ جرأتکارانه خیلی بعید می نمود . واینهم یك امر آشکاری بود که جنرال (قورو پا تکین) بچنان یك فطرتی آفریده نشده بود که بر حرکات جسورانهٔ حربیه اقدام بتواند نمود .

اینستکه همهٔ این احوال همین را اقتضا میکرد که درعقب مرکز اینقدر قوهٔ احتیاطیه نباید نگهداشت . بلکه این قوت را برای تقویه کردن جناح چپ که مهم

ترین وظیفه هارا اجرا میکرد استعمال کردن لازم بود. چونکه اگر این قوت بحقیقت برای تقویهٔ تول‌غند جنرل (نوژی) سوق میشد جناح راست روسهارا پیشتر ازین طرد و دفع کرده رجعت روسهارا از (موکده‌ن) بسوی شمال مانع میگردید و به اینصورت مانند محاربهٔ (سدان) همهٔ تول‌غند روس بدست تول‌غند ژاپان به تسلیم و اسارت مجبور میگردید.

محاربهٔ (موکده‌ن) یك قاعدهٔ حربیهٔ قدیمه سر از نو بروی کار آورده است که آن قاعدهٔ حربیه اینست:

« در محاربه هائیکه دراطراف موضعهای مستحکم صحرا بوقوع میاید نتیجهٔ قطعیه را در جبهه نی، بلکه در جناحها یعنی در نقطه هائیکه موضع مستحکم به آخر میرسد جستجو باید کرد. »

درچنین محاربه ها مصادماتیکه در جبهه واقع میشود بر مهاجمین و مدافعین تأثیراتیکه اجرا میکند از روی بعضی مثالها خوبتر و قریب الفهم تر میشود. لهذا محاربهٔ میدان (موکده‌ن) را با دو محاربهٔ میدان دیگر که یکی محاربهٔ میدان (ره‌کسبنورغ)، و دیگری محاربهٔ میدان (کونیگره‌چ) است، قایسه مینمائیم:

در (ره‌کسبورغ) قولهائیکه (ناپولیئون) آن را برای هجوم جناح ها مأمور کرده بود پیش ازانکه بمیدان محاربه برسند خود ناپولیون بایك هجوم جبهه، جبههٔ تول‌غند (اوستریا) را بشکافت. و آنهارا از منطقهٔ مهلکه بیرون براورده جنرال (ماسه‌نا) هنگامیکه بمیدان محاربهٔ جناح چپ رسیده کار از کار گذشته بود، و بجز اینکه جناح مذکور (اوستریا) را انعجیز و ناآرام سازد بدیگر کاری موفق نشد. اگرچه تول‌غند اوستریا به اینحرکت دوپاره شده مغلوب گردیده. ولیکن سراسر محو نگردید. زیرا هجوم قطعئی بغلکشی جنرال (ماسه‌نا) را (ناپولیون) بنابر استعجال خود عدیم الامکان نموده بود.

در (کونیکروچ) احوال بدیگر صورت جریان یافته بود :

درین محاربه نیز اگرچه قوماندان تولغند نخستین المانی برای یك هجوم جبهه [illegible] لازمه اخذ کرده بود، لکن مارشال (مولتکه) لوی غندهای (۵)م و (۶)م را [illegible] کرده تولغند او ستریا را نگذاشت که از منطقهٔ مهلکه بیرون براینده این حرکت، در مابین (مولتکه، و ناپولیون، و اویاما) یك میزان مقایسهٔ بلیغیست. مولتکه در آن زمان گفته بود: (از چیزیکه میترسم همینست که مبادا او ستریائیها ثبات و مقاومت نکنند، و تا یوقتیکه هجوم بغلکی ما برسد رجعت بکنند.)

این گفتهٔ مولتکه ازینست که در پیش او به تحقیق رسیده بود که هجومهای بغلکی احتمال موفقیت را هرانقدر که بیشتر دارد، موفقیتهای که از جبهه بوقوع آید غیر از ضرر دیگر نتیجهٔ تولید نمیکند.

مع هذا اینهم شایان دقتست که در چنین احوال احوال قوتهائیکه در جبهه باشد هرگاه [illegible] امر اختیار [illegible] نکنند [illegible] قابل فرصت تقویه کردن دیگر اطراف [illegible] درامده میاید [illegible] آنهم جایز نیست و اگرچه به بعضی نمایشها و حرکتهای تهدید کارانه دشمن غافل [illegible] کردن و مشغول ساختن لازم میآید اما اینچنین نمایشها هرگاه از وقت لازم آن بیشتر بشکل [illegible] تعرضی در اید اجتناب باید ورزید.

اینگونه اعتراضها بعد [illegible] حتما [illegible] میبراید حالانکه تغیرات و تبدلات وضعیت حربیه یك [illegible] آنی و [illegible] میباشد که در همان آن وهما لمحطه بوجود می‌آید.

چیزیکه ژاپانیها را برین مجبور کرده بود که در عقب مرکز قوت زیادی نگهدارند این بود که مردم ژاپان بنابر مقتضای فطرت قومیهٔ خودشان مالك حزم و احتیاط مفرطی میباشند.

مارشال (اویاما) و جنرال (قوداما) و دیگر قوماندانهای ژاپان آدمهای بالیاقت و

صاحب معلوماتی بودند که برایفا کردن وظیفه‌های خودشان بحق مقتدر بودند. قواعد حربیهٔ را که در مکتب تحصیل کرده بودند بصورت بسیار عاقلانه و مدبرانه بر تطبیق کردن موفق و کامیاب آمده بودند. اما مالك آنچنان طبیعتهایی نبودند که حرکات و تشبثات خارق العادهٔ را بچشم گرفته اجراآت بسیار جسورانهٔ اجرا نمایند. حالاً نکه در حرب هرگاه تایکدرجه تهلکه را بچشم نگیرند تحصیل کردن موفقیتهای بزرك غیر قابلست. و ازین بود که محاربهٔ (موکده‌ن) مانند محاربه های (چالدیران)، و (ایبه‌نا) و (سدان) به نتیجهٔ قطعیه منجر نگردید.

حرکات تول‌غند (۳) وم ژاپان خیلی موافق بود. زیرا اگر تول‌غند مذکور در مابین نهرها جمع میآمد ندروسها که مالك سوارئی بسیاری بودند باوجودی مها رتئی که در امر استکشاف داشتند باز هم محتمل بود که آنها را کشف کرده حرکت نا کهانئی آنهارا مانع میآمدند.

تول‌غند جنرال (نوزی) که اصل آن (نوکی) است ولی چون دراخبارها (نوزی) نوشته‌شده شده بود ماهم بضرورت همین غلط را استعمال کرده‌ایم — در (۱۰) هم مارچ حرکاتیکه اجرانمود موافق بود اماد شمن باد مدارهای قوتناك خود صولت لوی غند (۹) هم را شکست، و بقوت یك لوی غند مکمل به تعرض مقابل برخواست. اگرچه این تعرض مقابل روسها رد و دفع کردید اما روسها فرصت بدست آورده رجعت خودشان را تسهیل دادند.

این حرکت تول‌غند (۳) وم بود که رجعت روسها را بیك هزیمت مهمی تحویل داد. مارشال (اویاما) این تول‌غند خودرا از نظر دشمن به پنهان کردن موفق کردیده بود زیرا نمیخواست که دشمن بداند که این تول‌غند (پورآرتور) در کدام طرفست و از ینسبب بود که لوی غند نهم این تول غندرا هنوز در ابتدای امر بسوی جنوب کشیده بود، و به این حرکت خود روسهارا به این فکر انداخته بود که تول

غند جنرال (نوکی) فاتح (پورت آرتور) درطرف جنوبست، ودرحالتیکه جنرال (قوروپاتکین) به این فکر بودبناً که این تول غند مذکور ازطرف غرب بنظام بادزن شکلی ظهور نموده خط رجعت تول غند روس را درزیر تهدید درآورد، وبه این صورت رجعت تول غند روس را تعجیل داده هجوم ها و تعرضهای شدیدیکه هم که اجرا کردند رجعت شانرا بهزیمت تحویل دادند.

هرگاه به این حرکت بسیار معقول و پسندیدهٔ مارشال (اویاما) تدبیر حرکت فرستادن قوت بسیاری نیز منظم می گردید وعلی الخصوص اگرسواری ژاپان برسواری روس فایق میبود بسیار تر ازین غنایم حربیه، وخیلی بیشتر ازین اسیر بدست ژاپانها می افتاد.

ژاپانها سواری خود را بانفنگهای ماشیندار وقطعات پیاده الحاق وترفیق می کردند که بسبب کمبودی سواری شان این تدبیر خیلی مناسب یك تدبیری بود. به این تدبیر باوجود تفوق جسیمهٔ سواری روس هیچیك وقتی برسواری ژاپان غالب آمده نتوانسته اند.

آمدیم بر دیگر تول غندهای ژاپان: تول غندهای (قوروکی) و(یالو) وظیفه های خودشان را بخوبی بجا آورده توانسته اند، وباحرکات تعرضیهٔ خودشان نظر دقت دشمن را بسوی خود جلب نموده تا که ممکن بود بسیار قطعات روس را در پیش روی خودشان ثابت ومشغول ساخته توانسته اند.

دراثنای رجعت روسها، تمام شدن جبه خانهٔ بعضی غندك های تول غند (۳)وم ژاپان برای روسها بسیار فایده مند شده بود. در قطعات تول غند ژاپان اگرچه در باب رسانیدن ارزاق وجبه خانه تدابیر واهتمامات فوق العادهٔ بکار برده میشد باوجود آنهم درچنین زمانهای مهم به اینصورت بی جبه خانه ماندن ظاهر میسازد که در وقت حضر برای تشکیلات قولهای جبه خانه رسان ومانوره های آن تا چه درجه سعی وهمت صرف کردن لازمست.

در محاربهٔ (ساندهپو) سوارئی ژاپان بسایهٔ پیاده جنگ کردن تعرضهای بسیار قوتمند پیادهٔ روس را بدفعات رد و دفع کرده اندکه اینهم معلوم میکنند که در وقت حضر سوارئی خودشانرا در تعلیم و مانورهٔ پیاده جنگ کردن، خوب تربیه داده اند.

روسها اگرچه مالك سوارئی بسیار جسیمی بودند ولی چون از مانورهٔ سواری را باقطعات جسیمه غافل بودند از بقوتهای خود استفاده نتوانسته اند.

اینقا عدهٔ حربیه که صنف سواری را خدمت کشف، و پیاده جنگ کردن را تعلیم باید کرد بعد از یمحاربه نیز قیمت و اعتبار خود را محافظه کرده است.

آمدیم بر احوال روسها: اولا ایمسئله که ماههادر عقب یك موضع مستحکم عدا فعهٔ مطلقهٔ احتیاری ماندن چه سان نتیجه می بخشد؟ ایمحاربهٔ (موکدهن) یك مثال عبرت بلیغی برای آن تشکیل میدهد.

یك محاربهٔ تدافعی را بکمال فعالیت و حسن حرکت سوق و اداره کردن و به نتیجهٔ موفقیت رسانیدن کار قوماندانهای بزرگی مانند (فرهدریك) و (ناپولیون) است.

در این محاربهٔ (موکدهن) اگرچه روسها چندبار تعرضهای مقابل اجرا کرده اند ولی این تعرضها از نوع اضطراری و مجبوری برای رهانیدن جان خودشان بوده نه برای مغلوب کردن خصم. دیگر اینکه در هیچ یکی از ینها موفقیت حاصل نه شده است که سبب آنهم خیلی بسیط است یعنی تول غند روس باقطعات جسیمهٔ پیاده تعرض کردن را یادنداشت، و اجرای آن را نمیتوانست.

محاربهٔ پیاده امروزه روز خیلی ساده گی و سهولت پیدا کرده است چونکه اولا دشمنرا باآتش خود میده میده کردن، و درین اثنا تامیتواندکم تلفات دادن از قواعد اساسیهٔ محاربهٔ پیاده میباشد.

اما این مقصدرا در وقت حرب براراضی بدست آوردن بسیار مشکلست.

علی الخصوص که هر قدر بزرگی و جسامت آن قطعه افزونی گیرد این مشکلات نیز بهمان نسبت می افزاید . پس هرگاه در وقت حضر استعمال کردن تفنگ را به افراد بخوبی نیاموزانند ، و بصورت مکمله از اراضی استفاده کردن را ندانانند ، و تخمین کردن مسافه و رسانیدن گله را بر هدف از وضعیتها و مسافه های مختلف بر وجه صحت ودرستی نشان ندهند در وقت حرب از عهدهٔ این کارها بر آمدن دشوار است علی الخصوص که در اثنای بسیار بحران آمیز محاربه که افسرها ، وافسرهای کوچك همه مقتول ویا مجروح شوند هرگاه خود افراد بر دوام دادن محاربه مقتدر نباشند ، ودر وقت حضر این اصول را نیاموخته باشند حاصلکردن نتیجهٔ موفقیت غیر قابل است . واگر قابل هم بشود بمقابل تلفات عظیمه حاصل خواهد شد . علی الخصوص در حرب تعرضی این دشوار یها زیاده تر پدیدار میگردد که درین حرب اخیر موفق نشدن عسکر روس در هیچ جاو هیچ هجوم شاهد اینحالست .

در روز (۳) وم مارچ قطعات قول تول غند (۱٦) هم روس که به تعرض پیش میآمدند بسببی که در مسئلهٔ استفادهٔ اراضی مهارت نداشتند خطهای شکارتی بسیار کثیف کثیف بزرگ بزرگی تشکیل داده بودند که برای آتش طوپچی ، و پیادهٔ ژاپانیها کتله های سیاه سیاهی برای هدف بوجود آورده بودند ، واز آن و دزیر آتش شدتناك و صحیح ژاپانیها از چند صد متره مسافه به تلفات دهشتناك عظیمی دوچار آمده بصورت بسیار خون آلودی رجعت کردند .

خطاهائیکه در وقت حرب اجرا میشود ، جزاهای بسیار سریع و مدهشی در عقب آن میآید . افراد روس در هر جائیکه بی افسر و بی افسر کوچك مانده اندما نند رمهٔ گوسفند بی چوپان حیران و سرگردان مانده اند ، ونه بر پیش رفتن و نه بر پس گشتن منتظم یك قرار قطعی داده توانسته درهم و برهم شده باتلفات عظیمه فرار کرده اند .

حال آنکه ژاپانها در باب استفادهٔ اراضی مهارت خودشانرا در محاربه بیشتر اثبات کرده اند ، وهم در بسیار جاها که افراد بی افسر مانده اندبارها بار خود افراد بکمال خوبی و درستی خودشانرا اداره کرده توانسته اند .

در خصوص اسباب انهزامهای روسها بسیار چیزها گفته شده است حتی بطرز خبر اك ژاپانها وروسها نیز اسبابهایان کرده‌اند . اما در بخصوص سبب یگانهٔ که تاثیر قطعی اجرا کرده همانا در احوال روحیهٔ جنرال (قوروپاتکین) جستجو باید کرد .

بلی ، باوجودیکه تول غند روس به نسبت تول غند ژاپان قوتمندتر بود ، و نسبت به طوبچئی ژاپان (۳۰۰) طوپ صحرا ، و (۱۰۰) طوپ محاصره افزونتر داشت بازهم در محاربهٔ (موکدهن) دوچار انهزام گردیدند که سبب یگانهٔ این انهزام بجز خود جنرال (قوروپاتکین) دگرهیچ چیزی نبود .

جنرال (قوروپاتکین) باوجودیکه صاحب معلومات علمی و نظری مکملهٔ عسکری بود ولی از مزایاو مهارتها ئیکه برای قوماندانهای بزرگ مخصوص است محروم بود ، ودر قرار خود دایما متردد ، ودراجراآت خود بدرجهٔ که لازم باشد شدت و قطعیت را مالك نبود .

دیگر اینکه جنرال (قوروپاتکین) آنچنان اقتدار یکه یك تول غند بسیار جسیمی را اداره بتواند نیز مالك نبود ، چونکه در نظریات علمئی عسکری استادیگانه شدن دیگر ؛ ودروقت کار وعملیات این فن که در زمان محاربه در مرآن حرکات سوق الجیشیه نسبت به احوال حرب تغییر و تبدل می یابد عسکری اسه ق و اداره کردن وکاررا ازپیش بردن سراسر دیگر است .

(قوروپاتکین) در تول غند دولت روس ، چنان یك جنرالی بود که در معلومات نظرئی علم عسکری صاحب یدطولا بود . ولی چنان یك قوماندانی نبود

که درعالم عسکری قیمت فعلیات خود را بروی کار بیاردزیرا حرکات واعمال او بالفعل شاهد اثبات این مدعا شده است .

دیگر سبب مغلوبیت تول غند روس این بود که افسران وافراد تول غند روس نظر باحتیاجات وقت حاضر از اصول وقواعد جنگ بیخبر بودند . در افسران ، فکر تعمیه وی هیچ موجود نبود . تعلیم وتربیهٔ افراد سراسر مفقود بود . یك تول غند هرچیزیکه در وقت حضر بکارد در وقت سفر آنرا امیدرود . تول غندیکه برای حرب حاضر وتربیه نشده باشد اگر بر سر آن یك قوماندان داهئی بزرگی هم باشد از مظفر شدن آن امنیت وخاطر جمعی حاصل نمیشود .

حالا نکه همهٔ این اسباب مظفریت را حاضر کردن نیز خیلی مشکل وبه بسی اسباب مهمهٔ عمیقی مربوط است . این اسباب در تول غند روس موضوع بحث نشده بود . لهذا این بی بختی وبدعاقبتی تول غند های روس در صحرا های (مانچوری) لازم ، وطبیعی ، ومقدر بوده است

ه انتهای جلد چهارم

محمود طرزی

